

فصل اول: کلیات و وضع الفاظ

۱- کدام یک از موارد ذیل جزء موضوعات علم اصول فقه است؟

(۱) قرآن (۲) سنت (۳) اجماع (۴) همه موارد

۲- در وضع تعینی....

(۱) استعمال مقدم بر وضع است.

(۲) وضع مقدم بر استعمال است.

(۳) وضع مقدم بر استعمال است اما بطور ضمنی لفظ برای معنا وضع شده است.

(۴) هیچ یک بر دیگری تقدم ندارد.

۳- کدام یک جزء نشانه های استعمال حقیقی لفظ نمی باشد؟

(۱) صحت حمل (۲) عدم صحت سلب (۳) عدم صحت حمل (۴) تبادل

۴- کدام یک جزء نشانه های استعمال مجازی لفظ نمی باشد؟

(۱) وجود قرینه صارفه (۲) عدم تبادل (۳) وجود قرینه معینه (۴) عدم صحت حمل

۵- مدیر دفتر دادگاه پس از امضاء «دادنامه» توسط قاضی آن را برای

پاکنویس کردن و تایپ کامپیوتری به مسوؤل ماشین نویسی می دهد،

استعمال لفظ دادنامه در این سؤال:

(۱) استعمال مجازی است. (۲) استعمال حقیقی است.

(۳) استعمال حقیقی همراه با قرینه است. (۴) هیچکدام.

۶- طبق ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی: «در صورت فوت یکی از ابوبین حضانت

طفل با آنکه زنده است خواهد بود هر چند متوفی پدر طفل بوده و برای او

قیم معین کرده باشد» استعمال لفظ قیم در این ماده:

(۱) استعمال حقیقی است. (۲) استعمال مجازی همراه با علاقه است.

(۳) استعمال مجازی بدون قرینه و علاقه است. (۴) استعمال حقیقی همراه با قرینه است.

۷- عبارت اصلی یک قرارداد به این شرح است: «الف یک دستگاه آپارتمان را به ب در مقابل ۱۰۰ تخته فرش تملیک نمود» اگر بین طرفین قرارداد اختلاف حاصل شود که منظور از این عبارت عقد بیع بوده و یا صلح:

- ۱) منظور عقد صلح است چون دامنه شمول آن وسیع تر از بیع است.
 - ۲) منظور عقد بیع است چون با خواندن این عبارت این معنا ابتداً متبادر می گردد.
 - ۳) منظور عقد بیع است چون دامنه شمول آن وسیع تر از صلح است.
 - ۴) منظور عقد صلح است چون با خواندن این عبارت این معنا ابتداً متبادر می گردد.
- ۸- اگر در حمل لفظ بر معنا موضوع و محمول در مفهوم متفاوت باشند آن را حمل نامند.

۱) حمل شایع صناعی ۲) حمل اولی ۳) حمل شایع ۴) حمل اولی ذاتی

۹- در مورد حقیقت شرعیه کدام گزینه درست است؟

- ۱) منشاء آن تنها می تواند وضع تعیینی الفاظ توسط شارع باشد.
- ۲) منشاء آن استعمالات غیروضعی بوده است.
- ۳) معنای شرعی مناسبتی با معنای موضوع له ندارد.
- ۴) چنین چیزی ثابت نشده است.

۱۰- لفظ «انسان» دارای مصادیق بسیاری از قبیل حسن، حسین، علی،

زن و مرد و غیره است، بنابراین این لفظ از مصادیق :

۱) مشترک لفظی ۲) مشترک
 ۳) مختص ۴) مشترک معنوی

۱۱- الفاظ متعدد که در یک معنا واحد هستند را می نامند.

۱) مشترک ۲) مشترک لفظی ۳) مشترک معنوی ۴) مترادف

۱۲- علی و رضا هر دو در کنکور سال ۱۳۹۰ در رشته حقوق پذیرفته شده اند، دوستان آنها از باب احترام ایشان را حقوقدان صدا می زنند، این حالت از مصادیق و چنین استعمالی را استعمال می نامند.

(۱) مشتق به ذاتی که فی الحال متلبس به مبدأ است - حقیقی

(۲) مشتق به ذاتی که در آینده متلبس به مبدأ می گردد - حقیقی

(۳) مشتق به ذاتی که در گذشته متلبس به مبدأ بوده - مجازی

(۴) مشتق به ذاتی که در آینده متلبس به مبدأ می گردد - مجاز

۱۳- بازگشت تمام اصول لفظیه به بوده و مبنای حجیت آن می باشد.

(۱) اصاله الظهور - بناء عقلا است که مورد رد شارع قرار نگرفته.

(۲) اصاله الظهور - سنت

(۳) اصاله اللفظ - بناء عقلا است که مورد رد شارع قرار نگرفته.

(۴) اصاله اللفظ - سنت

۱۴- طبق ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی : «در صورت فوت یکی از ابویین حضانت طفل با آنکه زنده است خواهد بود» نوع امر نمودن قانونگذار در این ماده از نوع می باشد.

(۱) امر به ماده (۲) صیغه امر

(۳) جمله خبریه در حکم انشاء امر (۴) گزینه ۱ و ۳ صحیح است.

۱۵- «امر عقیب حظر» به چه معنا است؟

(۱) امر یا طلب عالی از دانی (۲) امر یا طلب دانی از عالی

(۳) ترخیص و تجویز (۴) گزینه ۱ و ۳ صحیح است.

۱۶- اولین و مهمترین علامت حقیقت چیست؟

(۱) تصریح اهل لغت (۲) تبادل (۳) اطّراد (۴) عدم صحت سلب

۱۷- طبق ماده ۳۲۷ قانون مدنی: «اگر ترتب ایادی بر مال مغضوب به معامله دیگری غیر از بیع باشد...» کلمه «ایادی» به معنی سلطه و تصرف استعمال شده است، این استعمال.....

(۱) به علت تبادل عرفی حقیقت است. (۲) به علت تبادل عرفی مجاز است.

(۳) به علت تنصیف حقیقت است. (۴) به علت عدم تبادل مجاز است.

۱۸- هرگاه تردید نماییم مقصود و مراد متکلم از لفظ به کار رفته، معنی حقیقی آن لفظ بوده یا مجازی، تکلیف چیست؟

(۱) فقط رجوع به اصاله الحقیقه و اتخاذ جانب معنی حقیقی لفظ

(۲) رجوع به اصاله الظهور و اتخاذ جانب معنی حقیقی لفظ

(۳) رجوع به هر یک از اصول لفظی و اتخاذ هر یک از معانی حقیقی و مجازی بنا بر تبادل عرف

(۴) رجوع به تبادل عرفی و اتخاذ معنی حقیقی لفظ

۱۹- به ترتیب، انواع وضع در حقیقت لغوی، حقیقت عرفی و حقیقت قانونی چیست؟

(۱) تعینی، تعینی، تعینی (۲) تعینی، تعینی، تعینی

(۳) تعینی، تعینی، تعینی (۴) تعینی، تعینی، تعینی

۲۰- به نظر مشهور اصولیین امر بر وجوب و الزام دلالت دارد.

(۱) عقلاً (۲) عرفاً (۳) تبعداً (۴) قانوناً

۲۱- وضعی است که واضح لفظی را صریحاً یا ضمناً برای معنایی وضع کند؟

(۱) وضع تعینی (۲) وضع تصدیقی (۳) وضع تعینی (۴) وضع لئی

۲۲- به کار بردن لفظی در معنایی غیر از معنای موضوع له با رعایت تناسب و علاقه گویند.

(۱) مرتجل که ناشی از استعمال ناروا است. (۲) منقول که نشانه استعمال مجازی است.

(۳) منقول که نشانه استعمال ناروا است. (۴) مرتجل که نشانه استعمال مجازی است.

۲۳- برای انصراف شنونده به معنای مورد نظر گوینده در میان الفاظ مشترک بکار می رود؟

(۱)قرینه صارفه (۲)قرینه معینه (۳)قرینه مجاز (۴)قرینه تناسب

۲۴- کدامیک علامت حقیقت نیست؟

(۱)تبادر (۲)عدم صحت سلب

(۳)صحت حمل (۴)صحت سلب

۲۵- ماده ۲۲۴ ق.م. مقرر می دارد: ((الفاظ عقود محمول است بر معنای

عرفیه)) چگونه ممکن است الفاظ حمل بر معنای عرفی خود شوند؟

(۱)بصورت مطلق الفاظ حمل بر معنای عرفی می شوند.

(۲)الفاظ را زمانی حمل بر معنای عرفی می کنیم که در محیط شرع و قانون تصریح به معنایی دیگری نشده باشد.

(۳)زمانی الفاظ را حمل بر معنای عرفی می کنیم که آن لفظ در قانون نیز آمده است.

(۴)تشخیص محمول بودن الفاظ به معنای عرفی بسته به نظر قاضی دارد.

۲۶- در دلالت لفظ بر معنا محل اعمال کدامیک از اصول لفظی است؟

(۱)اصاله عدم اشتراک (۲)اصاله عدم ترادف

(۳)اصاله عدم تقدیر (۴)۱ و ۲ صحیح است.

۲۷- متصف و متلبس شدن موصوف به صفت و مبدأ در چه زمان حقیقت

دارد؟

(۱)تلبس به مبدأ در زمان حال

(۲)تلبس به مبدأ در زمان گذشته با وجود علاقه و تناسب

(۳)تلبس به مبدأ در هر زمان

(۴)تلبس به مبدأ در زمان آینده با وجود علاقه و تناسب

۲۸- در حالت تردید در معنای لفظ و عبارت تکلیف چیست؟

(۱) رجوع به اصول عملیه (۲) رجوع به اصاله الظهور

(۳) رجوع به علائم حقیقت و مجاز (۴) رجوع به اصل لفظی اصاله الحقیقه

۲۹- در کدام یک از مواد قانونی زیر، الفاظ متعدد در معنای واحد (ترادف)

به کار رفته است؟

(۱) ماده ۱۲۷۷ ق.م: «انکار بعد از اقرار مسموع نیست، لکن اگر مقر ادعا کند که اقرار او فاسد یا مبنی بر اشتباه یا غلط بوده شنیده می شود.»

(۲) ماده ۶۸۰ تعزیرات: «هر کس برخلاف مقررات و بدون مجوز اقدام به شکار یا صید حیوانات نماید.»

(۳) ماده ۱۹۰ ق.م.ا سابق: «حد محاربه و مفسد فی الارض یکی از چهار چیز است.»

(۴) هر سه مورد.

۳۰- طبق ماده ۲۱۰ قانون مدنی: «متعاملین باید برای معامله اهلیت داشته

باشند» در این ماده لفظ «اهلیت» است.

(۱) مشترک لفظی (۲) مشترک معنوی (۳) مترادف (۴) هیچکدام.

۳۱- طبق ماده ۲۹۹ ق.م: «چنانچه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا و

قاطع آن به طور جزئی یا کلی باشد، حکم، و در غیر این صورت قرار نامیده می شود.» لفظ «حکم» در این ماده و لفظ «قرار»

..... می باشد.

(۱) حقیقت قانونی - حقیقت قانونی

(۲) حقیقت لغوی - حقیقت لغوی

(۳) حقیقت عرفی - حقیقت قانونی

(۴) حقیقت قانونی - حقیقت لغوی

۳۲- طبق ماده ۹۱۵ ق.م: «انگشتی که میت معمولاً استعمال می کرده و همچنین قرآن و رختهای شخصی و شمشیر او به پسر بزرگ او می رسد...» بر چه اساسی می توان گفت که منظور از لفظ «پسر» در این ماده «فرزند مذکر بلاواسطه» است؟

(۱) اصله عدم تقدیر (۲) اصله الحقیقه (۳) اصله الاطلاق (۴) گزینه ۱ و ۲ صحیح است.
 ۳۳- طبق ماده ۳۹۶ ق.م: «خيارات از قرار ذیلند: ...». بر اساس می توان گفت که منظور قانونگذار از عبارت «خيار» در این ماده «اختیار فسخ معامله» می باشد.

(۱) دلالت تصویری
 (۲) دلالت جزئی
 (۳) دلالت تصدیقی
 (۴) گزینه ۱ و ۲ صحیح است.

۳۴- وضع تعینی و اطراد چه تفاوتی دارند؟

(۱) در اولی لفظ در معنای وضعی خود کثرت استعمال دارد ولی در دومی لفظ در معنای غیر وضعی.

(۲) در اولی لفظ در معنای غیر وضعی کثرت استعمال دارد ولی در دومی لفظ در معنای وضعی.
 (۳) در اولی لفظ در معنای خود کثرت استعمال دارد و در دومی لفظ در معنا کثرت استعمال ندارد.
 (۴) اولی همان استعمال مجازی است ولی دومی یک استعمال حقیقی است.

۳۵- کدام فرقه پایه گذار علم اصول در اسلام بودند؟

(۱) شیعه (۲) حنفی (۳) شافعی (۴) حنبلی

۳۶- اطلاق قاضی به فردی که از قضاوت بازنشسته شده است

(۱) یک استعمال مجازی بعلت وجود علاقه است.
 (۲) یک استعمال حقیقی بدون وجود علاقه است.
 (۳) یک استعمال مجازی بعلت وجود قرینه است.
 (۴) یک استعمال غلط و ناروا است.

۳۷- کدامیک بیانگر استعمال مجازی است؟

- (۱) مرتجل
(۲) اصاله الحقیقه
(۳) تبادر
(۴) منقول

۳۸- لفظی است که دارای یک معنی کلی است ولی بر افراد زیادی قابل

صدق است؟

- (۱) اشتراک لفظی
(۲) اشتراک معنوی
(۳) مترادف
(۴) مختص

۳۹- ماده ۱۲۴۵ قانون مدنی چنین اشعار می دارد: ((قیم باید حساب زمان تصدی خود را پس از کبر و رشد و یا رفع حجر به مولی علیه سابق خود بدهد)) لفظ قیم در این ماده به معنای مجازی استعمال شده

دلیل امر چیست؟

- (۱) اصاله الحقیقه
(۲) صحت سلب
(۳) اصاله الظهور
(۴) عدم صحت سلب

۴۰- بر اساس ماده ۹۱ قانون آئین دادرسی مدنی یکی از موارد رد دادرسی این است که دادرسی یا همسر یا فرزند او وارث یکی از اصحاب دعوا باشد، حال با توجه به این ماده اگر پرونده ای به دادرسی ارجاع شود که یکی از طرفین دعوی، پدر همسر سابق قاضی باشد

- (۱) بعلت اصاله الحقیقه، این مورد از موارد رد دادرسی نیست.
(۲) بعلت اصاله الاطلاق، این مورد از موارد رد دادرسی است.
(۳) بعلت استعمال مجازی و بدلیل وجود قرینه از موارد رد دادرسی است.
(۴) بعلت اصل عدم نقل از موارد رد دادرسی نیست.

۴۱- در ماده ۹۴۴ ق.م آمده است: ((اگر شوهر در حال مرض زن خود را طلاق دهد. و در ظرف یکسال از تاریخ طلاق به همان مرض بمیرد زوجه او ارث می برد گرچه طلاق بائن باشد مشروط بر اینکه زن شوهر نکرده باشد)) استعمال لفظ زوجه در این ماده است.

۱) یک استعمال حقیقی است.

۲) یک استعمال مجازی است بعلت وجود قرینه صارفه

۳) یک استعمال حقیقی است بعلت وجود تبادر

۴) یک استعمال مجازی است بعلت وجود علاقه

۴۲- در ماده ۵۱۴ تعزیرات مقرر شده است: ((هرکس به مقام معظم رهبری به نحوی از انحاء اهانت نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد)) با توجه به اینکه ایشان در سال ۱۳۶۸ به مقام معظم رهبری نائل گردیدند؛ حال فرض می کنیم که فردی در سال ۱۳۶۷ به ایشان در مقاله ای در یک هفته نامه سیاسی توهین کرده باشد اما پرونده وی در سال ۱۳۷۰ مطرح رسیدگی است، در این خصوص کدامیک از گزینه های ذیل صادق است؟

۱) به استناد اصله الاطلاق این فرد توهین به رهبر نموده و مشمول ماده ۵۱۴ می شود.

۲) به استناد حالت مشتق که متلبس به مبدأ در زمان گذشته بوده از شمول ماده ۵۱۴ خارج است.

۳) به استناد حالت مشتق که متلبس به مبدأ در زمان آینده محتمل (علاقه مشارفت) است

مشمول ماده ۵۱۴ می شود.

۴) به استناد حالت مشتق که متلبس به مبدأ در آینده (در غیرمحمتمل) است بعلت استعمال

غلط از شمول ماده ۵۱۴ خارج است.

۴۳- چه زمانی نوبت اجرای اصول لفظی است؟

(۱) تردید در معنی لفظ و عبارت

(۲) تردید در حکم واقعی که بصورت وضعی باشد.

(۳) تردید در مراد متکلم از لفظ و عبارت

(۴) در هر زمان که شارع تشخیص دهد.

۴۴- اگر زوجه ای که در شرکت متعلق به شوهرش کار می کند، اقرار کند**که حقوقش را از شوهر خود دریافت کرده است، در این صورت**

(۱) حمل بر حقوق با معنای دستمزد یا حق الزحمه می شود.

(۲) اصولاً حمل بر معنای حق و حقوق خانوادگی از جمله نفقه می شود.

(۳) اصولاً می توان حمل بر هر دو معنا نمود.

(۴) بکارگیری چنین الفاظی بدون استفاده از قرینه مجمل بوده و معتبر و قابل استناد نیست.

۴۵- تعریف تاجر در ماده ۱ قانون تجارت است.

(۱) مشترک لفظی

(۲) حقیقت قانونی

(۳) حقیقت لغوی

(۴) حقیقت عرفی

۴۶- در کدام وضع، وضع مقدم بر استعمال است؟

(۱) وضع تعیینی صریح

(۲) وضع تعیینی

(۳) وضع تعیینی ضمنی

(۴) ۲ و ۳ صحیح است.

۴۷- این نظر هیات عمومی دیوانعالی کشور در رای شماره ۷۴ مورخ**۱۳۶۴/۱۰/۲۷ مؤید کدام واقعیت است؟****((ذکر کلمات مترادف و دارای مفهوم واحد در قانون غیرمعقول است****((.....**

(۱) اصل عدم نقل

(۲) اصل عدم اشتراک لفظی

(۳) اصل عدم ترادف

(۴) اصل عدم تقدیر

۴۸- تعبیر لفظ بیع به خریدن و فروختن و تعبیر آن به بیع قطعی و شرعی به ترتیب است.

(۱) اشتراک لفظی - مترادف

(۲) مترادف - اشتراک معنوی

(۳) اشتراک معنوی - اشتراک لفظی

(۴) اشتراک لفظی - اشتراک معنوی

۴۹- ماده ۳۹۵ قانون آئین دادرسی مدنی چنین مقرر می دارد: ((در موقع رسیدگی عضو ممیز، گزارش پرونده و مفاد اوراق را که لازم است قرائت می نماید و طرفین یا وکلای آنان در صورت احضار می توانند با اجازه رئیس شعبه، مطالب خود را اظهار نمایند)) در اینجا منظور از شعبه چیست؟

(۱) شعب هر دادگاهی است به استناد اصله الاطلاق

(۲) شعب دیوان عالی کشور به استناد قرینه لفظی عضو ممیز

(۳) شعب دادگاه عمومی دادگستری به استناد اصله الحقیقه

(۴) شعب دیوان عالی کشور به استناد اصله الحقیقه

۵۰- تعدد اللفظ مع وحدة المعنى الحقیقی تعریف کدام مورد است؟

(۱) حقیقت (۲) مترادف (۳) اشتراک معنوی (۴) اشتراک لفظی

۵۱- وضع تعینی چیست؟

(۱) هرگاه واضع، لفظ را به کمک قرینه در یک معنی خاص معین کند.

(۲) هرگاه واضع، لفظ را به کمک قرینه در یکی از معانی منظور تخصیص دهد.

(۳) هرگاه واضع، لفظی را بدون استفاده از قرینه به یک معنی خاص تخصیص دهد.

(۴) هرگاه لفظی در اثر کثرت استعمال در معنایی به غیر از معنای وضعی تثبیت شود.

۵۲- در ماده ۳۱۸ قانون مدنی که می‌گوید: ((هرگاه مالک رجوع کند به غاصبی که مال مغضوب در ید او تلف شده است آن شخص حق رجوع به غاصب دیگر را ندارد...)) کلمه ((ید)) به معنی سلطه و تصرف استعمال شده است، این استعمال...

(۱) به علت تبادل عرفی حقیقت است.

(۲) به علت تبادل عرفی مجاز است.

(۳) به علت تنصیف حقیقت است.

(۴) به علت عدم تبادل مجاز است.

۵۳- بازگشت تمام اصول لفظیه به کدام اصل است؟

(۱) اصاله العموم

(۲) اصاله الظهور

(۳) اصاله الاطلاق

(۴) اصاله عدم القرینه

۵۴- استعمال لفظ نکاح در نکاح دائم و موقت از باب..... است.

(۱) اشتراک لفظی

(۲) اشتراک معنوی

(۳) ترادف

(۴) اطّراد

۵۵- استعمال الفاظ ((واهب)) و ((متهب)) در ماده ۸۰۲ قانون مدنی که

مقرر می‌دارد: ((اگر قبل از قبض واهب یا متهب فوت

کند هبه باطل می‌شود)) یک استعمال.....

(۱) حقیقی بعلت اطّراد است.

(۲) مجازی بعلت وجود قرینه صارفه است.

(۳) مجازی بعلت وجود علاقه است.

(۴) حقیقی بعلت تبادل است.

۵۶- همانطوریکه می دانیم واژه (لازم) در تعبیر عرفی به معنای ضرورت است از طرفی در ماده ۱۸۵ قانون مدنی عقد لازم را عقدی می داند که قابل فسخ نباشد، حال پاسخ دهید که در اینجا عبارت (لازم) حمل بر چه معنایی می شود؟

۱) حمل بر معنای ضرورت، چون الفاظ عقود محمول است بر معنای عرفیه
 ۲) حمل بر معنای عدم امکان فسخ، چون در اینجا لفظ لازم را حمل بر معنی لغوی آن می کنیم.
 ۳) حمل بر معنای ضرورت، چون این لفظ در محیط قانون تصریح به معنای خاصی نشده است.
 ۴) حمل بر معنای عدم امکان فسخ، چون این لفظ در محیط قانون تصریح به معنای خاصی شده است.

۵۷- ماده ۴۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می دارد: ((کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی نمی توانند داوری نمایند هرچند با تراضی طرفین باشد)) استعمال لفظ قضات در این ماده

۱) حقیقت است به علت متلبس شدن به مبدأ در زمان حال
 ۲) حقیقت است به علت متلبس شدن به مبدأ در زمان گذشته با وجود علاقه ماکان
 ۳) حقیقت است به علت متلبس شدن به مبدأ با وجود علاقه
 ۴) هیچکدام.

۵۸- در کدامیک از گزینه های زیر حقیقت قانونی وجود دارد؟

۱) ماده ۱۴۴ ق.م: احیای اطراف زمین موجب تملک وسط آن نیز می باشد.
 ۲) ماده ۷۹۷ ق.م: واهب باید مالک مالی باشد که هبه می کند.
 ۳) ماده ۷۹۹ ق.م: در هبه به صغیر یا مجنون یا سفیه قبض ولی معتبر است.
 ۴) ماده ۸۰۷ ق.م: اگر کسی مالی را به عنوان صدقه به دیگری بدهد حق رجوع ندارد.

۵۹- شباهت وضع تعینی و مجاز در چیست؟

۱) در کیفیت استعمال ۲) در نوع وضع ۳) در شکل استعمال ۴) در اطراد

۶۰- استعمال لفظ ولی برای جد پدری در ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی که مقرر می دارد: ولی مسلم نمی تواند برای امور مولی علیه وصی غیر مسلم معین کند

(۱) حقیقت است از جهت تبادل عرفی. (۲) مجاز است از جهت صحت سلب. (۳) حقیقت است از جهت عدم صحت سلب. (۴) مجاز است از جهت عدم صحت سلب. ۶۱- ماده ۲۲۳ قانون مدنی مقرر می دارد: ((هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحت است، مگر اینکه فساد آن معلوم شود)) لفظ معامله در ماده فوق دلالت بر تمام مصادیق آن دارد، این واقعیت بیانگر..... است.

(۱) اشتراک معنوی (۲) اشتراک لفظی (۳) مترادف (۴) مختص ۶۲- ماده ۳۳۹ قانون مدنی مقرر می دارد: ((پس از توافق بایع و مشتری در مبیع و قیمت آن، عقد بیع به ایجاب و قبول واقع می شود.)) بکار بردن لفظ بایع و مشتری در این ماده یک استعمال

(۱) حقیقت است بدلیل اطراد (۲) مجاز است بدلیل وجود قرینه صارفه (۳) غلط است چون هنوز بیع منعقد نشده (۴) مجاز است بدلیل وجود علاقه و تناسب ۶۳- در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: ((هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شود)) در ماده ۱۲۶۹ قانون مدنی آمده است ((اقرار به امری که عقلاً یا عادتاً ممکن نباشد)) واژه امر در مواد فوق است.

(۱) مترادف (۲) مختص (۳) اشتراک معنوی (۴) اشتراک لفظی

۶۴- ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی مقرر می دارد: ((نکاح دختر باکره، اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد، موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است...)) کدام

گزینه در خصوص لفظ اجازه بکار رفته در این ماده صحیح است؟

۱) لفظ اجازه در این ماده منصرف است به معنای حقیقی آن یعنی تنفیذ و تأیید.

۲) لفظ اجازه در این ماده منصرف است به معنای مجازی آن یعنی اذن.

۳) لفظ اجازه در این ماده مطلق است و هرگونه موافقت را شامل می شود.

۴) لفظ اجازه در این ماده منصرف است به معنای موافقت ولی قهری.

۶۵- ماده ۱۹۱ قانون مدنی مقرر می دارد: ((عقد محقق می شود به قصد

انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند.)) منظور از

دلالت در این ماده دلالتی است که الفاظ بر قصد می کند، این مسأله مبین

کدامیک از دلالت های ذیل است؟

۱) دلالت صریح

۲) دلالت تصویری

۳) دلالت تصدیقی

۴) دلالت وضعی

۶۶- واژه محصول در صدر ماده ۶۸۴ قانون تعزیرات که مقرر می دارد:

((هر کس محصول دیگری را بچراند یا تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان

کسی را خراب کند)) محل تردید است که آیا منظور قانونگذار از

محصول، محصول قبل از درو است یا محصول درو شده، در این خصوص

تکلیف چیست؟

۱) با استناد به اصاله الاطلاق می گوئیم مطلقاً شامل هر دو می شود.

۲) محصول در این ماده منصرف است به محصول درو شده.

۳) با استناد به اصاله الحقیقه می گوئیم منظور قانونگذار محصول درو نشده است.

۴) محصول در این ماده منصرف است به محصول درو نشده.

۶۷- ماده ۲۲۴ قانون مدنی مقرر می دارد: ((الفاظ عقود محمول است بر معانی عرفیه)) کدام گزینه در خصوص منظور قانونگذار از این ماده صحیح است؟

(۱) زمانی لفظ بکار رفته در قراردادی را حمل بر معنای عرفیه می کنیم که آن لفظ در قانون تصریح به معنای دیگری نشده باشد.

(۲) زمانی لفظ بکار رفته در قراردادی را حمل بر معنای عرفی می کنیم که آن لفظ در قانون نیز تصریح به همان معنی شده باشد.

(۳) در هر صورت در حالت تعارض بین معنای عرفی و قانونی، اولویت با معنای عرفی است.

(۴) اصولاً لفظ را حمل بر معنای صریح در قانون می کنیم، مگر آنکه لفظ در عرف حمل بر معنای دیگری شود.

۶۸- ماده ۵۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت مقرر می دارد: «ورقه قرضه ورقه قابل معامله ای است که معرف مبلغی وام با بهره معین که تمامی آن یا اجزای آن در موعد یا مواعد معین باید مسترد گردد.» عبارت ورقه قرضه در این ماده بیانگر چه نوع حقیقتی است؟

(۱) حقیقت لغوی (۲) حقیقت عرفی (۳) حقیقت قانونی (۴) حقیقت لفظی

۶۹- ماده ۱۲۱۴ قانون مدنی می گوید: «معاملات و تصرفات غیر رشید در اموال خود نافذ نیست مگر با اجازه ولی یا قیم او، اعم از اینکه اجازه قبلاً داده شده باشد یا بعد از انجام عمل...» اجازه در این ماده در دو حالت مطرح شده یکی اجازه قبلی و دیگری اجازه بعدی، حال تعیین کنید که این لفظ به ترتیب در معنای..... بکار رفته است؟

(۱) معنی حقیقی، معنی مجازی

(۲) معنی مجازی، معنی حقیقی

(۳) هر دو در معنی مجازی

(۴) هر دو در معنی حقیقی

۷۰- ماده ۱۰۲۵ قانون مدنی می گوید: «وراث غایب مفقودالاثَر می توانند قبل از صدور حکم موت فرضی او نیز از محکمه تقاضا نمایند که دارایی او را به تصرف آنها بدهد.....» بکار بردن وراث در این ماده که هنوز حکم موت فرضی صادر نشده یک است.

(۱) استعمال مجازی بدلیل علاقه مشارفت (۲) استعمال حقیقی به دلیل وجود اطراد
(۳) استعمال مجازی به دلیل قرینه صارفه (۴) استعمال حقیقی به دلیل عدم صحت سلب

۷۱- ماده ۸۳۷ قانون مدنی می گوید: «اگر کسی به موجب وصیت یک یا چند تن از ورثه خود را ارث محروم کند وصیت مزبور نافذ نیست.» عبارت ورثه در ماده فوق یک استعمال.....

(۱) حقیقی (۲) مجازی (۳) غلط (۴) مرتجل

۷۲- ماده ۳۹۵ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر می دارد: «در موقع رسیدگی، عضو ممیز گزارش پرونده و مفاد اوراقی که لازم است قرائت می نماید و ...» این ماده اشاره به رسیدگی در دیوانعالی کشور دارد، دلیل این استنباط چیست؟

(۱) اصل لفظی اصاله الحقیقه (۲) قرینه صارفه لفظی

(۳) قرینه معینه (۴) قرینه حالیه

۷۳- ماده ۱۰۱۳ قانون مدنی می گوید: «محکمه می تواند از امینی که معین می کند تقاضای ضامن یا تضمینات دیگر نماید.» در این ماده محکمه به صورت مجازی بکار رفته است، جایی که منظور ماده، قاضی بوده است، اما قانونگذار از لفظ محکمه استفاده کرده، دلیل این استعمال چیست؟

(۱) قرینه صارفه (۲) علاقه محلّیت (۳) علاقه مشابّهت (۴) قرینه معینه

۷۴- ماده ۳۹۶ قانون مدنی که می گوید: «خيارات از قرار ذيلند: ۱- خيار مجلس ۲- خيار حيوان ۳- خيار شرط ۴- خيار تاخير ثمن و ...» در اين ماده قانونگذار از عبارت خيار منظور خاص را اراده کرده است، (اختيار فسخ معامله)، اين موضوع بيانگر کدام نوع دلالت است؟

(۱) دلالت تصديقي (۲) دلالت وضعي (۳) دلالت تصويري (۴) دلالت طبعي

۷۵- ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی مقرر می دارد: «اقامتگاه هر شخص عبارت از محلی است که شخص در آن جا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آن جا باشد...» اما در عرف اقامتگاه به معنای سکونت است، لذا در این تعارض تکلیف چیست؟

(۱) اولویت و تقدم با معنی عرفی اقامتگاه است و بر معنی قانونی اقامتگاه ترجیح داده می شود.

(۲) تقدم با معنی قانونی اقامتگاه است و بر معنی عرفی ترجیح دارد.

(۳) قاضی در انتخاب یکی از دو معنا مختار است.

(۴) اولویت و تقدم با معنایی است که به عدالت و انصاف نزدیکتر باشد.

۷۶- ماده ۳۳۹ قانون مدنی که می گوید: «پس از توافق بايع و مشتري در مبيع و قيمت آن، عقد بيع به ايجاب و قبول واقع می شود.» اصطلاحات بايع و مشتري در اين ماده.....

(۱) حقيقت است به علت عدم صحت سلب

(۲) مجاز است به علت عدم صحت سلب

(۳) حقيقت است به علت صحت سلب

(۴) مجاز است به علت صحت سلب

۷۷- بند الف ماده ۲ قانون تجارت الکترونیکی مقرر می دارد: «داده پیام: هر نهادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیکی، نوری و یا فناوری های جدید اطلاعات تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می شود...» بیانگر چه نوع وضعی است؟

- (۱) وضع تعینی صریح
(۲) وضع تعینی
(۳) وضع تعینی ضمنی
(۴) وضع عرفی

۷۸- بند ۶ ماده واحده، قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مقرر می دارد: «کلیه محاکمه عمومی، انقلاب و نظامی و ضابطان قوه قضائیه مکلف اند در جریان دستگیری و بازجویی و تحقیق، از آزار و اذیت افراد و تحقیر و استخفاف آنان اجتناب کنند، و متخلفین به مجازات مندرج در قوانین محکوم خواهند شد.» حالیه معین کنید که اصطلاحات تحقیر و استخفاف که در بند فوق آمده است، مصداق کدامیک از موارد زیر است؟

- (۱) مختص
(۲) اشتراک معنوی
(۳) ترادف
(۴) اشتراک لفظی

۷۹- ماده ۹۷۵ قانون مدنی مقرر می دارد: «محکمه نباید قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده به موقع اجراء گذارد...» از عبارت «به موقع اجراء گذارد» بر می آید که محکمه در اینجا به معنای مجازی استعمال شده، زیرا معنی حقیقی در اینجا قاضی محکمه است، دلیل این استظهار چیست؟

- (۱) تبادر
(۲) قرینه صارفه
(۳) عدم اطراء
(۴) صحت حمل

۸۰- ماده ۳۳ قانون شوراهای حل اختلاف مقرر می دارد: «اجراء آراء قطعی در امور مدنی، به درخواست ذینفع و با دستور قاضی شورا، پس از صدور برگه اجرائیه، مطابق مقررات مربوط به اجراء احکام دادگاه ها توسط واحد اجراء احکام دادگستری محل به عمل می آید.» در عرف حقوقدانان به عنوان یک عرف خاص برگه اجرائیه بر ورقه ای اطلاق می گردد که تحت تشریفات خاص قانونی در مراجع قضائی یا اداری خاص تهیه و متضمن دستور اجرای رای دادگاه یا مفاد سند لازم الاجراست، حال اگر تردید کنیم که منظور قانونگذار از عبارت برگه اجرائیه، همانی است که در معنای عرفی یا لغوی آن آمده است بوده و یا معنی دیگری را از آن اراده کرده است تکلیف چیست؟

(۱) از آنجائیکه اولویت و تقدم بر معنای قانونی است لذا اصل بر این است که معنی دیگری را قانونگذار اراده کرده است.

(۲) از آنجائیکه ترجیح با معنای عرفی و لغوی است لذا اصل بر این است که قانونگذار معنای دیگری را اراده نکرده است.

(۳) از آنجائیکه قانونگذار همواره الفاظ را در معنای عرفی و لغوی جدا و به معنای مورد نظر خود منتقل می نماید، لذا اصل بر این است که قانونگذار معنی دیگری را اراده کرده است.

(۴) از آنجائیکه اصل بر عدم انتقال لفظ از معنای لغوی و عرفی به معنای شرعی و قانونی است، لذا اصل بر این است که قانونگذار معنای دیگری به غیر از معنای عرفی و لغوی اراده نکرده است.

۸۱- ماده ۲ آئین نامه دادرها و دادگاه های ویژه روحانیت مقرر می دارد: «رسیدگی به جرائم اشخاص روحانی از وظایف دادرها و دادگاه های ویژه روحانیت است، حال اگر فرد روحانی توسط مقامات قضائی خلع لباس گردد، و متعاقباً مرتکب جرم شود، با تلقی نمودن مشار الیه به عنوان روحانی و تعقیب او از سوی دادرهای ویژه روحانیت، موید استعمال

لفظ روحانی برای این فرد است.» حالیه معین کنید توصیف چنین فردی به عنوان روحانی مربوط به کدام مقوله در اصول است که بیانگر یک استعمال است.

(۱) مشتق، استعمال مجازی (۲) توصیف وضع، استعمال حقیقی

(۳) توصیف وضع، استعمال مجازی (۴) مشتق، استعمال حقیقی

۸۲- ماده ۱۹۵ ق.م که می گوید ((اگر کسی در حال مستی، بیهوشی و خواب معامله نماید آن معامله به واسطه فقدان قصد باطل است)) لفظ معامله در این ماده بر مصادیق مختلف آن دلالت می کند. این مسأله بیانگر

(۱) اشتراک لفظی (۲) اشتراک معنوی

(۳) ترادف (۴) مختص

۸۳- ماده ۱۸ قانون کار مقرر می دارد چنانچه توقیف کارگر به سبب شکایت کارفرما باشد و این توییح در مراجع حل اختلاف منتهی به حکم محکومیت نگردد منظور از مراجع در این ماده دادگستری است، دلالت لفظ مراجع به دادگستری

(۱) مجاز است، به علت وجود قرینه صارفه (۲) حقیقت است به علت عدم صحت سلب

(۳) مجاز است، به علت علاقه (۴) حقیقت است به علت تبادر

۸۴- هرگاه تردید کنیم که آیا لفظی از معنای وضعی و لغوی به معنای منظور قانونگذار تثبیت شده یا خیر تکلیف چیست؟

(۱) طبق اصاله الحقیقه اصل بر معنای لغوی است.

(۲) طبق اصاله الظهور ظاهر در معنای قانونی است.

(۳) طبق اصاله عدم نقل اصل بر عدم انتقال لفظ از معنای لغوی به قانونی است.

(۴) طبق اصاله عدم اشتراک عقد بر اختصاص یافتن لفظ بر معنای وضعی است.

۸۵- اصل ۲۱ قانون اساسی مقرر می دارد: ((دولت موظف است حقوق زن در ایران را در تمام جهات با رعایت موازین تضمین نماید و آموز زیر را انجام دهد:۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده)) و ماده ۹۷۵ ق.م مقرر می دارد: ((محکمه نمی تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا بواسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا بعلت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می شود به موقع اجرا گذارد)) حالیه معین کنید لفظ دادگاه در اصل ۲۱ قانون اساسی و لفظ محکمه در ماده ۹۷۵ قانون مدنی به ترتیب بیانگر چه نوع استعمالی هستند و دلیل آن کدام است؟

- ۱) حقیقت، بعلت عدم صحت سلب- مجاز، بعلت صحت سلب
- ۲) حقیقت، بعلت صحت حمل- مجاز، بعلت عدم صحت سلب
- ۳) مجاز، بعلت عدم صحت حمل- مجاز، به علت صحت سلب
- ۴) مجاز، بعلت صحت سلب- حقیقت، بعلت عدم صحت سلب

فصل دوم: اوامر و نواهی

۸۶- طبق ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی: «حد محاربه یکی از ۴ چیز است: ۱. قتل ۲. آویختن به دار ۳. اول قطع دست راست و سپس پای چپ ۴. نفی بلد» حکم مقرر در این ماده از انواع است.

۱) واجب تخییری ۲) واجب کفایی ۳) واجب متعدد ۴) واجب تعیینی
 ۸۷- در اثر اختلاف بین شخص الف و ب، داور بین آنها اینگونه رأی می دهد که الف موظف است یا کالا را به ب تحویل دهد و یا ثمن آن را، رأی داور در این مسأله از انواع می باشد.

۱) واجب تخییری تعبدی ۲) واجب تخییری توصلی
 ۳) واجب کفایی توصلی ۴) واجب تعیینی تعبدی
 ۸۸- در واجب تخییری بدلیت و جایگزینی میان و در واجب کفایی میان است.

۱) مکلف - مکلف به ۲) مکلف به - مکلف
 ۳) مکلف ها - مکلف ها ۴) مکلف به - مکلف به

۸۹- در میان انواع واجب اصل بر واجب است.

۱) عینی - تعیینی - توصلی - منجز - مطلق ۲) عینی - تخییری - توصلی - منجز - مطلق
 ۳) عینی - تخییری - تعبدی - منجز - مطلق ۴) تعیینی - تخییری - تعبدی - منجز - مطلق

۹۰- نهی در معاملات و در عبادات

۱) موجب فساد است - موجب فساد است.
 ۲) موجب فساد نیست - موجب فساد نیست.
 ۳) ممکن است موجب فساد باشد - موجب فساد است.
 ۴) موجب فساد نیست - موجب فساد است.

۹۱- طبق مقررات حقوق خانواده در قانون مدنی نکاح زن مسلمان با مرد غیر مسلمان جایز نیست، نهی وارده در این ماده:

(۱) موجب فساد و حرمت است.

(۲) موجب فساد است اما موجب حرمت نیست.

(۳) موجب فساد و حرمت نیست.

(۴) موجب حرمت است اما موجب فساد نیست.

۹۲- امر عقیب حظر طبق نظر مشهور:

(۱) حکم به ترخیص است.

(۲) حکم به ادامه منع است.

(۳) حکم به اباحه است.

(۴) حکم به استحباب است.

۹۳- کلمه «امر» در ماده ۱۲۶۹ ق.م «اقرار به امری که عقلاً و عادتاً ممکن نباشد» به معنای بوده و در ماده ۲۲۱ ق.م «اگر کسی اقدام به امری بکند» به معنای می باشد.

(۱) فعل - شیء (۲) شیء - فعل (۳) فعل - فعل (۴) شیء - شیء

۹۴- ماده ۱۱۷۷ ق.م که مقرر می دارد: «طفل باید مطیع ابوین خود بوده ...» می باشد.

(۱) امر در قالب جمله خبری (۲) نهی

(۳) امر به معنای فعل (۴) امر به معنی نهی

۹۵- ماده ۱۱۶ ق.آ.د.ک که مقرر می دارد: «متهم موظف است در موعد مقرر حاضر شود» می باشد.

(۱) امر همراه با تصریح به فوریت

(۲) امر بدون تصریح به فوریت

(۳) نهی بدون تصریح به فوریت

(۴) نهی همراه با تصریح به فوریت

۹۶- ماده ۶ قانون تجارت که مقرر می دارد: «هر تاجری باید دفاتر بازرگانی داشته باشد» واجب بوده و ماده ۵ قانون مدنی که مقرر می دارد: «کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران می باشند.» واجب می باشد.

(۱) عینی - عینی (۲) کفایی - کفایی (۳) کفایی - عینی (۴) عینی - کفایی

۹۷- ماده ۳۱۱ قانون مدنی مقرر می دارد: «غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید و اگر عین تلف شده باشد باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر به علت دیگری رد عین ممکن نباشد باید بدل آن را بدهد.» این ماده از نوع واجب بوده و تمام تعهدات مذکور در آن در یکدیگر هستند.

(۱) واجب تعیینی - طول (۲) واجب تعیینی - عرض

(۳) واجب تخییری - طول (۴) واجب تخییری - عرض

۹۸- ماده ۲۷۹ قانون مدنی که مقرر می دارد: «اگر موضوع تعهد عین شخصی نبود و کلی باشد متعهد مجبور نیست که از فرد اعلای آن ایفاء کند» نوع واجب بکار رفته در این ماده از حیث مکلف به می باشد.

(۱) عینی (۲) کفایی (۳) تعیینی (۴) تخییری

۹۹- کدامیک از عبارات زیر صحیح است؟

(۱) امر ظهور وضعی بر تراخی دارد.

(۲) امر عندالاطلاق نه دلالت بر فوریت دارد و نه بر تراخی

(۳) صیغه افعال بعنوان هیات امر مشترک لفظی بین فور و تراخی است.

(۴) امر باوضع و به حکم عقل دلالت بر فوریت دارد.

۱۰۰- در تردید بین واجب موسع و مضیق و در تراحم بین واجب موسع و مضیق به ترتیب تقدم با کدامیک می باشد؟

- (۱) واجب موسع، واجب مضیق
(۲) واجب مضیق، واجب موسع
(۳) واجب مضیق، واجب مضیق
(۴) واجب موسع، واجب موسع

۱۰۱- کدام معنا از صیغه امر متبادر می شود؟

- (۱) منع از ترک
(۲) مذمت تارک امر
(۳) بعث بر فعل
(۴) قدر جامع بین وجوب و ندب

۱۰۲- ماده ۱۱۹۸ ق.م مقرر می دارد: ((کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد)) وجوب پرداخت نفقه در این ماده مربوط به چه نوع انفاقی است و از حیث وجوب، چه نوع واجبی است؟

- (۱) نفقه اقارب، واجب مشروط
(۲) نفقه زوجه، واجب مشروط
(۳) نفقه زوجه، واجب معلق
(۴) نفقه اقارب، واجب معلق

۱۰۳- آیا نهی از شیء مقتضی فساد آن است؟

- (۱) نهی از شیء چه در عبادات و چه در معاملات مقتضی فساد نیست.
(۲) نهی از شیء چه در عبادات و چه در معاملات مقتضی فساد است.
(۳) نهی از شیء در عبادات مقتضی فساد است و در معاملات مقتضی فساد نیست.
(۴) در بعضی از عبادات مقتضی فساد است و در تمام معاملات مقتضی فساد است.
- ۱۰۴- طبق ماده ۱۰۸۵ ق.م زوجه به سبب حق حبس می تواند تا قبل از پرداخت مهریه از تمکین در برابر زوج امتناع کند، وجوب تمکین زوجه چه نوع از انواع وجوب است؟

- (۱) واجب مشروط
(۲) واجب مطلق
(۳) واجب کفایی
(۴) واجب معلق

۱۰۵- احکام وضعی چگونه احکامی است؟

- (۱) بوسیله قانونگذار اعم از شرع یا عرف وضع و لازم الاجرا شناخته شده است.
- (۲) ارتباط مستقیم با افعال مکلفین نداشته و الزام یا عدم الزام در آنها وجود ندارد.
- (۳) مشتمل بر الزام به فعل یا الزام به ترک فعل بر مکلفین باشد.
- (۴) منشاء آنها عقل نباشد و در برابر احکام عقل است.

۱۰۶- تکلیف شخص به گرفتن وضو در حالت عادی و به انجام تیمم در**فرض نبودن آب، مصداق.....**

- (۱) واجب کفایی است.
- (۲) واجب تخییری است
- (۳) واجب تعیینی است.
- (۴) دو تکلیف در عرض یکدیگرند.

۱۰۷- در مورد واجب موسع کدام یک از نظریات زیر صحیح است؟

- (۱) واجب فقط مختص آخر وقت است که در صورت اتیان در اول وقت با بقاء مکلف بر تکلیف ساقط می شود.
- (۲) واجب فقط مختص آخر وقت است ولی اگر در اول وقت انجام گیرد واجب ساقط می شود.
- (۳) واجب در هر قسم از زمان که اتیان شود اصالتاً واجب اتیان شده، زیرا امر به کل زمان تعلق گرفته است.
- (۴) واجب فقط باید در اول وقت اتیان شود، زیرا مقتضی فور است.

۱۰۸- ماده ۳۴۱ قانون مدنی مقرر می دارد: ((بیع ممکن است مطلق**باشد یا مشروط)) حال پاسخ دهید که منظور از بیع مشروط چیست؟**

- (۱) بیعی که انعقاد آن معلق به حصول مقدماتی است.
- (۲) بیعی که آثار آن مشروط به مقدماتی باشد.
- (۳) بیعی که انعقاد آن مشروط به شرط یا شرایطی باشد.
- (۴) بیعی که دارای شروط ضمن عقد است.

۱۰۹- از اطلاق صیغه امر کدام نوع واجب مستفاد است؟

(۱) عینی، تعبدی، تعیینی، مطلق (۲) عینی، توصلی، تخییری، مشروط

(۳) کفایی، تعبدی، تخییری، مشروط (۴) عینی، توصلی، تعیینی، مطلق

۱۱۰- ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی اشعار می دارد: ((زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند)) که بیانگر و ماده ۱۱۶ ق.آ.د.ک مقرر می دارد: ((متهم موظف است در موعد مقرر حاضر شود بیانگر))

(۱) تکرار بنابر قرائن و اوضاع و احوال - فوریت بنابر قرائن و اوضاع و احوال

(۲) تاخیر بنابر تصریح واضح - فوریت بنابر تصریح واضح

(۳) مره بنابر قرائن و اوضاع و احوال - تاخیر بنابر قرائن و اوضاع و احوال

(۴) مره بنابر تصریح واضح - تاخیر بنابر تصریح واضح

۱۱۱- ماده ۲۴ ق.آ.د.ک (سابق) مقرر می دارد: ((ضابطین دادگستری، نتیجه اقدامات خود را به اطلاع مرجع قضایی صالح می رسانند)).
بیانگر کدام حالت امر است؟

(۱) امر انشایی

(۲) امر عقیب حظر

(۳) امر خبری بدون قید الزام

(۴) امر خبری با قید الزام

۱۱۲- کدام گزینه مصداق تعریف واجب مقید به: ((هو ما یتوقف وجوبه علی وجود مقدماته)) است؟

(۱) نماز نسبت به وضو

(۲) روزه برای شخص ناتوان نسبت به سحری خوردن

(۳) حج نسبت به استطاعت

(۴) جهاد نسبت به تهیه سلاح

۱۱۳- آیا نهی از شی مقتضی فساد آن است؟

- (۱) نهی از شی چه در عبادات و چه در معاملات مقتضی فساد نیست.
 (۲) نهی از شی چه در عبادات و چه در معاملات مقتضی فساد است.
 (۳) نهی از شی در عبادات مقتضی فساد است اما در معاملات مقتضی فساد نیست.
 (۴) در بعضی از عبادات مقتضی فساد است و در تمام معاملات مقتضی فساد است.
- ۱۱۴- زوجه به سبب حق حبس می تواند تا قبل از پرداخت مهریه از تمکین در برابر زوج امتناع کند، وجوب تمکین زوجه از چه نوع از انواع وجوب است؟**

- (۱) واجب مشروط (۲) واجب مطلق (۳) واجب کفایی (۴) واجب معلق
- ۱۱۵- ماده ۶۴۵ تعزیرات مقرر می دارد: به منظور حفظ کیان خانواده ثبت واقعه ازدواج دائم، طلاق و رجوع طبق مقررات الزامی است. چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی مبادرت به ازدواج دائم، طلاق و رجوع نماید به مجازات حبس تعزیری تا یکسال محکوم می گردد ((وجوب ثبت ازدواج، طلاق و رجوع)) که در این ماده بیان شده است از حیث تکلیف چه نوع وجوبی است؟**

- (۱) واجب اصلی (۲) واجب تبعی (۳) واجب کفایی (۴) واجب تخییری
- ۱۱۶- کدامیک از هیأت و اشکال امر با دیگر گزینه ها متفاوت است؟**
- (۱) ماده ۲۵۲ قانون تجارت: پرداخت برات با نوع پولی که در آن معین شده به عمل می آید.
 (۲) ماده ۴۴۵ ق.م. هر یک از خيارات بعد از فوت منتقل به وراثت می شود.
 (۳) ماده ۱۲۴۴ ق.م. قییم باید لااقل سالی یک مرتبه حساب تصدی خود را به مدعی العموم یا نماینده او بدهد.
 (۴) ماده ۱۱۹ ق.آ.د.ک: جلب متهم به موجب برگ جلب به عمل می آید.

۱۱۷- ماده ۱۵۰ قانون مدنی مقرر می دارد: ((عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی تواند شوهر دیگر اختیار کند)) تکلیف زن مطابق این ماده از حیث نوع و جوب چیست؟

(۱) واجب فوری (۲) واجب مشروط (۳) واجب مضیق (۴) واجب تخییری

۱۱۸- ماده ۳۸۱ قانون مدنی چنین اشعار می دارد: ((مخارج تسلیم مبیع از قبیل اجرت نقل آن به محل تسلیم، اجرت شمردن و وزن کردن و غیره به عهده بایع است، مخارج تسلیم ثمن برعهده مشتری است)) تکالیف مندرج در این ماده برای بایع و مشتری از حیث نوع و جوب، چیست؟

(۱) واجب عینی (۲) واجب مشروط (۳) واجب اصلی (۴) واجب معلق

۱۱۹- در کدامیک از گزینه های زیر نهی موجب فساد نیست؟

(۱) مستفاد از ماده ۱۰۶۱ ق.م: دولت می تواند ازدواج برخی از مستخدمین و مامورین رسمی را با زنی که تبعه خارجی باشد منع نماید.

(۲) ماده ۱۱۹۲ ق.م: ولی مسلم نمی تواند برای امور مولی علیه خود وصی غیرمسلم معین کند.

(۳) مستفاد از ماده ۴۱۸ ق.ت: تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از تصرف در اموال خود ممنوع است.

(۴) ماده ۱۰۵۹ ق.م: نکاح مسلم به غیر مسلم جایز نیست.

۱۲۰- مستفاد از ماده ۳۱۱ قانون مدنی: غاصب باید عین یا مثل یا قیمت مال مغضوبه را به مالک برگرداند، تکلیف غاصب در این ماده به رد عین یا مثل یا قیمت از حیث نوع و جوب چه نوع واجبی است؟

(۱) واجب عینی، واجب تخییری (۲) واجب تعیینی، واجب مطلق

(۳) واجب تعیینی، واجب مشروط (۴) واجب تخییری، واجب مطلق

۱۲۱- ماده ۳۶۶ قانون مدنی مقرر می دارد: ((هر کس به بیع فاسد مالی را قبض نماید باید آنرا به صاحبش رد نماید....)) این ماده از حیث بیان تکلیف، چه نوع واجبی است؟

- (۱) واجب تعیینی مطلق
(۲) واجب تعیینی مشروط
(۳) واجب تخییری مشروط
(۴) واجب تخییری مطلق

۱۲۲- ماده ۵۲۸ قانون مدنی مقرر می دارد: ((هیچکس نمی تواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه بری این امر اهلیت قانونی داشته باشد)) این ماده بیانگر چه حقی است؟

(۱) حق منجز (۲) حق مشروط (۳) حق معلق (۴) حق مطلق
۱۲۳- ماده ۱۰ قانون ثبت چنین اشعار می دارد: ((قبل از اقدام به ثبت عمومی املاک هر ناحیه، حدود ناحیه مزبور و این که املاک واقعه در آن ناحیه باید به ثبت برسد بوسیله اعلان در جراید به اطلاع عموم خواهد رسید، اعلان مزبور در ظرف ۳۰ روز ۳ مرتبه می شود.)) حال تعیین کنید که تکلیف بکار رفته در این ماده از حیث کیفیت امر و نوع وجوب چگونه است؟

- (۱) امر مکرر، واجب موسع
(۲) امر مکرر، واجب مضیق
(۳) امر مرّه، واجب موسع
(۴) امر مرّه، واجب مضیق

۱۲۴- ماده ۳۸۱ قانون مدنی مقرر می دارد: ((مخارج تسلیم مبیع از قبیل اجرت حمل آن به محل تسلیم و اجرت شمردن و وزن کردن و غیره به عهده بایع است)) تکلیف منظور در این ماده از جهت نوع واجب کدام است؟

- (۱) واجب مشروط (۲) واجب تبعی (۳) واجب تخییری (۴) واجب اصلی

۱۲۵- ماده ۴۱۲ قانون مدنی چنین اشعار می دارد: ((هرگاه مشتری بعضی از مبیع را دیده و بعضی دیگر را به وصف یا از روی نمونه خریده باشد و آن بعض مطابق بعض یا نمونه نباشد، می تواند تمام مبیع را رد کند یا تمام آن را قبول نماید.)) نوع تکلیف بکار رفته در این ماده مؤید کدام نوع واجب است؟

۱) واجب تخییری ۲) واجب تعیینی ۳) واجب کفایی ۴) واجب معلق

۱۲۶- ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی مقرر می دارد: ((نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست)) حال با توجه به مقوله دلالت نهی بر فساد یا عدم فساد اعمال حقوقی، کدام گزینه را انتخاب می کنید؟

۱) زن مسلمان متخلف از این ماده مجازات ولی نکاح قابل تنفیذ است.

۲) زن مسلمان متخلف از این ماده مجازات می شود و نکاح هم باطل است.

۳) زن مسلمان متخلف از این ماده مجازات نمی شود ولی نکاح باطل است.

۴) زن مسلمان متخلف از این ماده مجازات نمی شود ولی نکاح فسخ می شود.

۱۲۷- ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی مقرر می دارد: ((ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است)) موکل نمودن چنین نکاحی به مجوز دولت مبین

.....

۱) واجب مطلق ۲) واجب مشروط ۳) واجب منجز ۴) واجب معلق

معلق

۱۲۸- قانونگذار چگونه به بیان و انشاء نهی می پردازد؟

۱) از طریق جعل مجازات ۲) از طریق لوازم و قیود نهی

۳) از طریق جمله خبری که مفید معنی نهی باشد. ۴) هر سه مورد

۱۲۹- ماده ۱۱۴ قانون اجرای احکام مدنی چنین مقرر می دارد: «فروش اموال از طریق مزایده به عمل می آید.....» مفاد این ماده بیانگر.....

- ۱) امر انشایی بوده که مفید معنی وجوب می کند.
- ۲) امر خبری بوده که معنای الزام و وجوب از آن افاده می گردد.
- ۳) امر خبری بوده که مفید جواز است.
- ۴) امر انشائی بوده که مفید جواز و ارشاد است.

۱۳۰- ماده ۴۰۱ قانون مدنی مقرر می دارد: «اگر برای خیار شرط، مدت معین

نشده باشد هم شرط خیار و هم بیع باطل است.» این ماده بیانگر است.

- ۱) حکم تکلیفی (۲) حکم مولوی (۳) حکم وضعی (۴) حکم ارشادی
- ۱۳۱- ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی مقرر می دارد: «نفقه اولاد بر عهده پدر است، پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به اتفاق به عهده اجداد پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب...» تکلیف منظور در این ماده به ترتیب از حیث نوع وجوب، چه نوع واجبی است؟

- ۱) واجب عینی، واجب کفایی
- ۲) واجب کفایی، واجب عینی
- ۳) هر دو عینی است.
- ۴) یکی واجب عینی و دیگری واجب کفایی

۱۳۲- در کدامیک از مواد قانونی زیر، نهی موجب فساد است؟

- ۱) ماده ۱۰۴۸ قانون مدنی: «جمع بین دو خواهر ممنوع است اگر چه به عقد منقطع باشد.»
- ۲) ماده ۷۹۴ قانون مدنی: «راهن نمی تواند در رهن تصرفی کند که منافی حق مرتهن باشد، مگر به اذن مرتهن»
- ۳) ماده ۶۵۴ قانون مدنی: «قمار و گرویندی باطل و دعاوی مراجعه به آن مسموع نخواهد بود.....»
- ۴) هر سه مورد صحیح است.

۱۳۳- ماده ۹۹ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر می دارد: «دادگاه می تواند جلسه دادرسی را به درخواست و رضایت اصحاب دعوی فقط برای یکبار به تأخیر اندازد.» این ماده بیانگر است.

(۱) تکرار امر بنا بر قرائن عقلی و اوضاع و احوال

(۲) مره بودن امر بنا بر تصریح

(۳) تکرار امر بنا بر تصریح

(۴) مره بودن امر بنا بر قرائن و اوضاع و احوال

۱۳۴- در وجوب وابسته است و در واجب وابسته است.

(۱) واجب مطلق، واجب مشروط، واجب معلق

(۲) واجب مشروط، واجب مطلق، واجب معلق

(۳) واجب مطلق، واجب منجز

(۴) واجب معلق، واجب مشروط

۱۳۵- کدام معنا از صیغه امر متبادر می شود؟

(۱) منع از ترک

(۲) مذمت تارک امر

(۳) بعث بر فعل

(۴) قدر جامع بین وجوب و ندب در صورت عدم قرینه بر تحریک

۱۳۶- ماده ۱۲۴۴ قانون مدنی مقرر می دارد: «قیم باید لا اقل سالی یک مرتبه حساب تصدی خود را به مدعی العموم یا نماینده او بدهد و هرگاه در ظرف یک ماه از تاریخ مطالبه مدعی العموم حساب ندهد به تقاضای مدعی العموم معزول می شود.» حال کدام گزینه در خصوص این ماده مناسب تر است؟

(۱) با یک بار ارائه گزارش امتثال محقق می شود.

(۲) با یک بار ارائه گزارش امتثال محقق می شود و همین قرینه بر مره است.

(۳) چون تکرار چنین گزارشی عرفاً سخت است پس هیأت امر بر مره دلالت می کند.

(۴) یک بار ارائه گزارش کافی است، اگر چه فعل مذکور در این ماده از جهت دلالت بر یک

بار گزارش یا بیشتر مجهول است.

۱۳۷- از دیدگاه علمای اصول تفکیک میان واجب و وجوب به لحاظ زمان در کدام مورد مشاهده می شود؟

(۱) واجب منجز (۲) واجب معلق (۳) واجب مشروط (۴) واجب مطلق

۱۳۸- ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی چنین مقرر می دارد: «هرگاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد، حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمتاً استرداد کند.» تکلیف به استرداد در این ماده از حیث نوع وجوب، کدام است؟

(۱) واجب تخییری (۲) واجب مفیق (۳) واجب تعیینی (۴) واجب مطلق

۱۳۹- ماده ۴۷۶ قانون مدنی مقرر می دارد: «موجر باید عین مستاجر را تسلیم مستاجر کند.» الزامی که در این ماده بر عهده موجر است، از حیث نوعن وجوب کدام است؟

(۱) واجب تبعی (۲) واجب موسع (۳) واجب موقت (۴) واجب اصلی

۱۴۰- ماده ۲ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر می دارد: «هیچ دادگاهی نمی تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاصی ذینفع رسیدگی به دعوی را درخواست نماید.» بیانگر چه نوع واجبی است؟

(۱) واجب مطلق (۲) واجب معلق (۳) واجب مشروط (۴) واجب تخییری

۱۴۱- ماده ۴۷۶ قانون مدنی چنین اشعار می دارد: «موجر باید عین مستاجر را تسلیم مستاجر کند» حالیه معین کنید مفاد این ماده یا الزام بکار رفته در این ماده، بیانگر چه نوع واجبی است؟

(۱) واجب اصلی، واجب تعیینی، واجب توصلی، واجب مشروط

(۲) واجب تبعی، واجب تخییری، واجب توصلی، واجب مطلق

(۳) واجب تبعی، واجب تعیینی، واجب توصلی، واجب مطلق

(۴) واجب اصلی، واجب تخییری، واجب تعبدی، واجب مطلق

۱۴۲- ماده ۲۷۱ قانون مدنی که مقرر می دارد: «دین باید به شخص دائن یا به کسی که از طرف او وکالت دارد، یا به کسی که قانوناً حق قبض دارد، تادیه گردد.» الزام بکار رفته در این ماده از حیث نوع وجوب چه نوع

واجبی است؟

- (۱) واجب مشروط
(۲) واجب تخییری
(۳) واجب تعیینی
(۴) واجب تعبدی

۱۴۳- هرگاه تردید کنیم که امری بر فور دلالت کند یا تراخی، اصل را بر تراخی (تاخیری بودن) قرار می دهیم، دلیل این استظهار کدام گزینه زیر است؟

- (۱) اصل بی بدیل بودن
(۲) اصل نسبی بودن
(۳) اصل عدم وابستگی
(۴) اصل عدم زیاده

۱۴۴- در ماده ۷۹ قانون کار آمده است: ((به کار گیری و استخدام اتباع بیگانه فاقد پروانه کار از سوی کارفرمای ایرانی ممنوع است)) حالیه اگر کارفرمایی اقدام به تنظیم قرارداد استخدامی با چنین کارگری نماید تکلیف کارفرما و قرارداد به ترتیب چیست؟

- (۱) کارفرما مجازات می شود و قرارداد باطل می گردد.
(۲) کارفرما مجازات می شود ولی قرارداد باطل نیست.
(۳) کارفرما مجازات نمی شود ولی قرارداد باطل است.
(۴) کارفرما مجازات نمی شود و قرارداد نیز باطل نیست.

۱۴۵- با مستفاد از ماده ۱۰۴۵ ق.م که می گوید: ((نکاح با اقارب ذیل ممنوع است....)) می فهمیم که منظور نکاح با محارم است. حال اگر فردی با یکی از محارم خود مثلاً محرم رضاعی ازدواج نماید، سرنوشت عقد نکاح چه می شود؟ چرا؟

۱) باطل است. چون نهی در اعمال حقوقی ملازم با فساد دارد.

۲) صحیح و قابل فسخ است، چون نهی متوجه یکی از موانع عمل حقوقی (نکاح) شده است.

۳) باطل است، چون نهی متوجه یکی از موانع نکاح شده است.

۴) غیرنافذ است، چون نهی در اعمال حقوقی گاهی ملازمه با فساد دارد.

۱۴۶- مستفاد از ماده ۷۸ ق.ا.د.ک (سابق) ((اگر دادگاه به ضابطین دادگستری دستور معاینه محل را بدهد ضابطین دادگستری موظف به معاینه محل می باشند)) بیانگر چه نوع واجبی است؟

۱) واجب اصلی ۲) واجب تبعی ۳) واجب مطلق ۴) واجب تعبدی

۱۴۷- ماده ۴۶۸ ق.م چنین اشعار می دارد: ((در اجاره اشیاء مدت اجاره باید معین شود وائاً اجاره باطل است.)) مصداق کدامیک از موارد زیر است؟

۱) حکم ارشادی ۲) حکم وضعی ۳) حکم مولوی ۴) حکم تکلیفی

۱۴۸- ماده ۴۴۰ قانون تجارت می گوید: ((محکمه در ضمن حکم ورشکستگی یا منتها در ظرف ۵ روز پس از صدور حکم یک نفر را به سمت مدیریت تصفیه معین می کند)) متن این جمله

۱) جمله خبری و فاقد معنای امر است.

۲) امر با ماده و مقید معنای وجوب است.

۳) جمله انشایی است و ظاهر در جواز است.

۴) جمله خبری است در مقام انشاء امر و مقید معنای الزام است.

۱۴۹- ماده ۵۵ قانون وکالت مقرر می دارد: ((وکلائی معلق و اشخاص ممنوع الوکاله و بطور کلی هر شخصی که دارای پروانه وکالت نباشد از هرگونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت ممنوع است)) این ماده بیانگر چه نوع حکمی است؟

(۱) حکم ظاهری (۲) حکم تکلیفی (۳) حکم ارشادی (۴) حکم وضعی
 ۱۵۰- ماده ۳۶۶ قانون مدنی مقرر می دارد: ((هر کس به بیع فاسد مالی را قبض نماید باید آنرا به صاحبش رد نماید.....)) این ماده از حیث بیان تکلیف، چه نوع واجبی است؟

(۱) واجب تعیینی مطلق (۲) واجب تعیینی مشروط
 (۳) واجب تخیری مشروط (۴) واجب تخیری مطلق

فصل سوم: مفهوم و منطوق

۱۵۱- مفهوم موافق را و مفهوم مخالف را می نامند.

۱) لحن خطاب - دلیل خطاب
 ۲) دلیل خطاب - فحوای خطاب
 ۳) فحوای خطاب - دلیل خطاب
 ۴) گزینه ۱ و ۳ صحیح است.

۱۵۲- ماده ۱۰۵۹ ق.م.مقرر دارد: ((نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست)) آیا این ماده مفهوم دارد یا خیر و دلیل آن چیست؟

۱) مفهوم ندارد، چون عبارت لقب است.
 ۲) مفهوم ندارد، چون عبارت وصف است.
 ۳) مفهوم دارد، چون عبارت حصری است.
 ۴) مفهوم دارد، چون عبارت شرط است.

۱۵۳- ماده ۱۱۸۵ قانون مدنی مقرر می دارد: ((هرگاه ولی قهری طفل محجور شود مدعی العموم مکلف است مطابق مقررات راجع به تعیین قیم، قیمی برای طفل تعیین کند.)) حال اگر از این ماده چنین استنباط شود که ((هرگاه وصی طفل محجور شود دادستان مکلف به تعیین قیم برای طفل می باشد)) این استنباط مبتنی بر است.

۱) مفهوم موافق ماده ۲) مفهوم مخالف ۳) قیاس اولویت ۴) منطوق ماده
 ۱۵۴- ماده ۶۸۰ قانون مدنی: ((در تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر عزل به او در حدود وکالت خود بنماید نسبت به موکل نافذ است.)) آیا این ماده مفهوم مخالف دارد، چرا؟

۱) مفهوم ندارد، زیرا یک عبارت وصفی است.
 ۲) مفهوم دارد، زیرا یک غایت است.
 ۳) مفهوم دارد، زیرا یک عبارت شرطی است.
 ۴) مفهوم ندارد، زیرا لقب است.

۱۵۵- اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد: ((
ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته میشوند که
.....)) این ماده است و

(۱) وصف، مفهوم ندارد. (۲) حصر، مفهوم دارد

(۳) استثناء، مفهوم دارد (۴) لقب، مفهوم ندارد.

۱۵۶- کدامیک از عبارات زیر مفهوم ندارد؟

(۱) ماده ۱۱۳۴ ق.م : طلاق باید به صیغه طلاق و در حضور لاقل دو نفر مرد عادل که
طلاق را بشنوند واقع گردد.

(۲) ماده ۱۰۵۴ ق.م : زنا با زن شوهردار یا زنی که در عده رجعیه است موجب حرمت ابدی است.

(۳) دعای متعدده را که منشاء و مبنای آن مختلف است نمی توان به موجب یک
دادخواست اقامه نمود.

(۴) اصل ۲۸ قانون اساسی : ((هرکس حق دارد شغلی را که به آن مایل است برگزیند))

۱۵۷- طبق ماده ۹۵۴ قانون مدنی: «کلیه عقود جائزه به موت احد طرفین
منفسخ می شود و همچنین به سغه در مواردی که رشد معتبر است.» بر
اساس می توان حکم این ماده را به جنون نیز سرایت داد.

(۱) قیاس مساوات (۲) مفهوم موافق برتر

(۳) قیاس اولویت (۴) گزینه ۲ و ۳ صحیح است.

۱۵۸- ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی که مقرر می دارد: «هر گاه زن بدون مانع
مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.»
دارای و از نوع می باشد.

(۱) مفهوم موافق - جمله شرط (۲) مفهوم مخالف - جمله شرط

(۳) مفهوم موافق - غایت (۴) مفهوم مخالف - غایت

۱۵۹- طبق ماده ۱۳۱ قانون مدنی: «اگر شاخه درخت کسی داخل در فضای خانه یا زمین همسایه شود باید از آنجا عطف کنند...» از نوع بوده و به علت اینکه مفهوم
 (۱) جمله شرط - شرط علت منحصر است - دارد.
 (۲) جمله وصف - وصف توضیحی است - ندارد.
 (۳) جمله شرط - با انتفاء شرط موضوع حکم نیز منتفی می شود - ندارد.
 (۴) جمله وصف - وصف تقییدی است - دارد.

۱۶۰- ماده ۳۶۰ ق.م مقرر می دارد: ((هر چیزی که فروش آن مستقلاً جایز است، استثنای آن از مبیع نیز جایز است)) این برداشت که فروش چیزی که مستقلاً جایز نیست استثنای آن از مبیع نیز جایز نیست بیانگر
 (۱) مفهوم شرط
 (۲) منطوق غیر صریح
 (۳) مفهوم مخالف
 (۴) ۱ و ۳ صحیح است.

۱۶۱- ماده ۱۴۳ ق. م مقرر می دارد: ((هرکس از اراضی موات و مباحه قسمتی را به قصد تملیک احیاء کند مالک آن قسمت می شود)) به نظر می رسد که علت تملک حیازت مباحات می باشد، به نظر شما این مسأله بیانگر کدام گزینه زیر است؟
 (۱) مفهوم موافق (۲) دلالت اقتضاء (۳) دلالت تنبیه و ایما (۴) منطوق صریح

۱۶۲- کدامیک از عبارات زیر صحیح است؟

- (۱) شرط همواره مفهوم مخالف دارد.
 (۲) وصف غالباً مفهوم دارد.
 (۳) عدد اغلب مفهوم ندارد.
 (۴) غایت مفهوم ندارد.

۱۶۳- کدامیک از گزینه های زیر مفهوم ندارد؟

- (۱) ماده ۴۳۹ ق.م: ((اگر بایع تدلیس نموده باشد مشتری حق فسخ بیع را خواهد داشت))
 (۲) ماده ۲۴۰ ق.م: ((اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع شود یا معلوم شود که حین العقد ممتنع بوده است کسی که شرط به نفع او شده است اختیار فسخ معامه را خواهد داشت))
 (۳) بند الف ماده ۱۰۷ ق.آ.د.م: ((خواهان می تواند تا اولین جلسه دادرسی، دادخواست خود را مسترد کند))

- (۴) ماده ۹۶۹ ق.م: ((اسناد از حیث طرز تنظیم، تابع قانون محل تنظیم خود می باشند))
۱۶۴- عبارت زیر بیانگر چیست؟ ((اگر حکمی که از مفهوم کلام استفاده می شود، با حکمی که از منطوق کلام بدست می آید متفق و هم سنخ باشند))

- | | |
|-----------------|----------------------|
| (۱) مفهوم موافق | (۲) مفهوم موافق برتر |
| (۳) مفهوم مخالف | (۴) منطوق غیرصریح |

۱۶۵- در کدامیک از دلالتهای زیر عبارتی در تقدیر است؟

- | | |
|------------------|------------------------|
| (۱) دلالت تقدیری | (۲) دلالت تنبیه و ایما |
| (۳) دلالت اقتضاء | (۴) دلالت اشاره |

- ۱۶۶- از ماده ۲۰۳ قانون مدنی که مقرر می دارد: ((اکراه موجب عدم نفوذ معامله است اگر چه از طرف شخص خارجی غیر از متعاملین واقع شود)) مستفاد می گردد که اگر این اکراه از ناحیه متعاملین وارد شود سبب عدم نفوذ معامله است، دلیل این استظهار چیست؟**

- | | |
|-----------------|----------------------|
| (۱) مفهوم مخالف | (۲) مفهوم موافق برتر |
| (۳) قیاس مساوات | (۴) منطوق غیرصریح |

۱۶۷- با استنباط از مواد ۸۰۸ قانون مدنی (اعمال حق شفعه) و ۸۲۱ قانون مدنی (فوریت اعمال حق شفعه) پی به مقصود قانونگذار می بریم که اعسار، اهمال یا مسامحه در تادیه ثمن از طرف شفیع حق شفعه را ساقط می کند، دلیل این اظهار چیست؟

(۱) دلالت تضمن (۲) دلالت اقتضا (۳) دلالت تنبیه و ایما (۴) دلالت اشاره

۱۶۸- کدامیک از عبارات شرطی زیر مفهوم دارد؟

(۱) ماده ۴۱۸ ق.م: ((اگر مغبون در حین معامله عالم به قیمت عادلانه بوده است خیار فسخ نخواهد داشت.))

(۲) ماده ۱۹۱ ق.م: ((عقد محقق می شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند.))

(۳) ماده ۱۳۱ ق.م: ((اگر شاخه درخت کسی داخل در فضای خانه یا زمین همسایه شود باید از آنجا عطف کند))

(۴) ماده ۲۰۴ ق.م: ((تهدید طرف معامله در نفس یا جان یا آبروی اقوام نزدیک او از قبیل زوج و زوجه و آباء و اولاد موجب اکراه است))

۱۶۹- مستفاد از ماده ۳۸۷ ق.م که مقرر می دارد: ((اگر مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع تلف شود بیع منفسخ و ثمن باید به مشتری مسترد گردد ...)) در می یابیم که حکم قابل تسری در مورد تلف ثمن معین قبل از قبض نیز هست، دلیل این برداشت چیست؟

(۱) منطوق صریح (۲) قیاس مساوات

(۳) قیاس اولویت (۴) مفهوم مخالف

۱۷۰- در کدامیک از گزینه های زیر دخول غایت در مگیا مسلم نیست؟

- (۱) ماده ۳۹۸ ق.م: ((اگر مبیع حیوان باشد مشتری تا سه روز حق فسخ خواهد داشت.))
 (۲) ماده ۱۱۴۵ ق.م: ((در موارد ذیل طلاق بائن است، ۱- ۲- ... ۳- طلاق خلع و مبارات مادام که زن رجوع نکرده باشد))
 (۳) ماده ۲۸۰ ق.ت: ((امتناع از تادیبه وجه برات باید در ظرف ده روز از تاریخ وعده به وسیله نوشته ای که اعتراض عدم تادیبه نامیده می شود، معلوم گردد))
 (۴) هر سه مورد صحیح است.

۱۷۱- در کدامیک از گزینه های زیر عدم دخول غایت در مگیا مسلم است؟

- (۱) ماده ۴۲۱ ق.م: ((دیه قطع دست تا آرنج پانصد دینار است.))
 (۲) ماده ۱۰۷ ق.آ.د.م: ((خواهان می تواند تا جلسه اول دادرسی دادخواست خود را مسترد نماید))
 (۳) ماده ۶۸۰ ق.م: ((تمام اموری که وکیل تا قبل از رسیدن خبر عزل به او در حدود وکالت خود بنماید نسبت به موکل نافذ است.))
 (۴) ماده ۸۶۰ ق.م: ((ورثه موصی نمی توانند در موصی به تصرف نمایند مادامیکه موصی به قبولی یا رد خود را اعلام نکرده باشد.))

۱۷۲- کدامیک از عبارات وصفی زیر مفهوم ندارد؟

- (۱) ماده ۱۱۳۴ ق.م: ((طلاق باید به صیغه طلاق و در حضور لااقل دو نفر مرد عادل که طلاق را بشنوند، واقع گردد.))
 (۲) ماده ۷۶۱ ق.م: ((صلحی که در مورد تنازع یا مبنی بر تسامح باشد قاطع بین طرفین است))
 (۳) ماده ۶۵ ق.م: ((صحت وقفی که به علت اضرار دیان واقف شده باشد منوط به اجازه دیان است))
 (۴) ماده ۲۲۶ ق.ت: ((در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط اساسی مقرر در فقرات ماده ۲۲۳ نباشد، مشمول مقررات راجع به بروات تجاری نخواهد بود))

۱۷۳- کدامیک از عبارات زیر مفهوم دارد؟

- (۱) ماده ۱۱۱۸ ق.م: ((زن مستقلاً می تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می خواهد بکند.))
 (۲) ماده ۶۱۷ ق.م: ((امین نمی تواند غیر از جهت حفاظت تصرفی در ودیعه کند))
 (۳) ماده ۱۰۵۹ ق.م: ((نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست.))
 (۴) ماده ۴۷۲ ق.م: ((عین مستاجر باید معین باشد))

۱۷۴- اینکه اثبات شیء نفی ما اداء نمی کند در بیان مفهوم نداشتن**کدامیک می باشد؟**

- (۱) لقب (۲) وصف (۳) عدد (۴) او ۲ صحیح است.

۱۷۵- کدامیک از عبارات زیر صحیح است؟

- (۱) غایت غالباً مفهوم دارد. (۲) وصف غالباً مفهوم ندارد.
 (۳) عدد غالباً مفهوم دارد. (۴) لقب غالباً مفهوم ندارد.

۱۷۶- چه زمانی حکم غایت با ما قبل آن متفاوت است؟

- (۱) هرگاه غایت داخل در مغیا باشد.
 (۲) هرگاه دخول غایت در مغیا مسلم نباشد.
 (۳) هرگاه غایت داخل در مغیا نباشد.
 (۴) فقط زمانی که عدم دخول غایت در مغیا مسلم نباشد.

۱۷۷- ماده ۳۴۵ ق.ت مقرر می دارد: ((هرگاه طرفین معامله یا یکی از

آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله نماید دلال ضامن معامله است))
بنابر این ماده اگر تعهد دلال نباشد بلکه دلال واسطه محض باشد ضمانت
او نیز منتفی خواهد شد، حال کدام گزینه ما را در این استنباط یاری می
نماید؟

- (۱) مفهوم موافق ماده (۲) مفهوم مخالف ماده (۳) قیاس اولویت (۴) منطوق ماده

۱۷۸- همانطور که می دانیم یکی از شرایط قصاص نفس انتفاء ابوت است، حال اگر پدری پسر خود را بکشد قصاص نمی شود، اینکه پدر را در مقابل قتل دختر نیز قصاص نمی کنند از جهت است.

(۱) مفهوم مخالف (۲) منطوق صریح (۳) قیاس مساوات (۴) منطوق غیر صریح
 ۱۷۹- در ماده ۸۸۲ ق.م آمده است: ((بعد از لعان زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی برند)) از این ماده فهمیده می شود که لعان علت محرومیت از ارث است، در این مسأله یک نوع وجود دارد.

(۱) دلالت مطابقی (۲) تضمن (۳) اقتضاء (۴) دلالت تنبیه و ایما
 ۱۸۰- کدام گزینه صحیح است؟

(۱) منطوق غیر صریح همان مدلول سیاقی کلام است. (۲) منطوق صفت لفظ است.
 (۳) مفهوم صفت دلالت است. (۴) هر سه مورد.

۱۸۱- مطابقت صریح کلام بر مدلول خود را گویند.

(۱) منطوق (۲) منطوق صریح (۳) دلالت التزامی (۴) دلالت اقتضاء
 ۱۸۲- کدامیک حجیت ندارد؟

(۱) مفهوم موافق (۲) قیاس اولویت (۳) مفهوم مخالف (۴) لقب
 ۱۸۳- ماده ۶۱۷ قانون مدنی مقرر می دارد: ((امین نمی تواند غیر از جهت حفاظت تصرفی در ودیعه کند)) مفهوم این ماده آن است که امین فقط از جهت حفاظت می تواند تصرف در ودیعه کند. این استنباط بر چه اساسی است؟

(۱) مفهوم داشتن جمله شرط (۲) مفهوم داشتن جمله حصر
 (۳) مفهوم داشتن غایت (۴) مفهوم داشتن جمله استثناء

۱۸۴- با فرض داخل بودن غایت در مغیا، منطوق عبارت: ((خواهان می تواند تا اولین جلسه دادخواست خود را مسترد کند.)) چیست؟

- (۱) پس از اولین جلسه نمی تواند دادخواست خود را مسترد کند.
- (۲) تا پایان اولین جلسه می تواند دادخواست خود را مسترد کند.
- (۳) تا قبل از اولین جلسه می تواند دادخواست خود را مسترد کند.
- (۴) قبل از اولین جلسه نمی تواند دادخواست خود را مسترد کند.

۱۸۵- منظور از جمله یا عبارت شرطی که مفهوم دارد، کدام شرط است؟

- (۱) شرط اصولی
- (۲) شرط ادبی به قید علت منحصره
- (۳) شرط اصولی به قید علت منحصره
- (۴) شرط ادبی

۱۸۶- در ماده ۱۲۴۰ قانون مدنی آمده است: ((قیم نمی تواند به سمت قیمومت، از طرف مولی علیه، با خود معامله کند)) حال اگر پرسیده شود که آیا قیم می تواند اموال محجور را به نمایندگی از طرف او به خود ببخشد؟ که پاسخ منفی است زیرا.....

- (۱) با استناد به مفهوم مخالف
- (۲) با استناد به مفهوم موافق ساده
- (۳) با استناد به مفهوم موافق اولویت
- (۴) با استناد به منطوق غیرصریح

۱۸۷- کدام گزینه مبتنی بر دلالت تنبیه و ایفاء است؟

- (۱) ماده ۱۴۴ ق.م: احیای اطراف زمین موجب تملک وسط آن نیز می باشد.
- (۲) ماده ۱۹۵ ق.م: اگر شخصی در حالت مستی یا بی هوشی یا در خواب معامله کند، آن معامله بواسطه فقدان قصد باطل است.
- (۳) ماده ۳۴۸ ق.م: بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است، باطل است.
- (۴) ماده ۱۲۵۳ ق.م: پس از زوال سببی که موجب تعیین قیم شده قیمومت مرتفع می شود.

۱۸۸ - جمله شرط که در مقام بیان تحقق موضوع باشد:

(۱) به لحاظ مفهوم داشتن تفاوتی با دیگر جملات شرطیه ندارد.

(۲) فاقد مفهوم است.

(۳) هرگاه موضوع آن تحقق پیدا کند، مانند دیگر جملات شرطیه دارای مفهوم مخالف خواهد بود.

(۴) به لحاظ دلالت بر مفهوم بسته به اینکه تحقق موضوع بالفعل باشد یا بالقوه متفاوت است.

۱۸۹ - از ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی که مقرر می دارد: ((همین که نکاح بطور صحیح واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می شود.)) می فهمیم که نکاحی که بطور صحت واقع نشود موجب عدم ایجاد زوجیت و حقوق و تکالیف زوجین می گردد و این برداشت مبتنی بر است.

(۱) منطوق غیرصریح (۲) مفهوم مخالف (۳) جمله شرطیه (۴) ۳ و ۲ صحیح است.

۱۹۰ - کدامیک از جملات شرطیه ذیل مفهوم ندارد؟

(۱) ماده ۸۷۹ قانون مدنی: ((اگر بین وراثت غائب مفقود الاثری باشد سهم او کنار گذاشته می شود))

(۲) ماده ۱۱۰۸ ق.م: ((هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.))

(۳) ماده ۷۶۲ ق.م: ((اگر در طرف مصالحه و یا در مورد صلح اشتباهی واقع شده باشد صلح باطل است.))

(۴) ماده ۷۱۹ ق.م: ((هرگاه مضمون له ضامن را ابراء یا دیگری مجاناً دین را بدهد ضامن حق رجوع به مضمون عنه ندارد.))

۱۹۱- ماده ۳۴۸ قانون مدنی مقرر می دارد: ((بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است باطل می باشد)) این ماده بیانگر کدامیک از دلالت های زیر است؟

(۱) دلالت اقتضاء (۲) دلالت تنبیه و ایماء (۳) دلالت اشاره (۴) دلالت مطابقی
 ۱۹۲- ماده ۳۸۷ قانون مدنی مقرر می دارد: ((اگر مبیع قبل از تسلیم تلف شود، بیع منفسخ می شود)) از این ماده می فهمیم که اگر ثمن نیز قبل از تسلیم تلف شود بیع منفسخ می شود. مبنای این استنباط چیست؟
 (۱) مفهوم مخالف (۲) منطوق غیرصریح (۳) قیاس مساوات (۴) قیاس اولویت
 ۱۹۳- از مصادیق دلالت التزامی یا منطوق غیرصریح محسوب نمی شود:

(۱) دلالت تنبیه و ایماء (۲) دلالت مطابقی (۳) دلالت اشاره (۴) دلالت اقتضاء
 ۱۹۴- ماده ۱۴۳ قانون مدنی مقرر می دارد: ((هرکس از ارضی موات و مباحه قسمتی را به قصد تملک احیاء کند مالک آن قسمت می شود)) این ماده بیانگر
 (۱) منطوق صریح است. (۲) دلالت تضمن است.
 (۳) دلالت تنبیه و ایماء است. (۴) دلالت اشاره است.

۱۹۵- تسری دادن حکم منطوق به مفهوم با فرض برابری اصل و فرع را چه گویند؟

(۱) مفهوم موافق برتر (۲) مفهوم مخالف
 (۳) قیاس اولویت (۴) قیاس مساوات

۱۹۶- کدامیک از جملات زیر صحیح است؟

- ۱) دخول غایت در مغیا همواره یک امر مسلم نیست.
- ۲) دخول غایت در مفهوم مخالف یک امر مسلم نیست.
- ۳) دخول غایت در مفهوم مخالف یک امر مسلم است.
- ۴) هر سه مورد.

۱۹۷- از ماده ۲۷۴ قانون مدنی که مقرر می دارد: ((اگر متعهدله اهلیت قبض نداشته باشد تأدیه در وجه او معتبر نخواهد بود)) برداشت می شود که اهلیت قبض شرط اعتبار تأدیه دین خواهد بود، این استنباط مصداق کدامیک از گزینه های زیر است؟

- ۱) مفهوم مخالف
- ۲) منطوق غیرصریح
- ۳) مفهوم موافق
- ۴) دلالت التزامی

۱۹۸- ماده ۴۴۵ قانون مدنی چنین مقرر می دارد: ((هریک از خیارات بعد از فوت منتقل به وراث می شود)) همانطوریکه می دانیم لزوماً تمام خیارات بطور کلی منتقل به وراث نمی شود، حال این واقعیت مؤید کدامیک از موارد ذیل است؟

- ۱) دلالت مطابقی
- ۲) دلالت تضمن
- ۳) دلالت اقتضاء
- ۴) دلالت تنبیه

۱۹۹- ماده ۱۲۰ قانون مدنی مقرر می دارد: ((اگر صاحب دیوار به همسایه اذن دهد که بر روی دیوار او سر تیر بگذارد می تواند از اذن خود رجوع کند)) از طرفی در اصل ۴۰ قانون اساسی چنین آمده که: ((هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.)) حالیه ما اینگونه پی به مقصود متکم (قانونگذار) می بریم که

رجوع صاحب حق از اذن خود اگر وسیله اضرار به صاحب سر تیر شود، ممنوع است، مبنای این استنباط کدام است؟

(۱) دلالت تضمن (۲) دلالت اقتضاء (۳) دلالت تنبیه (۴) دلالت اشاره
 ۲۰۰- ماده ۸۶۱ قانون مدنی مقرر می دارد: ((موجب ارث دو امر است: نسب و سب)) واقعیت مطروحه در ماده فوق مؤید کدامیک از گزینه های ذیل است؟

(۱) منطوق صریح (۲) دلالت التزامی
 (۳) مفهوم موافق (۴) قیاس مساوات
 ۲۰۱- در ماده ۱۰۵۲ قانون مدنی آمده است که: ((تفریقی که بالعان حاصل می شود موجب حرمت ابدی است)) از طرفی در ماده ۸۸۲ همان قانون آمده است که: ((بعد از لعان، زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی برند...)) حالیه مقرر کنید که وضعیت لعان به ترتیب در دو ماده فوق از حیث نوع دلالت چگونه است؟

(۱) دلالت مطابقی- دلالت تنبیه (۲) دلالت مطابقی- دلالت تضمن
 (۳) دلالت اشاره- دلالت تنبیه (۴) دلالت تنبیه- دلالت مطابقی
 ۲۰۲- ماده ۱۹۳ قانون مدنی مقرر می دارد: ((انشاء معامله ممکن است بوسیله عملی که مبین قصد و رضا باشد مثل قبض و اقباض حاصل گردد...)) حال اگر از این ماده استنباط گردد که تصرف مورد معامله توسط خریدار اگر به قصد خرید یا انشاء در قبول باشد، نیز قصد انشاء محسوب می گردد، این برداشت مبتنی بر است.

(۱) منطوق غیرصریح (۲) قیاس مساوات (۳) قیاس اولویت (۴) مفهوم مخالف

۲۰۳- کدامیک از گزینه های زیر مفهوم ندارد؟

- ۱) ماده ۹۲ قانون مجازات اسلامی (سابق) ((هرگاه در اجرای حد جلد بر زن باردار یا شیرده احتمال بیم ضرر برای حمل یا نوزاد شیرخوار باشد اجرای حد تا رفع ضرر به تأخیر می افتد.))
 ۲) ماده ۳۹۷ قانون مدنی: ((هریک از متباین بعد از عقد فی المجلس و مادام که متفرق نشده اند اختیار فسخ معامله را دارند.))
 ۳) ماده ۲۳۱ قانون مدنی: ((معاملات و عقود فقط درباره طرفین متعاملین و قائم قانونی آنها مؤثر است.))
 ۴) ماده ۲۹ قانون مدنی: ((اموال دولتی که معد است برای مصالح عمومی را نمی توان به تملک شخصی در آورد.))

۲۰۴- از ماده ۵۰۹ قانون تعزیرات که مقرر می دارد: ((هرگاه در معبر عام عملی به مصلحت عابران انجام شود که موجب وقوع جنایت یا خسارتی گردد مرتکب ضامن دیه و خسارت نخواهد بود.)) می فهمیم که اگر عملی به مصالح عابران نباشد و در اثر این اقدام تولید خسارت شود، مرتکب ضامن است، این موضوع مصداق کدامیک از گزینه های زیر است؟

- ۱) مفهوم مخالف
 ۲) مفهوم موافق
 ۳) مفهوم شرط
 ۴) و ۳ صحیح است.
- ۲۰۵- از ماده ۲۴۹ قانون مدنی که مقرر می دارد: ((سکوت مالک ولو با حضور در مجلس عقد اجازه محسوب نمی شود.)) می فهمیم که اظهار رد مالک از تنفیذ ممانعت می کند، دلیل این استنباط چیست؟

- ۱) مفهوم مخالف
 ۲) منطوق غیرصریح
 ۳) قیاس اولویت
 ۴) قیاس مساوات

۲۰۶- در کدام گزینه تعریف مفهوم مخالف آمده است؟

- (۱) قضیه ای است که حکماً مغایر منطوق است.
 (۲) قضیه ای است که موضوعاً مغایر منطوق است.
 (۳) قضیه ای است که در آن هدف کشف مراد و مقصود متکلم است.
 (۴) (۲ و ۱) صحیح است.

۲۰۷- عبارت ((العله تعمّم)) مؤید کدامیک از گزینه های ذیل است؟

- (۱) مفهوم مخالف
 (۲) مفهوم موافق
 (۳) منطوق غیرصریح
 (۴) منطوق صریح
- ۲۰۸- اصل ۲۵ قانون اساسی مقرر می دارد: ((بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی یا افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس نیز ممنوع است)) حال پاسخ دهید که اگر موارد مذکور در اصل فوق که به «هرگونه تجسس با موارد مشابه» نیز سرایت دهیم با کدامیک از گزینه های زیر مطابقت دارد؟**

- (۱) مفهوم حصر
 (۲) مفهوم شرط
 (۳) مفهوم موافق ساده
 (۴) مفهوم موافق اولویت
- ۲۰۹- این عبارت در تعریف کدام گزینه است: ((هرگاه متکلم مقصود خود را صریحاً بیان نکند و مخاطب به کمک قرائن و یا از سیاق و لوازم کلام پی به مقصود او ببرد))**

- (۱) مفهوم
 (۲) منطوق غیرصریح
 (۳) مفهوم موافق
 (۴) دلیل خطاب

۲۱۰- از ماده ۱۰۱۳ قانون مدنی که مقرر می دارد: ((محکمه می تواند از امینی که معین می کند تقاضای ضامن یا تضمینات دیگر نماید)) می فهمیم که مقصود متکلم قاضی محکمه است، حالیه تعیین نمائید که دلیل این استظهار چیست؟

۱) دلالت تنبیه و ایما

۲) دلالت اشاره

۳) دلالت اقتضاء

۴) دلالت مطابقه

۲۱۱- از ماده ۱۲۴۱ قانون مدنی که مقرر می دارد: ((قیم نمی تواند اموال غیرمنقول مولی علیه را بفروشد و یا رهن گذارد یا معامله کند. مگر به لحاظ غبطه مولی علیه)) می فهمیم که هبه اموال مولی علیه ممنوع است، این مسأله با کدامیک از گزینه های زیر مطابقت دارد؟

۱) مفهوم مخالف

۲) مفهوم موافق اولویت

۳) مفهوم موافق ساده

۴) ۳ و ۲ صحیح است.

۲۱۲- در کدام گزینه حکم غایت با ما بعد آن مغایر است؟

۱) ماده ۶۸۰ قانون مدنی: ((در تمام اموری که وکیل تا قبل از رسیدن خبر عزل به او در حدود وکالت خود بنماید نسبت به موکل نافذ است.))

۲) ماده ۴۲۱ قانون مجازات اسلامی: ((دیه قطع دست تا آرنج پانصد دینار است.))

۳) ماده ۸۳۳ قانون مدنی: ((ورثه موصی نمی تواند در موصی به تصرف کند مادام که موصی له رد یا قبول خود را به آنها اعلام نکرده است.))

۴) ماده ۱۴۳ قانون آئین دادرسی مدنی: ((دادخواست دعوی متقابل باید تا پایان اولین جلسه دادرسی تقدیم شود....))

۲۱۳- ماده ۳۹۷ قانون مدنی مقرر می دارد: «هریک از متبایعین بعد از عقد فی المجلس و مادام که متفرق نشده اند اختیار فسخ معامله را دارند.» برداشت می کنیم که وقتی که متعاملین متفرق شده اند، خیار فسخ (خیار مجلس) از بین می رود، این برداشت مبتنی بر ... است.

(۱) مفهوم مخالف (۲) منطوق غیرصریح (۳) مفهوم غایت (۴) و (۳) صحیح است.

۲۱۴- ماده ۱۰۵۲ قانون مدنی مقرر می دارد: «عقد در حال احرام باطل است و با علم به حرمت موجب حرمت ابدی است.» حال تعیین کنید کدامیک از گزینه های زیر صحیح است؟

- (۱) این ماده جمله وصفیه است و مفهوم آن این است که عقد در حال غیراحرام صحیح است.
- (۲) این جمله شرطیه است و مفهوم آن این نیست که عقد در حال غیر احرام لزوماً صحیح است.
- (۳) این جمله وصفیه است و مفهوم آن این نیست که عقد در حال غیر احرام لزوماً صحیح است.
- (۴) این جمله شرطیه است و مفهوم آن این است که عقد در حال غیر احرام صحیح است.

۲۱۵- عبارت عدد در کدامیک از مواد قانونی زیر، مفهوم ندارد؟

- (۱) ماده ۸۵۷ قانون مدنی: موصی می تواند یک نفر را برای نظارت در عملیات وحی معین نماید.
- (۲) ماده ۹۹ قانون آئین دادرسی مدنی: «دادگاه می تواند جلسه دادرسی را به درخواست و رضایت اصحاب دعوی فقط برای یک بار به تأخیر بیندازد.
- (۳) قسمت اخیر تبصره الحاقی به ماده ۱۹ قانون ثبت اسناد و املاک «..... در صورتی که اقامتگاه مقرض معلوم نباشد، نظر واحد ثبتی یک نوبت در روزنامه ای که برای آگهی های ثبتی تعیین شده منتشر می گردد.....»
- (۴) تبصره ماده ۸ آئین نامه تعرفه حق الوکاله: چنانچه برای یک جرم چند مجازات پیش بینی شده باشد یک حق الوکاله تعلق می گیرد.

۲۱۶- ماده ۹ قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب سال ۱۳۸۳ مقرر می دارد: «هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت» از مفاد این ماده برمی آید که علت مخدوش بودن اقرار شکنجه است، حالیه دلالت شکنجه بر مخدوش بودن اقرار یک دلالت است.

(۱) دلالت مطابقه (۲) دلالت تنبیه و ایما (۳) دلالت تضمن (۴) دلالت اقتضاء
۲۱۷- ماده ۱۹۲ قانون مدنی مقرر می دارد: «در مواردی که برای طرفین یا یکی از آنها تلفظ ممکن نباشد، اشاره که مبین قصد و رضایت باشد کافی خواهد بود» قضیه مطروحه در این ماده بیانگر چه نوع دلالتی است؟

(۱) دلالت تنبیه و ایما (۲) دلالت تضمن
(۳) دلالت اقتضاء (۴) دلالت اشاره

۲۱۸- ماده ۴۷۴ قانون تجارت مقرر می دارد: «اگر اشخاصی نسبت به اموال متصرفی تاجر ورشکسته دعوی خیراتی دارند و صرف نظر از آن نمی کنند باید آن را در حین عمل ورشکستگی ثابت نموده و به موقع اجرا گذارند.» همچنین ماده ۴۷۵ مقرر می دارد: «حکم فوق درباره دعوی خیراتی نیز مجری خواهد بود که تاجر ورشکسته نسبت به اموال متصرفی خود یا دیگران دارد، مشروط بر این که بر ضرر طلبکار نباشد.» نسبت ماده ۴۷۵ قانون تجارت با ماده ۴۷۴ همان قانون چگونه است؟

(۱) قیاس مساوات (۲) منطوق غیرصریح
(۳) قیاس اولویت (۴) مفهوم مخالف

۲۱۹- از ماده ۲۷۳ قانون مدنی که می گوید: «اگر صاحب حق از قبول آن امتناع کند متعهد بوسیله تصرف دادن آن به حاکم یا قائم مقام او بری می شود.....» می فهمیم که اگر صاحب حق از قبول آن امتناع نوزد متعهد با به تصرف دادن آن نزد حاکم یا قائم مقام او بری نمی شود. حالیه تعیین کنید که در بحث مفهوم شرط چه چیزی مورد بحث قرار می گیرد؟

(۱) وابستگی جزا به شرط

(۲) تعیین نوع حکم در جزا

(۳) انتفای حکم جزا در فرض انتفای شرط

(۴) جعل حکم نقیض حکم جزا در فرض انتفای شرط

۲۲۰- در کدام گزینه دخول غایت در معنا مسلم نیست؟

(۱) ماده ۳۹۸ قانون مدنی: «اگر مبیع حیوان باشد مشتری تا سه روز از حین عقد اختیار فسخ معامله را دارد.

(۲) ماده ۸۷ قانون آئین دادرسی مدنی: «ایرادات و اعترافات باید تا پایان اولین جلسه دادرسی به عمل آید...»

(۳) بند الف ماده ۱۰۷ قانون آئین دادرسی مدنی: «خواهان می تواند تا اولین جلسه دادرسی به دادخواست خود را مسترد کند.

(۴) ماده ۱۲۷ قانون تجارت: «به ورشکستگی شرکت تضامنی بعد از انحلال نیز می توان حکم داد.

۲۲۱- کدامیک از عبارات (جملات) شرطیه زیر مفهوم دارد؟

(۱) ماده ۸۷۹ ق.م: «اگر بین وراثت، غایت مفقود الاثری باشد سهم او کنار گذارده می شود.

(۲) اگر شاخه درخت کسی داخل در فضای خانه یا زمین همسایه شود باید از آن جا عطف کند.

(۳) ماده ۱۹۵ قانون مدنی: اگر کسی در حال مستی یا بی هوشی یا در خواب معامله نماید آن معامله بواسطه فقدان قصد باطل است.

(۴) ماده ۳۶۰ قانون مدنی: «هرچیزی که فروش آن مستقلاً جایز است استثنای آن از مبیع نیز جایز است.»

۲۲۲- ماده ۳۱۶ قانون مدنی که می گوید: «اگر کسی مال مغضوب را از غاصب

غصب کند آن شخص نیز مثل غاصب سابق ضامن است اگرچه به غاصبیت

غاصب اولی جاهل باشد.» این ماده می تواند از مصادیق کدام گزینه زیر باشد؟

(۱) مفهوم مخالف (۲) قیاس مساوات

(۳) منطوق غیرصریح (۴) قیاس مساوات

۲۲۳- ماده ۳۳۶ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر می دارد: «مهلت درخواست

تجدیدنظر اصحاب دعوا، برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص

مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ یا انقضای مدت و خواهی است، برمی

آید که برای اشخاص مقیم ایران بعد از انقضای بیست روز از تاریخ ابلاغ حق

اعتراض و تجدیدنظر خواهی از بین می برد، این برداشت مصداق کدامیک از

موارد زیر است؟

(۱) مفهوم مخالف (۲) منطوق غیرصریح

(۳) جمله غایت (۴) ۳ و ۱ صحیح است.

۲۲۴- ماده ۸۴۰ قانون مدنی چنین مقرر می دارد: «وصیت بر صرف مال

در امر غیرمشروع باطل است.» می فهمیم که علت بطلان مصرف مال در

امر غیرمشروع است، این مسأله مصداق..... است.

(۱) منطوق غیرصریح (۲) مفهوم مخالف (۳) دلالت تنبیه و ایما (۴) دلالت اقتضاء

۲۲۵- از ماده ۶۱۵ قانون مدنی که مقرر می دارد: «امین در مقام حفظ مالی که

به او سپرده شده، مسوول وقایعی که دفع آن از اختیار او خارج باشد، نیست.»

بر می آید که امین در مقام حفظ مالی که به او سپرده شد، مسوول وقایعی که

دفع آن از اختیار او خارج باشد، نیست از طرفی برداشت می شود که امین در

مقام حفظ مالی که به او سپرده شده، مسوول وقایعی که دفع آن از اختیار او

خارج نباشد، است. این حالت به ترتیب بیانگر کدام مصداق زیر است؟

- (۱) منطوق، مفهوم مخالف
(۲) مفهوم موافق، مفهوم مخالف
(۳) مفهوم موافق، منطوق
(۴) مفهوم مخالف، منطوق

۲۲۶- از ماده ۳۹۸ قانون مدنی که می گوید: «اگر مبیع حیوان باشد، مشتری تا سه روز از حین عقد اختیار فسخ معامله را دارد.» برداشت می شود که بعد از انقضای سه روز چنین حقی (خیار حیوان) از بین می رود. حالیه پاسخ دهید که مبنای این برداشت چیست و با کدام از گزینه های زیر منطبق است؟

- (۱) مفهوم مخالف
(۲) مفهوم موافق
(۳) مفهوم غایت
(۴) و ۳ صحیح است.

۲۲۷- ماده ۱۸۶ قانون مدنی مقرر می دارد: «عقد جائز، عقدی است که هر یک از طرفین بتواند هر وقتی بخواهد آن را فسخ کند.» از طرفی ماده ۶۷۹ قانون مدنی چنین اشعار می دارد: «موکل می تواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند.» با جمع این دو ماده بر می آید که عقد وکالت، یک عقد جایز است، هرچند در هیچ یک از دو ماده صراحتاً چنین مقصودی بیان نشده است، این مسأله مصداق کدام دلالت است؟

- (۱) دلالت مطابقه (۲) دلالت اقتضاء (۳) دلالت تنبیه و ایما (۴) دلالت اشاره
۲۲۸- از اصل ۳۶ قانون اساسی که مقرر می دارد: «حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد، برمی آید که به جز دادگاه صالح، هیچ کس نباید حکم به مجازات و اجراء آن بدهد.» مبنای این برداشت چیست؟

- (۱) مفهوم شرط
(۲) مفهوم حصر
(۳) مفهوم غایت
(۴) مفهوم وصف

۲۲۹- ماده ۷۵۶ قانون مدنی مقرر می دارد: «حقوق خصوصی که از جرم تولید می شود ممکن است مورد صلح واقع شود، اگر از این ماده برداشت شود که: حقوق عمومی ناشی از جرم را نمی توان مورد صلح قرار داد، می گوئیم چنین برداشتی حجیت ندارد، دلیل آن کدام است؟

(۱) مفهوم وصف (۲) مفهوم شرط (۳) مفهوم استثناء (۴) مفهوم لقب
 ۲۳۰- اصل ۱۲۴ قانون اساسی مقرر می دارد: «رئیس جمهور می تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد.» حالیه اگر از این ماده چنین برداشت شود که غیر از رئیس جمهور هیچ کس نمی تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد، حجیت ندارد، دلیل عدم حجیت چنین برداشتی چیست؟

(۱) مفهوم شرط (۲) مفهوم وصف
 (۳) مفهوم حصر (۴) مفهوم لقب

۲۳۱- ماده ۳۳۵ قانون مدنی مقرر می دارد: «در صورت تصادف بین دو اتومبیل مسوولیت متوجه طرفی که تصادف در نتیجه عمد یا مسامحه او حاصل شده باشد خواهد بود.» عدد بکار رفته در این ماده مفهوم دارد یا خیر، چرا؟

(۱) مفهوم دارد، چون عدد مذکور حصری است.
 (۲) مفهوم ندارد، چون عدد مذکور تمثیلی است.
 (۳) مفهوم ندارد، چون عدد مذکور حصری است.
 (۴) مفهوم دارد، چون عدد مذکور تمثیلی است.

۲۳۲- ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی که می گوید: ((حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است: الف...ب...پ: قطع دست راست و پای چپ ت.....)) عبارت دست راست و پای چپ در این ماده بیانگر چه نوع دلالتی است؟

۱)التزام ۲)مطابقه ۳)تضمن ۴)اقتضاء

۲۳۳- ماده ۲۳۱ قانون امور حسبی مقرر می دارد: ((دیون مؤجل متوفی بعد از فوت حال می شود)) از اینکه قانونگذار حکم قانونی حال شدن دین مؤجل را در این ماده به موضوع فوت مدیون ربط داده است فهمیده می شود که علت این حکم فوت بدهکار است. این ماده مصداق است.

۱)دلالت اقتضاء ۲)دلالت اشاره ۳)منطوق صریح ۴)دلالت تنبیه و ایما

۲۳۴- اصل ۱۱۵ قانون اساسی یکی از شرایط رئیس جمهوری را ایرانی الاصل بودن مقرر نموده است از طرفی اصل ۱۰۹ همان قانون که در مقام احصاء شرایط رهبری است، شرط ایرانی الاصل بودن را ذکر نکرده است، پس قانون اساسی در خصوص تابعیت ایرانی یا ایرانی الاصل بودن رهبری سکوت کرده است، برخی از حقوقدانان شرط ایرانی الاصل بودن را قابل تسری به رهبری نیز می دانند، دلیل این استظهار چیست؟

۱)مفهوم مخالف اصل ۱۱۵ قانون اساسی ۲)قیاس مساوات

۳)قیاس اولویت ۴)منطوق غیرصریح

۲۳۵- در قسمت اخیر ماده ۲۶۲ قانون آئین دادرسی چنین آمده است: ((هرگاه کارشناس ظرف مدت معین نظر خود را کتباً تقدیم دادگاه ننماید، کارشناس دیگری تعیین می شود....)) برداشت می شود که اگر کارشناس در ظرف مدت معین نظر کارشناسی را کتباً تقدیم دادگاه نماید لزومی

ندارد که دادگاه کارشناس دیگری را تعیین نماید، حالیه معین کنید که دلیل این برداشت چیست؟

(۱) منطوق غیرصریح (۲) مفهوم موافق (۳) مفهوم شرط (۴) و ۱ صحیح است. ۲۳۶- ماده ۴۲۲ قانون مدنی مقرر می دارد: ((اگر بعد از معامله ظاهر شود که مبیع معیوب بوده مشتری مختار است در قبول مبیع معیوب با اخذ ارش یا فسخ معامله)) عبارت قبول مبیع، دلالت می کند بر تمام مبیع اعم از آنکه معیوب باشد یا آن قسمتی که معیوب نباشد، این امر بیانگر چه نوع دلالتی است؟

(۱) دلالت اقتضاء (۲) دلالت تضمن

(۳) دلالت مطابقه (۴) دلالت تنبیه و ایما

۲۳۷- از ماده ۶۷۵ قانون تعزیرات بر می آید که ((هرکس عمداً کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار یا هر محل مسکونی یا جنگل و به قصد مقابله با حکومت اسلامی، آتش بزند محارب محسوب می شود...)) از طرفی در ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی مجازات محاربه را یکی از چهار مجازات زیر قرار داده: الف- اعدام ب- صلب ج- قطع دست راست و پای چپ ت- نفی بله، از جمع این دو ماده در می یابیم که مقصود قانونگذار اعمال یکی از چهار مجازات محاربه برای مشمول ماده ۶۷۵ قانون تعزیرات در صورت مقابله با حکومت اسلامی است، این امر بیانگر

.....

(۱) دلالت مطابقه (۲) دلالت اقتضاء

(۳) دلالت اشاره (۴) منطوق صریح

۲۳۸- از ماده ۳۸۲ قانون تجارت که مقرر می دارد: ((ارسال کننده می تواند مادام که مال التجاره در ید متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارجی که متصدی حمل و نقل کرده و خسارات او پس بگیرد)) برداشت می شود امکان استرداد بعد از خروج از استیلاء متصدی حمل و نقل با شرایط مندرج در ماده ۳۸۲ وجود ندارد، این برداشت مصداق است.

(۱) مفهوم مخالف

(۲) مفهوم موافق

(۳) منطوق غیرصریح

(۴) قیاس مساوات

فصل چهارم: عام و خاص

۲۳۹- طبق ماده ۲۲ قانون ثبت احوال: « کلیه اتباع ایران باید دارای شناسنامه باشند.» این ماده مصداق است.

(۱) عام افرادی (۲) عام بدلی (۳) عام مجموعی (۴) گزینه ۱ و ۳ صحیح است.
 ۲۴۰- طبق ماده ۱۰۲۴ قانون مدنی: «اگر اشخاص متعدد در یک حادثه تلف شوند، فرض بر این می شود که همه آنها در آن واحد مرده اند.» مصداق می باشد.

(۱) عام افرادی (۲) عام مجموعی (۳) عام استغراقی (۴) گزینه ۱ و ۳ صحیح است.
 ۲۴۱- طبق ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی دختری که به سن بلوغ رسیده باشد برای ازدواج باید از پدر یا جد پدری خود اجازه کسب نماید؛ حکم مندرج در این ماده مصداق می باشد.

(۱) عام بدلی (۲) عام افرادی (۳) عام مجموعی (۴) هیچکدام.
 ۲۴۲- در صورت اختلاف در تخصیص یا نسخ حکم عام توسط حکم خاص در محیط شرع یا قانون، کدام احتمال مقدم است:

(۱) احتمال نسخ
 (۲) احتمال تخصیص
 (۳) احتمال سقوط هر دو حکم
 (۴) هیچ تقدمی وجود ندارد.

۲۴۳- اگر زمان حکم عام بر حکم خاص مقدم باشد:

(۱) در هر حال خاص، عام را تخصیص می زند.
 (۲) در هر حال خاص، عام را نسخ جزئی می زند.
 (۳) اگر زمان عمل به عام پیش از ورود خاص رسیده باشد، نسخ جزئی است.
 (۴) اگر زمان عمل به عام پیش از ورود خاص رسیده باشد، تخصیص است.

۲۴۴- اگر زمان عام معلوم، و زمان خاص مجهول باشد:

- ۱) هر دو ساقط می گردند.
- ۲) با اجرای اصل تأخر حادث، خاص مؤخر فرض می شود.
- ۳) با اجرای اصل تأخر حادث، عام مؤخر فرض می شود.
- ۴) هیچکدام.

۲۴۵- پس از فوت شخص الف دو وصیت نامه کاملاً متعارض از او پیدا می گردد که تاریخ تنظیم یکی از آنها سال ۱۳۸۵ است و تاریخ تنظیم دیگری مجهول است، در این حالت:

- ۱) به استناد اصل استصحاب عدمی، وصیت نامه سال ۱۳۸۵ معتبر است.
- ۲) به استناد اصل تأخر حادث، وصیت نامه سال ۱۳۸۵ معتبر است.
- ۳) به استناد اصل استصحاب عدمی، وصیت نامه مجهول التاريخ معتبر است.
- ۴) به استناد اصل تأخر حادث، وصیت نامه مجهول التاريخ معتبر است.

۲۴۶- رابطه دلیل خاص و مخصص بودن:

- ۱) عموم و خصوص مطلق است پس مخصص همیشه خاص است و هر خاصی مخصص نمی باشد.
- ۲) عموم و خصوص من وجه است پس مخصص همیشه خاص است و هر خاصی مخصص نمی باشد.
- ۳) عموم و خصوص مطلق است پس مخصص همیشه خاص است و هر خاصی مخصص است.
- ۴) عموم و خصوص من وجه است پس مخصص همیشه خاص است و هر خاصی مخصص است.

۲۴۷- ماده ۹۴۹ قانون مدنی: «در صورت نبودن هیچ وارث دیگر به غیر از زوج یا زوجه، شوهر تمام ترکه زن متوفای خود را می برد. لکن زن فقط نصیب خود را» مصداق:

- (۱) مخصص منفصل است. (۲) مخصص متصل شرطی است.
 (۳) مخصص متصل صفتی است. (۴) مخصص متصل غایت است.

۲۴۸- ماده ۸۳۳ قانون مدنی مقرر میدارد: «ورثه نمی تواند در موصی به تصرف کند مادام که موصی له رد یا قبول خود را به آنها اعلام نکرده است.» مصداق است.

- (۱) مخصص متصل غایت (۲) مخصص متصل صفتی
 (۳) مخصص متصل شرطی (۴) مخصص منفصل لفظی

۲۴۹- اجمال مخصص در کدام مورد به عام سرایت نمی کند:

- (۱) مخصص منفصل مفهومی باشد و تردید میان اقل و اکثر
 (۲) مخصص منفصل مفهومی باشد و تردید میان متباینین
 (۳) مخصص متصل باشد و اجمال از حیث مصداق باشد
 (۴) مخصص متصل مفهومی باشد و تردید میان متباینین

۲۵۰- در کدام نوع از انواع عام است که فردی غیرمعین از میان افراد و مصادیق مختلف منظور است؟

- (۱) عام افرادی (۲) عام مجموعی (۳) عام بدلی (۴) گزینه های ۲ و ۳ صحیح است.

۲۵۱- در صورت تردید در نوع عام تکلیف چیست؟

- (۱) اصل بر استغراقی بودن است. (۲) اصل بر مجموعی بودن است.
 (۳) غالباً اصل بر استغراقی بودن است. (۴) غالباً اصل بر مجموعی بودن است.

۲۵۲- اصل ۴۱ قانون اساسی ایران که مقرر می دارد: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند ...» مصداق می باشد.

(۱) عام استغراقی

(۲) عام بدلی

(۳) عام مجموعی

(۴) هیچکدام.

۲۵۳- ماده ۳۱۷ قانون مدنی که مقرر می دارد: « مالک می تواند عین و در صورت تلف شدن عین، مثل یا قیمت تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از غاصب اولی یا از هر یک از غاصبین بعدی که بخواهد مطالبه کند» مصداق عام می باشد.

(۱) بدلی

(۲) استغراقی

(۳) مجموعی

(۴) افرادی

۲۵۴- حکم عامی است که حتی با یک مخالفت، حکم انجام نمی شود؟

(۱) عام افرادی

(۲) عام مجموعی

(۳) عام احوالی

(۴) عام بدلی

۲۵۵- ماده ۳۹۷ قانون تجارت چنین اشعار می دارد: ((قائم مقام تجارتي ممکن است به چند نفر مجتمعاً داده شود با قید اینکه تا تمام امضاء نکنند تجارخانه ملزم نخواهد شد)) بیانگر عام است.

(۱) عام استغراقی

(۲) عام بدلی

(۳) عام افرادی

(۴) عام مجموعی

۲۵۶- در ماده ۳۴۸ قانون مدنی بعد از چند عبارت عام مخصص متصل (استثنایی) آمده است. مشخص کنید که عبارت خاص کدامیک از عمومات را تخصیص می زند؟ ماده ۳۴۸ ق.م: ((بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است و یا چیزی که مالیت یا منفعت عقلائی ندارد یا چیزی که با بیع قدرت بر تسلیم آن ندارد باطل است، مگر اینکه مشتری خود قادر بر تسلیم باشد))

(۱) بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است.

(۲) بیع چیزی که مالیت یا منفعت عقلائی ندارد.

(۳) بیع چیزی که با بیع قدرت بر تسلیم آن ندارد.

(۴) تمام عمومات فوق را تخصیص می زند.

۲۵۷- در مخصص منفصل مجمل به جهت مفهوم با دوران امر بین متباینین، مجمل چه حکمی دارد؟

(۱) مشمول حکم عام است، بنا بر این می توان به حکم عام تمسک کرد.

(۲) مشمول حکم خاص است و حکم مخصص بر آن جاری می شود.

(۳) نمی توان به عام استناد نمود بلکه باید به اصول و قواعد دیگر رجوع نمود.

(۴) با جمع عرفی می توان حکم مجمل را بدست آورد.

۲۵۸- در صورتیکه احتمال نسخ و تخصیص با هم باشد، تکلیف چیست؟

(۱) تخصیص ترجیح دارد.

(۲) نسخ ترجیح دارد.

(۳) هر دو به تعارض تساقط می کنند.

(۴) هر دو با هم جمع می شوند.

۲۵۹- اگر مخصص، مفهوماً و مصداقاً مجمل باشد، آیا موجب اجمال عام**نیز می گردد؟**

۱) اینگونه مخصص در صورتیکه متصل به عام باشد، موجب اجمال آن می شود.

۲) اینگونه مخصص به دلیل اجمال و ابهام از قابلیت استناد خارج بوده و عام را مجمل می کند.

۳) اینگونه مخصص عام را نیز از هر جهت مجمل و از قابلیت استناد می اندازد.

۴) اینگونه مخصص تنها نسبت به قدر متقین از آن، موجب اجمال عام می گردد.

۲۶۰- قانون خاصی که بعد از قانون عام وضع شده باشد، چه نسبتی با**عام دارد؟**

۱) مخصص قانون عام سابق است.

۲) ناسخ قانون عام سابق است.

۳) میان آن دو تعارض بوده و تساقط می کنند و حکم مورد باید از قواعد و اصول دیگر بدست آید.

۴) اگر قانون خاص بعد از زمان عمل به عام وضع شده باشد، ناسخ آن است و گرنه مخصص خواهد بود.

۲۶۱- کدامیک از عبارات زیر صحیح نیست؟

۱) عام پس از تخصیص از عمومیت خارج می شود.

۲) به نظر مشهور تخصیص اکثر در مواردی جایز است.

۳) اصل بر استغراقی بودن عام است.

۴) گزینه ۱ و ۲

۲۶۲- ماده ۱۳۲ ق.م که مقرر می دارد: ((کسی نمی تواند در مایملک

خود تصرفی نماید که مستلزم تضییع به همسایه باشد)) کلمه

((کسی)) بیانگر چه نوع عامی است؟

۱) عام استغراقی ۲) عام بدلی ۳) عام غیرافزادی ۴) عام مجموعی

۲۶۳- ماده ۱۰۷۸ ق.م: ((هر چیزی را که مالیت داشته باشد و قابل تملک باشد می توان مهر قرار داد)) از نوع

- (۱) تخصیص به شرط است.
 (۲) تخصیص به استثناء است.
 (۳) تخصیص به وصف است.
 (۴) تخصیص به غایت است.

۲۶۴- در نظام حقوقی ایران هرگاه خاص مقدم و عام موخر باشد، تکلیف چگونه معین شده است؟

- (۱) عام موخر ناسخ خاص مقدم است.
 (۲) یکی را بر دیگری ترجیح می دهیم.
 (۳) خاص مقدم مخصص عام مؤخر است.
 (۴) به حکم تساقط به اصول عملیه رجوع می کنیم.

۲۶۵- حدیث شریفه: ((کل شیء حلال حتی تعرف بالحرام)) بیانگر مخصص متصل از نوع است.

- (۱) استثناء (۲) غایت (۳) وصف (۴) شرط

۲۶۶- ماده ۳۰۸ ق.آ.د.ک(سابق) مقرر می دارد: ((از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون دادگاههای عمومی و انقلاب بر اساس این قانون عمل نموده و قانون آیین دادرسی کیفری مصب سال ۱۲۹۰ و اصلاحات بعدی آن و همچنین کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون نسبت به دادگاههای عمومی و انقلاب لغو می گردد.)) مفاد این ماده بیانگر

- (۱) نسخ ضمنی
 (۲) نسخ صریح نوعی
 (۳) نسخ صریح شخصی
 (۴) نسخ صریح شخصی و نوعی

۲۶۷- عبارت: ((دادگاه می تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا به تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید مگر در جرایم حدی)) بیانگر کدام واقعیت زیر است؟

- (۱) تخصیص
(۲) مخصص متصل استثناء
(۳) مخصص متصل شرط
(۴) تخصص

۲۶۸- در کدام حالت خاص موخر نمی تواند مخصص عام مقدم باشد؟

- (۱) خاص همزمان با عام برسد.
(۲) خاص پس از زمان عمل به عام برسد.
(۳) خاص پیش از زمان عمل به عام برسد
(۴) گزینه های ۱ و ۳ صحیح است.

۲۶۹- ماده ۴۴۵ قانون مدنی که می گوید: ((هر یک از خيارات بعد از فوت منتقل به وارث می شود.)) بیانگر کدام یک از انواع عام است؟

- (۱) عام استغراقی
(۲) عام مجموعی
(۳) عام احوالی
(۴) عام بدلی

۲۷۰- با وجود مخصص مجمل مفهومی و مصدق، استناد به عام چه حکمی دارد؟

- (۱) استناد به عام به دلیل سرایت اجمال در هر صورت نیز جایز نیست.
(۲) مخصص مجمل لازم الرعایه نبوده و عام قابل استناد است.
(۳) مخصص مجمل در صورت اتصال به عام مانع استناد به آن است.
(۴) مخصص مجمل در صورت انفصال مانع استناد به عام است.

۲۷۱- در کدامیک از موارد زیر تمسک به عام جایز نیست؟

- (۱) اجمال مخصص منفصل مفهومی دوران امر بین متباینین فقط در مورد تخصیص.
(۲) اجمال مخصص منفصل مفهومی دوران امر بین اقل و اکثر در غیر مورد تخصیص.
(۳) اجمال مخصص منفصل مفهومی دوران امر بین اقل و اکثر فقط در مورد تخصیص.
(۴) اجمال مخصص منفصل حتی در غیر مورد تخصیص.

۲۷۲- قانون خاصی که بعد از قانون عام وضع شده باشد چه نسبتی به عام دارد؟

- ۱) مخصص عام است
- ۲) ناسخ قانون عام است.
- ۳) میان آن دو تعارض بوده و تساقط می کنند و حکم مورد باید از قواعد و اصول دیگر بدست آید.
- ۴) گاهی مخصص و زمانی ناسخ عام است.

۲۷۳- کدامیک از عبارات زیر صحیح نیست؟

- ۱) در شبهه مصداقیه تمسک به عام در هیچ صورتی جایز نیست.
- ۲) در اجمال مخصص متصل تمسک به عام در هیچ صورتی جایز نیست.
- ۳) در شبهه مفهومیه تمسک به عام در هیچ صورتی جایز نیست.
- ۴) در دوران امر بین متباین تمسک به عام در هیچ صورتی جایز نیست.

۲۷۴- ماده ۲۶۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: ((اولیاء دم که قصاص و عفو در اختیار آنهاست همان ورثه مقتولند.....)) حال معین کنید به ترتیب حق قصاص و عفو بیانگر چه نوع عامی است؟

- | | |
|-------------------------|-------------------------|
| ۱) عام بدلی، عام مجموعی | ۲) عام افرادی، عام بدلی |
| ۳) عام مجموعی، عام بدلی | ۴) عام بدلی، عام افرادی |

۲۷۵- کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) فقط مفهوم موافق خاص می تواند منطوق عام را تخصیص بزند.
- ۲) فقط قیاس اولویت می تواند منطوق عام را تخصیص بزند.
- ۳) فقط مفهوم مخالف می تواند منطوق عام را تخصیص بزند.
- ۴) فقط مفاهیمی که حجیت دارند می توانند منطوق عام را تخصیص بزنند.

۲۷۶- ماده ۱۲۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: ((هر کس که قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید لکن جرم منظور واقع نشود چنانچه اقدامات انجام گرفته جرم باشد، محکوم به مجازات همان جرم می شود)) این ماده بیانگر چه نوع مخصص است؟

۱) مخصص منفصل عقلی

۲) مخصص متصل شرطی

۳) مخصص متصل استثنایی

۴) مخصص متصل وصفی

۲۷۷- آیا فحص وجستجو در خصوص وجود مخصص احتمالی لازم و ضروری است؟

۱) در هر صورت بله

۲) با استناد به اصالة العموم خیر

۳) اگر تردید در وجود مخصص متصل باشد با استناد به اصل لفظی اصالة العموم خیر

۴) اگر مخصص منفصل باشد خیر

۲۷۸- در کدامیک اجمال به عام سرایت نکرده لذا تمسک به عام در حالت تردید جایز است؟

۱) اجمال مخصص متصل مفهومی تردید بین اقل و اکثر

۲) اجمال مخصص منفصل مفهومی تردید بین اقل و اکثر

۳) اجمال مخصص منفصل مصداقی

۴) اجمال مخصص منفصل مفهومی تردید بین امور متباین

۲۷۹- در حقوق موضوعه ایران اگر قانون عام مؤخر معارض با قانون خاص مقدم باشد، چگونه رفع تعارض می گردد؟

۱) قانون عام موخر ناسخ قانون خاص مقدم است.

۲) قانون خاص مقدم مخصص قانون عام موخر است.

۳) قانون عام موخر ناسخ جزئی قانون خاص مقدم است.

۴) قانون خاص مقدم ناسخ جزئی قانون عام موخر است.

۲۸۰- این عبارت که: ((عنوان عام، از همان اول امر، بدون اینکه تخصیص بخورد، فی نفسه شامل برخی افراد که خروج موضوعی دارند نمی شد)) مبین تعریف کدامیک از اصطلاحات زیر است؟

۱) خاص (۲) نسخ (۳) تخصیص (۴) تخصص

۲۸۱- عبارت زیر در تعریف کدامیک از اقسام عام است؟ ((عامی است که در واقع یک فرد از افراد عام، موضوع حکم است اما آن یک فرد، تعیین نشده طوری که قابل انطباق و صدق با هر فردی از افراد عام است))

۱) عام استغراقی (۲) عام مجموعی (۳) عام بدلی (۴) عام اطلاقی

۲۸۲- استعمال عام در باقی مانده (غیرمورد تخصیص) بعد از تخصیص است و هم چنین عام در باقی مانده

۱) حقیقت - حجت است. (۲) مجاز - حجت نیست.

۳) مجاز - حجت است. (۴) حقیقت - حجت نیست.

۲۸۳- در کدامیک از موارد زیر یقیناً نمی توانیم در موارد مشکوک به عموم عام تمسک کنیم؟

۱) اجمال مخصص منفصل لبی بطور مطلق (۲) اجمال مخصص متصل بطور مطلق

۳) اجمال مخصص منفصل بطور مطلق (۴) اجمال مخصص متصل بطور نسبی

۲۸۴- عبارت: (ما من عام الا و قد خصّ مبین) کدام واقعیت زیر است؟

- ۱) فحوص و جستجو راجع به مخصص منفصل احتمالی تا حد اطمینان لازم و ضروری است.
- ۲) فحوص و جستجو راجع به مخصص متصل تا حد ظن غالب لازم و ضروری است.
- ۳) فحوص و جستجو راجع به مخصص منفصل تا حد ظن غالب لازم و ضروری است.
- ۴) فحوص و جستجو راجع به مخصص متصل تا حد اطمینان لازم و ضروری است.

۲۸۵- در کدامیک از موارد زیر می توانیم در موارد مشکوک و مازاد بر حد**یقینی بر عمومیت عام عمل کرد:**

- ۱) اجمال مخصص منفصل مفهومی با تردید بین اقل و اکثر
- ۲) اجمال مخصص متصل مفهومی با تردید بین امور متباین
- ۳) اجمال مخصص منفصل مفهومی با تردید بین متباینین
- ۴) اجمال مخصص متصل مفهومی با تردید بین اقل و اکثر

۲۸۶- در قسمت اخیر ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی چنین آمده است:**((..... هرگاه متضررین از جرم متعدد باشند تعقیب جزایی با شکایت****هریک از آنان شروع می شود ولی موقوفی تعقیب، رسیدگی و مجازات****موکول به گذشت تمام کسانی است که شکایت کرده اند)) عمومات بکار****رفته در این ماده به ترتیب چه نوع عامی هستند؟**

- ۱) عام افرادی - عام مجموعی
- ۲) عام بدلی - عام مجموعی
- ۳) عام استغراقی - عام بدلی
- ۴) عام بدلی - عام افرادی

۲۸۷- ماده ۲۷۷ قانون مدنی مقرر می دارد: ((متعهد نمی تواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید ولی حاکم می تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط دهد.)) بیانگر چه نوع مخصص متصلی است؟

۱) مخصص متصل غایی

۲) مخصص متصل وصفی

۳) مخصص متصل شرطی

۴) مخصص متصل استثنایی

۲۸۸- اینکه ماده ۸۵۱ قانون مدنی مقرر می دارد که: ((وصیت برای حمل صحیح است لیکن تملیک او منوط است بر اینکه زنده متولد شود)) بیانگر کدام گزینه زیر است؟

۱) مخصص متصل شرطی

۲) تخصص

۳) نسخ جزئی

۴) مخصص متصل استثنایی

۲۸۹- ماده ۱۵ قانون مسوولیت مدنی چنین اشعار می دارد: ((کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت بدنی یا مالی شخص متعدی باشد مسوول خسارت نیست مشروط بر اینکه خسارت وارده بر حسب متعارف متناسب با دفاع باشد.)) این ماده در قسمت اخیر خود مبین چه شکلی از اشکال مخصص متصل است؟

۱) غایت

۲) وصف

۳) استثناء

۴) شرط

۲۹۰- از ماده ۸۴۳ قانون مدنی که مقرر می دارد: ((وصیت به زیاده بر ثلث ترکه نافذ نیست مگر با اجازه ی وارث)) درمی یابیم که عام بکار رفته در این ماده است.

۱) عام افرادی

۲) عام مجموعی

۳) عام بدلی

۴) عام اطلاقی

۲۹۱- ماده ۹۶۱ قانون مدنی اصل را بر متمتع شدن بیگانگان از حقوق مدنی (خصوصی) جامعه ایرانی قرار داده، این در حالی است که قانون استملاک اتباع بیگانه در ایران، این افراد را از تملک اراضی مزروعی منع نموده است، راجع به املاک مزروعی مردد بین احتمالات هستیم، یک احتمال اراضی کشاورزی و احتمال دوم سایر اراضی است، حالیه در این مشکوک (اینکه آیا املاک مزروعی قابل تسری به سایر اراضی مثلاً مزارع پرورش شترمرغ است یا خیر) تکلیف چیست؟

۱) در مورد سایر اراضی (مزرعه پرورش شترمرغ) هم می توان به قانون استملاک اتباع بیگانه رجوع کرد و اتباع بیگانه را از استملاک آن ممنوع کرد.

۲) در مورد سایر اراضی (مزرعه پرورش شترمرغ) نه می توان به خصوص مخصص عمل کرد و نه به عموم عام بلکه باید رفت سراغ موازین دیگر من جمله اصول عملیه.

۳) در مورد سایر اراضی (مزرعه پرورش شترمرغ) که در مزروعی بودن آن شک داریم می توانیم به عمومیت عام (ماده ۹۶۱) تمسک جست و خارجیان را از استملاک آن منع نکرد.
۴) هیچکدام.

۲۹۲- ماده ۶ قانون مدنی مقرر می دارد: ((قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص وارث در مورد اتباع ایران ولو اینکه مقیم در خارجه باشند مجری خواهد بود.)) اما از طرفی قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیهه مصوب ۱۳۱۲ راجع به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیرشیهه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده قواعد و عادات مسلمه و متدواله در مذهب آنان را جاری می داند؛ حال نسبت بین ماده واحده راجع به احوال شخصیه ایرانیان غیرشیهه و ماده ۶ قانون مدنی چگونه است؟

۴) مقید

۳) تخصص

۲) تخصیص

۱) نسخ

۲۹۳- ماده ۵۸۹ قانون مدنی مقرر می دارد: «هر شریک المال می تواند هر وقت بخواهد تقاضای تقسیم مال مشترک را بنماید» این ماده بیانگر چه نوع عامی است؟

(۱) عام بدلی (۲) عام اطلاقی (۳) عام افرادی (۴) عام مستفاد از اطلاق
۲۹۴- ماده ۱۸ قانون تخلفات اداری که می گوید: «یک وزارتخانه ها، سازمانها و موسسات، شرکتهای دولتی و.... شامل این قانون هستند» عام بکار رفته در این ماده چه نوع است؟

(۱) عام استغراقی (۲) عام مجموعی
 (۳) عام بدلی (۴) ۲ و ۱ صحیح است.
۲۹۵- عدم جواز تمسک به عام قبل از فحص از وجود مخصص در مورد کدامیک از گزینه های زیر صادق است؟

(۱) تردید در وجود مخصص متصل
 (۲) تردید در وجود مخصص منفصل
 (۳) تردید در وجود هر نوع مخصص اعم از متصل و منفصل
 (۴) هیچکدام.

۲۹۶- آیا تخصیص عام بوسیله مفهوم مخالف قانون دیگر، امکان دارد؟
 (۱) خیر، زیرا مفهوم مخالف اظهاریت ندارد.

(۲) مفهوم مخالف تنها در جمله های شرطیه می تواند قانون عام را تخصیص دهد.
 (۳) آری، مفهوم خاص، می تواند منطوق قانون عام را تخصیص دهد، مشروط به اینکه حجیت داشته باشد.

(۴) منطوق عام یا مفهوم مخالف هر کدام که اقوی است مقدم شمرده می شود.

۲۹۷- هرگاه تردید کنیم که عبارت عامی تخصیص خورده یا نه، اینکه مخصص یا استثناء بعد از چند عبارت عام کدامیک را تخصیص زده و اینکه آیا مفهوم عبارت خاص (مفهوم مخصص) منطوق عام را می تواند تخصیص زند، به ترتیب اصل بر کدام حالت است؟

(۱) اصل بر این است که عبارت عام تخصیص نخورده (اصاله العموم)، تمام عبارات عام تخصیص خورده، و مفهوم مخصص اصل بر این است که منطوق عام را تخصیص می زند.

(۲) اصل بر این است که عبارت عام تخصیص نخورده (اصاله العموم)، فقط عبارت عام آخری تخصیص خورده، و مفهوم مخصص اگر موافق باشد منطوق عام را تخصیص می زند.

(۳) اصل بر این است که عبارت عام تخصیص خورده (ما من عام الا وقد خص)، تمام عبارات عام تخصیص خورده، و مفهوم مخصص عبارت عام را تخصیص می زند.

(۴) اصل بر این است که عبارت عام تخصیص خورده (ما من عام الا وقد خص)، فقط عبارت عام اولی تخصیص خورده، و فقط مفهوم مخالف عبارت عام را تخصیص می زند.

۲۹۸- ماده ۵۹۰ قانون تجارت مقرر می دارد: «اقامتگاه شخص حقوقی

محلّی است که اداره شخص حقوقی در آن جا است.» از طرفی قسمت

اخیر ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی می گوید: «اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز

عملیات آنها خواهد بود.» حالیه تعیین کند، نسبت ماده ۵۹۰ قانون تجارت

با ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی چگونه است؟

(۱) تخصیص (۲) مقید (۳) نسخ (۴) تخصص

۲۹۹- ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی (جدید) مقرر می دارد: «کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون از جمله قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مواد ۶۲۵ تا ۶۲۹ و مواد ۷۲۶ تا ۷۲۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵، قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ و قانون تعریف محکومیت های موثر در قوانین جزایی مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات

و الحاقات بعدی آنها نسخ می گردد...» این ماده بیانگر چه نوع نسخی است؟

- (۱) نسخ صریح شخصی
(۲) نسخ ضمنی
(۳) نسخ صریح نوعی
(۴) نسخ صریح شخصی و نوعی

۳۰۰- ماده ۵ قانون آئین دادرسی مدنی چنین مقرر می دارد: «آرای دادگاه ها قطعی است مگر در موارد مقرر در باب چهارم این قانون یا در مواردی که به موجب سایر قوانین قابل نقض یا تجدید نظر باشند.» این ماده بیانگر...

- (۱) اجمال مخصص متصل لفظی
(۲) تخصیص اکثریت از دایره عام
(۳) مخصص منفصل عقلی
(۴) شبهه مصداقیه در مخصص متصل

۳۰۱- ماده ۲۰۷ قانون امور حسبی چنین اشعار می دارد: «درخواست تحریر ترکه از ورثه یا نماینده قانونی آنها و وصی برای اداره اموال پذیرفته می شود.» بیانگر کدام قسم از اقسام عام است؟

- (۱) عام افرادی
(۲) عام مجموعی
(۳) عام بدلی
(۴) عام مطلق

۳۰۲- ماده ۲۴۷ قانون امور حسبی مقرر می دارد: «وارثی که ترکه را قبول کرده است مادامی که تصرف در ترکه نکرده، می تواند رد نماید.» این ماده بیانگر کدام نوع مخصص متصل است؟

- (۱) استثناء
(۲) شرط
(۳) غایت
(۴) وصف

۳۰۳- ماده ۸۷۴ قانون مدنی مقرر می دارد: «اگر اشخاصی که بین آنها توارث باشد بمیرند و تاریخ فوت یکی از آنها معلوم و دیگری از حیث تقدم و تأخر مجهول باشد فقط آن که تاریخ فوتش مجهول است از آن دیگری ارث می برد.» این ماده بیانگر..... است.

- (۱) اصل تاخر حادث
(۲) اصل اصاله العموم
(۳) اصل تراحم
(۴) اصل تاخر جاری

۳۰۴- سرنوشت عام پس از تخصیص چگونه است؟

(۱) عام به طور کلی از قابلیت استناد می افتد.

(۲) عام از عمومیت نمی افتد.

(۳) عام در غیر مورد تخصیص همچنان قابل استناد است.

(۴) خللی به محدوده عام وارد نمی سازد.

۳۰۵- ماده ۸ قانون مدنی مقرر می دارد: « اموال غیرمنقول که اتباع خارجه در

ایران بر طبق عهود تملک کرده یا می کنند از هر جهت تابع قوانین ایران خواهد بود» از طرفی ماده ۹۶۷ همان قانون چنین اشعار می دارد: ترکه منقول و غیرمنقول اتباع خارجه که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اصلیه از قبیل قوانین مربوط به تعیین وارث و مقدار سهم الارث آنها و تشخیص قسمتی که متوفی می توانسته است به موجب وصیت تملک نماید، تابع قانون دولت متبوع متوفی خواهد بود.» حالیه معین کنید، نسبت ماده ۹۶۷ به ماده ۸ چیست؟

(۱) مخصص آن است.

(۲) مفسر آن است.

(۳) ناسخ آن است.

(۴) مکمل آن است.

۳۰۶- ماده ۵۱۶ قانون مدنی متصدی حمل و نقل را در صورت تعدی و

تفریط مسوول می داند(ید امانی) اما این در حالی است که ماده ۳۸۸ قانون تجارت متصدی حمل و نقل را مسوول حوادث و تقصیرات می داند اعم از اینکه مستند به فعل او یا دیگری باشد(ید ضمانی)، حالیه معین کنید ماده ۳۸۸ قانون تجارت چه نسبتی با ماده ۵۱۶ قانون مدنی دارد؟

(۱) ناسخ آن است.

(۲) مقید آن است.

(۳) مخصص آن است.

(۴) مکمل آن است.

۳۰۷- ماده ۱۱۵۹ ق.م.می گوید: ((هر طفلی که بعد از انحلال نکاح متولد شود ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه مادر هنوز شوهر نکرده باشد)) چه نوع مخصص متصلی است؟

(۱) شرط (۲) استثناء (۳) غایت (۴) صفت

۳۰۸- ماده ۹۵۸ ق.م.می گوید: ((هر انسانی متمتع از حقوق مدنی خواهد بود)) اما ماده ۹۶۱ ق.م.اتباع خارجه را از حقوقی که مختص جامعه ایرانیان است محروم می کند، حال مشخص کنید که ماده ۹۶۱ چه نسبتی با ماده ۹۵۸ دارد؟

(۱) ناسخ آن است. (۲) مخصص آن است. (۳) مقید آن است. (۴) مبین آن است.
۳۰۹- ماده ۱۱۶۸ ق.م.مقرر می دارد: ((نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است)) از طرفی ماده ۱۱۷۷ ق.م.چنین می گوید: ((طفل باید مطیع ابویین خود بوده و در هر سنی که باشد باید به آنها احترام کند)) در این دو ماده الفاظ اطفال و طفل به ترتیب دلالت بر دارند.

(۱) مطلق، عام (۲) عام، مطلق (۳) عام، مخصص (۴) مطلق، مقید

۳۱۰- ماده ۱۵۱ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر می دارد: ((قاضی از هریک از شهود و مطلعین جداگانه و بدون حضور متهم، تحقیق می نماید)) و همچنین ماده ۱۸۳ همان قانون می گوید: ((به اتهامات متعدد متهم باید توأمآ رسیدگی شود)) به ترتیب بیانگر چه نوع عامی است؟

(۱) عام افرادی - عام مجموعی (۲) عام افرادی - عام بدلی
(۳) عام مجموعی - عام افرادی (۴) عام بدلی - عام مجموعی

۳۱۱- ماده ۲۳۲ قانون امور حسبی که می گوید: ((دعوا بر میت اعم از دین یا عین باید به طرفیت ورثه و یا نماینده قانونی آنها اقامه شود، هرچند ترکه در ید وارث نباشد لکن مادامی که ترکه بدست آنها نرسیده است مسوول ادای دیون نخواهند بود.)) تخصیص بکار رفته در این ماده بیانگر کدام نوع مخصص متصل است؟

(۱) استثناء (۲) غایت (۳) شرط (۴) وصف

۳۱۲- برابر ماده ۶۹۸ ق.م مقرر می دارد: ((بعد از اینکه ضمان به طور صحیح واقع شد ذمه مضمون عنه بری و ذمه ضامن به مضمون له مشغول می شود)) مطابق ماده ۲۴۹ قانون تجارت: ((برات دهنده و کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویس ها در مقابل دارنده مسوولیت تضامنی دارند. دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می تواند به هر کدام از آنها منفرداً یا به چند نفر یا به تمام آنها مجتمعاً رجوع نماید. ...)) راجع به نسبت بین ماده ۲۴۹ قانون تجارت و حکم ماده ۶۹۸ قانون مدنی از جهت ضمانت و مسوولیت مدیون اصلی و ضامن کدام عبارت غلط است؟

(۱) خاص و مخصص آن نیست.

(۲) خاص است ولی ناسخ آن است.

(۳) قاعده الجمع مهما امکن اولی من الطرح قابل اعمال نیست.

(۴) ماده ۲۴۹ قانون تجارت فقط برای اسناد تجاری است.

۳۱۳- مطابق ماده ۱۱۳۳ ق.م : ((مرد می تواند هروقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد.)) و برابر ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوطه به طلاق مصوب سال ۱۳۷۱ ((از تاریخ تصویب این قانون زوج هایی که قصد طلاق و جدایی از یکدیگر را دارند بایستی جهت رسیدگی به

اختلافات خود به دادگاه مدنی خاص (دادگاه خانواده) مراجعه و اقامه دعوی نمایند، چنانچه اختلافات فی مابین از طریق دادگاه حل و فصل نگردید، دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش آنان را به دفاتر رسمی طلاق خواهد فرستاد ...) در خصوص نسبت بین دو ماده مزبور کدام عبارت صحیح است؟

۱) ماده ۱۱۳۳ ق.م. عام سابق و ماده واحده اصلاح قانون طلاق عام لاحق است و چون عام لاحق نسخ سابق نمی باشد، حکم ماده واحده معتبر می باشد.

۲) ماده ۱۱۳۳ ق.م. خاص لاحق و ماده واحده عام سابق است و چون خاص لاحق، عام سابق را تخصیص می زند، حکم ماده معتبر نمی باشد.

۳) ماده ۱۱۳۳ ق.م. عام سابق و ماده اصلاحی خاص لاحق است چون عام لاحق نسخ سابق است، لذا حکم ماده واحده معتبر نمی باشد.

۴) ماده ۱۱۳۳ ق.م. عام سابق و ماده واحده اصلاح قانون طلاق خاص لاحق است، در این حالت خاص لاحق نسخ عام سابق است.

۳۱۴- ماده ۱۷ آیین نامه قانون ثبت املاک مصوب ۱۳۱۷ مقرر می دارد: ((در مورد املاک مشاع اگر بعضی از مالکین نسبت به اعیانی ها حق را گواهی کرده و بعضی گواهی نکرده اند نسبت به اعیانی ها از رعایا اظهارنامه پذیرفته شده و مالکین که حق مزبور را گواهی نکرده اند معترض شناخته می شوند)) این ماده مصداق چه نوع عامی است؟

- | | |
|---------------|------------------------|
| ۱) عام بدلی | ۲) عام مجموعی |
| ۳) عام افرادی | ۴) عام بدلی و استغراقی |

فصل پنجم: مجمل و مبین، مطلق و مفید

۳۱۵- طبق ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی: «شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند.» در صورتی که شک کنیم که این حکم شامل نکاح موقت نیز می گردد یا خیر، تکلیف چیست؟

(۱) به استناد اصاله الاطلاق شامل نکاح موقت نیز می گردد.

(۲) به استناد اصاله العموم شامل نکاح موقت نیز می گردد.

(۳) به استناد اصل عدم شامل نکاح موقت نمی گردد.

(۴) به استناد اصل استصحاب عدمی شامل نکاح موقت نمی گردد.

۳۱۶- کدام نوع از انصراف مانع اطلاق کلام نیست؟

(۱) انصراف به جهت کثرت استعمال

(۲) انصراف ظهوری

(۳) انصراف بدوی

(۴) هیچکدام

۳۱۷- ماده ۷۷۸ قانون مدنی مقرر میدارد: «اگر شرط شده باشد که مرتهن حق فروش عین مرهونه را ندارد باطل است.» در اینجا نمی دانیم منظور از باطل شامل عقد است یا شرط یا هر دو. این ماده مصداق:

(۱) نص است.

(۲) ظاهر است.

(۳) مجمل است.

(۴) مؤول است.

۳۱۸- ماده ۱۷۹ قانون مدنی مقرر می دارد: ((شکار کردن موجب تملک است.)) اما در ماده ۱۸۰ همین قانون آمده است: ((شکار حیوانات اهلی و حیوانات دیگری که علامت در آن باشد، موجب تملک نمی شود.)) در این تعارض و تنافی کدامیک اعمال می شود؟

۱) ماده ۱۷۹ ق.م.، چون مطلق است.

۲) ماده ۱۸۰، چون مقید است.

۳) هر دو تساقط نموده و به اصول عملیه رجوع می کنیم.

۴) هیچکدام از گزینه ها صحیح نمی باشد.

۳۱۹- اگر لفظی ظهور قوی و اطمینان بخشی در یک معنا داشته باشد، ولی معنای دیگر هم در مورد آن بصورت ضعیف محتمل باشد، به این حالت چه گویند؟

۱) نص (۲) ظاهر (۳) اجمال (۴) مؤول

۳۲۰- عبارت نکاح در ماده ۱۰۶۲ ق.م. که مقرر می دارد: ((نکاح واقع می شود به ایجاب و قبول، به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید)) چیست؟

۱) مطلق نکاح اعم از دائم و منقطع (۲) نکاح دائم

۳) مقید به نکاح منقطع (۴) هیچکدام

۳۲۱- حمل مطلق بر مقید در موردی که بین مطلق و مقید تباین باشد و عمل به تظاهر هر دو مقدور نگردد به معنی

۱) منسوخ دانستن مطلق است.

۲) ترجیح مطلق بر مقید است.

۳) انصراف از ظهور مقید و عمل کردن به مطلق است.

۴) انصراف از ظهور مطلق و محدود کردن مطلق به مقید است.

۳۲۲- ماده ۱۷۹ ق.م مقرر می دارد: ((شکار کردن موجب تملک است)) و ماده ۱۸۰ همان قانون چنین اشعار می دارد: ((شکار حیوانات اهلی و حیوانات دیگری که علامت مالکیت در آن باشد، موجب تملک نمی شود)) در تعارض بین این دو ماده چگونه رفتار می کنیم؟

(۱) مطلق شکار موجب تملک است.

(۲) فقط شکار حیوانات غیر اهلی و غیر مملوک سبب تملک است.

(۳) اصولاً شکار موجب تملک نیست مگر در حالت استثنایی

(۴) هر دو ماده تساقط نموده و به اصول عملیه رجوع می کنیم.

۳۲۳- ثمره نزاع بین صحیحی ها و اعمی ها در تمسک به کدام اصل ظاهر می شود و کدامیک به آن تمسک می جویند؟

(۱) اصله الاطلاق - صحیحی ها

(۲) تبادر - اعمی ها

(۳) اصله الاطلاق - اعمی ها

(۴) تبادر - صحیحی ها

۳۲۴- ((لفظ یا عبارتی است که معنای آن روشن باشد و ابهامی در آن نباشد)) بیانگر کدامیک از گزینه های زیر است؟

(۱) مبین (به فتح یاء مشدد)

(۲) مبین (به کسر یاء مشدد)

(۳) متشابه

(۴) ۱ و ۲ صحیح است.

۳۲۵- اصل در مطلق است.

(۱) افرادی بودن

(۲) بدلی بودن

(۳) هیچکدام

۳۲۶- کدام یک جزء مبینات هستند.

(۱) مجملات

(۲) نصوص

(۳) ظواهر

(۴) گزینه ۲ و ۳ صحیح است.

۳۲۷- ماده ۱۰۷۱ ق.م مقرر می دارد: ((هر یک از مرد و زن می تواند برای عقد نکاح وکالت به غیر دهد))

(۱) این ماده درصدد بیان جواز توکیل در عقد نکاح است.

(۲) این ماده درصدد بیان شرایط و جواز توکیل در عقد نکاح است.

(۳) این ماده درصدد بیان حکم وکالت برای هر کسی از جمله صغار نیز می باشد.

(۴) هیچکدام از موارد بالا نمی تواند صحیح باشد.

۳۲۸- در صورت تعارض بین عام و مطلق

(۱) تقدم با مطلق است، زیرا دلالت مطلق بر اطلاق ناشی از مقدمات حکمت است.

(۲) تقدم با عام است، زیرا دلالت عام غالباً جنبه بدلی دارد.

(۳) تقدم با مطلق است، زیرا دلالت مطلق بر اطلاق وضعی است و دلالت عام بر عموم ناشی از مقدمات حکمت است.

(۴) تقدم با عام است، زیرا دلالت عام بر عموم یقینی است اما دلالت مطلق بر اطلاق ظنی است.

۳۲۹- عبارت ((ما لم یحتمل له سوی معنی واحد)) تعریف کدام اصطلاح لفظی است؟

(۱) ظاهر (۲) نص (۳) مجمل (۴) مؤول

۳۳۰- ماده ۴ قانون مدنی مقرر می دارد: « اثر قانون نسبت به آتیه است.» لفظ قانون در این ماده است.

(۱) عام (۲) مقید (۳) مطلق (۴) مخصص

۳۳۱- ماده ۸۵۲ قانون مدنی مقرر می دارد: ((اگر حمل در نتیجه جرمی سقط شود موصی به، به ورثه او می رسد)) از ظاهر این ماده بر می آید که سقط مرده دنیا آمده است ولی این ظاهر و پندار با قواعد حقوقی ناسازگار است، این مسأله بیانگر کدامیک از حالات زیر است؟

(۱) نص (۲) ظاهر (۳) اجمال (۴) مأول

۳۳۲- عبارت ((معلق)) در ماده ۱۲۶۸ که مقرر می دارد: ((اقرار معلق مؤثر نیست)) چیست؟

(۱) مقید(به فتح یاء) (۲) مقید(به کسر یاء) (۳) مخصّص (۴) مخصّص
۳۳۳- انصراف به جهت کثرت وجود

(۱) مانع اطلاق است. (۲) مانع اطلاق نیست.

(۳) مسأله تابع اصول عملیه است. (۴) مسأله تابع عدم وجود قدرمتیقن است.

۳۳۴- در ماده ۱۱۹۱ قانون مدنی که مقرر می دارد: ((ولی مسلم نمی تواند برای امور مولی علیه خود وصی غیرمسلم معین کند....)) به ترتیب عبارات وصی و غیرمسلم هستند.

(۱) مقید (به کسر یاء) و مقید(به فتح یاء) (۲) مطلق و مقید
(۳) مخصّص (۴) مخصّص

۳۳۵- در کدام حالت ظهور در احتمال قوی تر است؟

(۱) نص (۲) ظاهر (۳) مجمل (۴) مؤول

۳۳۶- کدامیک از مقدمات حکمت محسوب نمی شود؟

(۱) عدم وجود قرینه تقیید (۲) در مقام بیان بودن

(۳) انصراف (۴) امکان اطلاق و تقیید

۳۳۷- ماده ۷۲ قانون آئین دادرسی مدنی که مقرر می دارد: (هرگاه معلوم شود محلی را که خواهان در دادخواست معین کرده است نشانی خوانده نبوده یا قبل از ابلاغ تغییر کرده باشد مامور ابلاغ باید ظرف دو روز اوراق را عودت دهد.....) مطابق این ماده اگر دادخواست و ضمائم آن به نشانی اعلامی خوانده از سوی خواهان ابلاغ گردد که می تواند نشانی

درست نباشد، این مسأله بیانگر کدامیک از حالات زیر است:
 (۱) قطع - نص (۲) ظاهر (۳) مجمل (۴) موول
 ۳۳۸- ماده ۲۸ قانون مدنی مقرر می دارد: « اموال مجهول المالک با اذن حاکم
 یا مأذون از قبل او به مصارف فقرا می رسد.» در خصوص لفظ حاکم در این ماده
 چه وضعیتی حکم فرماست؟

(۱) نص (۲) ظاهر (۳) اجمال (۴) موول
 ۳۳۹- ماده ۸۶۱ قانون مدنی چنین اشعار می دارد: « موجب ارث دو امر
 است: نسب و سبب» این ماده بیانگر کدام وضعیت زیر است؟
 (۱) نص (۲) ظاهر (۳) اجمال (۴) موول
 ۳۴۰- ماده ۸۸۰ قانون مدنی مقرر می دارد: « قتل از موانع ارث است.
 بنابراین کسی که مورث خود را عمداً بکشد از ارث او ممنوع می شود....»
 اما این در حالی است که ماده ۸۸۱ قانون مدنی مقرر می دارد: «در
 صورتی که قتل عمدی مورث به حکم قانون یا برای دفاع باشد مفاد ماده
 فوق مجری نخواهد بود» حالیه معین کنید که حکم کدام ماده اعمال می
 شود؟ چرا؟

(۱) حکم ماده ۸۸۱ را جاری می سازیم بدلیل آنکه مطلق را حمل بر مقید می کنیم.
 (۲) حکم ماده ۸۸۰ را جاری می سازیم بدلیل آنکه مطلق را حمل بر مقید می کنیم.
 (۳) حکم ماده ۸۸۱ را جاری می سازیم بدلیل آنکه مقید را حمل بر مطلق می کنیم.
 (۴) حکم ماده ۸۸۰ را جاری می سازیم بدلیل آنکه مقید را حمل بر مطلق می کنیم.

۳۴۱- در مقدمه حکمت بودن کدامیک تردید وجود دارد؟
 (۱) امکان اطلاق و تقلید (۲) نبودن قرینه تقیید
 (۳) در مقام بیان بودن متکلم (۴) انصراف بدوی

۳۴۲- ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی مقرر می دارد: « نکاح مسلمه با غیرمسلم جایز نیست،» در این ماده عبارت مسلمه (زن مسلمان) در کشور ایران منصرف است به مذهب شیعه حالیه معین کنید دلیل این امر چیست و آیا در این حالت امکان اطلاق وجود دارد یا خیر؟

(۱) نبودن قدر متیقن به امکان اطلاق وجود دارد و شامل تمام مسلمانان اعم از شیعه و سنی می شود.

(۲) بدلیل انصراف وجودی (بدوی)، امکان اطلاق وجود دارد و شامل تمام مسلمانان اعم از شیعه و سنی می شود.

(۳) بدلیل انصراف ظهوری (انصراف به علت کثرت استعمال)، امکان اطلاق وجود ندارد و مقید به شیعه است.

(۴) بدلیل انصراف بدوی، امکان اطلاق وجود ندارد و مقید به مصداق اکمل و اجمل است.

۳۴۳- اصل ۳۵ قانون اساسی مقرر می دارد: «در همه دادگاهها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.» حال معین کنید کدامیک از گزینه های زیر صحیح است؟

(۱) به سبب اطلاق در عبارت وکیل، با اغماض می توان گفت دادگاهها می توانند نیروکیل دادگستری را نیز بپذیرند.

(۲) به سبب اطلاق در حق داشتن وکیل، موکل در انتخاب تعداد وکیل مطلقاً مختار است.

(۳) به سبب اطلاق در عبارت وکیل، نمی تواند مجوزی برای دادگاهها باشد تا نیروکیل دادگستری را نیز که پروانه وکالت ندارند، بپذیرند- چون قانونگذار در مقام بیان حق داشتن وکیل بوده.

(۴) به سبب تقیید به وکالت دادگستری، دادگاهها نمی توانند نیروکیل دادگستری را که پروانه وکالت ندارند، بپذیرند.

۳۴۴- ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی مقرر می دارد: « در صورتی که به علت طلاق یا به هر جهت دیگر ابویین طفل در یک منزل سکونت نداشته باشند هر یک از ابویین که طفل تحت حضانت او نمی باشد- حق ملاقات طفل خود را دارد.» حکم این ماده را می توان محدود به پدر و مادر کرد و به عبارتی نمی توان شامل اجداد نیز کرد؛ هر چند به موجب مقررات دیگر قانون مدنی جد پدری نیز در حکم پدر است، دلیل این استظهار چیست؟

(۱) در مقام بیان بودن متکلم

(۲) نبودن قرینه تقیید

(۳) انصراف ظهوری

(۴) قدر متیقن در مقام مخاطب

۳۴۵- ماده ۳۱۲ قانون مدنی مقرر می دارد: « هرگاه مال مغضوب مثلی بوده و مثل آن پیدا نشود، مخاطب باید قیمت حین الاداء را بدهد.» حال معین کنید کدام گزینه صحیح است؟

(۱) حکم پرداخت قیمت در این ماده از نظر زمانی مقید و از نظر مکانی مطلق است.

(۲) حکم پرداخت قیمت در این ماده از نظر زمانی مطلق و از نظر مکانی مقید است.

(۳) حکم پرداخت قیمت در این ماده از نظر زمانی و مکانی مطلق است.

(۴) حکم پرداخت قیمت در این ماده از نظر زمانی و مکانی مقید است.

۳۴۶- ماده ۸۵۴ قانون مدنی مقرر می دارد: «موصی می تواند یک یا چند نفر وصی معین نماید.....» در این ماده لفظ وصی به چه صورت بیان شده است؟

(۲) مجمل

(۴) ظاهر

(۱) مطلق

(۳) مقید

۳۴۷- ماده ۵۴۶ قانون مدنی که می گوید: «مضاربه عقدی است که به موجب آن احد متعاملین سرمایه می دهد با قید این که طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سود آن شریک باشند. صاحب سرمایه، مالک و عامل، مضارب نامیده می شود.» مفاد این ماده بیانگر است.

۱) نص (۲) موول (۳) ظاهر (۴) مجمل

۳۴۸- در تبصره ماده ۱۰۸ قانون آئین دادرسی مدنی چنین آمده است: «تعیین میزان خسارت احتمالی، با در نظر گرفتن میزان خواسته به نظر دادگاهی است که درخواست تامین را می پذیرد.....» مفاد تبصره فوق بیانگر است.

۱) نص (۲) ظاهر (۳) مجمل (۴) موول

۳۴۹- در تبصره ماده ۱۵۵ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری (سابق) چنین آمده: «در مورد عدوات دنیوی چنانچه شهادت شاهد به نفع طرف باشد پذیرفته می شود.» در این تبصره منظور از طرف، نمی دانیم طرف دعوی است یا طرف شاهد، حالیه معین کنید این موضوع بیانگر کدام حالت زیر است؟

۱) ظاهر (۲) محکم (۳) مجمل (۴) موول

۳۵۰- ماده ۱۲۸۶ قانون که می گوید: «سند بر دو قسم است: رسمی و

عادی» مفاد این ماده بیانگر کدام حالت زیر است؟

۱) نص (۲) متشابه (۳) موول (۴) ظاهر

۳۵۱- در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی آمده است: «نکاح قبل از بلوغ ممنوع است» اما در تبصره این ماده آمده: «عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی و به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح می باشد.» حالیه معین کنید که کدام گزینه صحیح است؟

(۱) ماده ۱۰۴۱ حمل بر تبصره خود می شود.

(۲) ماده ۱۰۴۱ و تبصره آن در یکدیگر جمع می شوند.

(۳) تبصره حمل بر ماده ۱۰۴۱ می شود.

(۴) تبصره مخصوص ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی است.

۳۵۲- ماده ۱۸۳ قانون مدنی مقرر می دارد: «عقد عبارت است از این که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد به امری نمایند و مورد قبول آن ها باشد.» بنابراین

(۱) کلمه عقد در قانون مدنی به دلیل انصراف ظهوری مطلق نبوده و مقید به عقود عهدی است.

(۲) کلمه عقد در قانون مدنی به دلیل انصراف وجودی شامل مطلق عقود اعم از عهدی و تملیکی است.

(۳) کلمه عقد در قانون مدنی به دلیل انصراف بدوی شامل مطلق نبوده و مقید به عقود عهدی است.

(۴) کلمه عقد در قانون مدنی به دلیل انصراف ظهوری شامل مطلق عقود اعم از عهدی و تملیکی است.

۳۵۳- ماده ۷۲ قانون مدنی مقرر می دارد: «وقف بر نفوس به این معنا که واقف خود را موقوف علیه یا جزء موقوف علیهم نماید یا پرداخت دیون یا سایر مخارج خود را از منابع موقوفه قرار دهد باطل است اعم از اینکه راجع به حال حیات باشد یا بعد از فوت.» مفاد این ماده مصداق کدامیک از موارد زیر است؟
 (۱) نص (۲) ظاهر (۳) متشابه (۴) موول

۳۵۴- ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر می دارد: «در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه، از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه، که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد، محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد...»
 کدام عبارت زیر در خصوص کلمه وجه رایج در این ماده صحیح است؟
 (۱) کلمه «وجه رایج» در این ماده به علت انصراف بدوی منصرف به ریال است چون این انصراف ناشی از کثرت وجود است، مانع اطلاق نبوده و شامل پول های دیگری از جمله دلار و پوند نیز خواهد شد.

(۲) کلمه «وجه رایج» در این ماده به علت انصراف بدوی ظهوری به ریال است چون این انصراف ناشی از کثرت وجود است، مانع اطلاق بوده و وجه رایج فقط (مقید) به ریال می باشد.

(۳) کلمه «وجه رایج» در این ماده به علت انصراف بدوی منصرف به ریال است چون این انصراف ناشی از کثرت استعمال است، مانع اطلاق نبوده و وجه رایج مطلق بوده و شامل سایر پول ها می شود.

(۴) کلمه «وجه رایج» در این ماده به علت انصراف ظهوری منصرف به ریال است چون این انصراف ناشی از کثرت استعمال است، مانع اطلاق بوده و وجه رایج فقط (مقید) به ریال می باشد.

۳۵۵- ماده ۳ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت بیان می دارد: «در شرکت سهامی تعداد شرکاء نباید از سه نفر کم تر باشد.» از طرفی ماده ۱۰۷ همین قانون چنین اشعار می دارد: «شرکت سهامی بوسیله هیأت مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده اداره خواهد شد. عده اعضای هیأت مدیره در شرکت سهامی عمومی (عام) نباید از پنج نفر کم تر باشد.» حالیه معین کنید بین این دو ماده چه حالتی وجود دارد و تکلیف چیست؟

۱) تعارض و تناقض بین مطلق و مقید، در این حالت مطلق را حمل بر مقید کرده و بر اطلاق عمل می کنیم.

۲) تعارض و تناقض بین مطلق و مقید، در این حالت مطلق را حمل بر مقید کرده و در شرکت سهامی عام بر مقید عمل می کنیم.

۳) تعارض و تناقض بین مطلق و مقید، در این حالت مقید را حمل بر مطلق کرده و در شرکت سهامی عام بر مقید عمل می کنیم.

۴) تعارض و تناقض بین مطلق و مقید، در این حالت مقید را حمل بر مطلق کرده و بر اطلاق عمل می کنیم.

۳۵۶- ماده ۲۱۶ قانون مدنی مقرر می دارد: «مورد معامله باید مبهم نباشد مگر در موارد خاصه که علم اجمالی کافی است.» در این ماده مشخص نیست که موارد خاصه را چه کسی باید مشخص کند. این موضوع بیانگر کدام حالت زیر است؟

۲) ظاهر

۱) نص

۴) موول

۳) مجمل

۳۵۷- عبارت ((رسمی)) در ماده ۳ ق.م که مقرر می دارد: ((انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به عمل آید)) مصداق کدام اصطلاح زیر می باشد؟

(۱) مطلق (۲) مقید(به فتح یاء)

(۳) مقید(به کسر یاء) (۴) خاص

۳۵۸- اصل ۲۱ قانون اساسی اشعار می دارد: ((دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید)) حالیه اگر شک کنیم که آیا لفظ زن در این اصل شامل زنان خارجی مقیم در ایران نیز می شود یا خیر، تکلیف چیست؟

(۱) با استناد به اصل اصاله الاطلاق می گوئیم، مطلق زنان اعم از زنان ایرانی و زنان خارجی ساکن در ایران را شامل می شود.

(۲) به استناد به اصل اصاله العموم می گوئیم، شامل عموم زنان اعم از زنان ایرانی و زنان خارجی می شود.

(۳) در این ماده مطلق را حمل بر مقید نموده و می گوئیم، اصل بر مقید بودن به زنان ایرانی است.

(۴) به استناد اصاله عدم تقدیر، اصل بر عدم تقدیر موضوع نسبت به زنان خارجی است.

۳۵۹- مستفاد از ماده ۳۶۲ ق.م: به مجرد وقوع بیع، مشتری مالک مبیع و بایع مالک ثمن می شوند.....، در اینجا لفظ بیع بصورت مطلق آمده،

دلیل این استظهار چیست؟

(۱) اصاله الاطلاق (۲) انصراف بدوی

(۳) نبودن قدر متقین (۴) امکان اطلاق و تقييد

۳۶۰- اصل ۷۱ قانون اساسی مقرر می دارد: ((مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل، می تواند قانون وضع کند)) لفظ قانون در این اصل مطلق نیست، چرا؟

(۱) بدلیل انصراف ناشی از کثرت وجود

(۲) وجود قرینه تقیید

(۳) بودن قدر متیقن در مقام تخاطب

(۴) عدم امکان تقیید

۳۶۱- ماده ۹ قانون تشدید مجازات رانندگان و کسانی که بدون گواهینامه اقدام به رانندگی با وسایل نقلیه موتوری می کنند مقرر می دارد: ((کسانی که بدون گواهینامه اقدام به رانندگی با وسایل نقلیه موتوری نمایند، به حبس از یازده روز تا دوماه محکوم خواهند شد)) در این ماده مقنن، لفظ گواهینامه را بصورت مطلق آورده است و این یعنی

(۱) با هر نوع گواهینامه می توانیم رانندگی کنیم.

(۲) صرف داشتن گواهینامه کفایت می کند اعم از اینکه تاریخ اعتبارش منقضی شده است یا معتبر باشد.

(۳) داشتن گواهینامه مطلقاً برای رانندگی لازم است.

(۴) اگر تخلف مسبوق به داشتن گواهینامه باشد، می توان با اخذ گواهینامه بعدی، متخلف تبرئه شود.

۳۶۲- ماده ۱۰۵۳ ق.م.مقرر می دارد: ((عقد در حال احرام باطل است))

حال کدامیک از گزینه های زیر در مورد این ماده صحیح است؟

(۱) در اینجا مطلق عقود را به استناد اصله الاطلاق در بر می گیرد.

(۲) در اینجا فقط مقید به عقد نکاح است بدلیل انصراف بدوی.

(۳) در اینجا مطلق عقود را در بر می گیرد بدلیل عدم وجود قرینه تقیید.

(۴) در اینجا مقید به عقد نکاح است بدلیل وجود قدرمتیقن.

۳۶۳- اصل ۱۷ قانون اساسی مقرر می دارد: ((مبدأ تاریخ رسمی کشور، هجرت پیامبر است)) در این ماده اگرچه لفظ پیامبر بصورت کلی آمده است، اما با کمی دقت و تأمل در می یابیم که منظور و مقید به پیامبر اسلام(ص) است، حالیه دلیل این برداشت چیست؟

۱) انصراف بدوی ۲) انصراف ظهوری ۳) در مقام بیان بودن متکلم ۴) هیچکدام
 ۳۶۴- ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی مقرر می دارد: ((کافر از مسلمان ارث نمی برد)).....

۱) منظور از لفظ مسلمان در ماده منصرف است به شیعه، پس مقید به مذهب شیعه است.
 ۲) منظور از لفظ مسلمان در ماده منصرف به شیعه نیست، پس مطلق مسلمانان را در بر می گیرد.
 ۳) لفظ مسلمان در این ماده اگر چه منصرف به مذهب شیعه است، ولی مطلق مسلمانان را در بر می گیرد.

۴) لفظ مسلمانان در این ماده اگر چه منصرف به تمام مسلمانان است، ولی مقید به شیعه است.
 ۳۶۵- ماده ۴۴۵ قانون مدنی می گوید: ((هر یک از خیارات بعد از فوت منتقل به وراث می شود)) عیوب زن و مرد در عقد نکاح نیز موجد خیار فسخ است، ماده مذکور مطلق است یا مقید؟

۱) چون قدر متیقن در مقام تخاطب وجود دارد، مطلق است.
 ۲) چون انصراف لفظ خیارات، به خیارات موجود در معاملات، انصراف بدوی است چنین انصرافی مانع اطلاق لفظ نمی شود(مطلق است).
 ۳) چون انصراف لفظ خیارات به خیارات موجود در معاملات به دلیل کثرت وجود مصداق در خارج می باشد، این انصراف مانع اطلاق لفظ می شود(مطلق نیست).
 ۴) چون انصراف لفظ خیارات به خیارات موجود در معاملات، ناشی از کثرت استعمال لفظ در بعضی از مصادیق آن است، مانع از اطلاق لفظ می شود(مطلق نیست).

۳۶۶- ماده ۷۹۵ ق.م که مقرر می دارد: ((هبه عقدی است که بموجب آن یک نفر مالی را مجاناً به کس دیگری تملیک می کند)) در میان احتمالات راجع به معنای این عبارت، معنایی که زودتر به ذهن می آید این است که تعریف ناظر به تملیک رایگان عین، دین و منفعت است و شامل انتقال رایگان حقوق مثل حق ارتفاق و حق انتفاع که مرتبه ای ضعیف تر از مالکیت می باشد، نمی شود. دلالت ماده بر این معنا مصداق کدام مورد است؟

(۱) نص (۲) ظاهر (۳) موول (۴) مجمل
 ۳۶۷- ماده ۱۳۰ قانون مقرر می دارد: ((کسی حق ندارد خانه خود را به فضای خانه همسایه بدون اذن او خروجی بدهد و اگر بدون اذن خروجی بدهد ملزم به رفع آن خواهد بود)) عبارت کسی در این ماده مصداق کدام مورد است؟

(۱) عام (۲) مطلق (۳) مقید (۴) عام مستفاد از اطلاق
 ۳۶۸- ماده ۱۲ ق.م مقرر می دارد: ((مال غیرمنقول آن است که از محلی به محل دیگر نتوان نقل نمود اعم از اینکه استقرار آن ذاتی باشد یا بواسطه عمل انسان، به نحوی که نقل آن مستلزم خرابی یا نقص خود مال یا محل آن شود)) این ماده مصداق کدام مورد زیر است؟

(۱) نص (۲) ظاهر (۳) مجمل (۴) موول
 ۳۶۹- ماده ۸۶۶ ق.م مقرر می دارد: ((در صورت نبودن وارث، امر ترکه متوفی راجع به حاکم است)) لفظ حاکم در این ماده مصداق کدام مورد زیر است؟

(۱) نص (۲) ظاهر (۳) مجمل (۴) موول

۳۷۰- ماده ۸۶۶ ق.م مقرر می دارد: ((در صورت نبودن وارث، امر ترکه متوفی راجع به حاکم است)) از طرفی ماده ۳۵ قانون امور حسبی آن را محدود به دادستان یا قاضی کرده است. نسبت ماده ۳۳۵ در رابطه با ماده

۸۶۶ چگونه است؟

۱) مقید آن است (به فتح یاء)

۲) مقید آن است (به کسر یاء)

۳) مبین آن است (به فتح یاء)

۴) مبین آن است (به کسر یاء)

۳۷۱- برابر ماده ۸۲۵ ق.م که بیان داشته ((وصیت بر دو قسم است: تکمیلی و عهدی)) حکم این ماده مصداق است.

۱) نص (۲) موول (۳) ظاهر (۴) متشابه

۳۷۲- ماده ۱۰۵۰ قانون مدنی مقرر می دارد: ((هرکس زن شوهردار را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح برای خود عقد کند، عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام مؤبد می شود)) در خصوص مقصود قانونگذار در این ماده تردید می نمائیم که منظور از نکاح، اعم از نکاح

دائم و موقت بوده یا مقید به یکی از آنها بوده تکلیف چیست؟

۱) با استناد به اصله الاطلاق، اصل بر مطلق نکاح اعم از دائم و موقت است.

۲) با استناد به حمل مطلق بر مقید، نکاح را حمل بر معنای دائم آن می کنیم.

۳) به استناد اصله العموم اصل بر عموم نکاح اعم از دائم و موقت است.

۴) به استناد انصراف بدوی، مقصود متکلم منصرف است به نکاح دائم.

۳۷۳- بر اساس ماده ۲۲۱ ق.م: ((هرکس تعهدی نسبت به شخص دیگری داشته باشد موظف به انجام آن است))، لفظ تعهد در این ماده مطلق است یا مقید؟

(۱) چون قدر متقین در مقام مخاطب وجود دارد، مطلق است.

(۲) چون انصراف لفظ تعهد به تعهدات مالی، انصراف بدوی است، چنین انصرافی مانع اطلاق لفظ نمی شود (مطلق است).

(۳) چون انصراف لفظ تعهد به تعهدات مالی به دلیل کثرت وجود مصداق در خارج می باشد، این انصراف مانع اطلاق لفظ می شود. (مطلق نیست)

(۴) چون انصراف لفظ تعهد به تعهدات مالی ناشی از کثرت استعمال لفظ در بعضی از مصادیق آن است مانع اطلاق لفظ می شود. (مطلق نیست)

۳۷۴- ماده ۸۰۴ ق.م که مقرر می دارد: ((در صورت رجوع واهب، نمائات عین موهوبه اگر متصل باشد مال واهب اگر منفصل باشد مال متهب خواهد بود)) حکم این ماده مصداق است.

(۱) نص (۲) ظاهر (۳) مجمل (۴) موول

۳۷۵- ماده ۲۷۷ ق.م مقرر می دارد: ((متعهد نمی تواند متعهد له را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید)) و برابر ماده ۲۶۸ قانون تجارت مقرر داشته: ((اگر مبلغی از وجه برات پرداخته شود به همان اندازه برات دهنده و ظهرنویس ها بری می شوند و دارنده برات فقط نسبت به بقیه می تواند اعتراض کند)) حالیه معین کنید نسبت ماده ۲۶۸ قانون تجارت با ماده ۲۷۷ قانون مدنی مصداق کدام مورد زیر است؟

(۱) مخصص آن است. (۲) ناسخ آن است.

(۳) مقید (کسر یاء) آن است. (۴) مقید (فتح یاء) آن است.

۳۷۶- ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: ((جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود)) حکم این ماده مصداق.....

۱) نص

۲) ظاهر

۳) مجمل

۴) مؤول

فصل ششم: ادله استنباط احکام اسلامی یا منابع حقوق اسلامی

۳۷۷- ادله اربعه عبارتند از :

- ۱) کتاب خدا- سنت معصوم- احادیث- اجماع
- ۲) کتاب خدا- سنت معصوم- خبر متواتر- اجماع
- ۳) کتاب خدا- سنت معصوم- عقل - اجماع
- ۴) کتاب خدا- گفتار معصوم- کردار معصوم - اجماع

۳۷۸- کدام گزینه صحیح نیست؟

- ۱) خود قرآن می تواند ناسخ یا مخصص قرآن باشد اما سنت متواتر فقط می تواند مخصص قرآن باشد.
- ۲) اجماع هم ناسخ قرآن می تواند باشد و هم مخصص آن.
- ۳) امکان نسخ و تخصیص قرآن بوسیله سایر دلایل وجود دارد.
- ۴) خبر واحد نمی تواند ناسخ قرآن باشد.

۳۷۹- حدیث شریف ((لا تجتمع امتی علی الخطاء)) در حجیت کدامیک از

منابع استنباط زیر مورد استناد قرار می گیرد؟

- ۱) اجماع ۲) سنت ۳) قیاس ۴) عقل

۳۸۰- کدام گزینه تعریف (خبر حسن) می باشد؟ خبری است که

- ۱) روات آن همه دوازده امامی و ممدوح باشند لکن همه یا بعضی توثیق نشده باشند.
- ۲) روات آن همه دوازده امامی و ممدوح باشند و همه آنها نیز توثیق شده باشند.
- ۳) روات آن بعضی دوازده امامی و ممدوح باشند لکن همه یا بعضی توثیق شده باشند.
- ۴) روات آن بعضی دوازده امامی و ممدوح باشند لکن همه یا بعضی توثیق نشده باشند.

۳۸۱- ظاهر قرآن

- (۱) حجیت ندارد
 (۲) بطور قطع حجیت دارد
 (۳) بطور ظن حجیت دارد
 (۴) مبتنی بر ظنون غیرمعتبر است.
- ۳۸۲- تسری دادن حکمی از یک موضوع به موضوع دیگر به لحاظ وجود وجوه مشترک میان آن دو موضوع** نام دارد.

- (۱) قیاس (۲) سد ذرایع (۳) اصل عملی (۴) اصل موضوعی
- ۳۸۳- در کدام یک از موارد زیر قیاس، باطل و غیرقابل استفاده است؟**
- (۱) قیاس در الفاظ و معانی کلمات.
 (۲) قیاس در عبادات و احکام اصلی.
 (۳) قیاس در جزئیات و کفارات.
 (۴) هر ۳ گزینه صحیح است.
- ۳۸۴- در قیاس، موضوعی که حکمش معلوم است می نامند، موضوعی که حکمش مجهول است را و سبب حکم که در هر دو موضوع وجود دارد را می نامند.**

- (۱) اصل یا مقیس - جامع - علت
 (۲) اصل یا مقیس علیه - مقیس - جامع یا علت
 (۳) مقیس - مقیس علیه - جامع
 (۴) اصل - مقیس - فرع

۳۸۵- بر طبق ماده ۲۱۸ اصلاحی قانون مدنی: «هر گاه معلوم شود که معامله با قصد فرار از دین به طور صوری انجام شده آن معامله باطل است» حال اگر بر اساس این حکم، ایقاع به قصد فرار از دین را نیز باطل بدانیم، بر اساس کدام یک از ادله عمل نموده ایم:

- (۱) قیاس مستنبط العله
 (۲) قیاس منصوص العله
 (۳) سد ذرایع
 (۴) استحسان

۳۸۶- در خصوص حجیت «وحدت ملاک» کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) در همه موارد حجت است.
 (۲) در هیچ موردی حجت نیست.
 (۳) اگر علت حکم در اصل مصرح باشد معادل اتحاد طریق است و حجت می باشد.
 (۴) اگر علت حکم در اصل مصرح باشد معادل تخریج مناط است و حجت می باشد.
- ۳۸۷- قیاسی که علت حکم در فرع قوی تر از اصل باشد، قیاس.....
 نامیده می شود.

- (۱) قیاس مساوات
 (۲) قیاس اولویت
 (۳) قیاس خفی
 (۴) قیاس منصوص العله
- ۳۸۸- ماده ۵۹ ق.م.مقرر می دارد: ((اگر واقف عین موقوفه را به قبض ندهد، وقف محقق نمی گردد)) از مفهوم مخالف این ماده در می یابیم که قبض در وقف است.

- (۱) مقدمه عادی
 (۲) مقدمه علم
 (۳) مقدمه صحت
 (۴) مقدمه معد
- ۳۸۹- مصلحت رها شده، مصالحی هستند که از طرف شارع نفیاً و یا اثباتاً مورد تشریح قرار نگرفته است؟

- (۱) استحسان
 (۲) استصلاح
 (۳) سد ذرایع
 (۴) تنقیح مناط
- ۳۹۰- عبارت ((العله تعمم)) در بیان کدامیک از ادله استنباط احکام اسلامی است؟

- (۱) قیاس
 (۲) اجماع
 (۳) خبر متواتر
 (۴) مستقلات عقلی

۳۹۱- کدامیک از عبارات زیر می تواند معرف عبارت عقلی ((مقدمه واجب، واجب است)) باشد؟

(۱) تقدیم دادخواست جهت رسیدگی

(۲) استطاعت مالی جهت نفقه اقارب (ماده ۱۲۰۰ قانون مدنی)

(۳) در صحت اجاره قدرت بر تسلیم عین مستاجر شرط است (ماده ۴۷۰ ق.م.)

(۴) هر سه مورد صحیح است.

۳۹۲- کدامیک در قالب استلزامات عقلی قرار می گیرد؟

(۱) بناء عقلاء

(۲) مقدمه واجب، واجب است.

(۳) اذن در شیء اذن در لوازم آنست.

(۴) ۳ و ۲ صحیح است.

۳۹۳- ماده ۲۴۸ ق.م مقرر می دارد: ((اجازه مالک نسبت به معامله فضولی حاصل می شود به لفظ یا فعلی که دلالت بر امضاء عقد نماید)) مبین کدام گزینه زیر است؟

(۱) تنقیح مناط

(۲) تحقیق مناط

(۳) استحسان

(۴) استصلاح

۳۹۴- کدامیک در خصوص قرآن صادق نیست؟

(۱) قرآن قابل نسخ است.

(۲) قرآن قابل تخصیص است.

(۳) قرآن ظنی الدلاله است.

(۴) هر سه مورد در خصوص قرآن صحیح است.

۳۹۵- ارجاع به نظر کارشناس رسمی دادگستری برای تعیین اجرت المثل از مصادیق است.

(۱) مقدمه سبب

(۲) مقدمه علم

(۳) مقدمه شرط

(۴) مقدمه وجود

۳۹۶- از کدامیک بعنوان مهم ترین دلیل اثبات احکام تعبیر می شود؟

(۱) کتاب

(۲) سنت

(۳) عقل

(۴) کتاب و سنت

۳۹۷- خبری است که راوی سنی است و مورد اطمینان فقهای امامیه نیز نمی باشد؟

(۱) خبر حسن (۲) خبر موثق (۳) خبر ضعیف (۴) خبر مجعول

۳۹۸- در کدام نوع اجماع است که مجتهد در صدد تحقیق و بررسی آراء و فتاوی علمای برای یافتن اتفاق علما در خصوص مسأله ای است؟

(۱) اجماع سکوتی (۲) اجماع محصل (۳) اجماع منقول (۴) اجماع عمومی

۳۹۹- در روایت آمده است، اگر وصی غایب باشد نمی تواند وصایت را رد کند، بدین علت که موصی از آن بی خبر است و نمی تواند دیگری را برگزیند، فقهای امامیه موردی را هم که رد وصایت به موصی ابلاغ شود ولی او امکان برگزیدن وصی دیگر را نداشته باشد به مورد روایت ملحق ساخته اند، این امر بیانگر چه نوع قیاسی است؟

(۱) تنقیح مناط (۲) قیاس منصوص العله (۳) قیاس اولویت (۴) استحسان

۴۰۰- هرگاه تشخیص دهیم که علت پاره ای از جرائم، نابسامانی های مالی و اقتصادی است، پس وضع بد مالی علت و مقدمه و جرم دزدی مثلاً معلول و ذی المقدمه باشد، بیانگر وابستگی ذی المقدمه به مقدمه بر مبنای است.

(۱) مقدمه شرعی (۲) مقدمه قانونی (۳) مقدمه عقلی (۴) مقدمه عادی

۴۰۱- هرگاه ارتباط بین دو چیز جعلی و قراردادی از ناحیه شارع یا قانونگذار باشد، به این مقدمه اصطلاحاً گویند.

(۱) علامت (۲) حکمت (۳) مقتضی (۴) سبب

۴۰۲- هرگاه دادگاه برای احراز مالکیت، استعلام ثبتی را دستور کار خویش قرار دهد، بیانگر کدام مقدمه از حیث وابستگی ذی المقدمه به آن است؟

(۱)مقدمه معد (۲)مقدمه علم (۳)مقدمه وجود (۴)مقدمه نفوذ

۴۰۳- عبارت العله تعممً بیانگر کدام حالت زیر است؟

(۱)قیاس (۲)مستقلات عقلی (۳)اصاله العموم در علت (۴)منصوص العله

۴۰۴- نقل و حکایت سنت را گویند.

(۱)تقریر (۲)خبر (۳)واقعه (۴)فتوی

۴۰۵- حجیت کدامیک قطعی نیست؟

(۱)قرآن (۲)خبر متواتر (۳)خبر واحد (۴)۲ و ۳ صحیح است.

۴۰۶- کدامیک از عبارات زیر صحیح است؟

(۱)در فقه امامیه قیاس منصوص العله فاقد حجیت است.

(۲)در حقوق موضوعه ایران انواع قیاس، اعم از قیاس مستنبط العله و منصوص العله مورد پذیرش است.

(۳)در فقه امامیه اصولاً قیاس منصوص العله حجیت دارد.

(۴)در حقوق موضوعه ایران قیاس منصوص العله در امور حقوقی و قیاس مستنبط العله بطور استثنایی مورد پذیرش است.

۴۰۷- قرآن کریم

(۱)قطعی الصدور و قطعی الدلاله است. (۲)ظنی الصدور و قطعی الدلاله است.

(۳)قطعی الصدور و ظنی الدلاله است. (۴)ظنی الصدور و ظنی الدلاله است.

۴۰۸- در کدامیک از شرایط راویان اهمیت دارد؟

(۱)خبر متواتر (۲)اجماع (۳)سنت (۴)خبر واحد

۴۰۹- هرگاه راوی سنی ولی مورد اعتماد و اطمینان فقهاء امامیه باشد،
نوع خبر منقول چیست؟

- (۱) خبر حسن و حجیت دارد. (۲) خبر موثق و حجیت دارد.
(۳) خبر حسن و حجیت ندارد. (۴) خبر فوری و حجیت ندارد.

۴۱۰- کدام آیه از حجیت خبر واحد آمده است؟

- (۱) آیه نباء (۲) آیه ولایت (۳) آیه رضوان (۴) هر سه مورد

۴۱۱- تمام سلسله رواه آن امامی و عادل هستند اما مورد وثوق نیستند.....

- (۱) خبر صحیح (۲) خبر حسن (۳) خبر قوی (۴) خبر ضعیف

۴۱۲- در کدام گزینه انواع اجماع آمده است؟

- (۱) اجماع منقول، اجماع غیرمنقول (۲) اجماع متواتر، اجماع واحد
(۳) اجماع محصل، اجماع مدرکی (۴) اجماع منقول، اجماع محصل

۴۱۳- کدامیک از طرق و نحوه کشف اجماع از قول معصوم نیست؟

- (۱) روش حدسی (۲) روش وجوب لطف (۳) اتفاق امت (۴) سکوت

۴۱۴- مهمترین شرط در قیاس وحدت ملاک است که این وحدت ملاک اگر

قیاس منصوص العله باشد و اگر مستنبط العله باشد نام دارد.

- (۱) قیاس خفی - قیاس جلی (۲) وحدت طریق - تخریح مناط
(۳) تحقیق مناط - تنقیح مناط (۴) استحسان - استصلاح

۴۱۵- کدامیک از عبارات زیر صحیح نیست؟

- (۱) اذن در امری، اذن در لوازم آن امر است یک امر مستقلات عقلی نیست.
(۲) منطوق از مقدمه در مقدمه واجب، واجب است، مقدمه وجودی است.
(۳) همواره مقدمه یا شرط از لحاظ زمان وقوع مقدم بر بر ذی المقدمه یا مشروط است.
(۴) بر طبق قانون مدنی کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد، استطاعت و تمکن مالی برای نفقه اقارب یک مقدمه وجوبی است.

۴۱۶- مقدمه ای که عدمش موجب عدم ذی المقدمه می گردد ولی وجودش در ایجاد ذی المقدمه تأثیری ندارد را چه گویند؟

(۱) علت (۲) مقتضی (۳) سبب (۴) شرط

۴۱۷- عمل حقوق قبض در عقود عینی است.

(۱) مقدمه صحت (۲) مقدمه معد (۳) مقدمه وجوبی (۴) مقدمه نفوذ

۴۱۸- کدامیک از گزینه های زیر راجع به قرآن کریم صحیح نیست؟

(۱) قرآن فقط از ناحیه صدور، حجتی قطعی است.

(۲) قرآن دارای آیات ناسخ و منسوخ- عام و خاص و مطلق و مقید است.

(۳) قرآن در بسیاری از آیات خود قطعی الدلاله است.

(۴) قرآن از ناحیه منابعی چون خبر متواتر و اجماع تخصیص و منسوخ می گردد.

۴۱۹- این عبارت در تعریف کدامیک از گزینه های ذیل است؟ «هرگاه

بواسطه ضرورت یا عدالت و انصاف از قاعده یا حکم کلی عدول نمائیم.»

(۱) استصلاح (۲) استحسان (۳) سد ذرایع (۴) مصالح مرسله

۴۲۰- ماده ۸۶۱ قانون مدنی مقرر می دارد: «موجب ارث دو امر است:

نسب و سبب» حال ماده ۹۴۰ قانون مدنی که می گوید: «زوجین که

زوجیت آنها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشند، از یکدیگر ارث می برند.»

نکاح موجب ارث است، از این دو ماده استنباط می شود که نکاح نسبت

به ارث، چه نوع مقدمه ای است؟

(۱) نفوذ (۲) شرط (۳) سبب (۴) مقتضی

۴۲۱- در کدامیک از گزینه های زیر اقسام خبر واحد آمده است؟

(۱) متواتر، موثق، قوی، ضعیف (۲) صحیح، حسن، قوی، ضعیف

(۳) متواتر، حسن، ضعیف، قوی (۴) هیچکدام

۴۲۲- کدامیک از موارد ذیل مربوط به استلزامات عقلی نیست؟

(۱) بحث مقدمه واجب (۲) بحث سیره عقلاء

(۳) بحث اذن در شیء اذن در لوازم آنست (۴) گزینه های ۱ و ۳

۴۲۳- ماده ۸۴۳ قانون مدنی که مقرر می دارد: « وصیث به زیاده بر ثلث

ترکه نافذ نیست مگر به اجازه وارث...» بیانگر چه نوع مقدمه ای است؟

(۱) مقدمه نفوذ (۲) مقدمه وجوب (۳) مقدمه وجود (۴) مقدمه معد

۴۲۴- در بندهای ۳ و ۴ ماده ۳۱۲ قانون مدنی آمده است که: بند ۳: (عقد

بیع بایع را به تسلیم مبیع ملزم می نماید) و بند ۴: (عقد بیع مشتری را به

تأدیه ثمن ملزم می کند). از طرفی دیگر در ماده ۳۸۱ قانون مدنی چنین

مقرر گردیده که: «مخارج تسلیم مبیع از قبیل اجرت نقل آن به محل

تسلیم و غیره به عهده بایع است، مخارج تسلیم ثمن بر عهده مشتری

است.» حال معین کنید که پرداخت مخارج تسلیم مبیع و ثمن چه نوع

مقدمه ای برای بیع است؟

(۱) مقدمه صحت (۲) مقدمه وجود (۳) مقدمه وجوب (۴) مقدمه نفوذ

۴۲۵- مطابق مفاد ماده ۴۶ قانون ثبت اسناد و املاک، نقل و انتقال املاک

ثبت شده باید به موجب سند رسمی باشد. اگر شخصی به وکالت از مالک

بخواهد به نقل و انتقال ملکی بپردازد، وکالت وکیل هم باید با سند رسمی

باشد نه عادی، در رابطه با استنباط این حکم کدام عبارت صحیح است؟

(۱) این حکم مصداق مستقلات عقلی است.

(۲) این حکم مصداق اذن در شیء اذن در لوازم آنست.

(۳) این حکم مصداق مقدمه واجب است.

(۴) این حکم مصداق تلازم بین حکم عقل و شرع است.

۴۲۶- به مقدمه ای که ذاتاً می تواند مؤثر واقع شود، ولی به شرط اینکه عوامل مساعد برای تأثیرش موجود باشد، می گویند.

- (۱) شرط
(۲) سبب
(۳) مقتضی
(۴) معد

۴۲۷- ماده ۲ اصلاحی قانون مبارزه با مواد مخدر(اصلاحی ۱۳۷۶ و ۱۳۸۹) مقرر می دارد: «هرکس مبادرت به کشت خشخاش یا کوکائین کند علاوه بر امحای کشت بر حسب میزان کشت به شرح ذیل مجازات خواهد شد.....» در این ماده و سایر مواد قانون، کشت مواد مخدر برای مصارف غیر دارویی را جرم تلقی نموده است، حال اگر کسی با مجوز وزارت بهداشت اقدام به کشت خشخاش یا گیاهان تخدیری و نظایر آن مانند شاهدانه نماید، را جرم تلقی نکنیم، علت این استظهار چیست؟

(۱) اذن در شیء، اذن در لوازم آنست.

(۲) قیاس مساوات

(۳) قاعده تلازم بین عقل و شرع

(۴) مقدمه واجب، واجب است.

۴۲۸- ماده ۷۷۲ قانون مدنی که می گوید: «مال مرهون باید به قبض مرتهن یا به تصرف کسی که بین طرفین معین می گردد، داده شود.....» به موجب این ماده قبض در عقد رهن..... است.

- (۱) مقدمه عادی
(۲) مقدمه وجوبی
(۳) مقدمه معد
(۴) مقدمه صحت

۴۲۹- ماده ۱۰ قانون مالک و مستاجر مصوب سال ۱۳۶۲ مقرر می دارد: «تعمیرات کلی و اساسی مورد اجاره که مربوط به اصل بنا یا تأسیسات عمده منصوبه در آن است از قبیل دستگاههای حرارت مرکزی و تهویه و آسانسور، به عهده موجر است.....» مفاد این قسمت از ماده مذکور بیانگر

- (۱) مقدمه واجب، واجب است. (۲) مستقلات عقلی
 (۳) اذن در شیء، اذن در لوازم آنست. (۴) مقتضیات اجرای ذاتی عقد
 ۴۳۰- وحدت ملاک که در بین حقوقدانان مصطلح است، معادل کدام

اصطلاح فقهی است؟

- (۱) استلزامات عقلی (۲) قیاس (۳) مستقلات عقلی (۴) سد ذرایع
 ۴۳۱- ماده ۱۰ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب سال ۱۳۱۰ مقرر می دارد: «قبل از اقدام به ثبت عمومی املاک هر ناحیه، حدود ناحیه مزبور و این که املاک واقعه در آن ناحیه باید به ثبت برسد، بوسیله اعلان در جراید به اطلاع عمومی خواهد رسید.....» اینکه قانونگذار در این ماده ثبت عمومی املاک هر ناحیه را منوط به اعلان آگهی در جراید جهت اطلاع عمومی می کند، بیانگر چه نوع مقدمه ای است؟

- (۱) مقدمه عادی (۲) مقدمه عقلی (۳) مقدمه قانونی (۴) مقدمه مقارن
 ۴۳۲- ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی مدنی که مقرر می دارد: «دادگاه می تواند رأساً یا به درخواست هریک از اصحاب دعوی قرار ارجاع امر به کارشناس را صادر نماید.....» منوط شدن حکم دادگاه به وصول نظر کارشناس بیانگر کدام نوع از مقدمات ذیل است؟

- (۱) مقدمه نفوذ (۲) مقدمه علم
 (۳) مقدمه مقتضی (۴) مقدمه شرط

۴۳۳- ماده ۱۲۷۹ قانون مدنی چنین مقرر داشته: «اقرار شفاهی واقع در خارج از محکمه را در صورتی می توان به شهادت شهود اثبات کرد که اصل دعوا به شهادت شهود قابل اثبات باشد و یا ادله و قرائنی بر وقوع اقرار موجود باشد.» اینک قانونگذار اقرار شفاهی را به تنهایی موثر ندانسته و آن را مشروط به وجود شرایطی و مقدماتی نموده، مبین کدام نوع از مقدمات زیر است؟

(۱) علامت (۲) حکمت (۳) مقتضی (۴) سبب

۴۳۴- ماده ۳۰۱ قانون مدنی مقرر می دارد: «کسی که عمداً یا اشتبهاً چیزی را که مستحق نبوده است دریافت کند ملزم است آن را به مالک تسلیم کند.» در این ماده، تسلیم مال به مالک آن، واجب دانسته شده است اما این تسلیم زمانی امکان دارد که مال موجود باشد، که مستلزم حفاظت و نگهداری از مال است، این مسأله بیانگر کدامیک از موارد زیر است؟

(۱) مستقلات عقلی (۲) مقدمه واجب، واجب است.

(۳) حسن و قبح عقلی افعال (۴) اذن در شیء، اذن در لوازم آنست.

۴۳۵- ماده ۲۴۷ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر می دارد: «هرگاه گواه برای حضور در دادگاه درخواست هزینه آمد و رفت و جبران خسارت حاصل از آن را بنماید، دادگاه میزان آن را معین و استناد کننده را به تادیه آن ملزم می نماید.» در اینجا بنا به درخواست گواه، هزینه ایاب و ذهاب گواه برای حضور در دادگاه مقدمه حضور وی تلقی می گردد، حالیه معین کنید که این مقدمه بیانگر چه نوع مقدمه ای است؟

(۱) مقدمه شرعی (۲) مقدمه مقارن (۳) مقدمه عقلی (۴) مقدمه عرفی

۴۳۶- ماده ۶۶۴ قانون تعزیرات مقرر می دارد: «هرکس عالماً و عامداً برای ارتکاب جرمی اقدام به ساخت کلید یا تغییر آن نماید یا هر نوع وسیله ای برای ارتکاب جرم بسازد یا تهیه کند به حبس از سه ماه تا یک

سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» در این ماده ممنوعیت تهیه وسیله ارتکاب جرم، مقدمه جلوگیری از وقوع جرائم می باشد، حالیه مشخص کنید جرم دانستن چنین مقدمه ای بیانگر کدام واقعیت زیر است؟

۱) سه ذرایع که در این حالت به علت قطعیت موضوع استثنائاً، مورد تأیید فقه امامیه است.
 ۲) استحسان که در این حالت به علت قطعیت موضوع، مورد تأیید فقه امامیه است.
 ۳) استصلاح که به خاطر مصلحت مرسله مورد تأیید فقه امامیه است.
 ۴) سه ذرایع که مطلق مورد تأیید فقه امامیه است، زیرا بر این اساس مقدمه حرام، حرام است.
 ۴۳۷- بند ۳ ماده ۳۶۲ قانون مدنی مقرر می دارد: ((پس از تحقق عقد بیع تسلیم مبیع بر بایع و تسلیم ثمن بر مشتری لازم و واجب است و از طرفی طبق ماده ۳۸۱ ق.م ((هزینه های تسلیم مبیع بر عهده بایع و هزینه تسلیم ثمن بر عهده مشتری می باشد))، مطابق مفاد این دو ماده پرداخت هزینه های لازم برای تسلیم مصداق کدام مقدمه زیر است؟

۱) شرط
 ۲) صحت
 ۳) وجودی
 ۴) وجوبی

۴۳۸- ماده ۲۴۷ قانون مدنی مقرر می دارد: ((معامله به مال غیر، جز به عنوان ولایت یا وصایت یا وکالت ، نافذ نیست ولی اگر مالک یا قائم مقام او پس از وقوع معامله آن را اجازه نمود در این صورت معامله، صحیح است و نافذ می شود)) حال معین کنید، اجازه مالک یا قائم مقام او در این بین چه نوع مقدمه ای است؟

۱) مقدمه عقلی
 ۲) مقدمه شرط
 ۳) مقدمه مقتضی
 ۴) مقدمه نفوذ

فصل هفتم: امارات

۴۳۹- شخص الف در یک باغ تصرفات مالکانه دارد، پس از مدتی شخص ب مدعی می گردد که بنای موجود در این باغ (نه زمین باغ) متعلق به او است، در این حالت:

- ۱) طبق اصل عدم، مدعی شخص ب است.
- ۲) طبق قاعده ید مدعی شخص ب است.
- ۳) طبق اماره تصرف مدعی شخص ب است.
- ۴) گزینه ۲ و ۳ صحیح است.

۴۴۰- تفاوت دلیل در معنای اخص و اماره در کدام گزینه به صورت صحیح آمده است؟

- ۱) دلیل شامل حکم و دلیل قطعی است اما اماره دلیل ظنی است.
- ۲) دلیل به طور قطعی و ظنی کاشف از واقع است اما اماره فقط به صورت ظنی کاشف از واقع است.
- ۳) دلیل مثبت احکام تکلیفی است و اماره مثبت احکام تکلیفی و احکام وضعی است.
- ۴) هیچکدام.

۴۴۱- کدام گزینه صحیح نیست؟

- ۱) حالات علم و آگاهی بر اساس میزان آن به قطع، ظن، شک و وهم تقسیم می گردند.
- ۲) حجیت اماره ید چون مستند به حدیث و قاعده نمی باشد از باب ظن مطلق است.
- ۳) ظن نوعی عبارتست از ظنی که نوعاً افراد نسبت به چیزی پیدا می نمایند.
- ۴) اصل بر حرمت عمل به ظن می باشد مگر در ظنون معتبر.

۴۴۲- در قانون مدنی ایران و در عقد جعاله لازم نیست که شخص عامل به صورت معین مشخص گردد و نیز لازم نیست تا جُعَل (دستمزد عامل) با همه کیفیاتش معین گردد، بنابراین علمی که در این موارد برای صحت عقد جعاله لازم است از مصادیق می باشد.

- | | |
|----------------|----------------|
| (۱) علم کفایتی | (۲) علم تفصیلی |
| (۳) علم اجمالی | (۴) علم موضوعی |

۴۴۳- در یک موضوع فقهی که مستند رأی آن معلوم است بیشتر فقها با هم اتفاق نظر دارند، بنابراین شهرت این فتوا از نوع شهرت است.

- | | |
|-----------|------------|
| (۱) روایی | (۲) فتوایی |
| (۳) عملی | (۴) مدرکی |

۴۴۴- در کدام یک از موارد زیر عرف حجیت دارد؟

- (۱) در همه موارد. (۲) در هیچ مورد. (۳) در تشخیص احکام. (۴) در تشخیص موضوعات.

۴۴۵- کدام یک از موارد زیر جزء شرایط حجیت عرف نمی باشد؟

- (۱) عرف باید مطرد یا غالب باشد.
 (۲) عرف باید سابق بر موضوع باشد و نه لاحق بر آن.
 (۳) عرف در مواردی به کار می رود که طرفین قرارداد سکوت کرده باشند.
 (۴) عرف با نص شرعی یا قانونی، خصوصاً قانون امری مخالفت نداشته باشد.

۴۴۶- دلایل فقهتی

- (۱) حجیت ندارند و تنها ادله اجتهادی حجیت دارند.
 (۲) همان اصول عملیه هستند و حجیت دارند.
 (۳) همان امارات هستند و حجیت دارند.
 (۴) همان احکام ناشی از قیاس های باطل هستند و حجیت ندارند.

۴۴۷- این عبارت در تعریف کدام گزینه است؟ ((حکمی است که از جانب شارع یا قانونگذار برای اعمال انسان و امور دیگر زندگی وی مقدر گردیده و علم و جهل مکلف و وضعیت خاص او در آن دخالتی ندارد))

(۱) حکم واقعی (۲) حکم ظاهری (۳) حکم اضطراری (۴) حکم ثانوی
 ۴۴۸- به ترتیب دلیل که حکم واقعی را بیان می کند و دلیلی که حکم ظاهری را بیان می کند نامیده می شود.

(۱) دلیل فقهاتی - دلیل اجتهادی (۲) دلیل فقهاتی - اصل عملی
 (۳) دلیل اجتهادی - دلیل فقهاتی (۴) اصل عملی - دلیل اجتهادی

۴۴۹- این عبارت: ((الاماره هی ما جعله الشارع سبباً للظن)) مفید چه معنایی است؟

(۱) اماره غالباً کاشفیت دارد. (۲) اماره قطعاً حجیت دارد.
 (۳) اماره غالباً رافعییت دارد. (۴) اماره قطعاً رافعییت دارد.

۴۵۰- در کدامیک صرف عدم ردع شارع در حجیت آن کفایت می کند؟
 (۱) بناء عقلاء (۲) سیره متشرعه (۳) سیره عقلاء (۴) ظن خاص

۴۵۱- عبارت: ((الاصل دلیل، حیث لادلیل)) مؤید کدام واقعیت زیر است؟
 (۱) اصل عملی وقتی حجیت خواهد داشت که اماره ای در بین نباشد.
 (۲) در صورتیکه حق یا دینی بر عهده کسی ثابت شده باشد اصل بقاء آن است.
 (۳) اصل استصحاب بر سایر اصول عملیه مقدم است.
 (۴) هیچکدام

۴۵۲- کدامیک از اقسام ظن حجیت و اعتبار آن بوسیله دلیل انسداد و به کمک مقدمات انسداد ثابت می شود؟

(۱) ظن خاص (۲) ظن شخصی (۳) ظن طریقی (۴) ظن مطلق

۴۵۳- کدامیک از عبارات زیر صحیح است؟

(۱) اماره غالباً مفید ظن است و مبنای حجیت آن کشف ظنی از واقع است.

(۲) اماره تحقیقاً مفید ظن است و مبنای حجیت آن کشف قیاسی از واقع است.

(۳) اماره گاهاً مفید ظن است و مبنای حجیت آن کشف ظنی از واقع است.

(۴) اماره گاهاً مفید ظن است و مبنای حجیت آن کشف قیاسی از واقع است.

۴۵۴- ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی مقرر می دارد: ((زن باید در منزلی که

شوهر تعیین می کند سکنی نماید)) اما در ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی

چنین آمده: ((اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی

یا مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می تواند مسکن علیحده اختیار کند

..... به ترتیب بیانگر چه نوع احکامی هستند؟

(۱) حکم اولی - حکم ثانوی

(۲) حکم اولی - حکم ظاهری

(۳) حکم واقعی - حکم اولی

(۴) حکم ظاهری - حکم ثانوی

۴۵۵- کدامیک از امارات با گزینه های دیگر متفاوت است؟

(۱) ماده ۱۷ قانون صدور چک: وجود چک در دست صادرکننده دلیل پرداخت وجه آن است.

(۲) ماده ۱۳۲۴ ق.م: اماراتی که به نظر قاضی واگذار شده عبارت است از اوضاع و احوال در

خصوص مورد.....

(۳) ماده ۱۱۰ ق.م: بنا به طور ترصیف و وضع سر تیراز جمله قرائن است که دلالت بر

تصرف و اختصاص می کنند.

(۴) ماده ۱۱۵۸ ق.م: طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است.

۴۵۶- در کدامیک از گزینه های زیر دلیل به معنای اخص بکار رفته است؟

(۱) ماده ۱۰۹ ق.م: دیواری که ما بین دو ملک واقع است مشترک ما بین صاحب آن دو ملک محسوب می شود مگر اینکه قرینه یا دلیلی بر خلاف آن موجود باشد.

(۲) ماده ۱۳۰۰ ق.م: در مواردیکه دفاتر تجاری بر نفع صاحب آن دلیل نیست بر ضرر او سندیت دارد.

(۳) ماده ۳۵ ق.م: تصرف بعنوان مالکیت دلیل مالکیت است.

(۴) ماده ۱۲۵۷ ق.م: هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند و مدعی علیه هرگاه در مقام دفاع مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد اثبات امر بر عهده او است.

۴۵۷- مطابق ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی که مقرر می دارد: ((در صورتی که

دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می تواند به حاکم شرع

مراجعه و تقاضای طلاق کند)) این ماده بیانگر چه حکمی است؟

(۱) حکم واقعی اولی (۲) حکم ظاهری (۳) حکم واقعی ثانوی (۴) حکم عقلی

۴۵۸- ماده ۶۷ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر می دارد: «پس از دستور دادگاه

دایر به ابلاغ اوراق دعوا، مدیر دفتر یک نسخه از دادخواست و پیوست های آن

را در پرونده بایگانی می کند و نسخه دیگر را با ضمائم آن و اخطاریه به جهت

ابلاغ و تسلیم به خواننده ارسال می دارد.» از طرفی ماده ۳۰۳ قانون آئین

دادرسی مدنی مقرر می دارد که: «حکم دادگاه حضوری است مگر اینکه خواننده

یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر

نشده و به طور کتبی نیز دفاع ننموده باشد و یا اخطاریه ابلاغ واقعی نشده

باشد.» حال با توجه به این دو ماده می توان دریافت که ابلاغ.....

(۱) مقدمه وجوبی است. (۲) موضوعیت دارد.

(۳) طریقیست دارد. (۴) اذن در شیء اذن در لوازم آنست.

۴۵۹- عبارت: «الاصل دلیل حیث لا دلیل» بیانگر کدام معنای ذیل است؟

(۱) علم و ظن معتبر مانند دلیل است.

(۲) منظور از جمله حجیت اماره است.

(۳) تا زمانیکه اماره وجود دارد به سراغ دلیل نمی رویم.

(۴) زمانی اصول عملیه حجیت دارند که اماره ای نداشته باشیم.

۴۶۰- طبق ماده ۱۵۷ قانون مجازات اسلامی: «مقاومت در برابر قوای

انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری در مواقعی که مشغول انجام وظیفه

خود باشند، دفاع محسوب نمی شود، لکن هرگاه قوای مزبور از حدود

وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که

عملیات آنان موجب قتل، جرح، تعرض به عرض یا ناموس یا مال گردد،

دفاع جایز است.» احکام بکار رفته در این ماده به ترتیب چه نوع حکمی

می باشند؟

(۱) حکم ظاهری، حکم استثنایی

(۲) حکم واقعی، حکم ظاهری

(۳) حکم واقعی، حکم ثانوی

(۴) حکم استثنایی، حکم غیراستثنایی

۴۶۱- ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «جهل به حکم،

مانع از مجازات مرتکب نیست، مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی

ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود.» حال معین کنید

مفاد این ماده با کدامیک از گزینه های زیر انطباق دارد؟

(۱) عدم امکان تحصیل علم تفصیلی در امور جزائی، رافع مسوولیت است.

(۲) عدم امکان تحصیل علم اجمالی در امور جزائی، رافع مسوولیت است.

(۳) عدم امکان تحصیل علم تفصیلی و اجمالی در امور جزائی، رافع مسوولیت است.

(۴) عدم امکان تحصیل علم تفصیلی و اجمالی در امور جزائی، رافع مسوولیت نیست.

۴۶۲- ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی می گوید: « طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است.» ماده ۳۲۸ قانون مدنی نیز می گوید: «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد.» هریک از این دو ماده به ترتیب مصداق کدام یک از موارد ذیل است؟

- (۱) دلیل قطعی، دلیل ظنی
(۲) حکم ظاهری، حکم واقعی
(۳) حکم واقعی، حکم ظاهری
(۴) دلیل اجتهادی، دلیل فقهاتی

۴۶۳- کدامیک از امارات زیر ماهیتاً با دیگری متفاوت است؟

(۱) ماده ۳۵ قانون مدنی: «تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.»

(۲) ماده ۱۰۹ قانون مدنی: «دیواری که ما بین دو ملک واقع است مشترک مابین صاحب آن دو ملک محسوب می شود، مگر اینکه قرینه یا دلیلی برخلاف آن موجود باشد.»

(۳) ماده ۲۱۵ قانون آئین داری مدنی: « در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد.»

(۴) ماده ۲۲۳ قانون مدنی: «هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحت است، مگر اینکه فساد آن معلوم شود.»

۴۶۴- ماده ۱۰۰ قانون مدنی که مقرر می دارد: «..... اگر خرابی مجرا مانع عبور آب شود مالک خانه ملزم نیست که مجرا را تعمیر کند، بلکه صاحب حق باید خود رفع مانع کند، در اینصورت برای تعمیر مجرا می تواند داخل خانه یا زمین شود.....» در این ماده، قانونگذار به چنین فردی اجازه داده که جهت تعمیر وارد خانه غیر شود، این مجوز بنا بر کدام قاعده عقلی زیر است؟

- (۱) قاعده عقلی قبح عقاب بلابیان
(۲) قاعده عقلی مقدمه واجب، واجب است.
(۳) قاعده عقلی، اذن در شیء، اذن در لوازم آنست.
(۴) قاعده عقلی تلازم بین عقل و شرع

۴۶۵- در تعارض حکم واقعی (غیراستثنایی) و حکم ثانوی (استثنایی) تکلیف چیست؟

(۱) تقدم با حکم واقعی است.

(۲) در برخی مواقع تقدم با حکم ثانوی است.

(۳) در برخی مواقع تقدم با حکم غیراستثنایی است.

(۴) در استقرار شرایط اضطرار همواره تقدم با حکم ثانوی است.

۴۶۶- ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی که می گوید: «هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مامور به مجازات مقرر در قانون محکوم می شوند لکن ماموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور این که قانونی است، اجرا کرده باشد، مجازات نمی شود و در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است.» حالیه معین کنید که احکام موجود در این ماده به ترتیب کدام است؟

(۱) حکم واقعی - حکم ظاهری

(۲) حکم ثانوی - حکم اولی

(۳) دلیل اجتهادی - دلیل فقهاتی

(۴) حکم واقعی اولی - حکم واقعی ثانوی

۴۶۷- ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی که می گوید: «در جرائم موجب حد، مرتکب در صورتی مسوول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسوولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد.» حال مشخص کنید، منظور از علم و آگاهی در این ماده چه نوع علمی است؟

(۱) علم تفصیلی

(۲) علم مبتنی بر قطع موضوعی

(۳) علم اجمالی

(۴) هر سه مورد صحیح است.

۴۶۸- کدام گزینه بیانگر تفاوت اصل و اماره است؟

- (۱) اصل در مقام تعارض بر اماره حاکم است.
 (۲) اماره در مورد شک در حکم جاری می شود ولی اصل در مورد شبهه موضوعیه جاری است.
 (۳) در اصل، کاشفیت از واقع اخذ شده، ولی در اماره نشده است.
 (۴) در اماره، جهت کاشف از واقع لحاظ شده ولی در اصل نشده است.

۴۶۹- دلیل فقهاتی مجتهد را در چه حالتی و به چه حکمی رهنمون می**شود؟**

- (۱) قطع، حکم واقعی
 (۲) شک، حکم ظاهری
 (۳) ظن، حکم ظاهری
 (۴) شک، حکم واقعی
- ۴۷۰- ماده ۲۰۴ قانون مجازات اسلامی که می گوید: «سوگند باید مطابق با ادعا، صریح در مقصود و بدون هرگونه ابهام باشد و از روی قطع و یقین اداء شود.» بیانگر است.**

- (۱) علم تفصیلی
 (۲) علم اجمالی
 (۳) ظن قریب به یقین
 (۴) هر نوع علمی اعم از تفصیلی و اجمالی
- ۴۷۱- ماده ۲ قانون اجرای احکام مدنی مقرر می دارد: ((احکام دادگاههای دادگستری وقتی به موقع اجرا گذارده می شود که به محکوم علیه یا وکیل یا قائم مقام قانونی او ابلاغ شده و محکوم یا نماینده و یا قائم مقام قانونی او کتباً این تقاضا را از دادگاه بنماید.)) منوط شدن اجرا به ابلاغ، مبین چه نوع مقدمه ای است؟**

- (۱) مقدمه قانونی (۲) مقدمه عادی (۳) مقدمه واقعی (۴) مقدمه عقلی

۴۷۲- ماده ۲۰۹ قانون مدنی می گوید: ((امضای معامله بعد از رفع اکراه موجب نفوذ معامله است)) با عنایت به مفاد ماده فوق کدام گزینه غلط است؟

(۱) همواره ذی المقدمه وابسته به مقدمه مؤثر در ذی المقدمه است.

(۲) همواره مقدمه (شرط) مقدم بر ذی المقدمه (مشروط) است.

(۳) این امکان وجود دارد که شرط متأخر باعث تنفیذ مشروط متقدم گردد.

(۴) مفاد این ماده بیانگر مقدمه نفوذ است.

۴۷۳- ((اذن در امری، اذن در لوازم آن است.)) منظور از لوازم کدام است؟

(۱) لوازم شرعی و قانونی

(۲) لوازم عقلی و عرفی

(۳) فقط لوازم قانونی

(۴) کلیه لوازم شرعی، قانونی و عقلی و عرفی

۴۷۴- ماده ۱۳۲ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر می دارد: ((به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی با دیگری قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام به وی یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر را صادر نماید)) بر اساس این ماده مجازات مجرمان و اخذ خسارت قربانیان جرم، بر دادگاه واجب است و مقدمه دسترسی به متهم و حضور وی می باشد، در رابطه با استنباط این حکم، کدام عبارت صحیح است؟

(۱) این حکم مصداق مقدمه واجب است، بنابراین قرار تأمین نیز به عنوان مقدمه واجب، بر دادگاه واجب است.

(۲) استنباط این حکم بر اساس دلالت مطابقی ماده مزبور است، و صدور قرار تأمین جدای از دسترسی به متهم است.

۳) استنباط این حکم بر اساس دلالت تنبیه و ایفاء است، بنابراین قرار تأمین برای دادگاه الزامی است.

۴) استنباط این حکم بر اساس دلالت التزامی است، و صدور قرار تأمین جدای از دسترسی به متهم است.

۴۷۵- اصل ۸۲ قانون اساسی مقرر می دارد: ((استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی.)) از مفاد این اصل دو گونه حکم استخراج می شود، به ترتیب ، این دو حکم کدامند؟

۱) حکم واقعی، حکم ظاهری

۲) حکم واقعی، حکم ثانوی

۳) حکم ظاهری، حکم واقعی

۴) حکم اجتهادی، حکم فقاهتی

فصل هشتم: اصول عملیه

۴۷۶- در خصوص اصول عملیه کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) در موارد بروز شک در تعیین حکم شرعی، تکلیف مکلف را روشن می سازد.
 (۲) اگر نتوان با استفاده از دلایل اجتهادی حکم واقعی را پیدا کنیم، بر مبنای اصول عملیه می توان حکم قضیه را استخراج نمود.
 (۳) اصل عملی در جایی به کار می رود که اماره و دلیل وجود نداشته باشد.
 (۴) هر سه مورد صحیح است.

۴۷۷- طبق ماده ۸۷۶ قانون مدنی: «با شک در حیات حین ولادت، حکم وراثت نمی شود.» حال اگر در حیات حین ولادت طفلی شک ایجاد گردد، چه نوع شبهه ای ایجاد گشته است؟

- (۱) شبهه موضوعیه (۲) شبهه حکمیه (۳) شبهه مفهومی (۴) شبهه مصداقی
 ۴۷۸- در اصل حالت سابقه مورد توجه قرار می گیرد و در اصل حالت سابقه مورد توجه نبوده و عمل به احتیاط نیز ممکن نیست.

- (۱) براءت - استصحاب (۲) براءت - تخییر
 (۳) تخییر - براءت (۴) استصحاب - براءت
 ۴۷۹- طبق اصل عملیه، «قاضی نمی تواند کسی را احضار یا جلب نماید مگر آنکه دلایل کافی بر توجه اتهام به وی داشته باشد» و مهم ترین دلیل حجیت این اصل است.

- (۱) براءت - سنت (۲) استصحاب عدمی - قرآن
 (۳) عدم - قاعده عقلی (۴) احتیاط - قاعده عقلی

۴۸۰- وفق ماده ۹۹ قانون مدنی: «هیچ کس حق ندارد ناودان خود را بطرف ملک دیگری بگذارد یا آب باران از بام خود به بام یا ملک همسایه دیگری جاری کند مگر با اذن او.» این حکم با کدامیک از اصول عملیه انطباق دارد؟

(۱) اصل استصحاب و جاری شدن حقوق شخص بر کلیه اجزاء ملکش.

(۲) اصل استصحاب عدمی، طوریکه هیچ کس بر ملک دیگری حقی ندارد.

(۳) اصل عدم، طوریکه اصل بر عدم ارتفاق است.

(۴) هیچکدام.

۴۸۱- کدام گزینه صحیح است؟

(۱) اصل احتیاط در موارد شک در تکلیف به کار می رود.

(۲) تخییر در دوران امر بین محذورین، تخییر عقلی ظاهری است.

(۳) تخییر در مورد تعارض دو آماره مخصوص مجتهد است.

(۴) گزینه ۲ و ۳ صحیح است.

۴۸۲- «اصل مثبت حجیت ندارد» به چه معنا است؟

(۱) اصول توانایی اثبات لوازمی به غیر از آثار شرعی و قانونی خود را ندارند.

(۲) اصول هیچکدام از لوازم و آثار حکم را نمی توانند اثبات نمایند.

(۳) اصول صرفاً موجب ظن به اموری می شود بدون اینکه حالت یقینی داشته باشند.

(۴) اصول در هیچ صورتی حتی از جهت رفع شک و تردید نیز فاقد حجیت است.

۴۸۳- اگر یکی از دو مایع خمر و دیگری خلّ باشد و معلوم نشود کدامیک خمر

و کدامیک خلّ است، مورد اعمال کدام اصل عملی است و تکلیف چیست؟

(۱) اصل برائت - تکلیف به ترک یا انجام برداشته می شود.

(۲) اصل احتیاط - هر دو را ترک می کنیم.

(۳) اصل احتیاط - دلیل بر ترک هر دو وجود ندارد.

(۴) اصل تخییر - یکی را ترک و دیگری را انجام می دهیم.

۴۸۴- کدام یک از گزینه ها معرف تفاوت بین اصل برائت و اصل عدم است؟

- (۱) اصل برائت اعم از اصل عدم است.
- (۲) موارد کاربرد اصل عدم وسیعتر از اصل برائت است.
- (۳) اصل برائت یک اصل عقلی است اما اصل عدم یک اصل شرعی و عقلی است.
- (۴) رابطه منطقی بین این دو، عموم و خصوص من وجه است.

۴۸۵- هرگاه بین بایع و مشتری در مبلغ ثمن اختلاف شود، تکلیف چیست؟

- (۱) با استناد به اصل احتیاط، احتیاط واجب آنست که مشتری باید مبلغ اکثر یا مبلغ مورد نظر بایع را پرداخت کند.
- (۲) با استناد به اصل تخییر، محکمه می تواند در این مورد تخییر نماید.
- (۳) با استناد به اصل برائت در اکثر، مشتری باید مبلغ اقل یا مبلغ مورد نظر خود را پرداخت کند.
- (۴) با استناد به اصل استصحاب (إبقاء ماكان) اصل بر بقاء اکثر در مورد سوال مطروحه است.

۴۸۶- بموجب قانون مجازات اسلامی ، اگر قتلی در یک نزاع دسته جمعی به وقوع بپیوندد و یقین و ظن به انتساب آن به فرد یا افرادی معین نداشته باشیم، دیه قتل از بیت المال پرداخت می شود. چنین حکمی مبتنی بر کدام اصل از اصول عملیه است؟

- (۱) اصل برائت
- (۲) اصل تخییر
- (۳) اصل احتیاط
- (۴) اصل اشتغال

۴۸۷- کدام یک جزء عناصر اصل استصحاب نمی باشد؟

- (۱) یقین به سابق
- (۲) وحدت زمان متیقن و مشکوک
- (۳) فعلیت یقین و شک
- (۴) وحدت زمان شک و یقین

۴۸۸- شخصی احتمال می دهد که در گذشته مبلغ ۲۰۰۰ ریال از (الف) طلبکار بوده است و حال شک نموده که آیا (الف) این طلب را پرداخت

نموده یا اینکه دین وی باقی است؛ در این حالت:

(۱) وی می تواند به استناد استصحاب طلب را مطالبه نماید.

(۲) وی نمی تواند به استناد استصحاب طلب را مطالبه نماید.

(۳) وی می تواند به استناد اصل عدم پرداخت دین طلب را مطالبه نماید.

(۴) گزینه ۲ و ۳ صحیح است.

۴۸۹- اگر در گذشته به وجود جنینی یقین داشته ایم و هم اکنون بر اثر

حادثه ای وجود آن مورد شک قرار گرفته باشد به استناد استصحاب

..... می توان حکم بر بقای آن نمود و اگر حیات مفقودالاثری که

حیات و ممات او مشکوک است را استصحاب نماییم از استصحاب

..... استفاده نموده ایم.

(۱) استصحاب موضوعی - استصحاب موضوعی

(۲) استصحاب حکمی - استصحاب حکمی

(۳) استصحاب موضوعی - استصحاب حکمی

(۴) استصحاب حکمی - استصحاب موضوعی

۴۹۰- کدام گزینه صحیح نیست؟

(۱) اصل صحت گاهی بر استصحاب اعم از حکمی و موضوعی مقدم است.

(۲) اماره قانونی بر استصحاب مقدم است.

(۳) استصحاب بر اماره قضایی مقدم است.

(۴) استصحاب بر اصل تخییر مقدم است.

۴۹۱- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) اگر هر دو استصحاب سببی باشند هر دو ساقط می گردند.
 (۲) اگر دو استصحاب سببی و مسببی باشند، استصحاب سببی بر استصحاب مسببی مقدم است.
 (۳) استصحاب همواره بر اصل احتیاط و برائت مقدم است.
 (۴) هر سه مورد.

۴۹۲- هرگاه بین زن و شوهر اختلاف شود بر سر اینکه طلاق در طهر**مواقعه انجام گرفته یا در طهر غیرمواقعه، تکلیف چیست؟**

- (۱) از موارد شک در مقتضی بوده و بر صحت زوجیت استصحاب می کنیم.
 (۲) از موارد شک در مقتضی بوده و بر صحت طلاق استصحاب می کنیم.
 (۳) از موارد شک در رافعیّت موجود بوده و بر بقاء زوجیت استصحاب نمی کنیم.
 (۴) از موارد شک در وجود رافع بوده و بر صحت طلاق استصحاب می کنیم.
۴۹۳- هرگاه در حالت استصحابی، شک بر یقین سرایت نماید، ولی یقین سابق را از بین نبرد، به این حالت گویند.

- (۱) شک در ساری
 (۲) استصحاب قهقرایی
 (۳) استصحاب مقتضی و مانع
 (۴) قاعده یقین

۴۹۴- کدامیک مانع تنجیز است و چه اصلی بر آن حاکم می شود؟

- (۱) تردید بین امور متباین محصوره، اصل احتیاط
 (۲) تردید در اقل و اکثر ارتباطی، اصل احتیاط
 (۳) تردید بین امور متباین غیرمحصوره، اصل برائت
 (۴) تردید در اقل و اکثر استقلالی، اصل برائت در اکثر

۴۹۵- عبارت: ((یحکم بالتخیر فی دوران الامر))

- (۱) بین الوجوب و الکراهه
 (۲) بین الوجوب و الاستصحاب
 (۳) بین الحرمة و غیر الوجوب
 (۴) بین الوجوب و الحرمة

۴۹۶- موضوع براءت عقلی و براءت شرعی به ترتیب کدام است؟

- (۱) رفع عقاب - رفع عقاب
 (۲) رفع عقاب - عدم العلم
 (۳) عدم العلم - رفع عقاب
 (۴) اباحه عقلی - نفی عقاب

۴۹۷- شبهه موضوعیه تحریمی محل اعمال کدامیک از اصول عملیه است؟

- (۱) اصل براءت
 (۲) اصل احتیاط
 (۳) در شبهه موضوعه تحریمی محصور، اصل احتیاط و در غیر محصور اصل براءت
 (۴) در شبهه موضوعیه تحریمی محصور، اصل براءت در شبهه موضوعیه تحریمی غیرمحصور، اصل احتیاط

۴۹۸- آیه تعذیب: ((و ما كنا معذبين حتى مبعث رسولاً)) مبین کدامیک از اصول عملیه است؟

- (۱) اصل براءت (۲) اصل تخییر (۳) اصل احتیاط (۴) اصل استصحاب

۴۹۹- قاعده ترتب در چه اصلی و چگونه قابل اجراست؟

- (۱) در تعارض در حالتی که بین آنها تراجیح وجود داشته باشد.
 (۲) در تراحم در حالتی که بین متزاحمین تراجیح باشد.
 (۳) در تعارض در حالتی که بین متعارضین تعادل باشد.
 (۴) در تراحم در حالتی که بین متزاحمین تعادل باشد.
 ۵۰۰- بند ۲ ماده ۵۱ ق.أ.د.م مقرر می دارد: ((که اقامتگاه مدعی علیه را

با قول مدعی احراز می کند)) مصداق کدام مورد است؟

- (۱) دلیل به معنای اخص
 (۲) اصل
 (۳) اماره
 (۴) موارد ۱ و ۲

۵۰۱- طبق ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات، کیفر تهدید، شلاق یا زندان است))
چنین کیفری مصداق چه نوع تخییری است؟

(۱) تخییر بین محذورین (۲) تخیر بین دو حکم متزاحم

(۳) تخییر بین دو دلیل متعارض (۴) تخییر بین افراد واجب مخیر

۵۰۲- شخصی مال موکل خود را فروخته است، هرگاه در بقاء وکالت حین العقد شک نمائین که در نتیجه در مالکیت برای مشتری شک بوجود آید، استصحاب بقای وکالت استصحاب و استصحاب راجع به مالکیت مشتری استصحاب است.

(۱) مؤخر- مقدم (۲) مقدم- مؤخر (۳) سببی- مسببی (۴) مسببی- سببی

۵۰۳- حدیث رفع ((رفع عن امتی تسعه شیاً)) مؤید کدامیک از اصول عملیه زیر است؟

(۱) اصل براءت (۲) اصل تخییر (۳) اصل احتیاط (۴) اصل استصحاب

۵۰۴- در ماده ۱۲۰۳ قانون آمده است: ((در صورت بودن زوجه و یک یا چند واجب النفقه دیگر زوجه مقدم بر سایرین خواهد بود.)) مصداق کدامیک از موارد ذیل است؟

(۱) تعارض (۲) تزاحم

(۳) دوران امر بین محذورین (۴) تقدم و تأخر حادث

۵۰۵- عبارت ((لا تنقض الیقین بالشک)) در بیان کدامیک از اصول عملیه است؟

(۱) اصل براءت (۲) اصل تخییر

(۳) اصل احتیاط (۴) اصل استصحاب

۵۰۶- کسی که غایب بوده و خبری از او در دست نیست، وراثت او حق ندارند اموالش را میان خود تقسیم کنند تا آنکه زمانی بگذرد که امثال او معمولاً تا آن زمان زنده نمی ماند، بقاء چنین کسی در این مدت مشکوک است، این شک از مصادیق است.

۱) شک در مقتضی ۲) شک در وجود رافع

۳) شک در رافعیّت موجود ۴) شک در حدوث واقع

۵۰۷- ماده ۴۲۱ ق.م مقرر می دارد: ((اگر کسی طرف خود را مغبون کند، سپس حاضر شود تفاوت قیمت را بدهد، خیار غبن ساقط نمی شود، مگر اینکه مغبون به اخذ تفاوت قیمت راضی گردد)) حال کدام گزینه صحیح است؟

۱) این ماده بر اساس استصحاب بقای حق مغبون تنظیم شده و از مصادیق استصحاب حکم وضعی است.

۲) این ماده بر اساس استصحاب بقای حق مغبون تنظیم شده و از مصادیق استصحاب حکم تکلیفی است.

۳) این ماده بر اساس استصحاب بقای حق مغبون تنظیم شده و از مصادیق استصحاب موضوعی است.

۴) این ماده بر اساس استصحاب عدم بقای حق مغبون تنظیم شده و از مصادیق استصحاب تکلیفی است.

۵۰۸- در شبهه حکمیّه وجوبیه مردد بین اقل و اکثر ارتباطی با منشاء تعارض ادله چه اصلی جاری می شود؟

۱) برائت ۲) تخییر ۳) احتیاط ۴) استصحاب

۵۰۹- کدامیک از موارد استصحاب صحیح است؟

۱) استصحاب قهقرایی ۲) استصحاب حالی

۳) استصحاب استقبالی ۴) ۲ و ۳ صحیح است.

۵۱۰- فقهاء می گویند: ((زوجه در صورت اصرار بر زنا بر زوج حرام نمی شود))
 آنگاه دلیل این اظهارات را علاوه بر نص، مستند به اصل می دانند، مراد ایشان
 از اصل، در اینجا چیست؟

(۱) اصله برائت (۲) اصل احتیاط

(۳) استصحاب بقاء زوجیت (۴) اصل تقدم دلیل اجتهادی بر فقهاتی

۵۱۱- در اصل یا اماره بودن کدامیک اختلاف است؟

(۱) احتیاط (۲) استصحاب (۳) برائت (۴) تخییر

۵۱۲- پرداخت نفقه به پدری که سابقاً مستمند بوده، حال تردید داریم که
 تمکن مالی پیدا کرده است یا خیر، چه نوع استصحابی است؟

(۱) وجودی (۲) عدمی (۳) حکم وضعی (۴) موضوعی

۵۱۳- چرا اصل مثبت حجت نیست؟

(۱) زیرا بطور قطع واقعیت را کشف نمی کند.

(۲) زیرا بطور قطع نمی تواند مثبت آثار و لوازم عقلی و عرفی احکام یا موضوعاتی که ثابت کرده
 است، باشد.

(۳) زیرا اصل غالباً مفید ظن است ولی به هر حال مبنای حجیت آن ایجاد ظن است.

(۴) زیرا اصل نمی تواند بطور کلی مثبت آثار و لوازم احکام یا موضوعاتی که ثابت کرده است،
 باشد.

۵۱۴- اگر میان زن و شوهر در دوام و انقطاع زوجیت اختلاف واقع شود
 طوری که یکی بگوید: ازدواج ما دائمی است و دیگری بگوید: ازدواج ما موقت
 است، قول کدامیک مقدم است؟ و چه اصلی در اینجا حاکم است؟

(۱) دائم بودن ازدواج مقدم است، اصل استصحاب

(۲) موقت بودن ازدواج مقدم است، اصل عدم

(۳) دائم بودن ازدواج مقدم است، اصل تخییر

(۴) موقت بودن ازدواج مقدم است، اصل استصحاب

۵۱۵- شخصی یقین دارد که هزار تومان به دیگری بدهکار بوده است و اکنون شک می کند که آن بدهی را پرداخته است یا خیر، تکلیف چیست؟

۱) با استناد به اصل برائت، تکلیف (دین) ساقط می شود.

۲) به استناد به اصل استصحاب عدمی، اصل بر عدم وجود دین است مگر خلافش ثابت شود.

۳) با استناد به اصل تخییر، بین پرداخت یا عدم پرداخت تخییر عقلی یا تکوینی می کنیم.

۴) با استناد به اصل استصحاب، بر بقای دین حکم می کنیم.

۵۱۶- شک در توجه تکلیف به مکلف در حالت مسبوق به سابقه یقینی از موارد اجرای کدام اصل عمل است؟

۱) اصل برائت ۲) اصل تخییر ۳) اصل احتیاط ۴) اصل استصحاب

۵۱۷- در کدامیک از اصول عملیه علم اجمالی جاری است؟

۱) اصل عدم ۲) اصل تخییر

۳) اصل احتیاط ۴) اصل استصحاب

۵۱۸- ماده ۸۷۵ ق.م.مقرر می دارد: ((شرط وراثت زنده بودن در حین فوت مورث است)) تردید در زنده بودن ورثه در زمان فوت مورث است.

۱) شبهه حکمیه ۲) شبهه موضوعیه ۳) شبهه مصداقی ۴) شبهه مفهومی

۵۱۹- هرگاه شک در حکم یک چیزی داشته باشیم و آن حکم مردد بین انجام دو مکلف به باشد اصطلاحاً به آن می گویند.

۱) شبهه حکمیه ۲) شبهه موضوعیه ۳) شبهه حکمیه وجوبی ۴) شبهه موضوعیه

وجوبی

۵۲۰- ماده ۲ قانون مدنی مقرر می دارد: ((قوانین ۱۵ روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم الاجرا است...)) این ماده در توجیه کدامیک از اصول عملیه است؟

۱) اصل برائت ۲) اصل تخییر ۳) اصل احتیاط ۴) اصل استصحاب

۵۲۱- ماده ۱۸۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: ((هرگاه کسی بعد از اقرار به خوردن مسکر توبه کند قاضی می تواند از ولی امر تقاضای عفو نماید یا حد را بر او جاری کند)) مبین کدامیک از موارد زیر است؟

۱)تخیر بین متعارضین

۲)تخیر بین دو حکم متزاحم

۳)تخیر بین محذورین

۴)تخیر بین افراد واجب مخیر

۵۲۲- ماده ۲۲۵ قانون تجارت اشعار می دارد: ((اگر مبلغ بیش از یک دفعه به تمام حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر مناط اعتبار است)) این ماده بیانگر است.

۱)اقل واکثر ارتباطی، اشتغال در اقل و برائت در اکثر

۲)دوران بین دو امر متباین و رعایت اقل

۳)اقل و اکثر استقلال، اشتغال در اقل و برائت در اکثر

۴)دوران بین دو امر متباین محصور، اصل احتیاط

۵۲۳- شک در اینکه آیا موکل وکیل را عزل نموده یا خیر؟ شک در

۱)شک در مقتضی

۲)شک در حکم تکلیفی

۳)شک در وجود رافع

۴)شک در رافعییت موجود

۵۲۴- وکیل می معامله ای را در حدود اختیارات وکالت در حق موکل انجام می دهد و سپس کاشف به عمل می آید که موکل وکیل را عزل نموده. حال مشخص کنید به ترتیب استصحاب راجع به صحت و سقم معامله و تأثیر یا عدم تأثیر عزل چه نوع استصحابی هستند و کدامیک بر دیگری مقدم است؟

۱) استصحاب سببی و مسببی و تقدم با استصحاب سببی

۲) استصحاب مسببی و سببی و تقدم با استصحاب سببی

۳) استصحاب مسببی و سببی و تقدم با تقدم با استصحاب مسببی

۴) استصحاب سببی و مسببی و تقدم با استصحاب مسببی

۵۲۵- ماده ۲۳۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: ((اگر کسی به قتل عمدی شخصی اقرار نماید و دیگری به قتل عمدی یا خطایی همان مقتول اقرار کند ولی دم در مراجعه به هر یک از ایندو نفر مخیر است)). تخییر بکار رفته در این ماده بیانگر چه نوع تخییری است؟

۱) تخییر بین متعارضین

۲) تخییر بین متزاحمین

۳) تخییر بین محذورین

۴) تخییر بین افراد واجب مخیر

۵۲۶- هرگاه نسبت به طلاق که واقع شده تردید داشته باشیم که در طهر غیرمواقع انجام گرفته تا صحیح باشد یا در طهر مواقع صورت گرفته تا باطل باشد، این شک چه نوع شکی است؟

۱) شک در مقتضی

۲) شک در وجود رافع

۳) شک در رافعییت موجود

۴) شک ساری

۵۲۷- در صورت تردید در مبلغ، دین، چه اصلی جاری است؟

۱) استصحاب بقاء دین و لزوم پرداخت اکثر

۲) اشتغال ذمه و لزوم پرداخت اکثر

۳) لزوم پرداخت اقل و اجرای اصل برائت نسبت به مازاد

۴) تخییر در انتخاب مبلغ کمتر و مبلغ بیشتر

۵۲۸- هرگاه بین مشتری و بایع در ثمن معامله تردید شود.....

۱) مشتری باید مبلغی را که بایع ادعا دارد پرداخت نماید.

۲) جهت رعایت عدالت میانگین مبالغ ادعایی مشتری و بایع را پرداخت نماید.

۳) مشتری می تواند مبلغی را که خود ادعا می کند پرداخت نماید.

۴) مشتری با استناد به دفع ضرر احتمالی باید مبلغ حداکثری را پرداخت نماید.

۵۲۹- در حالتی که مورد شبهه متعدد ولی دچار شدن به آن عادتاً ممکن

باشد، محل اجرای.....

۱) اصل احتیاط

۲) اصل برائت

۳) اصل تخییر

۴) هیچ اصلی جاری نمی شود

۵۳۰- هرگاه در مقدار قابلیت و استعداد بقاء موضوعی تردید نمائیم، به

این حالت..... گویند.

۱) شک در مقتضی

۲) شک در وجود رافع

۳) شک در رافعییت موجود

۴) شک در مانع

۵۳۱- اصل تأخر حادث.....

۱) یک اصل عملی در کنار سایر اصول عملیه است.

۲) یک اصل مستقل نبوده، بلکه با اصول عدمی توجیه می شود.

۳) مقدم بر سایر اصول عملیه است.

۴) صرفاً از طریق استصحاب توجیه می شود.

۵۳۲- ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی چنین مقرر می دارد: «هرکس مدعی حقی باشد باید آنرا اثبات کند.» مؤید کدامیک از اصول عملیه زیر است؟

(۱) اصل عدم (۲) اصل برائت (۳) استصحاب (۴) و ۲ صحیح است.

۵۳۳- ماده ۱۹۸ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر می دارد: «در صورتی که حق یا دینی بر عهده کسی ثابت شد، اصل بر بقای آن است، مگر این که خلاف آن ثابت شود.» مبین کدامیک از اصول عملیه زیر است؟

(۱) اصل عدم

(۲) اصل استصحاب عدمی

(۳) اصل استصحاب وجودی

(۴) اصل برائت

۵۳۴- ماده ۲ قانون آئین دادرسی مدنی که مقرر می دارد: «هیچ دادگاهی نمی تواند به دعوایی رسیدگی کند، مگر این که شخص یا اشخاص ذینفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوی را برابر قانون درخواست نموده باشند.» حالیه، این فرض مطرح می شود که هرگاه طلبکار (خواهان) در دادخواست مبلغی را بیش از آن چه که مورد قبول بدهکار است مطالبه کند، مسأله از لحاظ جریان اصول چه می شود؟

(۱) اصول در این مسأله، متعارض بوده و مشکل باید با مسامحه طرفین حل و فصل گردد.

(۲) بدهکار مکلف به پرداخت قدر متیقن دین بوده و نسبت به زائد، اصل برائت حاکم است.

(۳) طبق اصل اشتغال، خوانده (بدهکار) باید کاری کند که اشتغال ذمه یقینی او به برائت ذمه مبطل گردد.

(۴) در صورتی که ادعای خواهان (طلبکار) از مقوله شبهه محصوره باشد باید مبلغ زائد پرداخت شود.

۵۳۵- اصول عملیه موازینی هستند که.....

- (۱) حکم کلی مسأله را روشن می کنند.
- (۲) مکلف شکاک و متحیر در تکلیف را به تکلیفش راهنمایی می کنند.
- (۳) مکلف در صورت جهل و یا تردید در حکم و یا موضوعی، از آنها استفاده و رفع تحیر می کند.

(۴) در صورت جهل نسبت به حکم ظاهری، حکم واقعی را برای مکلف آشکار می سازند.

۵۳۶- آیه شریفه «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» مبتنی بر

کدامیک از اصول است؟

- (۱) اصل تخییر (۲) اصل عدم (۳) اصل احتیاط (۴) اصول لفظیه
- ۵۳۷- ماده ۳۷۵ قانون مجازات اسلامی (جدید) مقرر می دارد: «اگره در قتل مجوز قتل نیست و مرتکب، قصاص می شود و اگره کننده، به حبس ابد محکوم می گردد.» حال در موردی که یکی دیگری را اجبار به قتل شخص سوم نماید و به او بگوید که اگر او را نکشی تو را خواهم کشت، مکره در وضعیت قرار می گیرد.**

(۱) تخییر بین دو یا چند دلیل متعارض

(۲) تخییر بین دو حکم متزاحم

(۳) تخییر بین محذورین

(۴) تخییر بین افراد واجب مخیر

۵۳۸- قانون «الاشتغال الیقینی یستدعی الفراغ الیقینی» دلیل کدام اصل از

اصول عملیه است؟

(۲) استصحاب

(۱) احتیاط

(۴) تخییر

(۳) برائت

۵۳۹- اگر مردی یکی از دو زوجه خود را مطلقه کند و معلوم نشود کدامیک را طلاق داده است هریک از آنان می تواند اصل عدم طلاق را در حق خود جاری کند و آثار شرعی و قانونی زوجیت را بر آن مترتب نماید، دلیل این استظهار بخاطر جریان کدام اصل عملیه است؟

(۱) احتیاط (۲) تخییر (۳) براءت (۴) اصل عدم

۵۴۰- ماده ۸۷۴ قانون مدنی مقرر می دارد: «اگر اشخاصی که بین آنها توارث باشد بمیرند و تاریخ فوت یکی از آنها معلوم و دیگری از حیث تقدم و تاخر مجهول باشد، فقط آن که تاریخ فوتش مجهول است از آن دیگری ارث می برد.» اصل تاخر حادث مطابق این ماده

(۱) اصل مثبت محسوب می شود که کلیه لوازم شرعی خود را اثبات می کند.

(۲) اصل مثبت واجد حجیت است که به غیر از لوازم قانونی و شرعی، آثار عقلی و عرفی حکم خود را نیز اثبات می کند.

(۳) اصل مثبت واجد حجیت است که به جز لوازم قانونی و شرعی، لوازم و آثار دیگری را اثبات نمی کند.

(۴) اصل مثبت محسوب نمی شود، اگر چه کلیه لوازم خود اعم از شرعی، قانونی، عقلی و عرفی حکم خود را اثبات می کند.

۵۴۱- ماده ۶۸۵ قانون تعزیرات (۱۳۷۵) چنین مقرر می دارد: «هرکس اصله نخل خرما را به هر ترتیب یا هر وسیله بدون مجوز قانونی از بین ببرد یا قطع نماید به سه تا شش ماه حبس از یک میلیون و پانصد هزار تا سه میلیون ریال جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.» چنین کیفری مصداق چه نوع تخییری است؟

(۱) تخییر بین محذورین (۲) تخییر بین دو حکم متزاحم

(۳) تخییر بین دو دلیل متعارض (۴) تخییر بین افراد واجب متخیر

۵۴۲- در جایی که اجمالاً معلوم است شخصی باید کشته شود و شخصی حرام است که کشته شود، کدامیک از موارد زیر صادق است؟

- (۱) دوران امر میان وجوب و حرمت با جهل به نوع تکلیف، محل جریان اصل تخییر
 (۲) دوران امر میان وجوب و حرمت با جهل به نوع تکلیف، محل جریان اصل احتیاط
 (۳) دوران امر میان وجوب و حرمت با جهل در مکلف به، محل جریان اصل برائت
 (۴) دوران امر میان وجوب و حرمت با جهل در موضوع، محل جریان اصل تخییر

۵۴۳- ماده ۳۵۱ قانون مدنی مقرر می دارد: «هرگاه دخول شیء در مبیع عرفاً مشکوک باشد آن شیء داخل در بیع نخواهد بود، مگر آن که تصریح شده باشد.» مفاد این ماده مبین کدام اصل عملی است؟

- (۱) اصل استصحاب (۲) اصل احتیاط (۳) اصل عدم (۴) اصل تخییر

۵۴۴- مهمترین دلیل حجیت اصل برائت چیست؟

- (۱) قرآن (۲) سنت (۳) اجماع (۴) عقل

۵۴۵- ماده ۱۸۷ قانون مدنی چنین اشعار می دارد: «مالی که در دریا غرق

شده و مالک از آن اعراض کرده است، مال کسی است که آنرا بیرون

بیاورد.» حالیه باید گفت چنین مالی را تنها در صورتی می توان تملک نمود

که معلوم باشد مالک از آن اعراض کرده است، در صورتی تردید در وقوع

اعراض، تکلیف را چگونه و با استفاده چه اصل عملیه می توان مشخص

کرد؟

- (۱) اصل استصحاب عدمی، استصحاب عدم اعراض

- (۲) اصل استصحاب وجودی، استصحاب وجود اعراض

- (۳) اصل عدم، عدم وجود اعراض

- (۴) اصل اشتغال، وجود اعراض

۵۴۶- ماده ۱۳۴ قانون مدنی مقرر می دارد: «اگر از قدیم سرتیر عمارتی روی دیوار مختص همسایه بوده و سابقه این تصرف معلوم نباشد باید به حال سابق باقی بماند...» شک و تردید منظور در این ماده، چه نوع شکی است و تکلیف سرتیر عمارت چه می شود؟

۱) شک در مقتضی، استصحاب بقاء سرتیر

۲) شک در وجود رافع، استصحاب بقاء سرتیر

۳) شک در رافعیت موجود، استصحاب بقاء سرتیر

۴) شک در رافع و رافعیت موجود، عدم بقاء سرتیر

۵۴۷- ماده ۱۱۸۵ قانون مدنی مقرر می دارد: «هرگاه ولی قهری طفل محجور شود مدعی العموم مکلف است مطابق مقررات راجعه به تعیین قیم، قیمی برای طفل معین کند.» هرگاه تردید در حدوث حجر نمائیم، این شک در قالب چه نوع شکی است و تکلیف چه می شود؟

۱) شک در مقتضی، استصحاب عدم حجر

۲) شک در وجود رافع، استصحاب بقاء حجر

۳) شک در مقتضی، استصحاب وجود حجر

۴) شک در وجود رافع، استصحاب عدم حجر

۵۴۸- قاعده میسور در کدامیک از موارد زیر اعمال می گردد؟

۱) در شبهه موضوعیه تحریمی با دوران امر بین متباین محصوره

۲) در شبهه حکمیه وجوبیه هر دو بین اقل و اکثر ارتباطی

۳) در شبهه حکمیه وجوبیه هر دو بین اقل و اکثر استقلالی

۴) در شبهه موضوعیه تحریمی با دوران امر بین اصول متباین غیرمحصوره

۵۴۹- تبصره ۱ ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «هرگاه مرتکب یکی از جرائم موجب حد پس از صدور حکم قطعی در دچار جنون شود حد ساقط نمی شود...» به تأخیر افتادن مجازات تا زمان افاقه، بیانگر حکم قانونگذار براساس است.

- (۱) اصل برائت
(۲) اصل احتیاط
(۳) اصل استصحاب
(۴) اصل عدم

۵۵۰- ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر می دارد: «اصل برائت است، هرگاه فردی مدعی وجود حقی است باید آنرا ثابت کند.» حال معین کنید اصل برائت در صورتی جاری می شود که.....

- (۱) در مورد تکلیف شک و تردید وجود داشته باشد.
(۲) مورد تکلیف مردد و میان اقل و اکثر باشد.
(۳) دلیل و اماره مکلف را از تردید خارج نکند.
(۴) تردید در توجه تکلیف به مکلف باشد.

۵۵۱- ماده ۶۵۰ قانون تعزیرات مقرر می دارد: «هرکس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.» این ماده مصداق چه نوع تخیری است؟

- (۱) تخییر بین محذورین
(۲) تخییر بین افراد واجب مخیر
(۳) تخییر در تعارض
(۴) تخییر در تراحم

۵۵۲- ماده ۱۲۵ قانون تجارت مقرر می دارد: «هرکس به عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود، متضامناً با سایر شرکاء مسوؤل قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته...» دلیل این موضع گیری قانونگذار با کدامیک از اصول عملیه زیر توجیه می شود؟

۱) اصل اباحه ۲) اصل احتیاط ۳) اصل استصحاب ۴) اصل عدم
۵۵۳- ماده ۲۸۸ قانون مدنی مقرر می دارد: «اگر مالک بعد از عقد در

مورد معامله تصرفاتی کند که موجب ازدیاد قیمت آن شود در حین اقاله به مقدار قیمتی که به سبب عمل او زیاد شده است مستحق خواهد بود.»

حالیه اگر بین مالک مسبوق به عقد و مالک مسبوق به اقاله اختلاف در

ازدیاد قیمت ظهور کند، تکلیف از باب جریان اصول عملیه چه می شود؟

۱) بنا بر اصل احتیاط، جانب حداکثر را می گیریم و ادعای مالکی را می پذیریم که مدعی ازدیاد قیمت است.

۲) بنا بر اصل استصحاب، به متیقن سابق عمل کرده و ادعای مالکی را می پذیریم که مدعی عدم ازدیاد قیمت است.

۳) بنا بر اصل برائت در زائد و اشتغال در اقل، ادعای مالکی را می پذیریم که مدعی عدم ازدیاد قیمت است.

۴) بنا بر اصل استصحاب، اصل را بر تداوم حالت سابق در ازدیاد قیمت قرار داده و نظر مالکی را که مدعی ازدیاد قیمت است می پذیریم.

۵۵۴- ماده ۴۱۰ قانون مدنی که می گوید: «هرگاه کسی مالی را ندیده و آن را فقط به وصف بخرد، بعد از دیدن اگر دارای اوصافی که ذکر شده است نباشد، مختار می شود که بیع را فسخ کند یا به همان نحو که هست قبول نماید.» حالیه معین کنید، اختیار مذکور مصداق چه نوع تخییری است؟

(۱) تخییر بین محذورین
(۲) تخییر بین دو حکم متزاحم
(۳) تخییر بین متعارضین
(۴) تخییر بین افراد واجب مخیر

۵۵۵- ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «هرکس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن بواسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به شرح زیر مجازات می شود...» حال اگر در تاثیر عامل خارجی بوجود آمده در انصراف قصد مرتکب تردید داشته باشیم، این شک مصداق کدامیک از موارد زیر است؟

(۱) شک در مقتضی
(۲) شک در وجود رافع
(۳) شک در رافعیت موجود
(۴) شک در سبب

۵۵۶- ماده ۲۸۷ قانون مدنی می گوید: «نمات و منافع منفصله که از زمان عقد تا زمان اقاله در مورد معامله حادث می شود، مال کسی است که بواسطه عقد مالک شده است ولی نمات متصله مال کسی است که در نتیجه اقاله مالک می شود.» حال در فرضی که نتوان یکی از دو حالت را ترجیح داد، باید منافع را متصل شمرد، دلیل این استظهار چیست؟

(۱) اصل عدم
(۲) استصحاب عدمی
(۳) استصحاب وجودی
(۴) هر سه مورد

۵۵۷- حکم شبهه تحریمیه با فقدان نص کدام گزینه است؟

(۱) اصولیون قایل به احتیاط و اخباریون قایل به براءت هستند.

(۲) اصولیون قایل به براءت و اخباریون قایل به احتیاط هستند.

(۳) اصولیون و اخباریون هر دو قایل به براءت هستند.

(۴) اصولیون و اخباریون هر دو قایل به احتیاط هستند.

۵۵۸- اصل ۱۳ قانون اساسی، اقلیت های مذهبی در ایران را از حیث احکام راجع به احوال شخصیه تابع آئین و مذهب آنها می داند تا وقتی که مغایر با نظم عمومی نباشد، حالیه اگر در خصوص نظم عمومی و تعریف دقیق آن تردید شود، این مسأله بیانگر چه نوع شبهه ای است؟

(۱) شبهه مفهومی (۲) شبهه موضوعی (۳) شبهه حکمی (۴) شبهه مصداقی

۵۵۹- ماده ۵۱۶ قانون مدنی مقرر می دارد: ((تعهدات متصدیان حمل و نقل اعم از این که از راه خشکی یا هوا باشد برای حفاظت و نگاهداری اشیایی که به آنها سپرده می شود همان است که برای امانتداری آن مقرر است. بنابر این در صورت تفریط یا تعدی مسوول تلف یا ضایع شدن خواهند بود)) کدام عبارت در ارتباط با ماده فوق غلط است؟

(۱) اگر در اثر حمل و نقل، کالا تلف شود، اثبات تعدی و تفریط متصدی با ارسال کننده است.

(۲) اگر در اثر حمل و نقل، کالا تلف شود، اثبات عدم تعدی و تفریط با متصدی حمل و نقل است.

(۳) اگر در اثر حمل و نقل، کالا تلف شود، اثبات تعدی و تفریط متصدی با مرسل الیه است.

(۴) اگر در اثر حمل و نقل، کالا تلف شود، اثبات انجام و رعایت موازین فنی با متصدی حمل و نقل است.

۵۶۰- ماده ۸۷۴ ق.م مقرر می دارد: ((اگر اشخاصی که بین آنها توارث باشد بمیرند و تاریخ فوت یکی از آنها معلوم و دیگری از حیث تقدم و تأخر مجهول باشد فقط آن که تاریخ فوتش مجهول است از آن دیگری ارث می برد.)) این ماده بیانگر اصل تأخر حادث است، حالیه معین کنید کدام گزینه راجع به اصل تأخر حادث غلط است؟

- ۱) اصل تأخر حادث یک اصل عملی است که از طریق سایر اصول عملیه توجیه می شود.
- ۲) اصل تأخر حادث یک اصل عدمی است.
- ۳) اصل تأخر حادث گاهی جنبه عدمی و گاهی جنبه وجودی دارد.
- ۴) اصل تأخر حادث مثبت حکم و موضوع کلیه لوازم آنست.

۵۶۱- ماده ۷۴۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: ((هرکس بوسیله سیستم های رایانه ای یا مخابراتی یا حامل های داده محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هردو مجازات محکوم خواهد شد)) تخییر بکار رفته در این ماده بیانگر

- ۱) تخییر بین افراد واجب مخیر
 - ۲) تخییر بین متعارضین
 - ۳) تخییر بین محذورین
 - ۴) تخییر بین دو حکم متزاحم
- ۵۶۲- ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: ((هر فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می شود)) این ماده مصداق کدامیک از اصول عملیه است؟

- ۱) اصل قانونی بودن
- ۲) اصل استصحاب
- ۳) اصل برائت
- ۴) اصل احتیاط

فصل نهم: تعارض ادله

۵۶۳- در تعارض دو اماره قانونی و قضایی با هم:

- (۱) اماره قضایی بر اماره قانونی مقدم است. (۲) اماره قانونی بر اماره قضایی مقدم است. (۳) هر دو ساقط می گردند. (۴) هر دو با هم به کار بسته می شوند.

۵۶۴- در تعارض استصحاب با قاعده فراغ و تجاوز، و در

تعارض استصحاب با قاعده قرعه

- (۱) استصحاب مقدم است - استصحاب مقدم است.
 (۲) هر دو ساقط می گردند - قاعده قرعه مقدم است.
 (۳) استصحاب مقدم است - قاعده قرعه مقدم است.
 (۴) فراغ و تجاوز مقدم است - استصحاب مقدم است.

۵۶۵- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) اگر تعارض دو حکم ظاهری باشد از راه هایی مانند تخصیص و تخصص می توان به هر دوی آنها عمل نمود.
 (۲) اگر تعارض دو حکم ظاهری باشد فقط از طریق جمع عرفی می توان به هر دوی آنها عمل نمود.
 (۳) در تراحم دو حکم اگر یکی نسبت به دیگری اهمیت بالاتری داشته باشد قاعده تقدم اهم بر مهم جاری می گردد.
 (۴) همه گزینه ها صحیح می باشند.

۵۶۶- امتناع دو حکم متعارض، در مرحله بوده و در تراحم، در

مرحله می باشد.

- (۱) امتثال - اجرا
 (۲) اجرا - امتثال
 (۳) تشریح - قانونگذاری
 (۴) قانونگذاری - امتثال

۵۶۷- طبق ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی (سابق): «در کلیه محکومیت های تعزیری و بازدارنده حاکم می تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را ... معلق نماید.» و طبق ماده ۳۰ همان قانون مجازات بعضی از جرایم مانند «اختلاس و ارتشاء» قابل تعلیق نیست. از سوی دیگر با صراحت ماده ۲۵ بر محکومیت های تعزیری و بازدارنده می توان گفت که مجازاتهای حدود، قصاص و دیات نیز از شمول حکم تعلیق خارج می باشند. بنابراین خروج «اختلاس و ارتشاء» از حکم ماده ۲۵ خروج و خروج «حدود و قصاص و دیات» خروج می باشد.

(۱) تخصیصی - تخصیصی (۲) تخصیصی - تخصیصی

(۳) تخصیصی - تخصیصی (۴) تخصیصی - تخصیصی

۵۶۸- هرگاه خروج فردی و یا افرادی از حکم بدون تصرف و دخالت در موضوع باشد است و هرگاه همراه با تصرف و دخالت در موضوع باشد است.

(۱) تخصیص - حکومت (۲) حکومت - تخصیص

(۳) تخصیص - تخصیص (۴) حکومت - ورود

۵۶۹- اگر موضوعی واقعاً از عموم حکم خارج نباشد ولی قانون آن را خارج دانسته باشد گویند و اگر موضوعی واقعاً از عموم حکم خارج باشد و قانون آن را داخل دانسته باشد گویند.

(۱) ورود - حکومت (۲) تخصیص - تخصیص

(۳) ورود - ورود (۴) حکومت - حکومت

۵۷۰- طبق ماده ۱۲۸۰ قانون مدنی: «اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی است.» این حکم از باب است.

(۱) حکومت (۲) تخصیص (۳) تخصیص (۴) ورود

۵۷۱- وکیل دادگستری برای روز و ساعت معین به دو دادگاه دعوت شده است، موقعیت مزبور از قبیل است.

- (۱) تعارض
(۲) تعادل
(۳) تزاحم
(۴) تضاد

۵۷۲- اگر انتقال مال غیر، واجد همه ارکان بزه کلاهبرداری نباشد، ولی قانون منع فروش مال غیر آنرا داخل در حکم کلاهبرداری دانسته باشد، این مسأله از باب است.

- (۱) حکومت
(۲) تخصیص
(۳) تخصص
(۴) ورود

۵۷۳- در مورد دو عبارت: ((محاکمات دادگاهها علنی است)) و ((رسیدگی به جرائم اطفال علنی نخواهد بود)) کدامیک از عناوین زیر صادق است؟

- (۱) حکومت دلیل دوم
(۲) تخصیص
(۳) تساقط
(۴) خروج تخصصی دلیل دوم

۵۷۴- احتمال دخالت قاعده میسور در کدامیک از اصول عملیه زیر محتمل است؟

- (۱) اصل برائت
(۲) اصل تخییر
(۳) اصل احتیاط
(۴) اصل استصحاب

۵۷۵- به استناد ماده ۱۱۸۱ ق.م: «پدر و جد پدری هر دو بر صغیر خود ولایت دارند و ممکن است هر دو مال مولی علیه را برای صرف در مصارف او بفروشند، حال فرض کنیم تاریخ معامله ای که پدر انجام داده معلوم و تاریخ معامله ای که جد پدری انجام داده مجهول باشد، در اینصورت کدام معامله نافذ است؟

۱) به حکم اصل تاخر حادث معامله ای که جد پدری انجام داده است به دلیل مجهول بودن و اصل تأخر حادث موخر بوده و نافذ می باشد.

۲) در این صورت معامله ای که پدر انجام داده معلوم بوده بر معامله مجهول التاریخ، تقدم پیدا کرده و نافذ می باشد.

۳) در اینجا دو معامله معارض صورت پذیرفته در نتیجه چون امکان ترجیح وجود ندارد، لذا معامله ای که جد پدری انجام داده را از باب ترجیح به زمان مؤخر، معتبر و نافذ تلقی می کنیم.

۴) در اینجا هر دو معامله معلوم التاریخ و مجهول التاریخ تساقط کرده و به اصول عملیه رجوع می کنیم.

۵۷۶- از آنجائیکه مطابق ماده ۳۹ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء دادگستری، ادای سوگند بعد از حاضر شدن پروانه وکالت یعنی پس از اتمام دوره کارآموزی وکالت انجام می شود، مجازات مربوط به تخلف از قسم موضوع بند ۳ ماده ۸۱ آن آیین نامه شامل حال کسی که مشغول گذراندن دوره کارآموزی است نمی گردد. این وضعیت مصداق کدامیک از موارد ذیل است؟

۱) خروج تخصصی ۲) خروج تخصصی ۳) حکومت ۴) ورود

۵۷۷- ماده ۹۵۶ قانون مدنی، مرگ طبیعی را پایان اهلیت استحقاق انسان شمرده است ولی ماده ۱۰۱۸ همان قانون، تاریخ صدور حکم موت فرضی را در مورد غایب مفقودالاثر پایان آن اهلیت شمرده است، رابطه ماده ۱۰۱۸ نسبت به ماده ۹۵۶ قانون مزبور مصداق کدام مورد است؟

(۱) حکومت (۲) ورود

(۳) تخصیص (۴) تخصص

۵۷۸- در تعارض بین اماره قانونی و اماره قضایی

(۱) اماره قانونی راجح و اماره قضایی مرجوح است.

(۲) اماره قانونی مرجوح و اماره قضایی راجح است.

(۳) هر دو تساقط نموده و به اصول عملیه رجوع می کنیم.

(۴) امکان جمع در اینجا بین متعارضین وجود دارد.

۵۷۹- تکلیف تعارض غیرمستقر چیست؟

(۱) جمع عرفی بین متعارضین (۲) ترجیح راجح بر مرجوح

(۳) تساقط و رجوع به اصول عملیه (۴) هیچکدام

۵۸۰- کسی بعنوان وکالت خانه موکل خود را می فروشد، خریدار پس از معامله به استناد اوراقی چند که به دادگاه تقدیم می دارد مدعی می شود که وکیل قبل از انجام معامله از وکالت معزول شده و این امر هم به اطلاع او رسیده است و در نتیجه بطلان معامله را از دادگاه می خواهد، دادرسی پس از رسیدگی چون اسناد ابرازی خواهان را مثبت عزل وکیل نمی بیند در عزل وکیل تردید می نماید، اگر دادگاه استصحاب بقاء مالکیت موکل را نماید نتیجه آن بطلان بیع است ولی اگر حکم بر استصحاب بقاء وکالت

نماید، نتیجه آن صحت بیع است، حال به نظر شما دادگاه در رفع تعارض این دو استصحاب چه باید بکند؟

(۱) استصحاب بقاء مالکیت موکل را بر استصحاب بقاء وکالت مقدم بدارد.

(۲) استصحاب بقاء وکالت را بر استصحاب بقاء مالکیت موکل مقدم بدارد.

(۳) حکم بر تساقط این دو استصحاب متعارض نماید.

(۴) حکم بر تخییر عقلی و تکوینی یکی از دو استصحاب نماید.

۵۸۱- در تعارض بین استصحاب و اوضاع و احوالی که به نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می شود، چگونه عمل می کنیم؟

(۱) استصحاب مقدم است. (۲) علم قاضی مقدم است.

(۳) اگر علم قاضی قطعی باشد مقدم است. (۴) اگر استصحاب مؤید ظن باشد مقدم است.

۵۸۲- ماده ۹۷ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مقرر می دارد: ((چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص مزاحمت نماید، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهم تر باشد.)) این ماده بیانگر است.

(۱) تعارض (۲) تراحم

(۳) ترجیح بالاحداث (۴) تعادل

۵۸۳- اینکه بگوئیم: دانشمند را احترام کنید و سپس بگوئیم سازندگان بمب اتمی دانشمند نیستند، مؤید کدام حالت زیر است؟

(۱) تخصیص (۲) تخصص (۳) ورود (۴) حکومت

۵۸۴- عبارت ((الجمع مهما امکن اولی من الطرح)) مربوط به کدامیک از موارد زیر است؟

(۱) تعارض واقعی (۲) تعارض مستقر (۳) تعارض ظاهری (۴) تعادل و تراجم

۵۸۵- هرگاه بگویند معاملات ربوی باطل است و سپس بگویند چنین معاملاتى بين پدر و فرزند ربا نیست بیانگر است.

(۱)حکومت (۲)تخصص (۳)تخصیص (۴)ورود

۵۸۶- ماده ۱۰۴۵ ق.م مقرر می دارد: ((نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است)) و بعد ماده ۱۰۴۶ همان قانون مقرر داشته است: ((قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح همچون قرابت نسبی است)) نسبت بین این دو ماده چگونه است؟

(۱)تخصیص (۲)تخصص (۳)ورود (۴)حکومت

۵۸۷- به ترتیب در کدامیک خروج حکمی، خروج موضوعی تکوینی و عقلی، خروج موضوعی تعبدی و خروج موضوعی با دخل و تصرف است؟

(۱)تخصیص، تخصص، ورود، حکومت (۲)تخصص، تخصیص، ورود، حکومت

(۳)ورود، تخصیص، حکومت، تخصص (۴)حکومت، ورود، تخصص، تخصیص

۵۸۸- به ترتیب در تعارض بین استصحاب و ید، استصحاب و احتیاط، اقرار و ید، عدم تاثیر و نفوذ، تخییر و احتیاط، تکلیف چیست؟

(۱)استصحاب، احتیاط، ید، عدم تاثیر، تخییر

(۲)ید، استصحاب، اقرار، عدم تأثیر، تساقط

(۳)استصحاب، احتیاط، اقرار، عدم تاثیر، احتیاط

(۴)ید، استصحاب، اقرار، نفوذ، تساقط

۵۸۹- در تعارض ظاهری

(۱) اگر امکان جمع وجود نداشته باید تساقط نمود.

(۲) اگر امکان جمع وجود داشته باید یکی را بر دیگری ترجیح داد.

(۳) اگر امکان جمع وجود داشته باید متعارضین را جمع عرفی نمود.

(۴) اگر امکان جمع وجود نداشته باید یکی را بر دیگری ترجیح داد.

۵۹۰- تراجیح و تعادل در وجود دارد.

(۱) تعارض واقعی (۲) تراحم (۳) تعارض ظاهری (۴) تعارض غیرمستقیم

۵۹۱- در تعارض استصحاب با اصل احتیاط تکلیف چیست؟

(۱) تقدم با احتیاط است. (۲) تقدم با استصحاب است.

(۳) گاهی تقدم با احتیاط است. (۴) تساقط جاری می شود.

۵۹۲- ماده ۶۶۹ قانون مدنی مقرر می دارد: «هرگاه برای انجام یک امر،

دو یا چند نفر وکیل معین شده باشد هیچ یک از آنها نمی تواند بدون

دیگری یا دیگران دخالت در آن امر بنماید، مگر این که هر یک مستقلاً

وکالت داشته باشد» حال اگر دو وکیل که به صورت انفرادی حق انجام

معامله دارند مال موکل را بفروشند و وقوع یکی از معاملات معلوم و

دیگری مجهول باشد، تکلیف چیست؟

(۱) آن معامله ای که تاریخ وقوعش مجهول است، موخر فرض شده و طبق اصل تاخر

حادث، صحیح می باشد.

(۲) آن معامله ای که تاریخ وقوعش معلوم است، موخر فرض شده و طبق اصل تاخر حادث،

صحیح می باشد.

(۳) آن معامله ای که تاریخ وقوعش مجهول است، مقدم فرض شده و صحیح می باشد.

(۴) آن معامله ای که تاریخ وقوعش معلوم است، مقدم فرض شده و صحیح می باشد.

۵۹۳- در تعارض بین استصحاب بقاء معامله و عدم تأثیر، تکلیف چیست؟

(۱) اصل بر عدم تأثیر و عدم نفوذ معامله است.

(۲) اصل بر بقاء معامله و تأثیر آن است.

(۳) اصل بر عدم استصحاب بقاء معامله

(۴) در اینجا هر دو اصل تساقط نموده و به قاعده قرعه رجوع می کنیم.

۵۹۴- در تعارض بین استصحاب و اصل صحت تکلیف چیست؟

(۱) استصحاب همواره مقدم بر صحت است.

(۲) اصل صحت همواره مقدم بر استصحاب است.

(۳) در برخی مواقع صحت و در برخی موارد استصحاب مقدم است.

(۴) هر دو تساقط نموده و به موازین دیگر رجوع می کنیم.

۵۹۵- ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر می دارد: «اصل بر برائت است، بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند.» از طرفی ماده ۱۹۸ همان قانون اشعار می دارد: «در صورتی که حق یا دینی بر عهده کسی ثابت شد، اصل بر بقای آن است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.» حال در تعارض بین این دو اصل تکلیف چیست؟

(۱) با عنایت به حاکمیت اصل برائت، تقدم با ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی است.

(۲) با عنایت به حاکمیت اصل استصحاب، تقدم با ماده ۱۹۸ آئین دادرسی است.

(۳) در این خصوص با استناد به اصل تخییر، حق اختیار بین برائت و استصحاب وجود دارد.

(۴) در این خصوص اصل احتیاط را دستور کار قرار داده و این دو را جمع می کنیم.

۵۹۶- ماده ۲۲۳ قانون مدنی مقرر می دارد: «هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحت است، مگر این که فساد آن معلوم شود.» حالیه در صورت تردید در وجود پاره ای از شرایط صحت معامله، حکم چیست؟

(۱) با اجرای اصل عدم تأثیر، حکم به بطلان معامله داده می شود.

(۲) با اجرای قاعده صحت، معامله یاد شده محکوم به صحت است.

(۳) با اجرای اصل عدم تأثیر شرایط مورد تردید، حکم به صحت معامله می شود.

(۴) با اجرای اصل استصحاب وضعیت قبل از معامله استمرار یافته و معامله باطل اعلام می

شود.

۵۹۷- ترجیح بالحادث در مورد کدامیک از گزینه ها صادق است؟

۱) وقوع دو معامله معارض که تاریخ هر دو مجهول باشد.

۲) وقوع دو وصیت نامه معارض که تاریخ هر دو مجهول باشد.

۳) وقوع دو معامله معارض که تاریخ تقدم یکی بر دیگری معلوم باشد.

۴) وقوع دو وصیت نامه معارض که تاریخ یکی معلوم و دیگری مجهول باشد.

۵۹۸- ماده ۱۱۶۰ قانون مدنی که مقرر می دارد: «در صورتی که عقد نکاح

پس از نزدیکی منحل شود و زن مجدداً شوهر کند و طفلی از او متولد گردد،

طفل به شوهری ملحق می شود که مطابق مواد الحاق او به شوهر ممکن است،

در صورتی که مطابق مواد قبل، الحاق طفل به هر دو شوهر ممکن باشد، طفل

ملحق به شوهر دوم است.....» دلیل موضع گیری قانونگذار در الحاق طفل به

شوهر دوم مبتنی بر چیست؟

۱) در اینجا دو اصل احتیاط، تعارض و تساقط می کنند و اماره فراش بلامعارض جاری و

فرزند ملحق به شوهر دوم است.

۲) در اینجا براساس امارات قطعیه طفل ملحق به شوهر دوم است.

۳) در اینجا براساس اصول عملیه طفل ملحق به شوهر دوم است.

۴) گزینه ۱ و ۳ صحیح است.

۵۹۹- کسی به عنوان وکالت خانه موکل خود را می فروشد، خریدار پس

از معامله به استناد اوراقی که به دادگاه تقدیم می دارد، مدعی می شود

که وکیل قبل از انجام معامله از وکالت معزول شده و این امر هم به اطلاع

او رسیده است و در نتیجه بطلان معامله را از دادگاه می خواهد، دادرسی

پس از رسیدگی، چون اسناد ابرازی خواهان را مثبت عزل وکیل تشخیص

نمی دهد، در عزل وکیل تردید می نماید، اگر دادگاه استصحاب بقاء

مالکیت موکل را نماید، نتیجه آن بطلان بیع است ولی اگر حکم بر استصحاب بقاء وکالت نماید، نتیجه آن صحت بیع است، حال به نظر شما دادگاه در رفع تعارض بین این دو استصحاب چه باید کند؟

- ۱) استصحاب بقاء مالکیت موکل را بر استصحاب بقاء وکالت مقدم بدارد.
- ۲) استصحاب بقاء وکالت را بر استصحاب بقاء مالکیت موکل مقدم بدارد.
- ۳) حکم بر تساقط این دو استصحاب متعارض نماید.
- ۴) حکم بر تخییر عقلی و تکوینی یکی از دو استصحاب نماید.

۶۰۰- تزامم دو حکم یعنی اینکه دو حکم چنان وضع شوند که از نظر

شارع.....

- ۱) هر دو مطلوب باشند و در مقام امتثال نتوان هر دو را جمع کرد.
 - ۲) انجام یکی به مصلحت باشد ولی معلوم نباشد کدامیک است.
 - ۳) در مقابل هم و در برابر هم قرار بگیرند.
 - ۴) در مقام تشریح قابل جمع نباشند.
- ۶۰۱- ماده ۱۲ قانون مجازات جرائم رایانه ای مصوب ۱۳۸۳ که مقرر می دارد: «هر کس با انجام اعمالی نظیر وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد، توقف داده ها یا مداخله در عملکرد سیستم و نظایر آن، از سیستم رایانه ای یا مخابراتی سوء استفاده نماید و از این طریق وجه یا مالی را برای خود یا دیگری تحصیل کند، در حکم کلاهبرداری است....» همانطوریکه می دانیم اختلال در سیستم رایانه ای واجد همه ارکان جرم کلاهبرداری نمی باشد، مع الوصف قانونگذار آن را تابع مجازات کلاهبرداری قرار داده. این مسأله از باب است.

۴)حکومت

۳)ورود

۲)تخصص

۱)تخصیص

۶۰۲- ماده ۸۳۹ قانون مدنی که می گوید: «اگر موصی ثانیاً وصیتی بر خلاف وصیت اول نماید، وصیت دوم صحیح است.» حال اگر دو وصیت متعارض و بدون تاریخ از متوفی ارائه شود، تکلیف چیست؟

(۱) طبق اصله الاشتغال، ورثه، مکلف به عمل به هر دو وصیت می باشند.

(۲) طبق اصل تخییر، ورثه در عمل به هر یک از دو وصیت مخیرند.

(۳) طبق اصل صحت هر دو وصیت لازم الاجرا می باشند.

(۴) تعارض، موجب سقوط اعتبار هر دو وصیت می گردد.

۶۰۳- حالت دو مصوبه مقنن را که بدون وجود تباین بین آنها در مقام تصویب، در عمل اجرای هر دو مقدور نباشد، کدام است؟

(۱) تعارض (۲) تزاحم (۳) مجمل و مبین (۴) ناسخ و منسوخ

۶۰۴- تعارض ظاهری دو دلیل چیست؟

(۱) هرگاه محتوای دو دلیل با یکدیگر در تقابل باشند.

(۲) هرگاه مدلول هریک از دو دلیل، مدلول دلیل دیگر را نفی نمی کند.

(۳) هرگاه محتوای دو دلیل، ظهور در عدم امکان جمع میان آن دو داشته باشد.

(۴) هرگاه مؤدای دو دلیل متعارض، عرفاً قابل جمع بوده و یا جریان یکی از آنها مانع جریان

دیگر می شود.

۶۰۵- ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی که می گوید: «اصل بر براءت است،

بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند.....» از

طرفی ماده ۱۹۸ همان قانون مقرر می دارد: «در صورتی که حق یا دینی بر عهده کسی

ثابت شد، اصل بر بقای آن است.....» از بررسی این دو ماده این نتیجه حاصل می

گردد که با آمدن ماده ۱۹۸ دیگر محلی برای اعمال ماده ۱۹۷ باقی نمی ماند، حالیه

معین کنید، این مسأله بیانگر کدام نوع از تعارض های زیر است؟

(۱) تخصیص (۲) ورود (۳) تخصص (۴) حکومت

۶۰۶- در تعارض دو دلیل، اصولاً چه باید کرد؟

- (۱) جمع عرفی میان تعارضین.
- (۲) حاکم کردن قاعده و تساقط دلیلین.
- (۳) در تعارض دو حدیث اصاله التخییر و در تعارض سایر ادله قاعده تساقط حاکم است.
- (۴) در تعارض دو دلیل از نوع امارات، تساقط و در تعارض اصول، استصحاب بر دیگر اصول تقدم دارد.

۶۰۷- در تعارض بین استصحاب و احتیاط و در تعارض بین استصحاب و**اماره قضایی.....**

- (۱) در اولی استصحاب مرجوح و در دومی استصحاب راجح است.
 - (۲) در هر دو استصحاب مرجوح است.
 - (۳) در اولی استصحاب راجح و در دومی استصحاب مرجوح است.
 - (۴) در هر دو استصحاب راجح است.
- ۶۰۸- تعارض بین کدام اصول عملیه زیر، موجب تساقط نیست؟**

- (۱) تعارض احتیاط و برائت
- (۲) تعارض دو احتیاط
- (۳) تعارض استصحاب سببی و مسببی
- (۴) تعارض برائت و تخییر

۶۰۹- عبارت «الاصل دلیل حیث لا دلیل» مؤید کدام واقعیت ذیل است؟

- (۱) ادله فقهاتی بر ادله اجتهادی راجح است.
- (۲) ادله اجتهادی بر ادله فقهاتی راجح است.
- (۳) دلیل زمانی که اصولی باشد راجح است.
- (۴) اصل بر این است که هیچ دلیلی نمی تواند جای دلیل دیگر بنشیند.

۶۱۰- ماده ۵۵ قانون مدنی می گوید: «وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود.» این در حالی است که ماده ۳۵ قانون مدنی مقرر میدارد: «تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است.....» هرگاه بین وقف و ید به عبارتی در تعارض بین اماره وقفیت و اماره ید تکلیف چیست؟

- ۱) تعارض ظاهری بوده و قاعده الجمع مهما امکن اولی من الطرح اعمال می گردد.
- ۲) تعارض واقعی بوده و اماره ید مقدم بر اماره وقفیت سابق است.
- ۳) تعارض ظاهری بوده، و اماره ید وارد بر وقفیت سابق است.
- ۴) تعارض واقعی بوده، و اماره وقفیت بر اماره ید مقدم است.

۶۱۱- ماده ۳۶۴ قانون مدنی مقرر می دارد: «در بیع خیار، مالکیت از حین عقد بیع است نه از تاریخ انقضای خیار.....» حال هرگاه فروشنده برای خود در ضمن عقد بیع خیار فسخ قرار داده باشد و قبل از قبض، مبیع تلف گردد، این مورد می تواند مشمول قاعده تلف مبیع قبل از قبض شود تا تلف از مال بایع محسوب گردد و یا می تواند مشمول قاعده تلف در زمان خیار شود تا تلف از مال مشتری محسوب شود، تعارض این دو قاعده چگونه رفع می شود؟

- ۱) قضیه فوق از موارد تعارض مستقر(واقعی) است که باید یکی را بر دیگری ترجیح داد و در غیر اینصورت تساقط می کنند.
- ۲) قضیه فوق از موارد تعارض غیرمستقر(ظاهری) است و فقط قاعده تلف قبل از قبض جاری خواهد شد.
- ۳) قضیه فوق از موارد تعارض ظاهری بوده و قاعده حکومت جاری شده بدین ترتیب که قاعده تلف مبیع قبل از قبض حاکم بر قاعده تلف مبیع قبل از قبض و یا بعد از آن است.
- ۴) قضیه فوق از موارد تعارض مستقر(واقعی) است و در این تساقط ناچاراً باید به اصول عملیه رجوع کنیم.

۶۱۲- ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی که می گوید: «در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب تر باشد تقلیل دهد یا تبدیل کند...» مفاد این ماده نسبت به مجازات حدود، قصاص و دیات چه رابطه ای دارد؟
 (۱) تخصیص (۲) تخصص (۳) ورود (۴) حکومت

۶۱۳- هرگاه یقین داشته باشیم که سابقاً به «الف» بدهکار بودیم حال

تردید نماییم که به «الف» بدهکاریم یا به «ب» تکلیف چیست؟

(۱) شبهه محصوره در امور متباین بوده و اصل احتیاط جاری می شود و در نتیجه به الف و ب هر دو بدهکاریم.

(۲) به استناد به اصل استصحاب صرفاً بدهکاری به الف را اثبات می کنیم.

(۳) در اینجا بین احتیاط و استصحاب تعارض بوده و متعارضین تساقط می نمایند.

(۴) از آنجائیکه اشتغال یقینی برائت یقینی را طالب است در نتیجه احتیاط می نمائیم.

۶۱۴- ماده ۵۹۳ قانون تعزیرات مقرر می دارد: «هرکس عالمأ و عامداً موجبات تحقق جرم ارتشاء از قبیل مذاکره، جلب موافقت یا وصول و ایصال وجه یا مال یا سند پرداخت وجه را فراهم نماید، به مجازات راشی بر حسب مورد محکوم می شود.» از طرفی ماده ۵۹۱ همان قانون می گوید: «هرگاه ثابت شود که راشی برای حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن وجه یا مالی بوده تعقیب کیفری ندارد و وجه یا مالی که داده به او مسترد می گردد.» حال معین کنید نسبت بین این دو ماده چگونه است؟

(۱) تخصیص (۲) تخصص

(۳) ورود (۴) حکومت

۶۱۵- ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات مقرر می دارد: «در صورتی که قتل غیر عمد به واسطه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد.....» اما در تبصره ماده ۶۱۶ چنین آمده است که: «مقررات این ماده شامل قتل غیر عمد در اثر تصادف رانندگی نمی گردد.....» حال معین کنید، بین تبصره و ماده ۶۱۶ چه رابطه ای وجود دارد؟

(۱) تخصیص (۲) تخصص (۳) ورود (۴) حکومت

۶۱۶- ماده ۳۷ قانون مدنی مقرر می دارد: «اگر متصرف فعلی اقرار کند که ملک سابقاً مال مدعی او بوده است در این صورت مشار الیه نمی تواند برای رد ادعای مالکیت شخصی مزبور به تصرف خود استناد کند، مگر اینکه ثابت نماید که ملک به ناقل صحیح به او منتقل شده است.» در این ماده.....

(۱) اماره ید راجح و اقرار مرجوح است.

(۲) اقرار راجح و اماره ید مرجوح است.

(۳) هر دو تساقط نموده و به موازین دیگر رجوع می کنیم.

(۴) امکان جمع عرفی بین این دو وجود دارد.

۶۱۷- ماده ۳۷ قانون مدنی که مقرر می دارد: «اگر متصرف فعلی اقرار کند که ملک سابقاً مال مدعی او بوده است، در این صورت، مشار الیه نمی تواند برای رد ادعای مالکیت شخص مزبور به تصرف خود استناد کند.....»
بیانگر کدامیک از موارد زیر است؟

(۲) تخصص

(۱) تخصیص

(۴) حکومت

(۳) ورود

۶۱۸- ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی مقرر می دارد:» در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده دعوی که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد به شهادت اثبات نمی گردد.» حال مشخص کنید که نسبت سند و شهادت در کدام گزینه بطور صحیح بیان شده است؟

(۱) سند و شهادت هر دو دلیل متعادل و متکافی هستند.

(۲) سند و شهادت هر دو حکم متزاحم هستند.

(۳) سند دلیل راجح و شهادت دلیل مرجوح است.

(۴) سند دلیل مرجوح و شهادت دلیل راجح است.

۶۱۹- ماده ۱۳۵ قانون مدنی مقرر می دارد:» در دعاوی که به شهادت شهود قابل اثبات است، مدعی می تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی علیه است، منوط به قسم او نماید» کدام گزینه در خصوص مفاد این ماده صحیح است؟

(۱) شهادت شهود دلیل ولی قسم اماره است.

(۲) قسم دلیل راجح و شهادت دلیل مرجوح است.

(۳) شهادت وارد بر قسم است.

(۴) قسم حاکم بر شهادت است.

۶۲۰- در تعارض بین اقرار و سند تکلیف چیست؟

(۱) سند ترجیح دارد زیرا قوی تر است.

(۲) اقرار ترجیح دارد، چون مقر با اقرار به ضرر خود عمل کرده و دلالت بر مجعولیت سند دارد.

(۳) سند ترجیح دارد، چون سند غیرقابل انکار است و اقرار بر خلاف آن یا مجعولیت آن مسموع نیست.

(۴) هر دو به حکم اذا الدلیلان تعارضان تساقطان، ساقط شده و به اصول عملیه رجوع می کنیم.

۶۲۱- ماده ۴۲ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر می دارد: «در صورتی که وکیل همزمان در دو یا چند دادگاه دعوت شود و جمع بین آنها ممکن نباشد، لازم است در دادگاهی که حضور او برابر قانون آئین دادرسی کیفری یا سایر قوانین الزامی باشد، حاضر شود...» مفاد این ماده بیانگر کدام مورد ذیل است و حکم مندرج در این ماده نشانگر است.

(۱) تعارض واقعی، تعارض و نشانگر تراجیح است.

(۲) تعارض ظاهری، نشانگر تخصیص است.

(۳) تعارض واقعی، تراحم و نشانگر تراجیح است.

(۴) تعارض، تراحم و نشانگر تساقط است.

۶۲۲- ماده ۵۱ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر می دارد: «دادخواست باید به زبان فارسی در روی برگهای چاپی مخصوص نوشته شده...» حالیه نظریه شماره ۷/۳۲۵۳ مورخ ۱۳۷۹/۶/۲۸ اداره حقوقی می گوید: «اگر در محل، فرمهای چاپی مخصوص در دسترس نباشد، استفاده از غیر آنها بلا اشکال است» نسبت نظریه مشورتی اداره حقوقی و ماده ۵۱ قانون آ.د.م، مصداق کدامیک از موارد ذیل است؟

(۱) تخصیص (۲) تخصیص (۳) ورود (۴) حکومت

۶۲۳- ماده ۴۶ قانون مجازات مقرر می دارد: «در جرائم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید.» اما ماده ۴۷ همان قانون صدور حکم و اجرای مجازات در مورد برخی از جرائم تعزیری که در زمره جرائم تعزیری درجه سه تا هشت نیز قرار می گیرند، را از شمول ماده ۴۶ خارج می نماید، حالیه معین کنید

که ماده ۴۷ نسبت به ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی، چگونه است.

(۱) منحصص آن است. (۲) حاکم بر آن است.

(۳) وارد بر آن است. (۴) ظاهر بر آن است.

۶۲۴- ماده ۳+۱۲ قانون مدنی که می گوید: «در صورت بودن زوجه و یک

یا چند نفر واجب النفقه دیگر، زوجه مقدم بر سایرین خواهد بود.» مفاد

این ماده بیانگر است.

(۱) تزاحم، اعمال قاعده ترتب (۲) تعارض، اعمال ترجیح

(۳) تزاحم، اعمال تخییر (۴) تعارض، اعمال قاعده تساقط

۶۲۵- در تعارض اماره قضائی و اماره قانونی، تکلیف چیست؟

(۱) اماره قضائی مقدم است، بدلیل اماریت داشتن

(۲) اماره قانونی مقدم است، بدلیل دلیل بودن

(۳) بین این دو اماره تکافی و تعادل حاکم بوده و محکوم به تساقط هستند.

(۴) اماره قضائی مقدم است، بدلیل اقوی بودن

۶۲۶- در تعارض اماره و اصل استصحاب به عنوان یک اصل عملی تکلیف

چیست؟

(۱) اماره بر اصل مقدم است زیرا اماره راهی به واقع است در صورتی که اصل برای فصل

خصومت و رفع سرگردانی است.

(۲) استصحاب تنها اصل عملی است که بر اماره مقدم است، چون با ابزار یقین شک را از

بین می برد.

(۳) اماره بر اصل مقدم است زیرا به طور ذاتی و قطعی کاشف واقع است ولی اصل رافع

شک و تردید است.

(۴) استصحاب بر برخی از امارات مقدم است چون یک پایه آن یقین است.

۶۲۷- ماده ۳۵۲ قانون که می گوید: «بیع فضولی نافذ نیست مگر بعد از اجاره مالک بطوری که در معاملات فضولی مذکور است.» همانطور که می دانیم، اجازه مالک شرط نفوذ معامله فضولی است، حالیه معین کنید که شرط(مقدمه) مذکور نسبت به ذی المقدمه(بیع فضولی) چگونه است؟

(۱)مقدمه وجوبی

(۲)شرط متقدم بر ذی المقدمه

(۳)شرط متاخر از ذی المقدمه

(۴)مقدمه مقارن

۶۲۸- در ماده ۱۹۴ قانون آئین دادرسی کیفری(سابق) چنین آمده است:

« هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرمی نماید و اقرار او صریح و موجب هیچگونه شک و شبهه ای نباشد دادگاه مبادرت به صدور رای می نماید..... .

مطابق این ماده اقرار در امور کیفری در زمره کدام دلیل قرار می گیرد؟

(۱)دلیل قاطع دعوی

(۳)اماره اصل

۶۲۹- ماده ۱۳۱۷ قانون مدنی که می گوید: «شهادت شهود باید مفاداً

متحد باشد. بنابراین اگر شهود به اختلاف شهادت دهند قابل اثر نخواهد

بود، مگر در صورتی که مفاد اظهارات آنها قدر مقتضی بدست آید.» از مفاد

این ماده برمی آید در صورت تعارض دو شهادت.....

(۱)قاعده ترجیح اعمال می شود.

(۲)قاعده تعادل و تساقط اعمال می شود.

(۳)قاعده جمع عرفی اعمال می شود.

(۴)اصولاً ممکن نیست چنین تعارضی بوجود آید.

۶۳۰- ماده ۱۳۳۳ قانون مدنی مقرر می دارد: «در دعوی بر متوفی در صورتی که اصل حق ثابت شده و بقای آن در نظر حاکم ثابت نباشد حاکم می تواند از مدعی بخواهد که بر بقای حق خود قسم یاد کند.....» مفاد این ماده مصداق کدام مورد زیر است؟

(۱) استصحاب (۲) اصل عدم

(۳) اصل تاخر حادث (۴) ظاهر این ماده برخلاف استصحاب می باشد.

۶۳۱- در تعارض اماره و اصل، اماره مقدم است، این مسأله بیانگر کدام مورد زیر است؟

(۱) تخصیص (۲) تخصص (۳) ورود (۴) حکومت

۶۳۲- بین قاعده لاضرر و قاعده تسلیط چه وضعیت حاکم است؟

(۱) تعارض (۲) تراحم (۳) تعادل (۴) تکافی

۶۳۳- ماده ۱۹۸ قانون آئین دادرسی مدنی که می گوید: «در صورتی که حق یا دینی بر عهده کسی ثابت شود اصل بقاء آن است، مگر اینکه خلافش ثابت شود.» در اینجا اصل برائت مقتضی عدم مسوولیت است اما استصحاب مقتضی مسوولیت است که بر برائت مقدم تلقی می گردد، حالیه معین کنید این برداشت منطبق با کدامیک از موارد زیر است؟

(۱) تخصیص (۲) تخصص (۳) ورود (۴) حکومت

۶۳۴- حل تراحم میان دو حکم متزاحم.....

(۱) براساس قواعد مقبول در قلمرو تفسیر الفاظ انجام می گیرد.

(۲) تابع ملاک اهمیت و اصل تقدم اهم بر مهم است.

(۳) دقیقاً مانند حل تعارض میان دو دلیل متعارض است.

(۴) نیازمند به استنباط ملاک اهمیت از خصوص الفاظ مربوط به آن دو حکم است.

۶۳۵- مستفاد از ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی مدنی، اگر نشانی طرفین دعوی تغییر کند، باید آن را به اطلاع دادگاه برسانند، در غیر اینصورت اوراق در همان محل سابق ابلاغ می شود. دلیل این موضوع گیری قانونگذار، از طریق کدامیک از اصول عملیه زیر قابل توجیه است؟

۱) اصل براءت (۲) اصل تخییر (۳) اصل احتیاط (۴) اصل استصحاب
 ۶۳۶- ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می دارد: ((در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد)) این ماده بیانگر

.....

۱) تعارض اماره و دلیل که دلیل راجح تلقی می گردد.

۲) تزاخم بین دو حکم که ترجیح با حکم قاضی است.

۳) تعارض بین دو اماره، ترجیح با اماره قضایی.

۴) تعارض بین دو دلیل متعادل که تساقط نموده و نهایتاً ترجیح به علم قاضی است.

۶۳۷- ماده ۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۷۶ مقرر می دارد: ((هر کس مبادرت به کشت خشخاش برای تولید مواد مخدر یا روان گردان های صنعتی غیر دارویی به کشت شاهدانه بپردازد، علاوه بر امحای کشت بر حسب میزان کشت به شرح زیر مجازات می شود)) مفاد این ماده نسبت به کشت خشخاش برای تولید اقلام دارویی، مصداق کدام

مورد است؟

۱) تخصیص

۲) تخصیص

۳) حکومت

۴) ورود

۶۳۸- ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مقرر می دارد: ((کسی که مال غیر را با علم به اینکه مال غیر است به نحوی از انحاء عیناً یا منفعتاً بدون مجوز قانونی به دیگری منتقل کند، کلاهبردار محسوب می شود.....)) بیانگر کدام مورد زیر است؟

(۱)تخصیص (۲)تخصص (۳)ورود (۴)حکومت

۶۳۹- ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: ((در جرائم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی شود)) بیانگر کدام مورد زیر است؟

(۱)تخصیص (۲)تخصص (۳)ورود (۴)حکومت

۶۴۰- مطابق اصل ۱۶۷ قانون اساسی «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیاید)) با مستفاد از اصل ۱۶۷ در می یابیم که قاضی باید به هر دعوایی که به او ارجاع می شود، رسیدگی کند از طرفی در ماده ۳۶ قانون آئین دادرسی کیفری در بیان موارد رد قرابت با یکی از اصحاب دعوی را مانع رسیدگی می داند، حالیه معین کنید، ماده ۴۶ قانون آ.د.ک سابق چه نسبتی با اصل ۱۶۷ قانون اساسی دارد؟

(۱)ورود (۲)تخصیص (۳)حکومت (۴)تخصص

۶۴۱- اصل ۸۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین مقرر می دارد: ((نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند یا آرائی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند

تعقیب یا توقیف کرد)) حالیه معین کنید مفاد این اصل نسبت به اعضای هیأت دولت چه وضعیتی دارد؟

(۱)تخصیص (۲)تخصص (۳)ورود (۴)حکومت

۶۴۲- ماده ۵۵ قانون مدنی مقرر می دارد: ((وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود)) از طرفی ماده ۳۵ همان قانون اشعار می دارد: ((تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است مگر این که خلاف آن ثابت شود)) دیوان عالی کشور در رأی شماره ۶۹۹ مورخ ۱۳۳۴/۴/۱۷ می گوید: تصرف به عنوان وقفیت نیز دلیل وقفیت است تا خلافتش محرز گردد حالیه اگر بین وقفیت سابق و تصرف فعلی تعارض پیش آید، تکلیف چیست؟

- ۱) در اینجا تعارض بین دو اماره است و تقدم و ارجحیت با قاعده ید (تصرف) فعلی است.
- ۲) در اینجا تعارض بین دو اماره و دلیل است، و وقفیت مقدمه است زیرا مبتنی بر دلیل بوده و اقوی از اماره ید است.
- ۳) در اینجا تعارض بین دو اماره است و تقدم و ارجحیت با وقفیت سابق است به استناد اصل استصحاب.
- ۴) در اینجا تعارض بین دو اماره است و تقدم و ارجحیت با وقفیت سابق است بدلیل اماره قوی تر نسبت به اماره ید.

پاسخنامه تشریحی

فصل اول: کلیات و وضع الفاظ

۱- گزینه ۴ صحیح است. زیرا هر مسأله یا راهی که در طریق و در مسیر استنباط احکام شرعی یا حقوقی قرار بگیرد، جز موضوعات علم اصول محسوب می گردد، بنابر این قرآن، سنت، اجماع و عقل در حقوق اسلامی بعنوان منابع مطرح می باشند.

۲- گزینه ۱ صحیح است. وضع تعینی یا تخصّصی، یعنی کثرت استعمال لفظ بر معنای غیروضعی است که غالباً از ناحیه عرف به علت کثرت استعمال، همین معنای غیروضعی تثبیت می گردد تا جائیکه مردم بدون استفاده از قرینه آن را می فهمند، بنابر این تعریف، وضع تعینی یعنی عرف لفظی را از معنای وضعی یا لغوی آن جدا و به معنای مورد نظر منتقل و استعمال می نماید، که در اثر کثرت استعمال، لفظ در معنای دیگری وضع می گردد، لهذا می گوئیم در این حالت، استعمال مقدم بر وضع است، یعنی وضعی که در اثر استعمال ایجاد شده است.

۳- گزینه ۳ صحیح است. یکی از موارد تردید در لفظ و عبارت، شک در معنای لفظ و عبارت یا تردید در معنای وضعی(حقیقی) و غیروضعی(مجازی) است، که برای تشخیص معنای حقیقی و مجازی به سراغ علائم حقیقت می رویم که عبارتند از: تصریح اهل لغت(تنصیص)، تبادر، اطّراد و عدم صحت سلب یا صحت حمل در مقابل عدم تنصیص، عدم تبادر، عدم اطّراد و صحت سلب یا عدم صحت حمل، که نشانه ها و علائم مجاز هستند. پس بنابر این عدم صحت حمل یا صحت سلب علائم حقیقت نبوده، بلکه از نشانه های مجاز است، زیرا در عدم صحت حمل می گوئیم که آن لفظ برای معنای منظور وضع یا حمل یا بار نشده است(عدم صحت حمل) پس می توان آن را به راحتی از آن معنا جدا و سلب کرد(صحت سلب) و جایی که بتوان لفظ را از معنایش جدا کرد به این حالت مجاز گویند.

۴- گزینه ۳ صحیح است. قرینه معینه، در جایی کاربرد دارد که بخواهیم معین کنیم یک معنای وضعی یا حقیقی را از میان دو یا چند معنای وضعی یک لفظ، که مؤید اشتراک

لفظی است، زیرا در مشترک لفظی کاربرد دارد، شاید به همین علت باشد که به آن قرینه اشتراک گویند، و قرینه صارفه، عدم تبادر و عدم صحت حمل مرتبط با مجاز هستند که اولی (قرینه صارفه) از شرایط مجازی و عدم تبادر و عدم صحت حمل از نشانه ها و علائم مجاز هستند.

۵- گزینه ۱ صحیح است. استعمال لفظ ((دادنامه)) برای رأیی که پاکنویس شده و به امضاء قاضی یا دادرسی رسیده یک استعمال حقیقی یا وضعی است، اما در متن سؤال آمده که مدیر دفتر دادگاه دادنامه را برای پاکنویس و تایپ در اختیار قسمت ماشین نویسی قرار می دهد، که در اینجا لفظ دادنامه با توضیحات فوق در معنای وضعی خود استعمال نشده و یک استعمال غیروضعی یا مجازی است، بعلت وجود علاقه یا تناسب (علاقه مشارفت) که یکی از شرایط استعمال مجازی به همراه قرینه (قرینه صارفه) است. زیرا هنوز دادنامه به امضاء دادرسی یا قاضی نرسیده است.

۶- گزینه ۲ صحیح است. همانطوریکه می دانیم، قیم فردی است که از طرف دادگاه برای صغیر یا محجور در صورت نبودن ولی خاص (پدر، جد پدری و وصی منصوب از طرف پدر یا جد پدری) جهت اداره امور خصوصاً امور مالی محجور یا صغیر تعیین می گردد، اما در ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی صحبت از قیمی کرده که منصوب پدر است، پس در اینجا قیم در معنای وضعی خود که در فوق اشاره شده استعمال نگردید، بلکه در معنای وصی بکار رفته که استعمال لفظ قیم به جای وصی اگر چه یک استعمال مجازی است ولی حجیت دارد.

۷- گزینه ۲ صحیح است. تبادر که یکی از علائم حقیقت است، یعنی آن معنایی که زودتر به ذهن متبادر می شود، (زودتر به ذهن خطور می کند)، وقتی که واژه تملیک را می شنویم، عقد بیع به ذهن ما تبادر می یابد، چرا که قانونگذار نیز در ماده ۳۳۸ قانون مدنی چنین اشعار می دارد: ((بیع تملیک عین بعوض معلوم است.))

۸- گزینه ۱ صحیح است. گاهی لفظ بر معنای غیروضعی (مجازی) خود استعمال و به عبارتی حمل می گردد، این حمل یک حمل شایع صناعی یا یک حمل و استعمال ساختگی و مصنوعی

است. مانند استعمال لفظ مرد برای انسان مونث که یک حمل ساختگی است، یعنی بطور تصنعی ممکن است که به جنس مونث لفظ مرد استعمال گردد، که نشانه استعمال مجاز است.

۹- گزینه ۲ صحیح است. حقیقت شرعی، یعنی شارع لفظی را از معنای وضعی یا عرفی آن جدا و به معنای مورد نظر خود منتقل نماید، پس منشاء حقیقت شرعی یک استعمال غیروضعی است، گر چه بدلیل کثرت استعمال حالت وضع تعینی یا تعیینی ضمنی پیدا کرده است، پس یک استعمال مجازی نبوده بلکه یکی از اقسام حقیقت قلمداد می شود.

۱۰- گزینه ۴ صحیح است. اشتراک معنوی مربوط است به دلالت لفظ بر مصداق که بر این اساس می توان مشترک معنوی را اینطور تعریف کرد، دلالت لفظ عام یا مطلق بر مصادیق متعدد، مانند لفظ انسان که یک لفظ مطلق است و دارای مصادیق متعدد، از قبیل زن، مرد، سیاه، سفید و اسامی انسانها، اما این در حالی است که اشتراک لفظی مربوط به دلالت لفظ بر معناست. زیرا در مشترک لفظی می گوئیم، دلالت لفظ واحد بر معانی متعدد.

۱۱- گزینه ۴ صحیح است. مترادف یا مترادف مانند اشتراک لفظی به دلالت لفظ بر معنا ارتباط پیدا می کند، و استثنایی بر اختصاص لفظ واحد برای معنای واحدی است (مختص)، منتها بر خلاف اشتراک لفظی است، زیرا در مترادف چند لفظ داریم که در یک معنای واحد وضع شدند، به عبارتی الفاظ متعدد و معنا واحد است. مانند الفاظ عقد؛ قرارداد و معامله که همگی در یک معنا واحد می باشند.

۱۲- گزینه ۴ صحیح است. موضوع طرح شده در سؤال از مصادیق حالت مشتق (موصوف) به صفت (ذاتی) است که در آینده متلبس به مبدأ (موصوف) می گردد و چنین استعمالی یک استعمال مجازی است. چون همراه با علاقه است (علاقه مشارفت)

۱۳- گزینه ۱ صحیح است. تمام اصول لفظی به اصل اصالة الظهور بر می گردند، زیرا اگر چه مبنای کاربرد اصول لفظی در حالت شک و تردید است اما با استناد به اصول لفظی احتمال نزدیکتر به ذهن را بر می گزینیم، و مبنای اصالة الظهور نیز مبتنی بر احتمال قوی است که دلیل این امر بناء و رفتار عقلاء است که البته نه تنها مورد رد شارع نیز قرار نگرفته، بلکه به تأیید شارع نیز رسیده است.

۱۴- گزینه ۳ صحیح است. ماده امر یعنی ا م ر یعنی عبارت امری که از سه واژه الف، میم و ر استفاده شده است، اما هیأت امر یعنی شکل امر به دو صورت است، یکی امر انشایی، یعنی عبارت امری که همراه با فعل امر باشد که در متون قانونی چنین هیأتی به چشم نمی خورد و دیگری جمله خبری در مقام انشاء و بیان امر که خود به دو شکل است، یعنی جمله خبری با استفاده از قیود الزام از قبیل (باید، الزام آور است، مکلف است، موظف است) که در برخی از متون قانونی که مفید معنای امر است آمده، و دیگری جمله خبری بدون استفاده از قیود الزام مانند ماده ۱۱۷۱ که در طرح سؤال نیز مطرح گردید.

۱۵- گزینه ۳ صحیح است. امر عقیب حضر یا امر بعد از منع، گرچه از ناحیه مقام عالی صادر شده ولی در واقع امر نیست بلکه به منزله برداشتن منع سابق است، که در لسان فقهاء تحت عنوان ترخیص یا تجویز مشهود است.

۱۶- گزینه ۲ صحیح است. تبادر یعنی معنایی که زودتر به ذهن متبادر و خطور می گردد که همانا نشان دهنده حقیقی یا وضعی بودن آن معنی است به همین روی عقیده اکثریت بر این است که تبادر اولین و مهمترین علامت و نشانه حقیقت یا معنی وضعی است.

۱۷- گزینه ۴ صحیح است. لفظ ((ایاری)) یا ید در دو معنا استعمال می شود یکی به معنای دست که تبادر عرفی دارد، زیرا زودتر به ذهن می رسد و دیگری به معنی تصرف و تسلط که یک معنی مجازی است که دور از ذهن است. (عدم تبادر عرفی)

۱۸- گزینه ۲ صحیح است. هرگاه تردید نمائیم مقصود و مراد متکلم به کار رفته، معنی حقیقی آن لفظ بوده یا مجازی، باید به اصول لفظی یعنی اصالة الحقیقه و البته از آنجائیکه همه اصول لفظی از جمله اصالة الحقیقه به اصالة الظهور بر می گردند، لذا رجوع به اصالة الحقیقه برای تشخیص مقصود متکلم تنها نیست بلکه می توان به اصالة الظهور نیز رجوع کرد، اما در گزینه ۱ با آوردن لفظ فقط این مسأله را منحصر به اصالة الحقیقه کرده که نمی تواند صحیح باشد، بنابر این گزینه ۲ به واقعیت نزدیکتر است.

۱۹- گزینه ۴ صحیح است. در حقیقت لغوی، واضع را برای معنایی تعیین می کند (وضع تعیینی) اما در حقیقت عرفی، عرف لفظ را از معنای وضعی خود جدا و در اثر کثرت

استعمال آن را در معنای دیگری وضع می کند که مبین یک وضع تعینی است، اما در خصوص وضعیت حقیقت قانونی و شرعی، اختلاف نظر است، اکثریت بر این نظر استوار هستند که حقیقت قانونی و حقیقت شرعی دارای وضع تعینی است، اما اقلیتی از فقهاء و حقوقدانان آن را دارای وضع تعینی (وضع تعینی ضمنی) می دانند.

۲۰- گزینه ۱ صحیح است. دلالت امر بر وجوب و الزام مبنای عقلی دارد.

۲۱- گزینه ۱ صحیح است. وضع تعینی یا تخصیصی یعنی واضح صریحاً (وضع تعینی صریح) و یا بطور ضمنی و در اثر کثرت استعمال (وضع تعینی ضمنی) لفظی را برای معنایی تعیین و وضع نماید.

۲۲- گزینه ۲ صحیح است. منقول یعنی استعمال یا بکاربردن لفظ در غیرما وضع له (غیرمعنای وضعی) با رعایت تناسب و علاقه بین معنای حقیقی و مجازی که این مسأله از نشانه های مجاز است اما این در حالی است که مرتجل یعنی استعمال لفظ غیر ما وضع له بدون رعایت تناسب که این مسأله از نشانه های استعمال غلط یا ناروا است.

۲۳- گزینه ۲ صحیح است. قرینه معینه، لفظ و عبارت (قرینه لفظی) یا اوضاع و احوالی است (قرینه حالیه)، که یک معنی وضعی را از میان دو یا چند معنای وضعی یک لفظ (مشترک لفظی) معین می کند، به عبارتی ذهن شنونده را منصرف به یکی از معنای وضعی و حقیقی از میان چند معنای وضعی یک لفظ می نماید. این در حالی است که قرینه صارفه، لفظ یا اوضاع و احوالی است که ذهن را از معنای حقیقی مجازی منصرف می کند.

۲۴- گزینه ۴ صحیح است. صحت سلب یا عدم صحت حمل یعنی امکان سلب و جدایی لفظ از معنا وجود داشته باشد، این مسأله در حالی امکانپذیر است که « لفظ برای آن معنا وضع و حمل نشده باشد (عدم صحت حمل) به عبارتی آن معنا، معنای وضعی و حقیقی آن لفظ نبوده، بلکه معنای مجازی آنست، پس صحت سلب یا عدم صحت حمل از نشانه ها و علائم مجاز است.

۲۵- گزینه ۲ صحیح است. اصولاً الفاظ را حمل بر معنای لغوی و عرفی می‌کنیم مگر آنکه در محیط تشریح و قانونگذاری آن لفظ تصریح به معنای خاصی شده باشد، در این حالت اولویت با معنای شرعی و قانونی بر معنای لغوی و عرفی است. حال اگر تعارض بین معنای عرفی و لغوی باشد، معنای عرفی ارجح است. بنابر این ماده ۲۲۴ قانون مدنی که می‌گوید الفاظ محمول است بر معنای عرفیه در تقابل و تعارض بین معنای لغوی یا وضعی و عرفی یک لفظ است که در این حالت اولویت و تقدم با معنای عرفی است، پس در این حالت است که لفظ را حمل بر معنای عرفی آن می‌کنیم.

۲۶- گزینه ۴ صحیح است. در دلالت لفظ بر معنا، اصل بر مختص بودن است، یعنی لفظ واحد که برای معنای واحدی وضع و اختصاص می‌یابد که بر این اصل دو استثناء وارد شده است، یکی اشتراک لفظی که بموجب آن لفظ واحد که دارای معانی متعدد است و دیگری ترادف که بموجب آن الفاظ متعدد معنای واحدی دارند، که در حالت شک و تردید در لفظ که برای معنای خاص و واحدی اختصاص یافته یا خیر، اصل بر عدم اشتراک و اصل بر عدم ترادف است. یعنی اصل بر این است که لفظ برای معنای واحدی وضع شده است.

۲۷- گزینه ۱ صحیح است. تلبس یا متصف شدن به مبدأ در زمان حال (بالفعل) حقیقت است.

۲۸- گزینه ۳ صحیح است.

۲۹- گزینه ۴ صحیح است. ترادف یکی از استثنائات وارد بر مختص است، مختص یعنی لفظ واحد که برای معنای واحدی وضع شده است؛ به عبارتی لفظی واحد که اختصاص به معنای خاصی دارد، اما ترادف یعنی چند لفظ در یک معنا وضع شوند به دیگر سخن یعنی الفاظ متعدد و معنای واحد. در گزینه ۱ الفاظ و اشتباه و غلط در یک معنا هستند، در گزینه ۲ الفاظ شکار و صید در یک معنا وضع شده است و در گزینه ۳ واژه‌های محاربه و مفسد فی الارض به نظر می‌رسد که دارای معنا واحدی باشند.

۳۰- گزینه ۲ صحیح است. اهلیت یک لفظ مطلق است که دارای مصادیق مختلفی (اهلیت تمتع؛ اهلیت استفاء) است که موید اشتراک معنوی، چرا که اشتراک معنوی در مقوله دلالت لفظ بر مصداق است و بدان معناست که لفظی عام و یا مطلق که دارای مصادیق متعدد است، به عبارتی دلالت لفظ بر مصادیق است.

۳۱- گزینه ۱ صحیح است. حقیقت قانونی یعنی قانونگذار لفظی را از معنای وضعی (لغوی) یا عرفی آن جدا و در متون قانونی به معنای مورد نظر خود منتقل نماید، که البته از آنجائیکه قانونگذار می تواند همان شارع باشد، لهذا استعمال حقیقت قانونی به حقیقت شرعی بلا اشکال است، در طرح سوال صحبت از لفظ حکم و قرار است که معنای لغوی این دو لفظ یا معنای عرفی آن غیر از معنایی است که قانونگذار آن را اراده کرده است. یعنی مشخصاً لفظ حکم و قرار در این ماده در معنای منظور قانونگذار یا شارع بکار رفته اند، نه معنای لغوی (وضعی) و عرفی.

۳۲- گزینه ۲ صحیح است. اصله الحقیقه در جایی کاربرد دارد که تردید در مراد و مقصود متکلم داریم در اینکه آیا منظور از استعمال آن لفظ، معنای حقیقی یا وضعی لفظ بوده یا معنای مجازی البته با این فرض که معنای حقیقی و مجازی را دانسته و در مورد آن شک نداشته باشیم که در این حالت اصل را بر معنای حقیقی قرار می دهیم، یعنی اصل بر این است که مقصود متکلم از آن لفظ، معنای حقیقی آن بوده است، در این ماده با فرض اینکه تردید نمائیم که منظور قانونگذار از لفظ پسر معنای حقیقی آن یعنی فرزند بلا فصل (اولاد) بوده یا معنای مجازی یعنی اولاد اولاد (نوه) هم می شد. که با استناد به اصل لفظی اصله الحقیقه می گوئیم، اصل بر این است که منظور مقنن در اینجا معنای حقیقی پسر یعنی فرزند بلا فصل بوده (البته همه اینها در فرضی است که ما شک و تردید داشته باشیم)

۳۳- گزینه ۳ صحیح است. دلالت تصدیقی، دلالت لفظ بر معنایی که مقصود و مراد متکلم است، که به آن دلالت عقلی نیز می گویند، این در حالی است که دلالت تصویری یا وضعی، یعنی دلالت لفظ بر معنای وضعی خود، که قصد متکلم در اینجا مهم نیست، در

متن سؤال لفظ خیار به معنای حق و اختیار فسخ معامله است که معنای منظور و مقصود متکلم (دلالت تصدیقی) است.

۳۴- گزینه ۲ صحیح است. وضع تعینی یعنی کثرت استعمال لفظ در معنای غیروضعی که در اثر این کثرت استعمال لفظ در همین معنای غیروضعی تثبیت شده تا جایی که بدون نیاز به قرینه نیز قابل فهم است، این در حالی است که اطراد کثرت استعمال لفظ در معنی وضعی که نشانه حقیقت است.

۳۵- گزینه ۳ صحیح است. پایه گذار علم اصول فقه در اسلام مذهب شافعی است که با الهام از فلسفه یونانی و علم متافیزیک و منطق خالق علم پویایی در فقه اسلامی شده که امام شافعی در کتاب الرساله بعنوان اولین کتاب و اثر اصولی آن را تألیف نموده است.

۳۶- گزینه ۱ صحیح است. یکی از شرایط استعمال مجازی وجود علاقه و تناسب است که یکی از مصادیق این تناسب، علاقه ماکان است، یعنی نسبت دادن به صفتی که موصوف در گذشته نه چندان دور دارا بوده.

۳۷- گزینه ۴ صحیح است. منقول یعنی استعمال لفظ در غیرمعنی وضعی با رعایت تناسب و علاقه که نشانه و از شرایط مجاز است اما این در حالی است که مرتجل یعنی استعمال لفظ در غیر معنی وضعی بدون استفاده از تناسب و علاقه که نشانه استعمال غلط و ناروا است.

۳۸- گزینه ۲ صحیح است. اشتراک معنوی یعنی، لفظی عام یا مطلق که بر مصادیق کلی دلالت می کند اما این در حالی است که اشتراک لفظی یعنی، لفظی است که برای معانی متعدد وضع گردیده است.

۳۹- گزینه ۲ صحیح است. در اینجا استعمال لفظ قیم به حالت بعد از رفع حجر، یک استعمال مجازی است، زیرا در این حالت می توان لفظ قیم را از چنین فردی سلب نمود (صحت سلب یا عدم صحت حمل) که نشانه مجاز است.

۴۰- گزینه ۱ صحیح است. معنی حقیقی همسر به فردی می گویند که فعلاً در علقه زوجیت باشد و در این زمینه ملاک معنای حقیقی است.

۴۱- گزینه ۴ صحیح است. وجود علاقه ماکان یعنی متصف کردن یا متلبس نمودن موصوف به صفتی در زمان گذشته نه چندان دور که علاقه مناسبتی نیز وجود دارد. استعمال زوجه برای فردی که طلاق گرفته حقیقت ندارد ولی اگر زمان زیادی نگذشته باشد بدلیل علاقه ماکان استعمال مجازی است.

۴۲- گزینه ۴ صحیح است. در اینجا اطلاق رهبر که در سال ۱۳۶۸ به این مقام نایل شدند به سال ۱۳۶۸ هیچ تناسب و علاقه ای موجود نیست. پس این توهین یک اهانت ساده است و مشمول مقررات ماده ۵۱۴ نمی باشد.

۴۳- گزینه ۳ صحیح است. هرگاه تردید در لفظ و عبارت داشته باشیم، دو حالت قابل تصور است، یکی تردید در معنای لفظ و عبارت (تردید در معنی حقیقی و مجازی) که باید به سراغ علائم حقیقت و مجاز رفت، دیگری تردید در مراد و مقصود متکلم از معنای لفظ و عبارت است که باید برویم سراغ اصول لفظی از جمله اصل لفظی اصالة الحقیقه.

۴۴- گزینه ۴ صحیح است. زیرا چنین الفاظی که مشترک لفظی هستند، نیاز به قرینه (قرینه معینه) دارند تا مشخص شود کدامیک از معنای حقیقی یا وصفی مدنظر است.

۴۵- گزینه ۲ صحیح است. حقیقت قانونی، یعنی تعریف لفظ در معنایی از نظر قانونگذار که ممکن است با معنای وضعی یا عرفی متفاوت باشد.

۴۶- گزینه ۱ صحیح است. وضع تعیینی صریح، یعنی واضح صریحاً و دفعتاً واحده لفظی را برای معنایی قرار دهد که ابتدا عمل وضع و سپس استعمال بر اساس وضع تعیین شده انجام می شود (وضع مقدم بر استعمال است) اما این در حالی است در وضع تعیینی ضمنی و در وضع تعیینی، استعمال مقدم بر وضع است، زیرا علت وضع کثرت استعمال در معنایی است، با این تفاوت که در وضع تعیینی ضمنی این استعمال از ناحیه واضح است اما در وضع تعیینی با عرف است.

۴۷- گزینه ۳ صحیح است.

۴۸- گزینه ۴ صحیح است. خریدن و فروختن معنای وضعی بیع هستند (اشتراک لفظی) ولی بیع قطعی یا شرطی یا صرف و سلف از مصادیق بیع هستند. (اشتراک معنوی)

۴۹- گزینه ۲ صحیح است. یکی از شرایط و نشانه های مجاز، قرینه صارفه است که ذهن مخاطب یا شنونده یا خواننده را از معنی حقیقی وضعی منصرف و به سمت معنای مجازی سوق می دهد که در اینجا لفظ ممیز قرینه صارفه است. و ذهن را به معنای مجازی رسیدگی یعنی رسیدگی در دیوان سوق می دهد.

۵۰- گزینه ۲ صحیح است. تعدد اللفظ مع وحدة المعنى الحقیقی تعریف مترادف است. مترادف یعنی چند لفظ را برای یک معنا وضع نمائیم (الفاظ متعدد و معنی واحد)

۵۱- گزینه ۴ صحیح است. هرگاه لفظی در اثر کثرت استعمال در معنایی به غیر از معنای وضعی تثبیت شود. به آن وضع تعینی می گویند.

وضع تعینی یعنی کثرت استعمال لفظ در معنای غیر وضعی از ناحیه عرف که به مرور زمان در اثر کثرت استعمال، آن لفظ در همین معنی غیر وضعی تثبیت گردیده و بدون قرینه قابل فهم است. پس فرق بین وضع تعینی و وضع تعینی در واضع است، به عبارتی در وضع تعینی ما با واضع مشخصی روبرو نیستیم پس بنابراین یکی از دلایل نادرست بودن سه گزینه دیگر همین مسأله است.

۵۲- گزینه ۴ صحیح است. در ماده ۳۱۸ قانون مدنی که می گوید: ((هرگاه مالک رجوع کند به غاصبی که مال مغضوب در ید او تلف شده است آن شخص حق رجوع به غاصب دیگر را ندارد...)) کلمه ((ید)) به معنی سلطه و تصرف استعمال شده است، این استعمال به علت عدم تبار مجاز است. لفظ ید در دو معنا استعمال می شود یکی (دست) که تبادر عرفی دارد زیرا زودتر به ذهن می رسد و دیگری تصرف و تسلط که یک معنی مجازی است که دور از ذهن است. (عدم تبادر عرفی)

۵۳- گزینه ۲ صحیح است. بازگشت تمام اصول لفظیه به اصاله الظهور است. اصل لفظی اصاله الظهور را به عنوان اشرف اصول لفظی قلمداد می کنند، چرا که هر مسأله ای که با هر اصل لفظی اثبات شود، این قابلیت را دارد که با اصل لفظی اصاله الظهور نیز اثبات گردد.

۵۴- گزینه ۲ صحیح است. استعمال لفظ نکاح در نکاح دائم و موقت از باب اشتراک معنوی است. نکاح لفظی است عام که بر مصادیق مختلف (دائم و موقت) دلالت دارد.

۵۵- گزینه ۳ صحیح است. استعمال الفاظ واهب و متهب قبل از قبض یا به عبارتی قبل از تحقق هبه، حقیقت ندارد یا به دیگر سخن یک استعمال وضعی نیست، بلکه یک استعمال مجازی است که در اینجا یکی از شرایط استعمال مجازی این است که علاقه (تناسب) رعایت گردد. علاقه موجود نیز در اینجا (علاقه مشارفت) زیرا طرفین هبه (واهب و متهب) در شرف و آستانه عقد هبه هستند.

۵۶- گزینه ۴ صحیح است. زمانی لفظ را حمل بر معانی عرفی می کنیم که آن لفظ در محیط تشریع و قانونگذاری تصریح به معنای خاصی نشده باشد در فرض سؤال لفظ لازم در محیط قانون (ماده ۱۸۵) تصریح به معنای لازم الاتباع یا عدم قابلیت فسخ است بنابراین لفظ لازم یک حقیقت قانونی است که قانونگذار آن را از معنی عرفی آن (ضرورت) به معنای منظور خود (عدم قابلیت فسخ) منتقل نموده است.

۵۷- گزینه ۱ صحیح است. در این سؤال قضات و کارمندان اداری را متصف و متلبس به صفت یا مبدأ نمودیم که حالیه (فعالاً) دارای آن صفت می باشند، پس حقیقت است.

۵۸- گزینه ۱ صحیح است. احیاء در لغت به معنی زنده یا زندگی است که در ماده ۱۴۴ قانونگذار آنرا از معنی لغوی و عرفی آن «جدا و به معنی مورد نظر (عمران و آبادانی) منتقل نموده است، پس یک حقیقت قانونی است، این در حالی است که الفاظ واهب، صغیر و مجنون و صدقه در همان معنای لغوی و عرفی حفظ و وارد متون قانونی گردیده اند.

۵۹- گزینه ۳ صحیح است. وضع تعینی یعنی کثرت استعمال لفظ در غیر معنای وضعی، مجاز نیز به استعمال لفظ در غیر معنای وضعی است. پس این دو در شکل استعمال شباهت دارند. با این تفاوت که در وضع تعینی کثرت استعمال و در مجاز قلت استعمال داریم.

۶۰- گزینه ۲ صحیح است. استعمال لفظ ولی برای پدر بلا فصل، استعمال در معنی حقیقی است بعلت تبادر، اطراد و عدم صحت سلب، اما این در حالی است که چنین

استعمالی برای پدربزرگ (جد پدری) بدلیل صحت سلب یا عدم صحت حمل مجاز است، زیرا امکان سلب لفظ ولی از جد میسر و امکان پذیر است.

۶۱- گزینه ۱ صحیح است. اشتراک معنوی در مقوله دلالت لفظ نه بر معنی بلکه بر مصداق، کاربرد دارد، بنابر این اشتراک معنوی یعنی لفظی عام یا مطلق که دلالت بر مصادیق متعدد دارد، با این توضیح که اصطلاحاتی چون اشتراک لفظی و مترادف در حالت دلالت لفظ بر معنا کاربرد دارند، به این ترتیب که در اشتراک لفظی می گوئیم دلالت الفاظ (چند لفظ) بر معنای واحد.

۶۲- گزینه ۴ صحیح است. همانطوریکه می دانیم واضح لفظ بایع و مشتری را برای حالتی وضع کرده که بیع منعقد شده باشد، حال در این ماده صحبت از بایع و مشتری نموده با وجود اینکه هنوز عقد بیع منعقد نشده است، پس در اینجا لفظ بایع و مشتری در معنای وضعی و حقیقی خود بکار نرفته، حالیه از آنجائیکه این دو در شرف انعقاد بیع هستند، لهذا بخاطر وجود علاقه و تناسب (علاقه مشارفت) می گوئیم این دو لفظ مجازاً بکار رفته است.

۶۳- گزینه ۴ صحیح است. همانگونه در پاسخ سؤالات فوق از نظراتان گذشت، در اشتراک لفظی که حکایت از دلالت لفظ بر معنای متعدد دارد، در اینجا لفظ ((امر)) در دو معنا بکار رفته است، در ماده ۵۷۰ قانون مجازات به معنی دستور که جمع آن اوامر است و در ماده ۱۲۶۹ به معنی هر شی یا چیزی که جمع آن امور است، پس لفظ واحد امر در دو معنی وضع گردیده است.

۶۴- گزینه ۲ صحیح است. همانطوریکه می دانیم لفظ اجازه حقیقتاً به معنای موافقت صاحب حق بعد از عمل مانند اجازه مالک در معامله فضولی، اما اذن حقیقتاً به معنای موافقت قبل از عمل است مانند اذن ولی در نکاح دختر باکره، پس در این ماده لفظ اجازه در معنای وضعی و حقیقی خود بکار نرفته، بلکه در اینجا اجازه به معنای مجازی آن یعنی اذن بکار رفته پس می توان گفت بخاطر وجود تناسب، قانونگذار لفظ اجازه را منصرف و منحرف به سمت اذن نموده که معنی مجازی است. از طرفی در استعمال حقیقی از عبارت

انصراف یا منصرف استفاده نمی کنیم. چون هرگاه متکلم بخواهد به مخاطب تفهیم کند که منظور وی معنی مجازی آن لفظ است مجبور است ذهن شنونده را منحرف به معنای مجازی کند (قرینه صارفه).

۶۵- گزینه ۳ صحیح است. از جهت دلالت لفظ بر معنا یا موضوع^۱ له، دو حالت قابل تصور است، یکی دلالت تصویری یا وضعی که دلالت لفظ بر معنای وضعی خود است و دیگری دلالت تصدیقی یا عقلی است که دلالت لفظ بر معنای منظور و مقصود متکلم است، از آنجائیکه در ماده ۱۹۱ قانون مدنی بر دلالت لفظ بر قصد تأکید می کند، لذا یک دلالت تصدیقی یا عقلی یا سببی است.

۶۶- گزینه ۳ صحیح است. از اینجا که تردید در مراد متکلم داریم. که برای رفع چنین شک و تردیدی ناگزیر باید برویم سراغ اصل لفظی اصاله الحقیقه و بگوئیم اصل بر این است که منظور متکلم در این ماده از واژه محصول، معنی حقیقی آن یعنی ثمرات چیده نشده است.

۶۷- گزینه ۱ صحیح است. در تعارض بین معنی لغوی و عرفی با معنای شرعی و قانونی، اصولاً لفظ را حمل بر معنای لغوی و عرفی می کنیم مادامیکه آن لفظ در متون شرعی و قانونی تصریح به معنای خاصی نشده باشد. فلذا در این تعارض اولویت با معنای شرعی و قانونی و سپس عرفی و لغوی است.

۶۸- گزینه ۳ صحیح است. حقیقت قانونی، یعنی قانونگذار لفظی را از معنی وضعی و عرفی جدا و به معنای مورد نظر خود منتقل نماید، در این ماده قانونگذار قانون تجارت لفظ قرض یا قرضه را از معنای عرفی و لغوی آن به معنای منظور خود، همانی که در ماده ۵۲ آمده منتقل نموده است.

۶۹- گزینه ۲ صحیح است. اجازه به موافقت صاحب حق بعد از انجام عمل اطلاق می گردد، ولی در برخی مواقع واضح یا متکلم اجازه به موافقت قبلی (قبل از عمل) نیز تسری می دهد که یک معنی مجازی است، لذا استعمال اجازه به موافقت بعد از عمل یک

استعمال وضعی و حقیقی و کاربرد لفظ اجازه به موافقت قبل از عمل یک استعمال مجازی است.

۷۰- گزینه ۱ صحیح است. استعمال لفظ وراثت برای فرد یا افرادی که هنوز مورث آنها فوت نکرده یا حکم موت فرضی صادر نشده، یک استعمال مجازی است، اما غلط و ناروا نیست، زیرا در فرض ماده ۱۰۲۵ قانون مدنی، این افراد در شرف وارث شدن هستند، که بیانگر یک علاقه و تناسب مشارفت است.

۷۱- گزینه ۲ صحیح است. استعمال لفظ ورثه در این ماده یک استعمال مجازی است، زیرا ورثه و مورث زمانی است که مورث فوت نماید، اما در این ماده گفته اگر کسی به موجب وصیت یک یا چند تن از ورثه را محروم از ارث کند، که این جا یک علاقه مشارفت وجود دارد. زیرا موصی هنوز در موقعیت مورث قرار نگرفته، تا دیگران به عنوان ورثه تلقی گردند، ولی امکان دارد در آینده چنین اتفاقی بیفتد (فوت موصی).

۷۲- گزینه ۲ صحیح است. لفظ ممیز، قرینه ای است که منظور رسیدگی، به معنی مجازی آن (رسیدگی صرفاً شکلی) که موید رسیدگی در دیوانعالی کشور است که این لفظ ذهن شنونده را از معنای حقیقی رسیدگی (رسیدگی شکلی و ماهوی یا رسیدگی بدوی و تجدیدنظر) منصرف و به سمت رسیدگی در دیوانعالی کشور که یک رسیدگی مجازی است، سوق می دهد.

۷۳- گزینه ۲ صحیح است. منظور محکمه در اینجا، قاضی یا دادرس محکمه است که مبین علاقه محلّیت یا ظرف و مظلوف است چرا که دادگاه به عنوان ظرف و قاضی به عنوان مظلوف است. که قانونگذار با بیان لفظ محکمه (ظرف) قصد بیان قاضی محکمه (مظلوف) را داشته.

۷۴- گزینه ۱ صحیح است. مقصود قانونگذار از خیار در این ماده، غیر از معنی لغوی آن است، که بیانگر دلالت تصدیقی یا عقلی است، زیرا دلالت تصدیقی یعنی دلالت لفظ بر معنای منظور و مقصود متکلم جدا از معنای وضعی (دلالت تصویری) آن است.

۷۵- گزینه ۲ صحیح است. در تعارض بین معنی عرفی و (حقیقت عرفی) و معنی قانونی لفظ (حقیقت قانونی) اولویت و تقدم و ترجیح با حقیقت قانونی است. به پاسخ سؤالات قبلی رجوع شود.

۷۶- گزینه ۴ صحیح است. استعمال لفظ بایع و مشتری، در زمانی که هنوز بیع منعقد نشده یک استعمال غیروضعی و مجاز است، و علت آن نیز صحت سلب یا عدم صحت حمل است، زیرا در این حالت می توانیم لفظ بایع و مشتری را از کسانی که هنوز عقد بیع را منعقد نکرده اند و در شرف انعقاد آن هستند جدا و سلب کنیم.

۷۷- گزینه ۱ صحیح است. در اینجا قانونگذار صریحاً لفظ «داده پیام» را در ماده ۲ قانون تجارت الکترونیکی وضع و قرار داده است.

۷۸- گزینه ۳ صحیح است. الفاظ تحقیر و استخفاف، دو لفظ در یک معنی می باشند، که بیانگر مترادف است، زیرا در مترادف می گوئیم هرگاه الفاظ متعدد در یک معنی وضع شوند.

۷۹- گزینه ۲ صحیح است. عبارت «به موقع اجراء گذارد» قرینه ای است که یک فردی (قاضی) آنرا انجام می دهد. نه اینکه خود دادگاه آن را به موقع اجرا نگذارد.

۸۰- گزینه ۴ صحیح است. اصل لفظی اصله عدم نقل بر این مبنا استوار است که هرگاه تردید نمائیم که لفظی را قانونگذار یا شارع از معنای لغوی یا عرفی به معنای مورد نظر خود منتقل نموده اند و معنای دیگری را از آن اراده کرده اند، اصل بر عدم انتقال یا اصل بر این است که معنای دیگری را از آن اراده نکرده است و همان معنای لغوی و عرفی را منظور قرار داده است.

۸۱- گزینه ۱ صحیح است. متلبس شدن موصوف به صفتی در ظرف زمان را مشتق گویند، حال اگر موصوفی را متلبس و متصف به صفتی که در زمان حال ان وصف دارد، نمائیم، آن یک استعمال حقیقی است، اما اگر آنرا به گذشته نه چندان دور (علاقه ماکان) توصیف کنیم یک استعمال مجازی است مانند آنچه در طرح سوال وجود دارد و یا اگر آنرا به آینده نزدیک (علاقه مشارفت) متلبس کنیم نیز یک استعمال مجازی است.

۸۲- گزینه ۲ صحیح است. همانطور که قبلاً گفته شد، اشتراک معنوی مربوط به دلالت لفظ بر مصداق است، که مبتنی بر این معنا که لفظ عام یا مطلق که برای مصادیق مختلف دلالت می نماید، در طرح سؤال چنین آمده است که لفظ معامله (در اینجا بک عبارت مطلق است) بر مصادیق مختلف خود دلالت می کند، که مؤید اشتراک معنوی است.

۸۳- گزینه ۱ صحیح است. منظور از مرجع حل اختلاف آن هم در قانون کار، حقیقتاً به معنای مراجع حل اختلاف کارگری (هیأت تشخیص و هیأت حل اختلاف) است، یعنی قانونگذار لفظ مراجع حل اختلاف را برای دادگستری که می تواند یک استعمال مجازی باشد، در این ماده نیز همین اتفاق رخ داده، زیرا لفظ ((توقیف)) در اینجا قرینه ای است که ذهن شنونده را از معنای حقیقی مراجع حل اختلاف کارگری (هیأت تشخیص و هیأت حل اختلاف) منصرف و به سمت معنای مجازی آن (دادگستری عمومی) سوق می دهد. (قرینه صارفه) زیرا توقیف در انحصار دادگاه است.

۸۴- گزینه ۳ صحیح است. همانطور که قبلاً گفتیم در حقیقت قانونی، قانونگذار لفظ را از معنای لغوی یا وضعی و یا عرفی آن جدا و به معنای مورد نظر منتقل و در متون قانونی آن را تثبیت می نماید، حالیه اگر تردید کنیم که منظور مقنن از عبارتی در متن قانون، همان معنای لغوی یا عرفی آن را اراده کرده یا معنای دیگری از آن را مد نظر قرار داده و یا اینکه آیا قانونگذار آن لفظ را از معنای لغوی به معنای قانونی (منظور) منتقل کرده یا خیر؟ که در اینجا به علت آنکه تردید و شک در مراد و مقصود متکلم داریم می رویم به سراغ اصول لفظی، اصاله عدم انتقال اعمال می گردد، که بموجب این اصل هرگاه تردید نمائیم که لفظی از معنای لغوی و عرفی به معنای شرعی یا قانونی منتقل شده است یا خیر، اصل بر این است که به معنای شرعی یا قانونی منتقل نشده و منظور شارع و قانونگذار همان معنای لغوی و عرفی بوده و معنای دیگری را اراده نکرده اند.

۸۵- گزینه ۱ صحیح است. در اصل ۲۱ قانون اساسی منظور از دادگاه صالح محکمه در معنای حقیقی یعنی دادگستری است اما در ماده ۹۷۵ ق.م. محکمه در معنای وضعی خود استعمال نشده، زیرا منظور قاضی دادگاه می باشد، زیرا عبارت ((به موقع اجرا گذارد)) قطعاً منظور خود دادگاه نیست بلکه رییس دادگاه، قاضی و دادرس دادگاه است.

فصل دوم: اوامر و نواهی

۸۶- گزینه ۱ صحیح است. واجب تخییری، یعنی مکلف در انجام یک تکلیف از بین دو یا چند تکلیف که در عرض یکدیگرند و هر کدام می تواند بدل و جانشین آن دیگری قرار گیرد، مختار است، پس تمام تکالیف در عرض و در کنار یکدیگرند به نحوی که هر کدام می تواند بدل و جانشین تکلیف دیگری قرار گیرد، مانند تکلیفی که هر کدام از چهار مجازات اسلامی در خصوص مجازات محاربه، برای قاضی صادرکننده حکم لحاظ می کند، که هر کدام از چهار مجازات مورد اشاره در این ماده در عرض آن دیگری قرار دارد، بطوریکه قاضی می تواند هر کدام را که تشخیص دهد برای متهم به محاربه در نظر گیرد، که مؤید یک تکلیف اختیاری و در قالب نوع وجوب یک واجب تخییری است.

۸۷- گزینه ۲ صحیح است. در خصوص تخییری بودن یک امر در سؤال ۸۶ از نظرتان گذشت، اما در خصوص توصلی بودن باید گفته شود، که یک امر توصلی محتاج به قصد قربت (قربه الی الله) ندارد، بر خلاف واجب تعبدی که قصد قربت شرط انجام آن است. در اینجا نیز قصد قربت لازم نیست.

۸۸- گزینه ۲ صحیح است. در واجب تخییری، همانطور که قبلاً اشاره گردید، تخییر و بدلیت بین دو یا چند تکلیف (تکالیف) یا به عبارتی بین مکلف به است، اما این در حالی است که در واجب کفایی، بدلیت در مکلف است، به گونه ای که اگر مکلفی آن واجب را انجام دهد، تکلیف از عهده دیگران ساقط می گردد، به عبارتی هر مکلف می تواند بدل و جانشین آن دیگری قرار گیرد و این تکلیف توسط مکلفی یا عده ای از مکلفین انجام شود، از عهده دیگران ساقط می گردد.

۸۹- گزینه ۱ صحیح است. در تقابل عینی و کفایی، اصل بر عینی بودن است، زیرا اصولاً و غالباً مخاطب شارع یا قانونگذار، همه احاد جامعه به نحو انفرادی است. و تعارض بین واجب تعیینی و تخییری، اصل بر تعیینی بودن است، زیرا واجب تعیینی بدل ندارد (بدل عرضی ندارد) و واجب تخییری دارای بدل است (بدل عرضی) و همواره در تعارض و تراحم

بین دو امر که یکی بی بدیل است و دیگری دارای بدل است، ترجیح با آنی است که بدل ندارد. و در تشخیص اصل عدم زائد بر تکلیف (اصل عدم زیاده) است، که در تقابل بین دو امری یکی تکلیف بیشتری دارد و دیگری تکلیف کمتری داشته باشد، واجب تعدی، دارای قصد قربت الی الله است و واجب توصلی این بار را ندارد بر حدود امر از طرفی اصل بر واجبی است که مستقل و غیروابسته است، پس در تعارض بین منجز و معلق اصل بر منجز بودن و در تقابل بین واجب مطلق و مشروط، اصل بر مطلق بودن است. پس واجب منجز و مطلق در تعارض ترجیح دارند بر واجب مطلق و مشروط چون مستقل و غیروابسته اند.

۹۰- گزینه ۳ صحیح است. اینکه آیا نهی (حرمت، ممنوعیت) دلالت بر فساد (بطلان) دارد؟ باید بین عبادات و معاملات (اعمال حقوقی) قائل به تفکیک شده، بدین ترتیب که در عبادات نهی مطلقاً واجب فساد و بطلان است، یعنی اگر در یک امر عبادی ممنوعیت و حرمت وجود داشته و فردی علیرغم اینکه حرمت وجود دارد آن را انجام دهد، نه تنها بخاطر انجام آن عمل مواخذه می گردد، بلکه آن عمل باطل و فساد و بلااثر است، پس در عبادات بین نهی و فساد ملازمه وجود دارد. این در حالی است که در معاملات (اعمال حقوقی) اینکه نهی موجب فساد یا بطلان است یا خیر؟ ضابطه دقیقی وجود نداشته و در هر مورد بستگی به لسان شارع دارد، بنابر این در معاملات بین نهی و فساد ملازمه وجود نداشته، بدین ترتیب که گاهی نهی موجب فساد است (حرام و باطل است) و زمانی نهی موجب فساد نیست، (حرام است ولی باطل نیست).

۹۱- گزینه ۱ صحیح است. همانگونه که در خصوص پاسخ به سؤال ۹۰ ملاحظه گردید، در معاملات (اعمال حقوقی) بین نهی و فساد ملازمه وجود ندارد، گاهی نهی موجب فساد است، که یکی از آن حالات، هرگاه نهی متوجه شرایط، اجزاء و موانع یک عمل حقوقی گردد، نه تنها حرام است بلکه باطل است، در طرح مسأله نهی متوجه یکی از شرایط عمل حقوقی (شرایط نکاح) شده پس نه تنها حرام است بلکه باطل نیز است.

۹۲- گزینه ۱ صحیح است. لزوماً هر عبارت با فعل امر ولو اینکه از ناحیه مقام عالی صادر شود امر نیست، یکی از این موارد، امر عقیب خطر یا امر بعد از منع است؛ که امر بعد از

نهی یا منع نه تنها الزام به انجام کار نیست بلکه جنبه ترخیصی داشته و به منزله برداشتن نهی سابق است.

۹۳- گزینه ۲ صحیح است. امر از نظر لغوی بر معنای متعدد است، امر به معنای دستور که جمع آن اوامر است، امر به معنای هر چیزی یا شیء که جمع آن امور است مانند متن ماده ۱۲۶۹ ق.م و یا ممکن است امر به معنای انجام فعل یا رفتاری باشد مانند ماده ۲۲۱ قانون مدنی. البته منظور از امر که باعث اوامر و نواهی مطرح است، امر به معنای دستور است.

۹۴- گزینه ۱ صحیح است. هیأت امر بدو صورت است، یکی امر انشایی، یعنی عبارت امری که دارای فعل امر است که در متون قانونی به چشم نمی خورد، البته ممکن در دستور العمل های اداری یا در بخش نامه های اداری وجود داشته باشد، گاهی جمله خبری است اما در مقام بیان امر و الزام است، که این جمله خبری خود بر دو شکل است، یکی جمله خبری همراه با قیود الزام مانند قیودی چون، الزام آور است، مکلف است، موظف است و باید که در طرح سؤال مطرح شد و دیگری جمله خبری بدون استفاده از قیود الزام اما مفید معنی امر و الزام است.

۹۵- گزینه ۲ صحیح است. دلالت امر بر فور(فوریت) و تراخی(تأخیر) یک امر مشخص و مطلق نیست، بدین ترتیب که امر بنا بر تصریح متکلم یا قرائن و اوضاع و احوال بر فور(فوریت) می کند، که در حالت تصریح متکلم از طریق بکار بردن الفاظی که دلالت بر فوریت دارند، از قبیل فوراً، فوری، بلافاصله، به محض اینکه، به مجرد اینکه، همین که و نظایر اینها، قصد خود را بر فوری بودن آن امر به وضوح بیان می کند، گاهی اوقات بدون تصریح متکلم و از طریق قرائن و اوضاع و احوال پی به فوریت امر می بریم مانند مسأله مطروحه در طرح سؤال.

۹۶- گزینه ۱ صحیح است. همانطوریکه قبلاً گفته شد، واجب عینی تکلیفی است بر عهده تمام مکلفین که هر یک از آنها باید جداگانه و به نوبه خود آن را انجام دهد، انجامش توسط عده ای از مکلفین ولو اینکه زیاد باشند، باعث رفع تکلیف دیگر مکلفین نخواهد بود، اما این در حالی است در واجب کفایی، گرچه تمام مکلفین موضوع حکم قرار می

گیرند اما اگر عده ای کافی آن را انجام دهند، تکلیف از دیگران برداشته می شود از این مکلفین تک تک افراد نهاده شده است در ماده ۶ قانون تجارت بر عهده تک تک تجار هر یک به نوبه خود و در ماده ۵ قانون مدنی نیز بر عهده تک تک سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه، پس تکلیف مزبور در دو ماده از حیث مکلفین، یک واجب عینی است.

۹۷- گزینه ۱ صحیح است. همانگونه که پیش از این ملاحظه گردید، در واجب تخییری هر تکلیفی بدل و جانشین عرضی تکلیف دیگر است، تا جایی که مکلف حق انتخاب دارد، اما این در حالی است که در واجب تعیینی تکلیف معین شده است، و یا ممکن است تکلیفی در طول تکلیف دیگر باشد، به نحوی که مکلف حق انتخاب ندارد ولی اگر تکلیفی قابل انجام نباشد، مکلف باید تکلیف دیگر را انجام دهد، مانند آنچه در ماده ۳۱۱ قانون مدنی قابل ملاحظه است.

۹۸- گزینه ۴ صحیح است. به پاسخ سؤال ۸۶ رجوع کنید.

۹۹- گزینه ۲ صحیح است. امر نه از لحاظ وضع و نه عقلاً و عند الاطلاق مشخصاً و به تنهایی نه بر فوریت دلالت دارد و نه بر تراخی، بلکه بر حسب مورد بنابر تصریح واضع(متکلم) یا قرائن و اوضاع و احوال گاهی برفور(فوریت) و زمانی بر تراخی(تأخیر) دلالت می کند.

۱۰۰- گزینه ۱ صحیح است. تردید در اینکه تکلیف مورد نظر از نوع واجب موسع است یا مضیق، از آنجائیکه مضیق و محدودیت زمانی یک تکلیف مشقت و رنج بیشتری را بر مکلف تحمیل می نماید، لذا با استناد به اصل عدم زائد بر تکلیف، اصل بر موسع بودن آن واجب است که زمان انجام آن تکلیف وسیعتر است، اما در حالت تراحم، یعنی در انجام یک واجب مضیق و واجب موسع برخورد و تعارض زمانی بوجود آید، در این حالت آن واجبی که بدل ندارد(واجب مضیق) را بر واجبی که بدل دارد(واجب موسع) ترجیح می دهیم.

۱۰۱- گزینه ۳ صحیح است. امر، یعنی طلب(خواستن) انجام فعلی که صرف طلب نمی تواند مفید معنی امر باشد، لذا طلب باید توأم با بعث و مجاب کردن مخاطب یا مامور باشد، لذا به همین خاطر، طلب مقام عالی(علو) از دانی، امر محسوب می شود.

۱۰۲- گزینه ۱ صحیح است. از آنجائیکه پرداخت نفقه زوجه مشروط به تمکین مالی زوج نیست، لذا از قرینه تمکن مالی در ماده ۱۱۹۸ استنباط می شود که، نفقه مورد نظر، نفقه اقارب است و با عنایت به اینکه نفقه اقارب مشروط و منوط به استطاعت مالی است، لذا یک واجب مشروط است.

۱۰۳- گزینه ۳ صحیح است. در عبادات نهی مطلقاً موجب فساد است، پس در عبادات نهی مقتضی فساد است به عبارتی بین نهی و فساد(حرمت و بطلان) در عبادات ملازمه وجود دارد، اما این در حالی است که در معاملات ضابطه دقیقی وجود ندارد، بلکه در هر مورد باید به لسان دلیل یا شارع رجوع کرد، پس در معاملات یا اعمال حقوقی در برخی موارد، نهی موجب فساد است، لذا در معاملات نهی مقتضی فساد نیست، بنابر این می توان گفت بین نهی و فساد(حرمت و بطلان) ملازمه وجود ندارد.

۱۰۴- گزینه ۱ صحیح است. الزام به تمکین، از تکالیف زوجه در مقابل زوج است که منوط و متوقف بر امری نیست، یعنی زن نمی تواند تمکین اعم از عام و خاص را مشروط به امری از جمله نفقه یا مهریه نماید، مع الوصف در یک حالت، استثنائاً زن می تواند تمکین را منوط به پرداخت مهریه و نفقه از سوی زوج نماید، و آن اعمال ماده ۱۰۸۵ ق.م. یعنی حق حبس است، که در این فرض، تمکین که در حالت عادی یک واجب مطلق بوده، در حالت اعمال حق حبس، منوط به مهریه یا نفقه شده ، پس یک واجب مشروط تلقی می گردد.

۱۰۵- گزینه ۲ صحیح است. احکام وضعی احکامی هستند که مستقیماً به فعل مکلف تعلق نگرفته، پس در انجام آن باید و نبایدی وجود ندارد، بلکه بیانگر وضعیت و موقعیت افراد می باشد. یا وضعیت و موقعیت اعمال حقوق از جمله بطلان، غیرنافذ و صحیح است.

۱۰۶- گزینه ۳ صحیح است. وضو و تیمم بدل یکدیگرند، منتهی یک بدل طولی است، یعنی تکلیف معین شده برای مکلف وضو است که در شرایط خاص تیمم بدل وضو قرار می‌گیرد، که این مسأله بیانگر واجب تعیینی است.

۱۰۷- گزینه ۳ صحیح است. واجب موسع، تکلیفی است که زمان واجب(فرستی که برای انجام واجب در اختیار داریم) بیشتر و وسیعتر از زمان انجام واجب(فرستی که برای انجام واجب نیاز است) می‌باشد، لذا واجب در هر قسمت از زمان که اتیان و انجام شود اصالتاً واجب بر آورده شده.

۱۰۸- گزینه ۴ صحیح است. اگر بیع مشروط همان حق مشروط یا واجب مشروط بدانیم، نتیجه این می‌شود که بگوئیم بیعی که انعقاد و انشاء آن منوط به امری باشد، که در این حالت انشاء عقد بیع را مشروط به امری کردیم، که این مسأله بیانگر تعلیق در انشاء عقد است که بر خلاف موازین حقوقی است، پس بیع مشروط یا عقد مشروط، عقدی است که دارای شروط ضمن عقد از جمله شرط فعل، صفت و نتیجه است.

۱۰۹- گزینه ۴ صحیح است. هرگاه امری بصورت مطلق بیان شود، از حیث عینی یا کفایی بودن، اصل بر عینی بودن و از حیث تعبدی یا توصلی، توصلی بودن، از حیث تعیینی یا تخییری، اصل بر تعیینی بودن و از جهت مطلق یا مشروط بودن، اصل بر مطلق بودن است.

۱۱۰- گزینه ۱ صحیح است. چون در هیچکدام تصریح نگردیده است.

۱۱۱- گزینه ۳ صحیح است. صیغه امر بصورت جمله انشایی(صیغهٔ افعال یا فعل امر) و یا بصورت جمله خبری است، یعنی امری که فعل امر ندارد، اما در مقام انشاء و بیان امر است که گاهی این عبارت خبری توأم با قیود الزام از قبیل مکلف است، الزام آور است، باید و نظایر اینهاست، ولی زمانی عبارت خبری بدون قیود الزام است، مانند ماده ۲۴ قانون آئین دادرسی کیفری(سابق) که در سؤال مطرح گردید.

۱۱۲- گزینه ۳ صحیح است. حج نسبت به استطاعت. عبارت مطروحه در سؤال مبین واجب مشروط است، یعنی امری که وجوبش منوط و متوقف بر امر دیگری(مقدماتی) است، اما این در حالی است که در واجب معلق، انجام و تحقق واجب منوط به وجود مقدمه

یا مقدماتی است، گزینه ۱،۲،۴ مبین واجب معلق می‌باشند زیرا همگی در انجام وابسته هستند اما گزینه ۳ واجب مشروط است، زیرا واجب شدن حج منوط و وابسته به استطاعت مالی است نه انجام آن.

۱۱۳- گزینه ۳ صحیح است. نهی از شی در عبادات مقتضی فساد است اما در معاملات مقتضی فساد نیست. اینکه آیا نهی (حرمت یا تحریم) دلالت بر فساد (بطلان) کند یا خیر، بایستی بگوئیم که در عبادات بین نهی (حرمت) و فساد (بطلان) ملازمه وجود دارد، یعنی در عبادات نهی مطلقاً موجب فساد است اما در معاملات بین حرمت و بطلان ملازمه وجود ندارد یعنی لزوماً هر نهی در معامله مستلزم فساد و مقتضی بطلان نیست بلکه در معاملات گاهی نهی موجب فساد است (حرام و باطل است) و زمانی نهی موجب فساد نیست (حرام است ولی باطل نیست) به پاسخ سؤال ۹۰ رجوع شود.

۱۱۴- گزینه ۱ صحیح است. زوج به سبب حق حبس می‌تواند تا قبل از پرداخت مهریه از تمکین در برابر زوج امتناع کند، و چون تمکین زوجه از نوع واجب مشروط است. و چون الزام به تمکین در حالت عادی یک واجب مطلق است یعنی الزام مشروط و منوط به مقدماتی نیست، اما در حالت حق حبس اعمال ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی و تمکین مشروط به پرداخت مهریه و حتی نفقه گردیده پس در این حالت استثنائاً و چون تمکین یک واجب مشروط است.

۱۱۵- گزینه ۲ صحیح است. الزام به ثبت واقعه ازدواج، طلاق و رجوع به تبع واقعه اصلی عقد نکاح، صیغه طلاق و رجوع الزام آور می‌گردد. پس از توابع و لوازم یا واقعه طلاق و رجوع است.

۱۱۶- گزینه ۳ صحیح است. هیأت و ماده امر به دو شکل است، یکی جمله امر انشایی، یعنی امری که همراه با فعل امر است و دیگری امر اخباری، یعنی امری که فعل امر ندارد، اما در مقام و انشاء امر است، که این امر در دو قالب است، یکی امر اخباری با استفاده از قیود الزام مانند باید، مکلف است و نظایر اینها، مانند آنچه در گزینه سوم آمده است و دیگری امر اخباری بدون استفاده از قیود الزام مانند گزینه های ۱ و ۲ و ۴

- ۱۱۷- گزینه ۳ صحیح است. عده نگه داشتن تکلیفی است که بر عهده زن مطلقه یا زن شوهر مرده است که یک واجب عینی، مضیق و مطلق و تعیینی است.
- ۱۱۸- گزینه ۴ صحیح است. مخارج تسلیم و نقل انتقال در انجام و تحقق آن امر تأثیر دارد که موید واجب معلق است.
- ۱۱۹- گزینه ۱ صحیح است. نهی از عملی است که اتفاقاً مقارن شده است با یک عمل حقوقی
- ۱۲۰- گزینه ۲ صحیح است. تکالیفی که در این ماده برای غاصب ذکر شده، درطول یکدیگرند، پس نوع تکلیف تعیینی است، هم چنین واجب مطلق است یعنی وابسته به امر دیگر نیست.
- ۱۲۱- گزینه ۱ صحیح است. اولاً نوع تکلیف معین شده تا جایی که مکلف حق انتخاب ندارد و از طرفی این تکلیف مشروط به شرطی یا مقدمه ای نیست که از این نظر یک واجب مطلق است.
- ۱۲۲- گزینه ۲ صحیح است. حق و تکلیف مشروط، یعنی منوط بودن امری به امر دیگری چه از حیث وجوب و تکلیف (واجب مشروط) و چه از حیث حقوق (حق مشروط) در این ماده اجرای حق منوط به دارا بودن اهلیت استیفاء است.
- ۱۲۳- گزینه ۱ صحیح است. این ماده از جهت آنکه گفته است ۳ مرتبه تصریح به تکرار این تکلیف (انتشار در جراید عمومی) دارد. و از جهت آنکه این نشر (سه مرتبه) را در ظرف ۳۰ روز دانسته یک واجب موسع است، زیرا در واجب موسع که یک واجب موقت است، زمان واجب (فرصتی که در اختیار داریم) بیشتر و وسیعتر از زمان انجام واجب (فرصتی که برای انجام نیاز داریم) است.
- ۱۲۴- گزینه ۲ صحیح است. تسلیم مبیع و به تبع آن مخارج تسلیم از تعهدات و تکالیف بایع است، که از آثار و توابع عقد بیع می باشد، یعنی بخودی خود واجب نیست بلکه، به تبع عقد بیع بر بایع تکلیف می گردد، لذا تعهد به تسلیم و تأمین مخارج آن از مصادیق واجب تبعی است.

۱۲۵- گزینه ۱ صحیح است. همانطوریکه پیش از این گفتیم، واجب تخییری، مکلف مختار در انتخاب تکلیفی از بین دو یا چند تکلیف در عرض یکدیگر است (بدل عرضی) و اختیار دارد (نظریه مختار) به انتخاب فردی از میان افراد واجب مخیر.

۱۲۶- گزینه ۲ صحیح است. در اینجا نهی متوجه یکی از شرایط نکاح شده لهذا نهی موجب فساد است، یعنی حرام و باطل است و بخاطر حرام متخلف تعقیب، مجازات و مواخذه می گردد و آن عمل حقوقی نیز باطل تلقی می شود، چون یکی از مواردیکه نهی موجب فساد می گردد زمانی است که نهی متوجه اجزاء، شرایط و موانع یک عمل حقوقی می شود.

۱۲۷- گزینه ۴ صحیح است. واجب معلق یعنی تحقق یا انجام یا اجرای امری منوط به امر دیگری باشد، اما این در حالی است که واجب مشروط یعنی الزام و وجوب (واجب شدن) امری موکول به امر دیگری شود. لذا شرط و مقدمه مزبور در این ماده یک مقدمه وجودی است، یعنی مقدمه ای که در جهت انجام این نکاح مؤثر است.

۱۲۸- گزینه ۴ صحیح است. قانونگذار گاهی از طریق جعل و قراردادن مجازات برای عملی، انجام آن را ممنوع (نهی) می کند مانند آنچه را که در متون جزایی مشاهده می گردد. از طرفی گاهی با استفاده از قیود نهی این کار را انجام می دهد، قیودی مانند ممنوع است، نباید، نمی تواند، مجاز نیست و نظایر اینها و گاهی جمله خبری که بدون قیود نهی بوده ولی مفید معنای نهی را می کند.

۱۲۹- گزینه ۲ صحیح است. امر انشایی امری است که دارای فعل امر است. اما این در حالی است که امر خبری، عبارتی است که دارای فعل امر نیست، اما در مقام انشاء و بیان امر است که گاهی از قیود الزام بهره می گیرد و گاهی بدون قید الزام در مقام بیان امر است، مانند منطوق ماده ۱۱۴ قانون اجرای احکام وقتی که می گوید فروش اموال از طریق مزایده به عمل می آید، یعنی فروش باید از طریق مزایده انجام پذیرد.

- ۱۳۰- گزینه ۳ صحیح است. حکم وضعی، حکمی است که مستقیماً به فعل مکلف تعلق نمی‌گیرد، بلکه بیانگر موقعیت و وضعیت افراد، اعمال و وقایع حقوقی است، از جمله بطلان، عدم نفوذ و صحت، در این ماده نیز حکایت از وضعیت خیار شرط و بیع است.
- ۱۳۱- گزینه ۱ صحیح است. در قسمت صدر ماده که گفته شده نفقه اولاد بر عهده پدر است، بیانگر واجب عینی است ولی در قسمت اخیر ماده که گفته شده نفقه به عهده جد پدری و سایر خویشاوندان با رعایت الاقرب فالاقرب، مبین واجب کفایی است، زیرا در نوع واجب انجام تکلیف بر عهده مکلفین است، که اگر فرد یا افراد کافی آن را انجام دهند از عهده سایر مکلفین خارج است.
- ۱۳۲- گزینه ۴ صحیح است. نهی در اعمال حقوقی یا معاملات در دو حالت موجب فساد است، یعنی هر دو باطل است، یکی، هرگاه نهی متوجه شرایط، اجزاء و موانع یک عمل حقوقی گردد مانند گزینه های ۱ و ۳ و دیگری، وقتی که نهی مستقیماً متوجه نتیجه یک رفتار حقوقی گردد مانند مورد مطروحه در گزینه ۲، بنابراین، هر سه گزینه صحیح است.
- ۱۳۳- گزینه ۲ صحیح است. در این ماده واضح صریحاً تأکید بر مره یا یک بار می‌کند. پس وضعاً دلالت بر مره یا یک بار می‌کند.
- ۱۳۴- گزینه ۲ صحیح است. وجوب، یعنی فعلی که هنوز واجب نشده و برای واجب شدن (وجوب) منوط و متوقف و وابسته به امر دیگری است (واجب مشروط) اما واجب، یعنی فعلی که قبلاً واجب شده و برای انجام و تحقق منوط، متوقف و وابسته به امر دیگری است (واجب معلق)
- ۱۳۵- گزینه ۳ صحیح است. امر یعنی طلب (خواستن) انجام کاری همراه با بعث (برانگیختن)، لهذا فقط طلب مقام عالی از دانی امر به معنای دستور است.
- ۱۳۶- گزینه ۱ صحیح است. یک بار امتثال امر کافی است، به دلیل تصریح واضع (قانونگذار)
- ۱۳۷- گزینه ۲ صحیح است. در واجب مشروط، یعنی جائی که هنوز امری واجب نشده است، وجوب و واجب هر دو استقبالی یا در آینده هستند، اما در واجب معلق وجوب حالی

است (چون آن فعل واجب شده است) ولی واجب (انجام آن فعل که قبلاً واجب شده) استقبالی (در آینده است)، پس در واجب معلق وجوب و واجب مربوط به دو زمان متفاوت است (وجوب حالی ولی واجب استقبالی است).

۱۳۸- گزینه ۳ صحیح است. واجب تعیینی، تکلیفی است که شارع یا قانونگذار یا واضع معین می کند و تکلیفی در عرض و کنار آن نیست (بدل عرضی ندارد) اگرچه بدل طولی نشانه واجب تعیینی است، زیرا در بدل طولی تکالیف در طول یکدیگر معین شده اند، در صورت وجود عین، عین مال در غیراینصورت اگر مال مثلی باشد مثل و اگر قیمی باشد، قیمت. که تکالیف در اینجا به ترتیب معین شد.

۱۳۹- گزینه ۱ صحیح است. تسلیم عین مستاجر از توابع و لوازم عقد اجاره است.

۱۴۰- گزینه ۳ صحیح است. آنچه دادگاه را ملزم به رسیدگی می کند، تقدیم دادخواست یا طرح دعوی است، که موید واجب مشروط است، زیرا در واجب مشروط می گوئیم، الزام و وجوب امری منوط و مشروط به امر دیگری است.

۱۴۱- گزینه ۳ صحیح است. تسلیم عین مستاجر از توابع عقد اجاره است (واجب تبعی)، نوع واجب معین شده است (واجب تعیینی)، انجام چنین تکلیفی منوط به قصد قربت نیست (واجب توصلی) و تکلیف شدنش مشروط نیست (واجب مطلق).

۱۴۲- گزینه ۲ صحیح است. مکلف در انجام یک تکلیف یا برخورداری از یک حق از بین دو یا قید تکلیف و حقوق که در عرض یکدیگرند، مختار است.

۱۴۳- گزینه ۴ صحیح است. اصل بر عدم زائد بر تکلیف، یا اصل بر عدم مشقت بر مکلف است، که تاخیری بودن موید همین اصل است.

۱۴۴- گزینه ۲ صحیح است. در اینجا نهی موجب فساد و بطلان نیست، زیرا نهی بر عمل تعلق گرفته که اتفاقاً مقارن شده با یک عمل حقوقی

۱۴۵- گزینه ۳ صحیح است. به پاسخ سؤال ۹۰ و ۹۱ رجوع کنید.

۱۴۶- گزینه ۲ صحیح است.

۱۴۷- گزینه ۲ صحیح است. احکام وضعی، احکامی هستند که مستقیماً به فعل مکلف تعلق نمی‌گیرد، بلکه بیانگر وضعیت و موقعیت افراد یا وضعیت و موقعیت اعمال و وقایع حقوقی است، مانند نمونه‌ای که در طرح سوال آمده است.

۱۴۸- گزینه ۴ صحیح است. ظاهر ماده بیانگر یک جمله خبری است، اما با کمی دقت در معنای آن در می‌یابیم که این جمله خبری در مقام انشاء و بیان الزام و وجوب است، چرا که وقتی می‌گوئیم یک نفر را به سمت مدیریت تصفیه تعیین می‌کند یعنی باید چنین کاری را انجام دهد.

۱۴۹- گزینه ۲ صحیح است. حکم تکلیفی، احکامی هستند که مستقیماً به فعل مکلف تعلق گرفته‌اند که یا دارای الزام است (احکام مولوی) که در قالب وجوب و حرمت یا ممنوعیت است (مانند مسأله مطروحه در سوال) یا جنبه اختیاری و ارشادی یا ترخیصی دارند که به آن احکام ارشادی می‌گویند. در اینجا نیز ممنوعیت است که مستقیماً به فعل مکلف در عدم انجام تعلق می‌گیرد که یک حکم تکلیفی است.

۱۵۰- گزینه ۱ صحیح است. اولاً نوع تکلیف معین شده تا جایی که مکلف حق انتخاب ندارد و از طرفی این تکلیف مشروط به شرطی یا مقدمه‌ای نیست که از این نظر یک واجب مطلق است.

فصل سوم: مفهوم و منطوق

۱۵۱- گزینه ۴ صحیح است. مفهوم موافق، یعنی برداشت از منطوق که حکم آن نفیاً و اثباتاً موافق و در راستای حکم منطوق است که به آن اصطلاحاً فحوی خطاب یا لحن خطاب گویند، اما مفهوم مخالف، یعنی برداشتی از منطوق که حکم آن نفیاً و اثباتاً مخالف و مغایر با حکم منطوق است که به آن دلیل خطاب نیز گویند. بنابر این گزینه ۴ صحیح است.

۱۵۲- گزینه ۱ صحیح است. مسلمانی، عنوان و لقب است و همانطوریکه می دانیم مفهوم (مفهوم مخالفی) که از جمله لقب گرفته می شود، قابل استناد نیست، به همین خاطر است که می گوئیم مفهوم لقب سست ترین مفهوم است، لذا این عبارت که زن مسلمان نمی تواند با مرد غیرمسلمان ازدواج کند، مفهوم مخالف آن به این معنا نیست که پس مرد می تواند با زن غیر مسلمان ازدواج کند. چون اثبات شیء نفی ماعدا نمی کند.

۱۵۳- گزینه ۳ صحیح است. مفهوم موافق برتر یا قیاس اولویت، یعنی حکم اصل (منطوق) حذف با شدت بیشتری به فرع (مفهوم) سرایت می کند، وقتی که در ماده ۱۱۸۵ قانون مدنی می گوید اگر ولی قهری طفل محجور شود مدعی العموم باید اقدام به تعیین قیم نماید، وقتی که وصی منصوب از طرف ولی قهری برای صغیر، محجور شود، بطریق اولی و به قیاس اولویت باید اقدام به تعیین قیم نماید.

۱۵۴- گزینه ۲ صحیح است. جمله غایب، یعنی جمله ای که بیانگر یک انتها یا نهایت یا سرانجامی است تمام جملات غایی اعم از اینکه غایت داخل در مغیا باشد یا داخل در مغیا نباشد، دارای مفهوم مخالف است، فقط دارای این فرق است که اگر غایت داخل در مغیا باشد، حکم غایت همان مغیا یا منطوق است و مفهوم مخالف بعد از غایت است که در این حالت حکم غایت با ما بعد آن مغایر است، و اگر غایت داخل در مغیا نباشد، حکم غایت مسکوت بوده و از مفهوم مخالف جمله غایت حکم آن را استنباط می کنیم، که در این حالت حکم غایت با ما قبل آن مغایر است، زیرا غایت جزء مفهوم مخالف و ما قبل آن منطوق است، و مفهوم مخالف مغایر حکم منطوق است.

۱۵۵- گزینه ۲ صحیح است. جمله حصر، یعنی موضوعی یا حکمی را محدود و منحصر به مورد یا موارد خاص نمائیم، که مفهوم مخالف آن قابل استناد است، پس مفهوم عبارت حصری حجیت دارد، وقتی که در اصل ۱۳ قانون اساسی می گوید ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته می شوند؛ مفهوم آن این است که مذاهب و فرقه های به غیر از زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان، در ایران رسمیت ندارد.

۱۵۶- گزینه ۴ صحیح است. گزینه ۱ جمله وصفی(وصف عادل بودن) است با یک صفت قیدی(تقییدی) که دارای مفهوم مخالف است و مفهوم مخالف آن قابل استناد است زیرا اجرای صیغه طلاق در حضور شهودی که عادل نیستند، صحیح نیست، گزینه ۲ نیز دارای وصف تقییدی پس دارای مفهوم است و گزینه ۳ یک جمله شرطی است و جمله شرطیه نیز غالباً واجد مفهوم مخالف است. اما گزینه ۴ بیانگر یک جمله وصفی دارای صفت غالب است و هرگاه موصوفی را به صفت غالب متصف نمایند، مفهوم آن، این نیست که دارای صفات اقل که بیان نشده نمی باشد، بلکه تمام اوصاف اعم از صفت غالب و نادر می شود. زیرا اثبات شیء نفی ما ادا نمی کند.

۱۵۷- گزینه ۴ صحیح است. همانطور که قبلاً گفتیم در قیاس اولویت یا مفهوم موافق برتر، حکم اصل به فرع سرایت می کند ولی فرع که حکم خود را از اصل می گیرد از آن قوی تر می شود، به همین خاطر می گوئیم مناط حکم در فرع اقوی از اصل است، وقتی که عقود جایز به موت و سفه منفسخ می گردد، بطریق اولی بخاطر جنون نیز موجب انفساخ است.

۱۵۸- گزینه ۲ صحیح است. این جمله یک عبارت شرطی که دارای مفهوم مخالف است. وقتی که منطوق قانون می گوید: ((هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.)) می فهمیم که اگر زن با وجود مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه خواهد بود.

۱۵۹- گزینه ۳ صحیح است. جمله شرط غالباً مفهوم دارد ولی استثنائاً ممکن است مفهوم نداشته باشد، و آن زمانی است با انتفاء(منتفی شدن) شرط موضوع نیز منتفی شود، در این حالت بعلت سالبه به انتفاء موضوع، چنین جمله شرطی فاقد مفهوم است و یا به عبارتی مفهوم آن قابل استناد نیست. مثلاً وقتی می گوید، هرگاه شاخه درخت کسی داخل در

فضای خانه یا زمین همسایه شود باید از آنجا عطف کند، که اگر بخواهیم از آن مفهوم مخالف بگیریم، می شود (هرگاه شاخه درخت کسی داخل در فضای خانه یا زمین همسایه نشود نباید از آنجا عطف کند) در این حالت وقتی شرط (داخل بودن شاخه درخت کسی در فضای خانه همسایه) منتفی شود، موضوع عطف و برگرداندن شاخه نیز خودبخود منتفی می شود. (سالبه به انتفاء موضوع) پس جمله شرطیه که با انتفاء شرط، موضوع نیز منتفی شود، آن جمله شرطیه فاقد مفهوم است، شایان ذکر است اگر در جمله شرطیه انتفاء (منتفی شدن) شرط باعث انتفاء حکم یا مشروط شود. در این حالت جمله شرطی دارای مفهوم مخالف بوده و مفهوم آن قابل استناد است.

۱۶۰- گزینه ۴ صحیح است. گاهی اوقات، حرف یا ادات شرط مثل (اگر، هرگاه، چنانچه، لکن و لیکن) در جمله مستتر است. مانند استتار حرف اگر در ماده ۳۶۰ قانون مدنی، و از آنجائیکه جمله شرط غالباً مفهوم دارد، لذا اولاً منطوق ماده بیانگر جمله (عبارت) شرط است و عبارت برداشت شده، مبین مفهوم مخالف است، لذا گزینه ۴ صحیح است.

۱۶۱- گزینه ۳ صحیح است. یکی از معانی دلالت تنبیه و ایما این است که متکلم علت حکم را صریحاً بیان نمی کند، اما قیدی در کلام وجود دارد که به نظر علت حکم می باشد، در طرح این سؤال نیز علت تملک که همانا حیازت مباحات است. صریحاً ذکر نشده که از قرینه احیاء استنباط گردید.

۱۶۲- گزینه ۳ صحیح است. اینکه هر عبارت یا منطوقی مفهوم مخالف دارد یا خیر، باید بگوئیم شرط غالباً مفهوم دارد غایت، حصر و استثناء همواره مفهوم مخالف دارند، اما وصف و عدد غالباً مفهوم ندارند و لقب همواره مفهوم ندارد.

۱۶۳- گزینه ۲ صحیح است. گزینه ۱ بیانگر جمله شرط و مبین شرط انحصاری است، که مفهوم دارد، گزینه ۳ بیانگر غایت است که مفهوم دارد، گزینه ۴ بیانگر وصف تقییدی (قیدی) است که استثنائاً مفهوم دارد. بنابر این گزینه ۲ اگر چه یک جمله شرطی است، اما شرط در اینجا انحصاری نیست، بلکه دو شرط را ذکر کرده لذا در اینگونه مواقع جمله شرط، استثنائاً مفهوم ندارد.

۱۶۴- گزینه ۱ صحیح است. مفهوم موافق، برداشت یا قضیه ای است که حکم آن نفیاً یا اثباتاً موافق و در راستای حکم منطوق است، به عبارتی در مفهوم موافق، حکم منطوق به مفهوم سرایت و تسری می یابد.

۱۶۵- گزینه ۳ صحیح است. دلالت اقتضاء، یعنی برای درک مقصود متکلم مستلزم یا مقتضی تقدیر یا کمک گرفتن از عبارتی هستیم که با افزودن به عبارات، پی به مقصود متکلم می بریم.

۱۶۶- گزینه ۲ صحیح است. اگر اکراه از طرف متعاملین وارد شود، بطریق اولی سبب عدم نفوذ معامله است.

۱۶۷- گزینه ۴ صحیح است. دلالت اشاره که یکی از مصادیق منطوق غیرصریح است، یعنی از تجمیع و بررسی دو یا چند کلام پی به مقصود او می بریم که صریحاً در کلام وی نیامده است. در اینجا نیز از ترکیب دو ماده این برداشت حاصل می شود.

۱۶۸- گزینه ۱ صحیح است. در جمله شرط اگر شرط قید انحصاری برای مشروط باشد طوریکه با انتفاء شرط سبب منتهی شدن حکم شود نه موضوع حکم، این عبارت شرطی مفهوم مخالف دارد، اما در گزینه های ۲ و ۳ و ۴ این شرایط وجود ندارد.

۱۶۹- گزینه ۲ صحیح است. قیاس مساوات یا مفهوم موافق ساده، یعنی تسری حکم اصل(منطوق یا مقیس علیه) با همان وضعیت و کیفیت به فرع (مفهوم یا مقیس) یا سرایت حکم منطوق یا اصل به موارد مشابه.

۱۷۰- گزینه ۴ صحیح است. در هیچکدام از گزینه ها تصریح به دخول غایت در مغیا نشده است، اگر چه در همه گزینه ها غایت داخل در مغیا است، اما از طریق قرائن و اوضاع و احوال به این مقصود می رسیم.

۱۷۱- گزینه ۳ صحیح است. در گزینه ۳ با تصریح به تا قبل از رسیدن خبر عزل، صراحتاً غایت را از مغیا خارج می سازد.

۱۷۲- گزینه ۴ صحیح است. اگر وصف بیانگر مورد اغلب باشد (وصف غالبی) یا جهت توضیح و تاکید باشد(وصف تاکیدی یا توضیحی) مفهوم ندارد، اما اگر وصف تقییدی

- باشد، یعنی موصوف را مقید به یک صفت خاصی نماید، مفهوم مخالف دارد، گزینه ۱ و ۲ و ۳ از مصادیق وصف تقيیدی هستند، اما این در حالی است که گزینه ۴ وصف توضیحی و تاکیدی است. زیرا تاکید بر تجاری بودن برات می کند، با این توضیح که برات غیرتجاری نداریم پس این ماده مفهوم مخالف ندارد.
- ۱۷۳- گزینه ۲ صحیح است. گزینه ۲ بیانگر جمله حصری است که مفهوم دارد، اما گزینه ۱ و ۳ و ۴ بیانگر لقب است که مفهوم ندارد.
- ۱۷۴- گزینه ۴ صحیح است. به پاسخ سوال ۱۵۲ و ۱۵۶ رجوع شود.
- ۱۷۵- گزینه ۲ صحیح است. غایت مطلقاً مفهوم دارد، لقب مطلقاً مفهوم ندارد، عدد غالباً مفهوم ندارد و وصف نیز غالباً مفهوم ندارد.
- ۱۷۶- گزینه ۳ صحیح است. گاهی غایت داخل در مغياست، که در این حالت غایت جزء منطوق بوده، لذا حکم غایت با ما بعد آن مخالف است، زیرا مفهوم مخالف در چنین حالت، بعد از غایت را شامل می شود، گاهی غایت داخل در مغي نیست، که در این حالت غایت جزء منطوق نبوده است و از غایت به بعد جزء مفهوم مخالف است.
- ۱۷۷- گزینه ۲ صحیح است. جمله شرط است و شرط نیز در این حالت مفهوم دارد. حکمی را که برداشت کردیم با حکم ماده ۴۳۵ (منطوق) مخالف است.
- ۱۷۸- گزینه ۳ صحیح است.
- ۱۷۹- گزینه ۴ صحیح است. در این عبارت قیدی وجود دارد (لعان) که به نظر علت حکم (محرومیت از ارث) است.
- ۱۸۰- گزینه ۱ صحیح است. زیرا منطوق و مفهوم صفت معنا و مدلول هستند و نه صفت لفظ و دلالت.
- ۱۸۱- گزینه ۲ صحیح است.
- ۱۸۲- گزینه ۴ صحیح است. لقب مفهوم ندارد، یعنی مفهوم مخالف ندارد، پس نمی توان به مفهوم آن استناد کرد، لذا مفهوم جمله لقب حجیت ندارد، به همین خاطر می گویند، لقب سست ترین مفهوم است.

۱۸۳- گزینه ۲ صحیح است، ماده ۶۱۷ قانون مدنی مقرر می دارد: ((امین نمی تواند غیر از جهت حفاظت تصرفی در ودیعه کند)) مفهوم این ماده آن است که امین فقط از جهت حفاظت می تواند تصرف در ودیعه کند. این استنباط بر اساس مفهوم داشتن جمله حصر است. جمله یا عبارت حصری، یعنی موضوع را محدود و منحصر به مورد یا مواردی خاص نمائیم. که مفهوم این عبارت قابلیت استناد داشته و حجیت دارد.

۱۸۴- گزینه ۲ صحیح است، با فرض داخل بودن غایت در معنی، در عبارت: ((خواهان می تواند تا اولین جلسه دادخواست خود را مسترد کند.)) منطوق، تا پایان اولین جلسه می تواند دادخواست خود را مسترد کند، است. منطوق، قضیه یا برداشتی است که مستقیماً از کلام فهمیده می شود.

۱۸۵- گزینه ۲ صحیح است، منظور از جمله یا عبارت شرطی که مفهوم دارد، شرط ادبی به قید علت منحصره است. که انتفاء شرط باعث انتفاء حکم است.

۱۸۶- گزینه ۳ صحیح است، در ماده ۱۲۴۰ قانون مدنی آمده است: ((قییم نمی تواند به سمت قیمومت، از طرف مولی علیه، با خود معامله کند)) حال اگر پرسیده شود که آیا قییم می تواند اموال محجور را به نمایندگی از طرف او به خود ببخشد پاسخ منفی است، زیرا با استناد به مفهوم موافق اولویت. به شرح فوق (قیاس اولویت) قییم نمی تواند اموال محجور را به نمایندگی از طرف او به خود ببخشد.

۱۸۷- گزینه ۳ صحیح است. در این گزینه علت صریحاً ذکر نشده است. اما در گزینه های ۱ و ۲ علت صریحاً ذکر گردید.

۱۸۸- گزینه ۲ صحیح است. هرگاه در جمله شرط انتفاء شرط باعث انتفاء موضوع شود، آن جمله شرط مفهوم ندارد یعنی مفهوم مخالف ندارد، به عبارتی مفهوم مخالف آن قابل استناد نیست. به پاسخ سؤال ۱۵۹ رجوع کنید.

۱۸۹- گزینه ۴ صحیح است. مفهوم مخالف، برداشتی است از منطوق که حکم آن نفیاً و اثباتاً مغایر حکم منطوق است از طرفی جمله شرطیه غالباً مفهوم مخالف دارد، البته جمله شرطیه (شرط نحوی یا ادبی) اغلب دارای ادات شرط (اگر، هرگاه، در صورتیکه، چنانچه و

نظایر اینها) است ولی ممکن است حرف شرط در چنین جملاتی مستتر باشد، مانند طرح سوال مطروحه، پس بنابر این گزینه ۴ صحیح است.

۱۹۰- گزینه ۱ صحیح است. همانطوریکه راجع به سوال قبلی گفته شد، جملات شرطیه غالباً مفهوم(مفهوم مخالف) دارد لهذا در برخی مواقع این امکان وجود دارد که جمله شرطیه مفهوم نداشته باشد، و آن زمانی است که انتفاء(منتفی شدن) شرط باعث انتفاء(منتفی شدن)موضوع حکم شود مانند گزینه ۱ و یا شرط علت انحصاری برای مشروط نباشد، اما اگر انتفاء شرط باعث انتفاء حکم شود در این حالت شرط مفهوم دارد(مانند گزینه های ۲ و ۳ و ۴)

۱۹۱- گزینه ۲ صحیح است. در دلالت تنبیه و ایماء، علت حکم صریحاً ذکر نمی شود، بلکه علت حکم را با عنایت به سیاق و اقتضاء کلام پی می بریم (مستنبط العله) که بیانگر دلالت تنبیه و ایماء است.

۱۹۲- گزینه ۳ صحیح است. قیاس مساوات(مفهوم موافق ساده) یعنی حکم اصل یا منطوق یا مقیس علیه را عیناً به فرع یا مفهوم یا مقیس، سرایت دهیم. در این سوال حکم تلف مبیع قبل از قبض را عیناً به تلف ثمن قبل از قبض نیز سرایت می دهیم.

۱۹۳- گزینه ۲ صحیح است. دلالت مطابقی همراه با دلالت تضمینی از مصادیق منطوق صریح است، اما این در حالی است که دلالت اقتضاء دلالت تنبیه و ایماء و دلالت اشاره از مصادیق منطوق غیرصریح یا دلالت التزامی یا دلالت سیاقی می باشند.

۱۹۴- گزینه ۳ صحیح است. در دلالت تنبیه و ایماء، متکلم از ذکر صریح علت خودداری می نماید، اما قیدی در کلام وجود دارد که به نظر علت حکم باشد(مستنبط العله) ، در ماده ۱۴۳ صریحاً علت تملک را احیاء ذکر نکرده اما از قرائن لفظی ماده می توان فهمید که علت تملک حیازت موات (احیاء موات) است.

۱۹۵- گزینه ۴ صحیح است. منطوق موافق ساده یا قیاس مساوات یعنی حکم اصل یا منطوق یا مقیس علیه را عیناً به همان وضعیت به فرع یا مفهوم یا مقیس سرایت دهیم.

۱۹۶- گزینه ۱ صحیح است. جمله غایت همواره مفهوم دارد، اما اینکه غایت داخل در مفهوم مخالف باشد یا منطوق بستگی دارد به اینکه اگر غایت داخل در مغیا باشد، آنوقت

غایت داخل در منطوق است اما اگر غایت داخل در مغیا نباشد، در اینصورت غایت جزء مفهوم مخالف است.

۱۹۷- گزینه ۱ صحیح است. مفهوم مخالف، برداشت از منطوق است که حکم آن نفیاً و یا اثباتاً مغایر و مخالف حکم منطوق می باشد، در اینجا حکم منطوق که در ماده ۲۷۴ قانون مدنی آمده، عدم اعتبار تأدیه است، اما برداشت مخالف مبتنی بر اعتبار تأدیه است.

۱۹۸- گزینه ۲ صحیح است. یکی از انواع و مصادیق منطوق صریح، دلالت تضمن است، یعنی دلالت بر برخی از مصادیق یا اجزاء مدلول، همانطوریکه در طرح سوال اشاره گردید، همه اختیارات، علی الخصوص اختیاراتی که در آن شرط مباشرت ذوالخیار وجود دارد به وراثت منتقل نمی شود، این در حالی است که دلالت مطابقی بر همه مصادیق مدلول خود دلالت دارد.

۱۹۹- گزینه ۴ صحیح است. یکی از انواع منطوق غیرصریح، دلالت اشاره است، در این نوع از منطوق غیرصریح، از ترکیب و تجمیع دو یا چند کلام متکلم به نتیجه ای می رسد که مستقیماً در کلام نبوده یا مقصود وی نبوده، اما مخاطب با توجه به لوازم (دلالت التزامی) و سیاق منطوقها (دلالت سیاقی) پی به مقصود او می برد که مستقیماً این مراد منظور در کلام متکلم نیامده بوده است.

۲۰۰- گزینه ۱ صحیح است. در این ماده متکلم صراحتاً و مستقیماً مقصود خود را بطور کمال و تمام بیان نموده است، لذا منطوق صریح و از دلالت مطابقی می باشد. و البته بیانگر نص است.

۲۰۱- گزینه ۱ صحیح است. در ماده ۱۰۵۲ قانون مدنی، صریحاً لعان را موجب حرمت ابدی دانسته است پس یک منطوق صریح و نوع دلالت آن، دلالت مطابقی (مطابقه) است اما این در حالی است که در ماده ۸۸۲ قانون مدنی از لعان صراحتاً بعنوان دلیل ممنوعیت ارث ذکر نکرده است، پس یک منطوق غیرصریح و از نوع دلالت تنبیه و ایما است.

۲۰۲- گزینه ۲ صحیح است. قیاس مساوات یا مفهوم موافق ساده، یعنی حکم اصل یا منطوق یا مقیس علیه را عیناً با همان وضعیت و کیفیت به فرع یا مفهوم یا مقیس سرایت دهیم مشروط به وجود یک قدر مشترک قوی.

۲۰۳- گزینه ۴ صحیح است. گزینه ۱ مفهوم شرط بوده و مفهوم دارد، گزینه ۲ مفهوم غایت بوده و مفهوم دارد، گزینه ۳ مفهوم حصر بوده و مفهوم دارد، اما گزینه چهارم بعلت آنکه از مصادیق وصف غالبی یا توضیحی است مفهوم ندارد. چون در ماده ۲۶ قانون مدنی قانونگذار درصدد بیان وارد مورد اغلب است پس مفهوم آن این نیست که شامل مورد نادر یا اقل نشود بلکه شامل آنها می شود.

۲۰۴- گزینه ۴ صحیح است. دلیل این استنباط برداشت مخالف از حکم ماده ۵۰۹ قانون مجازات اسلامی است، و جمله منظور نیز یک جمله شرطی است و همانطور می دانیم جملات شرطیه (شرط ادبی) غالباً مفهوم دارند.

۲۰۵- گزینه ۳ صحیح است. وقتی که سکوت مالک را حمل به تنفیذ یا اجازه معامله فضولی نمی دانیم بطریق اولی (به قیاس اولویت) اظهار رد مالک مسلماً نفی تنفیذ است.

۲۰۶- گزینه ۱ صحیح است. مفهوم مخالف برداشت یا قضیه ایست که حکم آن نفیاً یا اثباتاً مغایر حکم منطوق است.

۲۰۷- گزینه ۲ صحیح است. همانطوریکه شرط اصلی در قیاس (سرایت حکم اصل به فرع) اشتراک در علت است. یعنی به دیگر سخن، در قیاس یا مفهوم موافق پیش از اینکه حکم را سرایت دهیم، باید علت حکم در منطوق یا مقیس علیه یا اصل را در فرع یا مقیس جستجو کنیم، پس به نوعی در امر قیاس علت حکم اصل را به فرع تعمیم و سرایت می دهیم در آنصورت اگر در علت مساوی و مشابه بودند، حکم را هم تسری می دهیم.

۲۰۸- گزینه ۳ صحیح است. حکم اصل ۲۵ را اگر به هرگونه تجسس با موارد مشابه نیز سرایت دهیم از مصادیق مفهوم موافق ساده یا قیاس مساوات است.

۲۰۹- گزینه ۲ صحیح است. در منطوق غیرصریح متکلم مقصود خود را نه بطور صریح، بلکه به کمک قرائن و با عنایت به اقتضاء و لوازم کلام بیان می کند. و انواع منطوق غیرصریح عبارتند از: دلالت اقتضاء، دلالت تنبیه و ایما، دلالت اشاره .

۲۱۰- گزینه ۳ صحیح است. در این ماده کلمه حاکم یا قاضی در تقدیر است، زیرا برای درک مقصود قانونگذار از اینکه محکمه می تواند از امینی که معین می کند تقاضای

ضامن کند، نیازمند این است که کلمه قاضی یا دادرس محکمه یا حاکم در تقدیر گرفته شده باشد که به قرینه حذف شده. این مسأله از مصادیق دلالت اقتضاء است.

۲۱۱- گزینه ۲ صحیح است. وقتی که در ماده ۱۲۴۱ قانونگذار قیوم را از فروش، رهن یا معامله ای که ممکن است گاهی عدم غبطه و مصلحت مولی علیه را به همراه داشته باشد منع می کند، پس بطریق اولی (مفهوم موافق برتر یا قیاس اولویت) هبه که بطور قطع غبطه و مصلحت در آن مرعی نیست، ممنوع است.

۲۱۲- گزینه ۴ صحیح است. گزینه های ۱ و ۳و ۲ غایت داخل در مغیا نیست، پس غایت داخل در منطوق نبوده و مفهوم مخالف است.

۲۱۳- گزینه ۴ صحیح است. این برداشت از روی مفهوم مخالف ماده ۳۹۷ قانون مدنی است که نوع جمله نیز یک عبارت غایی (غایت) است و همانطور که می دانیم جمله غایت در هر صورت مفهوم دارد، یعنی مفهوم مخالف آن قابل استناد است.

۲۱۴- گزینه ۳ صحیح است. جمله وصفیه غالباً مفهوم ندارد، یعنی مفهوم مخالف آن قابل استناد نیست، و آن وصف غایی و وصف تأکیدی یا توضیحی است، موردی که در ماده ۱۰۵۳ آمده به وصف تأکیدی است، چرا بر حرمت نکاح در حالت احرام تأکید می کند که مفهوم آن نیست که عقد در حالت غیر احرام لزوماً صحیح است، ذکر این نکته لازم است که اگر وصف تقییدی باشد، یعنی موصوف را مقید و محدود به صفتی خاص نمائیم در این حالت استثنائاً، جمله وصفیه مفهوم داشته و می توان به مفهوم مخالف آن استناد کرد.

۲۱۵- گزینه ۱ صحیح است. عدد اگر تمثیلی (غیرحصری) باشد، مفهوم (مفهوم مخالف) ندارد، اعداد قانونی اگر بیانگر حداقل یا حداکثری باشد، این عدد تمثیلی بوده و مفهوم ندارد، مانند عدد یک در گزینه ۱، اما اگر عدد حصری (انحصاری) باشد، مفهوم دارد، مانند اعداد مطروحه در گزینه های ۲، ۳ و ۴.

۲۱۶- گزینه ۲ صحیح است. در دلالت تنبیه و ایما، متکلم علت حکم را صریحاً بیان نمی کند، اما قیدی در کلام وجود دارد، که به نظر می رسد علت حکم باشد، در ماده ۹ قانون فوق، صریحاً علت مخدوش بودن اقرار را شکنجه ذکر نکرده، اما به نظر می رسد

که علت حکم همان شکنجه باشد(علت استنباطی- مستنبط العله) پس می توان گفت که دلالت شکنجه بر مخدوش بودن اقرار، یک دلالت تنبیه و ایماست.

۲۱۷- گزینه ۱ صحیح است. یکی دیگر از جهات دلالت تنبیه و ایما، این است که متکلم منظورش را به صراحت بیان نکند یا حکم را به طور صریح بیان نکند، ولی از الفاظ و قیودی استفاده کند که دلالت بر قصد او نماید، که این مسأله در ماده ۱۹۲ قانون مدنی تأکید شده است.

۲۱۸- گزینه ۱ صحیح است. قیاس مساوات(مفهوم موافق ساده)، یعنی حکم منطوق یا اصل یا مقیس علیه را عیناً به مفهوم یا فرع یا مقیس سرایت دهیم، بدون اینکه حکم اصل شدیدتر از فرع یا حکم فرع قوی تر از اصل باشد، در طرح سوال حکم ماده ۴۷۴ قانون تجارت عیناً بصورت مساوات به ماده ۴۷۵ قانون تجارت سرایت کرد.

۲۱۹- گزینه ۳ صحیح است. جمله شرط زمانی مفهوم دارد(مفهوم مخالف آن قابل استناد است) که اولاً شرط انحصاری برای مشروط باشد و ثانیاً با انتفاء(منتفی شدن) شرط یا مقدمه، مشروط یا ذی المقدمه(حکم) نیز منتفی می شود.(انتفای شرط یا مقدمه باعث انتفاء مشروط یا حکم می گردد).

۲۲۰- گزینه ۱ صحیح است. در ماده ۳۹۸ قانون مدنی، غایت داخل در مغياست، اما تصریح به دخول غایت نشده است، بلکه از قرائن و اوضاع احوال می فهمیم که غایت داخل در مغياست، اما در گزینه های ۲ و ۳، قانونگذار با استفاده از عبارت تا پایان تصریح به دخول غایت در مغيا نموده است، پس در این دو گزینه دخول غایت در مغيا مسلم و قطعی است. با این توضیح که در گزینه ۴ اصولاً غایت داخل در مغيا نیست، که از بحث این سوال خارج است.

۲۲۱- گزینه ۴ صحیح است. در گزینه های ۲ و ۳ با انتفاء(منتفی شدن) شرط، موضوع منتفی می شود که اگر جمله شرط باعث منتفی شدن موضوع شود(سالبه به انتفاء موضوع) در این حالت آن جمله شرطیه مفهوم نداشته، یعنی مفهوم مخالف آن قابل استناد نیست، اما در گزینه ۴ انتفاء شرط باعث انتفای حکم می شود که در این حالت، جمله شرطیه مفهوم دارد.

- ۲۲۲- گزینه ۲ صحیح است. زیرا حکم غاصب سابق را به غاصب فعلی که همان مسوولیت و ید ضمانی است عیناً سرایت می دهد.
- ۲۲۳- گزینه ۴ صحیح است. نوع جمله در این ماده یک جمله غایی(غایت) است و نوع برداشتی که از این ماده شده است براساس مفهوم مخالف است.
- ۲۲۴- گزینه ۳ صحیح است. در این ماده مصرف مال در امر غیرمشروع به صراحت به عنوان علت بطلان تصریح نشده است، ولی به احتمال قوی می تواند علت بطلان باشد(مستنبط العله) که مبین دلالت تنبیه و ایفاء است.
- ۲۲۵- گزینه ۱ صحیح است.
- ۲۲۶- گزینه ۴ صحیح است. این برداشت از مفهوم مخالف جمله غایت، صورت گرفته است.
- ۲۲۷- گزینه ۴ صحیح است. از ترکیب و تجمیع دو ماده، نتیجه ای حاصل شده که صریحاً در کلام قانونگذار نیامده است که این مسأله بیانگر دلالت اشاره است.
- ۲۲۸- گزینه ۲ صحیح است. به پاسخ سؤال ۱۵۰ رجوع کنید.
- ۲۲۹- گزینه ۱ صحیح است. این جمله وصف توضیحی و تأکیدی است که مفهوم مخالف ندارد، یعنی مفهوم مخالف آن قابل استناد نیست.
- ۲۳۰- گزینه ۴ صحیح است. رئیس جمهور لقب و عنوان است که مفهوم مخالف آن قابل استناد نبوده و حجیت ندارد.
- ۲۳۱- گزینه ۲ صحیح است. عدد تمثیلی یا غیرحصری مفهوم نداشته و حجیت ندارد برخلاف آن عدد حصری است که مفهوم دارد.
- ۲۳۲- گزینه ۳ صحیح است. دلالت تضمن از مصادیق منطوق صریح است، یعنی دلالت کلام بر جزء یا بخشی از مدلول خود، وقتی که قانون می گوید حد محاربه قطع است یا قطع پا است، منظور جز یا بخشی از دست(چهارانگشت) است نه تمام آن.
- ۲۳۳- گزینه ۴ صحیح است. در دلالت تنبیه و ایفاء، متکلم علت حکم را صریحاً بیان نمی کند، اما قیدی در کلام وجود دارد که به نظر می رسد علت حکم باشد، در طرح

سؤال فوت را صریحاً علت حال شدن دیون مؤجل ندانسته، اما به احتمال قوی، علت این مسأله فوت مدیون می باشد.

۲۳۴- گزینه ۳ صحیح است. وقتی که برای رئیس جمهور که شخص دوم مملکت است تابعیت ایرانی و علی الخصوص ایرانی الاصل بودن اهمیت دارد، بطریقی اولی در مورد رهبری با شدت و با اهمیت بیشتری قابل تسری است، چرا که بخاطر این مسأله چنان قضیه واضح و روشن است که سکوت در مقام بیان، بیان است.

۲۳۵- گزینه ۳ صحیح است. مفهوم(مفهوم مخالف) جمله شرط غالباً مفهوم داشته و دارای حجیت می باشد، این برداشت گویای مفهوم مخالف است و این مفهوم از منطوق جمله شرطیه برداشت شده است که گفتیم مفهوم مخالف جمله شرطیه قابل استناد بوده و حجیت دارد.

۲۳۶- گزینه ۳ صحیح است. دلالت مطابقه یا مطابقی یعنی دلالت صریح کلام بر تمامیت و کلیت و یا به عبارتی بر تمام اجزاء مدلول خود، که در ماده ۴۲۲ قانون مدنی که بر تمام اجزاء مبیع اعم از معیوب و سالم تأکید می کند نمونه ای از این دلالت است.

۲۳۷- گزینه ۳ صحیح است. از ترکیب و تجمیع دو ماده چنین برداشتی حاصل می شود.

۲۳۸- گزینه ۱ صحیح است. مفهوم مخالف یعنی برداشتی از منطوق که حکم آن نفیاً و اثباتاً مغایر و مخالف با حکم منطوق است. در ماده ۳۸۲ قانون تجارت، صحبت از عدم امکان استرداد بعد از خروج از استیلاهی متصدی حمل و نقل می کند که مفهوم مخالف آن این است که اگر از استیلاهی متصدی حمل و نقل خارج نشود پس امکان استرداد وجود دارد.

فصل چهارم: عام و خاص

۲۳۹- گزینه ۱ صحیح است. عام افرادی یا استغراقی، عبارت عامی است که افراد شمولش را بصورت انفرادی در بر می گیرد، به دیگر سخن افرادش را بطور جداگانه و تک تک در بر می گیرد، که در قالب یک حکم فرض می شود، پس به تعداد افراد امتثال (اطاعت) و نافرمانی (مخالفت) وجود دارد، بدین ترتیب که به عدد افرادی که آن را انجام می دهند امتثال (اطاعت) داریم و به اندازه افرادی آن را انجام نمی دهند نافرمانی (مخالفت) وجود دارد. در طرح مسأله مطابق ماده ۲۲ قانون ثبت احوال آمده که: ((کلیه اتباع ایران باید دارای شناسنامه باشند)) که موید عام افرادی یا استغراقی است، زیرا شامل تک تک افراد هر یک بطور جداگانه می شود به گونه ای که همه افراد ایرانی هر یک به نوبه خود باید دارای شناسنامه باشد.

۲۴۰- گزینه ۲ صحیح است. عام مجموعی، عبارت عامی است که افراد شمولش را نه بصورت انفرادی و تک تک، بلکه همه افراد را من حیث المجموع و یکی و همه با هم در بر می گیرد، به عبارتی افرادش را بعنوان یک پیکر واحد و یک هیات در نظر می گیرد، که در قالب یک حکم تکلیفی تمام افراد را بصورت مجموعه در بر می گیرد و حکم واحدی برای همه افراد صادر می کند، پس دارای یک حکم است و اگر همه افراد به اتفاق آن را انجام دهند و حتی یک مخالف وجود نداشته باشد، می گوئیم که حکم امتثال (اطاعت) و اجرا شده است ولی در مقابل با مخالفت یا عدم انجام از سوی حداقل یک فرد از مجموعه آن افراد کافی است که بگوئیم نسبت به حکم مخالفت و نافرمانی صورت گرفته، پس بنابر این می توان گفت در عام مجموعی یک امتثال و اطاعت وجود دارد (همه با هم آن را انجام دهند) و به تعداد افرادی که آن را انجام نمی دهند نافرمانی و مخالفت وجود دارد. در طرح سؤال همه آن اشخاص متعدد را تابع یک حکم واحد قرار داده و گفته فرض می شود که همه با هم و در آن واحد فوت کردند.

۲۴۱- گزینه ۱ صحیح است. عام بدلی، عبارت عامی است که فرد غیرمعین از یک جمع را در بر می گیرد، که هر یک از آن افراد می تواند بدل و جانشین دیگری قرار گیرد، در عام بدلی اگر

فرد غیر معین آن را انجام دهد، دیگر انجام موضوع برای دیگری منتفی می گردد، که در قالب یک حکم تکلیفی، یک فرد غیر معین از میان یک جمع را مدنظر قرار می دهد (کلی در معین) پس در عام بدلی یک حکم وجود دارد، پس یک امتثال وجود دارد، بدین ترتیب که اگر فرد غیرمعین آن را انجام دهد و حکم اطاعت شده و موضوع برای دیگران منتفی می باشد و از طرفی به تعداد افرادی که آن را انجام نمی دهند، مخالفت وجود دارد، عام بکار رفته در ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی که ازدواج دختر باکره را منوط به اجازه (اذن) پدر یا جد پدری نموده است، یک عام بدلی است، زیرا مخاطب قانونگذار یک فرد معین نیست، بلکه یک فرد غیرمعین (پدر یا جد پدری) است که اگر یکی از آن دو اذن به ازدواج دهد، موضوع اجازه یا اذن آن دیگری منتفی می گردد. پس در این مورد اذن پدر یا جد پدری هر کدام به تنهایی کافی است.

۲۴۲- گزینه ۲ صحیح است. تخصیص و نسخ ، یعنی عبارت خاصی که بر عام وارد شده و عده ای را از شمول عام خارج می سازد و دایره شمول عام را محدود می کند و به عبارتی عام را از عمومیت می اندازد، با این توضیح که تخصیص، عبارت خاصی است که هم زمان یا پیش از فرا رسیدن زمان عمل به عام می رسد و نسخ (نسخ جزئی) عبارت خاصی است که پس از فرا رسیدن زمان عمل به عام (در حین اجرای عام) برسد، گاهی تردید می شود که عبارت خاصی که بر عام وارد شده آیا عام را تخصیص زده و یا اینکه آن را نسخ کرده است، شایان ذکر است که در تخصیص بین عام و مخصص جمع صورت می گیرد ولی در نسخ تفریق و جدایی است، و هرگاه بین جمع (تخصیص) و تفریق (نسخ) تعارض پیش آید، اولویت و ترجیح با تخصیص است به استناد عبارت ((الجمع مهمما امکن اولی من الطرح)) هرگاه امکان جمع (تخصیص) وجود داشته باشد اولی شایسته است از طرح یا کنار گذاشتن (نسخ).

۲۴۳- گزینه ۳ صحیح است. همانطوریکه در خصوص سؤال قبلی ملاحظه گردید، هرگاه خاص بر عام وارد گردد، (عام مقدم و خاص موخر باشد). در این حالت دو حالت قابل تصور است، اگر خاص همزمان با عام بیاید یا خاص موخر (موخر التصویب) پیش فرا رسیدن تاریخ عمل به عام بیاید، در این حالت خاص موخر مخصص عام مقدم (مقدم التصویب)

است، اما اگر خاص موخر ناسخ(نسخ جزئی) عام مقدم است و یا به عبارتی اگر زمان عمل به عام بیش از ورود به خاص رسیده باشد، نسخ جزئی است.

۲۴۴- گزینه ۲ صحیح است. هرگاه در وقوع دو عمل حقوقی یا دو واقعه حقوقی یکی معلوم و دیگری مجهول التاريخ باشد، در اینجا با استناد به اصل تاخر حادث(اصل بر موخر بودن مجهول التاريخ است) می گوئیم آنکه تاریخش مجهول است موخر یا بعدی فرض می شود و واقعه معلوم التاريخ مقدم است(مقدم بودن واقعه جاری یا معلوم)، در طرح سؤال چنین آمده است که هرگاه تاریخ عام معلوم و تاریخ خاص مجهول باشد، در این حالت باید بگوئیم خاص مجهول موخر فرض می شود و عام معلوم مقدم است، پس در این حالت می گوئیم عام مقدم و خاص موخر است، که یا با شرایطی که در فوق اشاره کردیم. در این فرض خاص موخر یا مخصص عام است یا ناسخ عام.

۲۴۵- گزینه ۴ صحیح است. همانطوریکه در خصوص سؤال قبلی ملاحظه گردید، اصل تأخر حادث در جایی کاربرد دارد که یک واقعه معلوم التاريخ و واقعه مجهول التاريخ داریم، که به استناد اصل تأخر حادث آنکه تاریخ وقوعش مجهول است، مؤخر فرض می گردد، مثلاً هرگاه از متوفی دو وصیت نامه متعارض یافت شود که تاریخ تنظیم یکی معلوم(۱۳۸۵) و دیگری مجهول باشد، اصل بر مؤخر بودن وصیت نامه مجهول التاريخ است. و در تعارض دو وصیت نامه، وصیت نامه موخر یا دومی معتبر است.

۲۴۶- گزینه ۱ صحیح است. در تعریف مخصص می گوئیم، عبارت خاصی که بر عام وارد شده و عده ای را از شمول عام خارج می سازد. پس هر مخصصی خاصی است ولی لزوماً هر خاص مخصص نیست، پس دایره خاص عام و دایره مخصص محدودتر است، بنابر این نسبت به منطقی بین خاص، عموم و خصوص مطلق است.

۲۴۷- گزینه ۲ صحیح است. مخصص متصل، یعنی عبارت خاصی که بر عام وارد شده و عده ای را از شمول حکم خارج می سازد، پیوسته و متصل به عام است، که این اتصال به پنج شکل وجود دارد که در قالب انواع مخصص متصل نیز مشهور است که عبارتند از:

استثناء، شرط، غایت، وصف و بدل بعض از کل، که در طرح سؤال منظور از مخصص متصل شرطی است که عبارت ((لکن)) یکی از ادات و حروف شرط است.

۲۴۸- گزینه ۱ صحیح است. همانگونه که در خصوص سؤال قبلی ملاحظه گردید، مخصص متصل که به پنج شکل وجود دارد که یکی از اشکال، مخصص متصل غایت است و غایت یعنی عبارتی که دارای سرانجام، نهایت یا پایانی است و قیودی چون مادام، تا، لغایت، الی، حتی، وقتی که، زمانیکه از ادات غایی محسوب می شوند.

۲۴۹- گزینه ۱ صحیح است. گاهی اجمال مخصص به عام سرایت کرده و عام را نیز مجمل کرده که در این حالت نه می توان به حکم مخصص عمل کرد چون مجمل بوده و نه می توان به حکم عام تمسک جست چون مجمل شده، پس در این حالت در خصوص آن موضوع باید به موازین دیگر من جمله اصول عملیه رجوع کرد. و زمانی اجمال مخصص به عام سرایت نکرده که در این حالت مخصص مجمل عام را مجمل نمی سازد، در این حالت تمسک به عام در خصوص آن موضوع جایز است ولی در خصوص مخصص مجمل باید گفت که تا آنجایی از حکم مخصص را که یقین داریم(اقل یا قدر متقین) بر اساس حکم مخصص و نسبت به آن قسمتی از مخصص را که یقین نداریم(اکثر یا مازاد بر قدر متقین) بر اساس حکم عام عمل می کنیم. در بین انواع مخصص (مخصص متصل، مخصص منفصل) و اشکال اجمال(اجمال در مفهوم، اجمال در مصداق) نه تنها موردی که اجمال مخصص به عام سرایت نمی کند، اجمال مخصص منفصل مفهومی با تردید بین اقل و اکثر است ولی در باقی موارد اجمال مخصص به عام سرایت می کند.

۲۵۰- گزینه ۳ صحیح است. عام بدلی، عبارت عامی است که فردی غیرمعین را از یک جمع در بر می گیرد، که انجامش توسط یک فرد غیرمعین موضوع را برای دیگری منتفی می سازد(برای توضیح بیشتر به پاسخ سؤال ۲۴۱ رجوع کنید)

۲۵۱- گزینه ۱ صحیح است. در تشخیص اینکه عام منظور که در کلام متکلم آمده، چه نوع عامی است، اصولاً عام را حمل بر عام افرادی یا استغراقی می کنیم، و مجموعی یا بدلی بودن عام یک امر استثنایی است و نیاز به قرینه دارد.

۲۵۲- گزینه ۱ صحیح است. هرگاه حکم قانونگذار شامل تک تک افراد، هریک بطور جداگانه باشد، به آن عام افرادی یا استغراقی گویند، در اینجا نیز مقنن داشتن تابعیت ایرانی را حق مسلم هر فرد (تک تک افراد ایرانی) ایرانی قلمداد کرد. (برای توضیح بیشتر به پاسخ سؤال ۲۳۹ رجوع کرد)

۲۵۳- گزینه ۱ صحیح است. عام بدلی، فردی غیرمعین از یک جمع را در بر می گیرد، در اینجا نیز مالک این حق را دارد که برای مطالبه عین مال خود یا مثل و یا قیمت آن به هر یک از غاصبین رجوع کند، که معین نیست، که هر یک می تواند بدل و جانشین دیگری قرار گیرد، که البته با رجوع مالک به هریک از این افراد، و مطالبه عین یا مثل یا قیمت، دیگر موضوع رجوع به غاصب یا غاصبین دیگر منتفی می شود. (برای توضیح بیشتر به پاسخ سؤال ۲۴۱ رجوع کنید.)

۲۵۴- گزینه ۲ صحیح است. عام مجموعی، عبارت عامی است که افراد مشمولش را من حیث المجموع در بر می گیرد، یا به عبارتی دیگر افرادش را بطور متفق در بر می گیرد، در عام مجموعی یک حکم داریم که در صورت انجامش توسط همه افراد مجموعاً امتثال صورت گرفته و اما اگر حداقل یک نفر مخالفت نماید، حکم اجرا نخواهد شد. برای توضیح بیشتر به پاسخ سؤال ۲۴۰ رجوع کنید.

۲۵۵- گزینه ۴ صحیح است. عام مجموعی همانطوریکه ملاحظه گردید افراد مشمولش را متفقاً و من حیث المجموع در بر می گیرد.

۲۵۶- گزینه ۳ صحیح است. هرگاه بعد از چند عبارت عام مخصص متصل یا استثنایی قرار گیرد، دو حالت قابل تصور است، حالت اول اینکه موضوع عمومات مختلف باشد، در این حالت، مخصص فقط عبارت عام آخری را تخصیص می زند مانند عمومات منظور در سوال مطروحه، حالت دوم زمانی است که موضوع عمومات یکی (مشابه) باشد که در این حالت اصل بر این است که مخصص تمام عبارات عام را تخصیص زده است، مگر آنکه از قرائن و اوضاع و احوال بر آید، که یکی از عمومات تخصیص خورده است.

۲۵۷- گزینه ۳ صحیح است. اجمال مخصص منفصل مفهومی با تردید بین امور متباین به عام سرایت می کند، در نتیجه عام بطور کلی از قابلیت استناد می افتد، پس در این حالت نه می توان به خصوص مخصص عمل کرد چون مجمل بوده و نه به عموم عام که مجمل شده است. پس باید به موازین دیگر من جمله اصول عملیه رجوع کنیم.

۲۵۸- گزینه ۱ صحیح است. در صورتیکه احتمال نسخ و تخصیص با هم باشد، تخصیص ترجیح دارد، زیرا نسخ بیانگر حذف و تفریق است، اما این در حالی است که تخصیص نشانه جمع است، در اینصورت که احتمال تفریق و جمع با هم وجود داشته باشد شایسته است که جانب جمع یا به عبارتی تخصیص را اولویت دهیم چرا که عبارت: ((الجمع مهمما ممکن اولی من الطرح)) نیز مؤید همین واقعیت است.

۲۵۹- گزینه ۱ صحیح است. اگر مخصص مجمل از نوع مخصص متصل باشد چه مفهوماً و یا مصداقاً اجمال داشته باشد به عام سرایت کرد. و در این حالت تمسک به عام جایز نیست، زیرا عام نیز مجمل شده و بطور کلی از قابلیت استناد می افتد، پس در اینصورت باید به اصول عملیه رجوع کرد.

۲۶۰- گزینه ۴ صحیح است. عبارت خاص که بر عام وارد می شود و عده ای را از شمول عام خارج می سازد، گاهی تخصیص است (زمانی که عبارت خاص همزمان یا پیش از فرارسیدن تاریخ عمل به عام برسد) و گاهی نسخ است (زمانی که عبارت خاص پس از فرا رسیدن تاریخ عمل به عام یا در حین اجرای عام برسد).

۲۶۱- گزینه ۲ صحیح است. به نظر مشهور فقهاء تخصیص اکثر جایز نیست، زیرا موجب ابتذال و استهجان است، اگر چه اقلیت فقهاء آن را جایز می دانند اگرچه قانونگذار در موردی اقدام به این کار نموده است.

۲۶۲- گزینه ۱ صحیح است. این ماده بیانگر نکره در سیاق نفی است و معنی هیچ می دهد که در بیان عام افرادی یا استغراقی است.

۲۶۳- گزینه ۳ صحیح است. یکی از اشکال مخصص متصل، وصف یا جمله توصیفی است، که از طریق توصیف آن به وصف خاص بر آن تخصیص وارد می سازد.

- ۲۶۴- گزینه ۳ صحیح است. الجمع مهمما امکن اولی من الطرح (به پاسخ سؤال ۲۴۲ رجوع کنید) رأی شماره ۲۱۲ دیوان عالی کشور سال ۱۳۵۱
- ۲۶۵- گزینه ۲ صحیح است. عبارت ((حتی)) به همراه عباراتی چون تا ، مادامیکه، لغایت، وقتی که، از ادات و عباراتی غایی است که بیانگر غایت هستند. (هر چیزی حلال است تا وقتیکه بدانی که حرام است)
- ۲۶۶- گزینه ۴ صحیح است. نسخ صریح است، چون صریحاً اشاره به نسخ دارد، نسخ شخصی است چون مشخص کرده که کدام قانون منسوخ است (قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ و اصلاحات بعدی آن) نسخ نوعی یا کلی است. چون بطور کلی نیز قوانین مغایر را منسوخ دانسته است. (البته شایان ذکر است که این ماده نیز با آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ نسخ گردید)
- ۲۶۷- گزینه ۴ صحیح است. تخصص، یعنی خروج موضوعی یا خود بخودی یا عقلی فردی از عام، بدون اینکه نیاز باشد که خاصی را بر عام وارد نمائیم، یعنی بدون توسل به خاص یا مخصص نیز آن مسأله موضوعاً از دایره عام خارج است، در طرح سؤال حدود موضوعاً از مفاد عبارت مطروحه (تعزیرات) در سؤال خارج است.
- ۲۶۸- گزینه ۲ صحیح است. اگر خاص پس از زمان عمل به عام برسد. در این حالت خاص مؤخر نمی تواند مخصص عام مقدم باشد.
- هرگاه عامی مقدم و خاص مؤخر معارض داشته باشیم، در این حالت دو فرض وجود دارد، فرض اول: خاص مؤخر همزمان یا پیش از زمان عمل به عام برسد، در این فرض خاص مؤخر مخصص عام مقدم است (تخصیص) فرض دوم: خاص مؤخر پس از فرا رسیدن زمان عمل عام برسد در این فرض ناسخ عام مقدم است. (نسخ جزئی)
- ۲۶۹- گزینه ۱ صحیح است. ماده ۴۴۵ قانون مدنی که می گوید: ((هر یک از خیارات بعد از فوت منتقل به وارث می شود.)) بیانگر عام استغراقی است. زیرا تک تک خیارات، کل آنها، یا بعض آنها را حسب مورد در بر می گیرد.

- ۲۷۰- گزینه ۳ صحیح است. اگر مخصص مجمل متصل باشد، در هر صورت اجمال مخصص به عام سرایت می کند و خواه اجمال در مفهوم باشد یا مصداق، پس در نتیجه تمسک عام جایز نیست. باید به اصول عملیه رجوع کرد.
- ۲۷۱- گزینه ۳ صحیح است. تنها موردی که اجمال مخصص به عام سرایت نمی کند اجمال مخصص منفصل مفهومی با تردید بین اقل و اکثر است، که در این حالت فقط در مورد تخصیص آن هم اقل (قدر متقین) نمی توانیم به عموم تمسک جوئیم.
- ۲۷۲- گزینه ۴ صحیح است. هرگاه عام مقدم و خاص موخر باشد در این حالت اگر خاص موخر همزمان یا پیش از فرا رسیدن تاریخ عمل به عام برسد، عام را تخصیص (مخصص) و اگر پس از فرا رسیدن تاریخ عمل به عام برسد آن را نسخ (ناسخ) می کند.
- ۲۷۳- گزینه ۳ صحیح است. در شبهه مفهومی در یک حالت امکان تمسک به عام جایز است (تمسک به عام در اکثر یا مازاد بر قدر متقین و آن اجمال مخصص مفهومی با تردید بین اقل و اکثر است).
- ۲۷۴- گزینه ۱ صحیح است. عام بدلی یعنی یکی از دو یا چند نفر کافی باشد مانند قصاص که حتی به درخواست احدی از اولیاء دم امکان قصاص در قتل وجود دارد. اما عام مجموعی که همه با هم و با اتفاق صورت می گیرد مانند عفو، که زمانی جانی مشمول عفو اولیاء دم می گردد که همه به اتفاق از قصاص بگذرند.
- ۲۷۵- گزینه ۴ صحیح است. تمام انواع مفاهیم هر یک که حجیت داشته باشند می توانند منطوق عام را تخصیص بزنند.
- ۲۷۶- گزینه ۲ صحیح است. عبارت ((چنانچه)) در این ماده از ادات شرط است پس یک مخصص متصل شرطی است.
- ۲۷۷- گزینه ۳ صحیح است. تردید در وجود مخصص متصل احتمالی به استناد اصاله العموم لازم نیست، اما تردید در وجود مخصص منفصل احتمالی، به استناد عبارت ما من عام و قد خص، لازم و ضروری است.

۲۷۸- گزینه ۲ صحیح است. تنها موردی است که اجمال مخصص به عام سرایت نمی کند. به پاسخ سؤال ۲۴۹ رجوع شود.

۲۷۹- گزینه ۲ صحیح است. رأی شماره ۲۱۲ هیأت عمومی دیوانعالی کشور سال ۱۳۵۱
۲۸۰- گزینه ۴ صحیح است. تخصص، یعنی خروج موضوعی یا فی نفسه یا خود بخودی فردی از موضوعات عام اعم از اینکه آن را خارج کنیم یا خارج نکنیم. اصولاً در تخصص فرد بدون اینکه نیاز باشد، از دایره عام خارج می شود. چون اصولاً از موضوعات نیست. بر خلاف تخصیص که در آن اخراج صورت می گیرد، یعنی فردی را که واقعاً جزء موضوع عام است را از حکم آن خارج می کنیم، به همین خاطر است که می گوئیم تخصص خروج موضوعی و تخصیص خروج (اخراج) حکمی است.

۲۸۱- گزینه ۳ صحیح است. عام بدلی عامی است که فرد یا افرادش را به نحو علی البدل شامل می گردد یا یک فرد غیرمعین از جمعی را در بر می گیرد تا جایی که هر فرد می تواند بدل و جانشین فرد دیگری بشود، منتهی با این توضیح که اگر موضوع حکم عام راجع به فردی تحقق یابد، آن موضوع برای دیگر افراد منتفی می گردد. به پاسخ سؤال ۲۴۱ رجوع کنید.

۲۸۲- گزینه ۱ صحیح است. همانطور که می دانیم عام پس از تخصیص بطور کلی از قابلیت استناد نمی افتد، بلکه همچنان نسبت به غیر مورد تخصیص (افراد باقی مانده در عام قابل استناد بوده) حجت داشته و این امر حقیقت است نه مجاز.

۲۸۳- گزینه ۲ صحیح است. زمانیکه اجمال مخصص به عام سرایت کند، در آن صورت نمی توان در خصوص موارد مشکوک از اینکه آن موارد یا مورد داخل در حکم مخصص است یا حکم عام، به عام تمسک جست یکی از مواردیکه یقیناً اجمال مخصص به عام سرایت می کند وقتی است که مخصص مجمل از نوع متصل باشد، اعم از اینکه نوع اجمال مفهومی باشد یا مصداقی.

۲۸۴- گزینه ۳ صحیح است. هیچ عامی نیست که تخصیص نخورده باشد، که در خصوص تردید در خصوص وجود مخصص منفصل احتمالی است، یعنی تردید کنیم آیا

عام در جایی دیگر تخصیص خورده است یا خیر، که باید تا جایی که حداقل ظن غالب پیدا کنیم، باید جستجو و تحقیق نمائیم.

۲۸۵- گزینه ۱ صحیح است. زمانی که اجمال مخصص به عام سرایت نکند، می توانیم در خصوص آنچه یقین داریم (اقل یا قدر متیقن) به حکم مخصص و در خصوص مورد یا مواردیکه مشکوک هستیم (اکثر یا مازاد بر قدر متیقن) به حکم عام عمل کرد، تنها موردی که اجمال مخصص به عام سرایت نمی کند، اجمال مخصص منفصل از نوع شبهه مفهومی با تردید و دوران امر بین اقل و اکثر است، که در گزینه ۱ آمده است.

۲۸۶- گزینه ۲ صحیح است. همانطوریکه در فوق اشاره شد، در عام بدلی یک فرد یا افراد غیرمعیّن از یک جمع کافی است اما در عام مجموعی همه یکی و به اتفاق یا من حیث المجموع مورد نظر هستند، ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی که اشاره به منوط بودن شروع تعقیب و رسیدگی به شکایت احدی از متضررین دارد یک عام بدلی است اما در جایی که گذشت یا رضایت را منوط به نظر همگی می کند یک عام مجموعی است.

۲۸۷- گزینه ۴ صحیح است. واژه قید ((ولی)) به همراه قیودی چون (اما، مگر، الا، به جزء، به غیر، به استثنای) از ادات استثناء محسوب شده و اگر در قالب مخصص بیابند، آن مخصص متصل از نوع استثناء خوانده می شود.

۲۸۸- گزینه ۲ صحیح است. چون موضوع تملیک موضوعاً خارج از بحث صحت یا سقم وصیت است.

۲۸۹- گزینه ۴ صحیح است. قیودی مانند به شرط، مشروط بر اینکه، اگر، در صورتیکه، چنانچه، هرگاه، از ادات شرط می باشند که اگر در قالب مخصص بیابند، آن مخصص متصل از نوع شرط نامیده می شود.

۲۹۰- گزینه ۱ صحیح است. همانطوریکه می دانیم در عام افرادی یا استغراقی تک تک افراد هریک بطور جداگانه و مستقلاً مشمول حکم عام قرار می گیرند تا حدی که انجام یا امتناع یکی تأثیری بر حق دیگری ندارد، بلکه هر یک به سهم و به نوبه خود مشمول حکم عام قرار می گیرند.

۲۹۱- گزینه ۳ صحیح است. در ماده قانونی بکار رفته در طرح سوال اولاً مخصص منفصل است که در مفهوم املاک مزروعی تردید وجود دارد. که البته در اینکه املاک مزروعی شامل اراضی کشاورزی است. یقین داریم (اقل یا قدر متیقن) ولی در خصوص سایر اراضی مانند مزرعه پرورش شترمرغ یقین نداریم که جزء املاک مزروعی باشد (اکثر یا مازاد بر قدر متیقن) که در این حالت اجمال مخصص به عام سرایت نمی کند، و همانگونه که پیش از این آگاه شدیم، در موارد مشکوک (اکثر) به حکم عام عمل می کنیم. که گزینه ۳ مؤید این مسأله است.

۲۹۲- گزینه ۱ صحیح است. ماده ۶ قانون مدنی مربوط به جلد اول قانون مدنی یعنی مصوب سال ۱۳۰۷ است، از طرفی ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه مصوب ۱۳۱۲ است، بنابر این ماده ۶ قانون مدنی عام مقدم و ماده واحده خاص موخر است، هرگاه عام مقدم و خاص موخر باشد در این حالت اگر زمان عمل به عام فرا رسیده باشد، خاص موخر ناسخ عام مقدم است.

۲۹۳- گزینه ۳ صحیح است. عام افرادی یا استغراقی، عبارت عامی است که تک تک افرادش را به نحو انفرادی و جداگانه در برمی گیرد، در این ماده گفته هر شریک مال، منظور هریک از شرکاء به سهم خود و به نحوی جداگانه می تواند تقاضای تقسیم نماید.

۲۹۴- گزینه ۱ صحیح است. به پاسخ سوال پیشین رجوع کنید.

۲۹۵- گزینه ۲ صحیح است. هرگاه در وجود مخصص منفصل احتمالی تردید نمائیم، به استناد به عبارت «مامن عام الا و قد خص» باید جستجو کرد در وجود مخصص منفصل، پس هرگاه در احتمال وجود یک مخصص منفصل تردید نمائیم، تمسک به عمومیت عام قبل از فحص و جستجو جایز نیست، اما این در حالی است که اگر شک در وجود مخصص متصل احتمالی باشد، با استناد به اصل لفظی اصالة العموم، جستجو و فحص لازم نیست و تمسک به عام قبل از فحص جایز است.

۲۹۶- گزینه ۳ صحیح است. امکان تخصیص منطوق عام بوسیله مفهوم جمله خاص (مفهوم مخصص) در صورتی وجود دارد که آن مفهوم حجیت داشته باشد، بنابراین

مفهوم موافق علی الخصوص قیاس اولویت و مفهوم مخالف در جملات شرط، غایت، حصر و استثناء حجیت دارند و می توانند منطوق عام را تخصیص زند.

۲۹۷- گزینه ۱ صحیح است.

۲۹۸- گزینه ۱ صحیح است. هرگاه خاص مقدم باشد(قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱) و عام موخر(جمله دوم قانون مدنی ۱۳۱۳) باشد، مطابق نظام حقوق ایران، علی الخصوص طبق رای وحدت رویه قضایی، خاص مقدم و عام موخر با یکدیگر جمع می شوند، بدین ترتیب که می گوئیم خاص مقدم محفص عام موخر است(تخصیص)، زیرا اگر امکان جمع باشد، دیگر به سراغ نسخ نمی رویم(الجمع معهما امکن اولی من الطرح)

۲۹۹- گزینه ۳ صحیح است. نسخ صریح نوعی(کلی)، یعنی قانونگذار در قانون جدید(موخر) به طور کلی قانون یا قوانینی را منسوخ اعلام می نماید، مثلاً اینگونه بگوید: از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، کلیه قوانین مغایر با آن منسوخ است، در ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی مواردی از قوانین مغایر به صورت تمثیلی ذکر کرد نه به طور مشخص وگرنه در آن صورت می گفتیم نسخ صریح شخصی.

۳۰۰- گزینه ۲ صحیح است. اگر چه به نظر اکثریت فقهای، تخصیص اکثریت از دایره عام(تخصیص اکثر) جایز نیست، اما قانونگذار بنا به دلایلی در موارد محدود، اکثریت را از طریق تخصیص زدن از دایره عام خارج نموده است، مانند ماده ۵ قانون آئین دادرسی مدنی یا ماده ۳۳۰ همان قانون

۳۰۱- گزینه ۳ صحیح است. تقاضای احدی از وراثت یا وصی کافی برای تحریر ترکه است که بیانگر یک عام بدلی است.

۳۰۲- گزینه ۳ صحیح است. عبارت مادامیکه بیانگر یک عبارت غایت است.

۳۰۳- گزینه ۱ صحیح است. مطابق اصل تاخر حادث(اصل بر موخر بودن مجهول)، آن که تاریخ وقوعش نامعلوم(مجهول) است، نسبت به تاریخ معلوم التاريخ، موخر فرض می گردد.

۳۰۴- گزینه ۳ صحیح است. عام پس از تخصیص، به طور کلی از قابلیت استناد نمی افتد، اگر چه از عمومیت می افتد، بلکه نسبت به غیر مورد تخصیص همچنان قابل استناد است و فقط نسبت به مورد تخصیص (مخصص) قابل استناد نمی باشد.

۳۰۵- گزینه ۳ صحیح است. ماده ۸ قانون مدنی مربوط به جلد اول مصوب سال ۱۳۰۷ و ماده ۹۶۷ قانون مدنی مربوط به جلد دوم مصوب سال ۱۳۱۳ است، در این حالت خاص موخر چون در حین اجرای عام وارد شده است، (پس از فرارسیدن تاریخ به عمل) لذا خاص موخر در این حالت ناسخ عام مقدم است.

۳۰۶- گزینه ۱ صحیح است. خاص موخر (ماده ۳۸۸ ق.ت) در حین اجرای عام مقدم (ماده ۵۱۶ ق.م) آمده که ناسخ آن است.

۳۰۷- گزینه ۱ صحیح است.

۳۰۸- گزینه ۲ صحیح است. در اینجا ماده ۹۶۱ که خاص است هم زمان با ماده ۹۵۸ که عام است می باشد چون هرگاه عبارت خاص که بر آن وارد می شود هم زمان با عام یا پیش از عام باشد آن را تخصیص می زند.

۳۰۹- گزینه ۲ صحیح است. لفظ اطفال عام است، زیرا متکلم بصورت وضعی (لفظ جمع) تصریح به همه اطفال نموده است، اما لفظ طفل مطلق است، و از قرائن و عقلاً می فهمیم که دلالت بر هر کسی که طفل باشد دارد.

۳۱۰- گزینه ۱ صحیح است. در عام افرادی، تک تک افراد هر یک به نوبه خود و بطور جداگانه مورد حکم قرار می گیرند مانند مفاد ماده ۲۰۷ ق.آ.د.ک اما این در حالی است که در عام مجموعی، همه افراد همگی و به اتفاق و توأماً مورد حکم قرار می گیرند مانند ماده ۱۸۳ ق.آ.د.ک (سابق)

۳۱۱- گزینه ۲ صحیح است. همانگونه که قبلاً گفته شد، مخصص متصل که پیوسته و متصل به عام است، به پنج شکل وجود دارد، که یکی از اشکال آن غایت است (مخصص متصل غایی)، یعنی عبارت خاصی که پیوسته عام است و آن را تخصیص می زند، بصورت یک جمله غایی (غایت) است، و جمله غایت نیز جمله ای است که بیانگر نهایت یا

سرانجامی است و از قیودی چون مادامی، مادامیکه، تا، لغایت، حتی، الی و نظایر اینها بهره می جوید.

۳۱۲- گزینه ۴ صحیح است. ماده ۶۹۸ قانون مدنی که در اینجا عام است مصوب سال ۱۳۰۷ است (جلد اول) و ماده ۲۴۹ قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ است، پس ماده ۶۹۸ قانون مدنی عام مقدم و ماده ۲۴۹ قانون تجارت خاص موخر است، در اینجا خاص زمانی بر عام وارد شده است که عام در حین اجرا بوده است (ورود خاص پس از فرا رسیدن تاریخ عمل به عام) که در این حالت خاص موخر ناسخ عام مقدم است. پس خاص و مخصوص آن نیست بلکه ناسخ آن است و در نسخ نیز قاعده الجمع مهمما ممکن اولی من الطرح قابل اعمال نیست، زیرا این قاعده در تخصیص کاربرد دارد، پس بنابر این گزینه ۴ صحیح است.

۳۱۳- گزینه ۴ صحیح است. به پاسخ سؤال ۳۲۲ و ۲۴۳ رجوع شود.

۳۱۴- گزینه ۳ صحیح است. عام افرادی یا استغرافی یعنی حکم عامی تمام افرادش را به نحوی انفرادی و بطور جداگانه در بر می گیرد، به گونه ای که انجام یا عدم انجام آن توسط فرد یا عده ای موضوع را برای دیگری یا دیگران منتفی نمی سازد، زیرا هر که به سهم و به نوبه خود مشمول حکم قرار می گیرد و به تعدادی از آن افراد که حکم را اجرا کرده اند (امثال) و به تعدادی که آن را انجام نداده اند مخالفت.

فصل پنجم: مجمل و مبین، مطلق و مقید

۳۱۵- گزینه ۱ صحیح است. اصاله الاطلاق از جمله اصول لفظی است که مانند سایر اصول لفظی در جایی که شک و تردید در مراد و مقصود متکلم داریم بکار می رود، این اصل مشخصاً در جایی استعمال می گردد که در مقصود و مراد متکلم تردید داریم در اینکه آیا منظور از آن لفظ تمام مصادیق یا مطلق مصادیق و افراد آن بوده یا اینکه مقید و محدود به فرد یا مصداق خاصی از جنس است، که در این حالت یعنی تردید بین مطلق یا مقید بودن، مطابق اصل لفظی اصاله الاطلاق می گوئیم اصل بر مطلق بودن است به عبارتی اصل بر این است که مقصود متکلم مطلق مصادیق آن عبارت بوده است، بنابر این در فرض سؤال این تردید بوجود آمده که آیا منظور متکلم از زن و شوهر ناظر به نکاح دائم است یا مطلق نکاح یعنی نکاح موقت را نیز در بر می گیرد، که در این حالت با استناد به اصاله الاطلاق می گوئیم اصل بر این است که منظور مقنن مطلق مصادیق این نکاح دائم و موقت را شامل می شود.

۳۱۶- گزینه ۳ صحیح است. انصراف بر دو نوع است، انصراف بدوی یا وجودی که مانع اطلاق نیست و دیگری انصراف ظهوری که مانع اطلاق است. بدین ترتیب که انصراف بدوی یا وجودی یعنی ذهن از مصداقی که کمتر وجود دارد (مصداق اقل یا نادر) منصرف و به سمت مصداقی که بیشتر وجود دارد (مصداق اکثر یا غالب) سوق می یابد، پس دلیل این انصراف بعلا کثرت وجود است و هرگاه سبب انصراف بخاطر کثرت وجود باشد بعنوان انصراف بدوی یا وجودی مانع اطلاق نیست، یعنی اگر چه ذهن منصرف به مصداقی است که بیشتر وجود دارد ولی از آنجائیکه این انصراف مانع اطلاق نیست در نهایت آن مسأله مطلق بوده و شامل تمام مصادیق آن اعم از مصداق اکثر و اقل یا نادر خواهد بود، اما این در حالی است که انصراف ظهوری یا انصراف ناشی از کثرت استعمال، یعنی ذهن از مصداقی که کمتر استعمال می شود (خلق استعمال) منصرف و به سمت مصداقی که بیشتر

استعمال می شود (کثرت استعمال) سوق می یابد. این انصراف مانع اطلاق است، یعنی آن عبارت مطلق نبوده، بلکه مقید به مصداقی است که بیشتر استعمال می شود.

۳۱۷- گزینه ۳ صحیح است. اجمال یا مجمل، کلامی است که دو یا چند احتمال دارد و منظور گوینده را ندانیم، به عبارتی در خصوص عبارتی دو یا چند احتمال مساوی وجود دارد، که نمی دانیم مقصود متکلم کدام معنا یا احتمال است، از آنجائیکه مجمل مبتنی بر شک و تردید است، لهذا حجیت نداشته و نیاز به توضیح دارد در ماده ۷۷۸ قانون مدنی که در طرح سؤال مطرح گردید، منظور مقنن از باطل است، نمی دانیم که آیا منظورش عقد رهن است، یا شرط یا هر دو که مبین اجمال است.

۳۱۸- گزینه ۲ صحیح است. هرگاه بین مطلق و مقید تعارض وجود داشته باشد، یعنی در موضوع واحد دو حکم متعارض داشته باشیم، یکی به صورت مطلق و دیگری مقید، به عبارتی متکلم مسأله ای را بصورت مطلق و سپس آن را به گونه مقید مطرح می کند، پس در اینجا بین مطلق و مقید تباین و تنافی است، در این حالت می گوئیم مطلق را حمل بر مقید می کنیم، یعنی اصولاً اطلاق حمل بر تقیید (مقید) بودن آن مسأله شده و در نتیجه، مقید را ترجیح داده و بر اساس حکم مقید رفتار می کنیم، در فرض سؤال در ماده ۱۷۹ قانون مدنی قانونگذار بطور مطلق شکار را موجب تملک می داند اما سپس در ماده ۱۸۰ همان قانون آن را مقید نمود و شکار حیوانات اهلی و حیوانات دارای مالک را اطلاق ماده ۱۷۹ خارج کرده که در این تعارض ماده ۱۷۹ ق.م (مطلق) حمل بر ۱۸۰ ق.م (مقید) شده و ماده ۱۸۰ را ترجیح داده و بر اساس حکم آن رفتار می کنیم و می گوئیم شکار موجب تملک است مشروط بر اینکه حیوان اهلی نبوده و مملوک فردی نباشد و ممنوع از شکار نباشد.

۳۱۹- گزینه ۲ صحیح است. ظاهر، کلامی است که احتمال خلاف در آن وجود دارد ولی این احتمال ضعیف است و مطابق اصالة الظهور، می گوئیم ظهور یا ظاهر در احتمال قوی است، پس ظاهر مبتنی بر ظن بوده و دارای حجیت است، شایان ذکر است که ظاهر به

همراه نص از مصادیق مبیّن یا محکم است و حجیت داشته و نیاز به تفسیر یا توضیح ندارد.

۳۲۰- گزینه ۱ صحیح است. با فرض اینکه در خصوص عبارت نکاح در این ماده تردید کرده باشیم به استناد به اصل لفظی اصاله الاطلاق اصل بر مطلق بودن است، لذا لفظ نکاح در این ماده، بر مطلق نکاح یعنی شامل تمام مصادیق نکاح یعنی نکاح دائم و نکاح موقت می شود.

۳۲۱- گزینه ۴ صحیح است. حمل مطلق بر مقید در موردی که بین مطلق و مقید تباین باشد و عمل به ظاهر هر دو مقدور نگردد به این معنی است که انصراف از ظهور مطلق و محدود کردن مطلق به مقید است. به پاسخ سؤال ۳۲۸ رجوع شود.

۳۲۲- گزینه ۲ صحیح است. بین ماده ۱۷۹ و ۱۸۰ قانون مدنی تباین و تعارض وجود دارد که حکایت از تعارض بین مطلق(ماده ۱۷۹) و مقید(ماده ۱۸۰) است، که در این صورت مطلق را حمل بر مقید می کنیم، یعنی بر اساس مقید رفتار می کنیم. پس شکاری که سبب تملک می گردد، شکار حیوانات غیر اهلی و غیر مملوک است. برای توضیح بیشتر به پاسخ سؤال ۳۲۸ رجوع شود.

۳۲۳- گزینه ۳ صحیح است. اختلاف صحیحی ها و اعمی ها در شرایط و اجزاء یک عمل حقوقی است و یا یک امر عبادی است. صحیحی ها افرادی هستند که بر این عقیده اند که منظور از الفاظ عبادات و معاملات، معنای صحیح آنهاست و منظور از معنای صحیح، یعنی عبادات و معامله ای تمامی اجزاء و شرایط صحت را داشته باشد، اما اعمی ها با تکیه بر اصاله الاطلاق، معتقدند که منظور از عبادات و معاملات، معنای اعم آنهاست، به عبارتی، لزومی ندارد تمام اجزا و شرایط یک عمل حقوقی یا عبادی موجود باشد، بلکه چه تمام شرایط و اجزا باشد و چه تمام شرایط و اجزا نباشد، می توان آن لفظ در قالب عمل حقوقی یا عبادی را در نظر گرفت. مثلاً وقتی که دادگاه دادخواست را ثبت می کند، آیا منظور ثبت دادخواست صحیح است(دارنده تمام اجزا و شرایط دادخواست) و یا منظور ثبت دادخواست است اعم از اینکه دارنده تمام اجزا و شرایط دادخواست باشد یا خیر؟ از نظر

صحیحی ها، دادگاه مکلف به ثبت دادخواستی هستند که به طور صحیح تنظیم و مطرح شده ولی اعمی ها با استناد به اصله الاطلاق می گویند دادگاه مکلف به ثبت دادخواست است. اعم از اینکه تمام اجزا و شرایط داشته و یا نداشته باشد. زیرا تشخیص اینکه دادخواست از نظر شکلی یا ماهوی درست مطرح شده با شعبه دادگاه(شامل مدیر دفتر و قاضی) می باشد.

۳۲۴- گزینه ۱ صحیح است. مبین (به فتح یاء) یعنی روشن و آشکار و خالی از ابهام که نص و ظاهر در این زمره قرار می گیرند، اما مبین(به کسر یاء) یعنی روشن کننده و بیان کننده که اسم فاعل است. به عبارتی لفظ یا کلامی است که در جهت دفع اجمال بیان و صادر می شود.

۳۲۵- گزینه ۲ صحیح است. همانطوریکه می دانیم، عام ومطلق هر دو بر تمام افرادومصادیق خود دلالت دارند، با این تفاوت که دلالت عام بر همه افراد بنا بر تصریح واضح یا متکلم یعنی متکلم از طریق الفاظ عموم یا نشانه های جمع درصددتصریح بر تمام افراد است والبته در اغلب موارد منظورش تک تک افراد میباشند که حکایت افرادی بودن عام است. این درحالی است که دلالت مطلق بر اطلاق ناشی از تصریح متکلم نیست، بلکه بنا بر قرائن و اوضاع واحوال یا کیفیات (مقدمات حکمت) است، پس به تمام افراد ومصادیق آن پی می بریم که البته می تواند بدلی نیز باشد. دلالت عام بر عموم غالباً افرادی یا استغراقی است واستثنائاً بدلی ومجموعی است، وقتی می گوئیم هر دانشجو را احترام کن این عبارت عام است ومنظورتک تک دانشجویان هریک به نوبه خود قابل احترام می باشند. اما دلالت مطلق بر اطلاق غالباً بدلی است واستثنائاً افرادی است، مثلاً وقتی که می گوئیم دانشجو را احترام کن، این عبارت مطلق است، گرچه شامل تمام دانشجویان می شود، اما اگر فردی یکه دانشجو را احترام گذارد می توانیم بگوئیم بر این حکم عمل کرده .

۳۲۶- گزینه ۴ صحیح است. به پاسخ سؤال ۳۳۴ رجوع شود.

۳۲۷- گزینه ۱ صحیح است. این ماده درصدد بیان جواز توسل به وکیل از ناحیه هر یک از زن و مرد در عقد نکاح به دیگری است. پس از موارد دیگر از جمله شرایط وکیل یا اینکه

هر کسی را بتوان بعنوان وکیل معرفی کرد، اطلاق ندارد، زیرا مطلق فقط نسبت به آن قسمتی از کلام متکلم وجود دارد، که قصد بیان آنرا دارد، که در اینجا قانونگذار صرفاً قصد بیان حق توسل به وکیل را دارد.

۳۲۸- گزینه ۴ صحیح است. دلالت عام بر عموم بنابر تصریح واضح است (وضعی) پس مبتنی بر یقین و قطع است. که احتمال خلاف در آن «راه ندارد، اما این در حالی است که دلالت مطلق بر اطلاق بنابر قرائن و اوضاع و احوال است که مبتنی بر ظن بوده و احتمال خلاف در آن وجود دارد، لذا عام مقدم بر مطلق است، زیرا قطعی و یقینی است.

۳۲۹- گزینه ۲ صحیح است. عبارت ((ما لم یحتمل له سوی معنی واحد)) تعریف نص است. زیرا احتمال معنای خلاف در آن نمی رود. نص عبارت از معنایی از یک کلام است که معنای دیگری جز آن معنا احتمال داده نمی شود.

۳۳۰- گزینه ۳ صحیح است. ماده ۴ قانون مدنی مقرر می دارد: «اثر قانون نسبت به آتیه است.» لفظ قانون در این ماده مطلق است و هیچ قیدی ندارد. از طرفی از قرائن و اوضاع و احوال (مقدمات حکمت) نیز پی به تمام مصادیق قانون می بریم.

۳۳۱- گزینه ۴ صحیح است. ماده ۸۵۲ قانون مدنی مقرر می دارد: ((اگر حمل در نتیجه جرمی سقط شود موصی به، به ورثه او می رسد)) از ظاهر این ماده بر می آید که سقط مرده بدنیا آمده است ولی این ظاهر و پندار با قواعد حقوقی ناسازگار است، این مسأله بیانگر حالت مؤول است. مؤول (مأول) یعنی یکی از احتمالات به وهم و پندار ما منظور متکلم است، ولی اینگونه نیست و منظور احتمال دیگری است که مخاطب آن را ضعیف می پندارد. در این ماده جنین زنده متولد شده و سپس مرده است که موصی به، به وارث او به ارث می رسد.

۳۳۲- گزینه ۲ صحیح است. عبارت ((معلق)) در ماده ۱۲۶۸ که مقرر می دارد: ((اقرار معلق مؤثر نیست)) مقید (به کسر یاء) است. مقید به کسر یاء قید زنده (اسم فاعل) که در این ماده لفظ معلق، لفظ اقرار را قید زده است. و لفظ قرار مقید (به فتح یاء) است چون قید خورده.

- ۳۳۳- گزینه ۲ صحیح است. به پاسخ سؤال ۳۲۶ رجوع کنید.
- ۳۳۴- گزینه ۱ صحیح است. در این سوال وصی مقید به غیرمسلم شده است (مقیّد) و غیرمسلم وصی را قید زده است (مقیّد)
- ۳۳۵- گزینه ۲ صحیح است. ظاهر، یعنی کلامی است که احتمال قوی و ضعیف دارد، یا به عبارت دیگر کلامی است که احتمال خلاف دارد، که با استناد به اصاله الظهور می گوئیم ظاهر در احتمال قوی است و حجیت دارد.
- ۳۳۶- گزینه ۳ صحیح است. انصراف بدوی یا انصراف وجودی اگر چه از علائم اطلاق است اما مشهور فقها در مقدمه حکمت بودن آن تردید دارند.
- ۳۳۷- گزینه ۲ صحیح است. وقتی که خواهان، در ستون مربوط به خواننده، اقامتگاه او را اعلام می کند، دادگاه براساس اعلام خواهان اوراق قضایی را به آدرس اعلامی، ابلاغ می نماید. با این توضیح که دادگاه یقین ندارد که نشانی خواننده، همانی است که خواهان اعلام نموده است، مع الوصف براساس احتمال قوی ظهور یا ظاهر بر صدق گفتار خواهان قرار داده که ممکن است احتمال خلاف داشته باشد، مانند مورد مطروحه در ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی مدنی که آدرس اعلامی درست نبود، این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که اکثر آدرس های اعلامی خواننده توسط خواهان صحیح و منطبق با وضع موجود است و ممکن است در موارد نادر صحیح نباشد، که این مسأله بیانگر ظاهر یا ظن است.
- ۳۳۸- گزینه ۳ صحیح است. در این ماده و دیگر مواد قانون مدنی که از لفظ حاکم صحبت می کند، ابهام و اجمال وجود دارد که منظور از حاکم چه کسی است. نمی دانیم منظور متکلم رئیس دادگستری است یا حاکم شرع یا رئیس شعبه است.
- ۳۳۹- گزینه ۱ صحیح است. نص، کلامی است که احتمال خلاف ندارد، و قطعی و یقینی است. در این ماده قانونگذار گفته، موجب ارث دو امر نسب و سبب است، پس احتمال خلافی در این خصوص نیست.
- ۳۴۰- گزینه ۱ صحیح است. هرگاه بین مطلق و مقید، تعارض وجود داشته باشد، یعنی در موضوع واحد احکام متفاوتی داشته باشیم، در این حالت می گوئیم حمل مطلق بر مقید

اتفاق می افتد به عبارتی مطلق را حمل بر مقید می کنیم، یعنی بر حکم مقید عمل می کنیم و آنرا بر مطلق ترجیح می دهیم، در خصوص این سوال، ماده ۸۸۰ قانون مدنی، به طور مطلق قتل عمد را مانع ارث می داند، اما ماده ۸۸۱ همان قانون، قتل در حالت دفاع مشروع یا قتل در راستای اجرای حکم قانون را از موانع ارث نمی داند که مقید است.

۳۴۱- گزینه ۴ صحیح است. علائم پنجگانه اطلاق (مطلق بودن) عبارتند از: امکان اطلاق و تقیید، نبودن قرینه تقیید، در مقام بیان بودن متکلم، انصراف بدوی (وجودی) و نبودن قدر متیقن در مقام مخاطب، که در مقدمه حکمت بودن سه مورد اولی (امکان اطلاق و تقیید، نبودن قرینه تقیید، در مقام بیان بودن متکلم) تردیدی نیست، اما در مقدمه حکمت بودن انصراف بدوی (وجودی) و نبودن قدر متیقن در مقام مخاطب محل تردید نزاع است.

۳۴۲- گزینه ۲ صحیح است. همانطور که می دانیم انصراف بدوی یا انصراف بدلیل کثرت وجود (انصراف وجودی) مانع اطلاق نیست، یعنی هرگاه ذهن از مصداقی که کمتر وجود دارد (اقل یا نادر) به سمت مصداقی که بیشتر وجود دارد (غالب- اکثر) منصرف شود، گرچه ذهن به سمت مصداق اکمل و اجمل منصرف و سوق پیدا می کند ولی چون سبب این انصراف بعلت کثرت وجود (بیشتر وجود داشتن) است، لذا آن مسأله مطلق بوده و شامل هر دو مصداق نادر و غالب می گردد، مانند مسلمان مطروحه در ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی که گرچه ذهن به سمت مصداق بیشتر آن در کشور ایران (شیعه) می رود ولی در نهایت شامل هر دو می شود.

۳۴۳- گزینه ۳ صحیح است. در اصل ۳۵ قانون اساسی، قانونگذار در مقام و درصدد بیان اطلاق در حق داشتن وکیل در کلیه مراجع دادگستری است، نه اینکه هرکس ولو اینکه پروانه وکالت نداشته را بتوان به عنوان وکیل معرفی نمود.

۳۴۴- گزینه ۴ صحیح است. قدر متیقن از ابوبین، پدر و مادر است، پس ابوبین در اینجا مطلق نبوده و چون قدر متیقن وجود دارد، لذا ابوبین مقید به پدر و مادر است.

۳۴۵- گزینه ۱ صحیح است. حکم پرداخت قیمت در ماده ۳۱۲ قانون مدنی از نظر زمان پرداخت مقید است، زیرا گفته است قیمت حین الاداء اما از نظر اینکه در چه مکانی این

قیمت پرداخت شود، مقید به مکان خاص نشده است، لهذا از حیث مکان پرداخت مطلق است.

۳۴۶- گزینه ۱ صحیح است. در این ماده لفظ وصی به صورت مطلق آمده، زیرا در نص ماده نه قیدی ذکر شده و نه قرینه ای بر تقیید یا مقید شدن وصی وجود دارد، لهذا، وصی مطلق است.

۳۴۷- گزینه ۱ صحیح است. نص، کلامی است که احتمال خلاف نداشته و به طور قطع و یقین دلالت بر امری نماید، ماده ۵۴۶ قانون مدنی نیز به صراحت بدون هیچگونه احتمال خلافی، به تعریف عقد مضاربه می پردازد.

۳۴۸- گزینه ۲ صحیح است. ظاهر، کلامی است که احتمال خلاف در آن وجود دارد، اما این احتمال ضعیف است، و با استناد به اصالة الظهور، می گوئیم ظاهر(ظهور) در احتمال قوی است، صدور قرار تأمین خواسته غالباً قبل از رسیدگی ماهوی است و قاضی بدون اینکه حقانیت خواهان را در ما نحن فیه احراز کند، حکم به صدور قرار تأمین خواسته میدهد، که این امر مبنی بر احتمال قوی در محق بودن خواهان است، لهذا از آنجائیکه احتمال بی حقی خواهان نیز وجود دارد، قانون تصریح کرده که خواهان باید در قبال تأمین خواسته، خسارت احتمالی تودیع نماید(در اغلب موارد).

۳۴۹- گزینه ۳ صحیح است. در خصوص لفظ طرف در تبصره ۱ ماده ۱۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری(سابق) اجمال داریم، چرا که نمی دانیم منظور متکلم(قانونگذار) در اینجا از اینکه شهادت شاهد به نفع طرف باشد، مقصود طرف دعوی است یا طرف شاهد، پس عبارت طرف مجمل بوده و نیاز به توضیح قانونگذار از طریق وضع قانون تفسیری و یا دیوانعالی کشور از طریق صدور رای وحدت رویه قضایی است، زیرا یکی از موارد صدور رای وحدت رویه، اجمال قانون است.

۳۵۰- گزینه ۱ صحیح است. سند بر دو قسم است: عادی و رسمی. پس احتمال دیگری وجود ندارد، پس این عبارت موید نص است.

۳۵۱- گزینه ۱ صحیح است. هرگاه بین مطلق و مقید در حکم تعارض و تباین وجود داشته باشد، مطلق را حمل بر مقید می‌کنیم، و براساس حکم مقید عمل می‌کنیم. برای توضیح بیشتر به پاسخ سؤال ۳۲۸ رجوع کنید.

۳۵۲- گزینه ۲ صحیح است. اگرچه کلمه عقد بدلیل کثرت وجودی در قالب عقد عهده‌ی، منصرف است به تعهدات اما از آنجائیکه دلیل این انصراف بخاطر کثرت تعداد عقود عهده‌ی است. یک انصراف بدوی یا وجودی بوده، و مانع اطلاق نیست، لذا عقد مطلق بوده و شامل عقود عهده‌ی و تملیکی هردو می‌شود.

۳۵۳- گزینه ۱ صحیح است. نص، کلامی است که احتمال خلاف ندارد، مواردیکه در مفاد ماده مطرح گردید حیات و بعد از فوت پس فرض سومی وجود ندارد.

۳۵۴- گزینه ۴ صحیح است. انصراف ظهوری یا انصراف ناشی از کثرت استعمال، یعنی ذهن از مصداقی که کمتر استعمال می‌شود (قلت استعمال) منصرف و به سمت مصداقی که بیشتر استعمال می‌شود (کثرت استعمال) سوق می‌یابد و این انصراف نشانه مطلق نیست، بلکه مقید به همان مصداقی است که بیشتر استعمال می‌شود (کثرت استعمال)، چرا که وقتی کلمه وجه رایج را می‌شنویم ذهن ما منصرف به ریال می‌شود زیرا در کشور ما وجه رایج بیشتر در معنای ریال است نه سایر وجه‌ها (وجه‌های خارجی).

۳۵۵- گزینه ۲ صحیح است. هرگاه بین عبارت مطلق و مقید تعارض وجود داشته باشد، در این حالت می‌گوئیم مطلق را حمل بر مقید می‌کنیم (حمل مطلق بر مقید)، و در جهت رفع این تعارض بر حکم مقید رفتار می‌کنیم، پس در اینجا در خصوص شرکت سهامی عام براساس حکم مقید یعنی ماده ۱۰۷ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت عمل می‌کنیم.

۳۵۶- گزینه ۳ صحیح است. مجمل، کلامی است که دو یا چند احتمال دارد و منظور گوینده یا متکلم را ندانیم، در اینجا نیز احتمالات مساوی وجود دارد و منظور قانونگذار از موارد خاصه را نمی‌دانیم، لذا این مسأله بیانگر نوعی اجمال بوده و مبتنی بر شک و تردید است و حجیت نداشته پس نیازمند به توضیح قانونگذار است، یا از طریق صدور رای وحدت رویه قضایی باید رفع اجمال کرد.

۳۵۷- گزینه ۳ صحیح است. عبارت رسمی ، روزنامه را مقید به یکی از مصادیق آن می کند، پس روزنامه می شود مقیدی به فتح یاء یعنی قید خورده شد و رسمی مقید به کسر یاء ، یعنی قید زنده است.

۳۵۸- گزینه ۱ صحیح است. هرگاه در مقصود متکلم تردید کنیم که آیا منظور از آن عبارت، مطلق مصادیق آن لفظ بوده یا مقید به مصداق خاصی است طبق اصل لفظی اصاله الاطلاق، اصل بر آن است که منظور متکلم مطلق مصادیق آن بوده.

۳۵۹- گزینه ۴ صحیح است. امکان اطلاق و تقیید یکی از مقدمات حکمت است که مطابق آن لفظی مطلق است که بتوان آن را مقید ساخت، در اینجا لفظ بیع مطلق است زیرا می توان آن را مقید به برخی مصادیق آن نمود. زیرا قرینه ای بر تقیید بیع در این ماده نیامده است.

۳۶۰- گزینه ۲ صحیح است. عبارت قانون در این اصل، مقید به قانون عادی است، زیرا لفظ مجلس شورای اسلامی قرینه ای است بر قوانین عادی، زیرا مجلس می تواند فقط قوانین عادی وضع ولی قانون اساسی تصویب آن مستقیماً در صلاحیت مردم از طریق همه پرسی و فراندوم است.

۳۶۱- گزینه ۳ صحیح است. در این ماده متکلم درصدد بیان نقش و ضرورت گواهینامه در امر رانندگی است که از این جهت اطلاق دارد(مطلق است)، اما نمی توانیم از این کلام متکلم در شرایط و اجزا و جزئیات اطلاق بگیریم و بگوئیم با هر گونه گواهینامه ای ولو اینکه بی اعتبار باشد بتوان رانندگی کرد.

۳۶۲- گزینه ۴ صحیح است. قدر متیقن در اینجا با توجه به قرائن و اوضاع و احوال ، عقد نکاح است. پس بعلمت وجود قدرمتیقن در مقام تخاطب، عقد مقید به نکاح است.

۳۶۳- گزینه ۲ صحیح است. به پاسخ سؤال ۳۲۶ رجوع کنید.

۳۶۴- گزینه ۳ صحیح است. این انصراف ، یک انصراف بدوی و وجودی یا انصراف به علت کثرت وجود است، در ایران هر وقت با لفظ مسلمان مواجه می شویم، شیعه یه ذهن ما متبادر می شود که دلیل این امر بخاطر کثرت وجود است که مانع اطلاق نبوده و مطلق مسلمانان اعم از شیعه و سنی را در بر می گیرد.

- ۳۶۵- گزینه ۴ صحیح است. انصراف ظهوری یا انصراف بعلت کثرت استعمال مانع اطلاق است (مطلق نیست) و آن مسأله مقید به مصداقی است که دارای کثرت استعمال است. برای توضیح بیشتر به پاسخ سؤال ۳۲۶ رجوع کنید.
- ۳۶۶- گزینه ۲ صحیح است. ظاهر، کلامی است که احتمال خلاف دارد، یعنی دارای احتمال قوی و ضعیف است که ظهور در احتمال قوی است.
- ۳۶۷- گزینه ۴ صحیح است. نکره در سیاق نفی، یعنی عبارتی که ظاهر مطلق دارد ولی معنی عام دارد، یعنی عام مستفاد از اطلاق، کسی نمی تواند یعنی هیچ کس نمی تواند که بیانگر عام افرادی است.
- ۳۶۸- گزینه ۱ صحیح است. نص کلامی است که احتمال خلاف ندارد.
- ۳۶۹- گزینه ۳ صحیح است. لفظ حاکم در این مجمل است چرا که نمی دانیم دادستان است، قاضی شعبه است یا رئیس دادگستری است.
- ۳۷۰- گزینه ۴ صحیح است. همانطوریکه در سؤال ملاحظه شد، لفظ حاکم در ماده ۸۶۶ قانون مجمل است، که ماده ۳۳۵ قانون امور حسبی آن را از اجمال خارج کرد پس ماده اخیر مبین (به کسر یاء) یعنی تبیین کننده یا آشکار کننده ماده ۸۶۶ ق.م.ا است.
- ۳۷۱- گزینه ۱ صحیح است. چون احتمال خلاف ندارد.
- ۳۷۲- گزینه ۱ صحیح است. هرگاه تردید کنیم در مقصود متکلم مبنی بر اینکه منظور از آن عبارت مطلق است یا مقید، طبق اصل لفظی اصاله الاطلاق، اصل بر مطلق بودن است. پس شامل نکاح موقت و دائم هر دو می شود.
- ۳۷۳- گزینه ۲ صحیح است. اگر چه با شنیدن لفظ تعهد ذهن منصرف به مصداق از آن می شود که بیشتر وجود دارد (انصراف بدوی یا وجودی) ولی از آنجائیکه این انصراف مانع اطلاق نیست، در آن عبارت منظور مطلق بوده و شامل تعهدات مالی و غیرمالی می گردد.
- ۳۷۴- گزینه ۱ صحیح است. نص، کلامی است که احتمال خلاف ندارد، در این ماده گفته نمائات اعم از متصل و منفصل، که احتمال خلاف ندارد که مثلاً نوع سومی داشته باشد. و تکالیف هر کدام از غائات نیز مشخص گردید.

۳۷۵- گزینه ۳ صحیح است. موضوع تعهد در ماده ۲۷۷ مطلق است که توسط ماده ۲۶۸ قانون تجارت تقیید خورده، چرا که تعهدات برواتی (اسناد تجاری) را از شمول اطلاق ماده ۲۷۷ خارج نموده است. پس ماده ۲۶۸ قانون تجارت مقید (به کسر یاء) است یعنی ماده مزبور ماده ۲۷۷ قانون مدنی را قید می زند.

۳۷۶- گزینه ۱ صحیح است. نص، کلامی است که احتمال خلاف ندارد، به عبارتی متکلم همه موارد را بیان کرده که احتمال مورد یا موارد دیگری که خلاف آن باشد، نمی رود.

فصل ششم: ادله استنباط احکام اسلامی (منابع اسلامی)

۳۷۷- گزینه ۳ صحیح است. منابع حقوق اسلامی یا ادله استنباط احکام اسلامی از نظر فقه امامیه بر چهار نوع است، کتاب (قرآن) که مهمترین منبع است، سنت معصوم(ع)، اجماع و عقل، البته لازم به ذکر است که ادله اربعه از نظر فقه عامه (غیر امامیه) عبارتند از: کتاب (قرآن)، سنت پیامبر(ص)، اجماع و قیاس پس اختلاف فقه امامیه و عامه در منبع چهارم است، بدین ترتیب در فقه امامیه، عقل بعنوان منبع چهارم و در فقه عامه از قیاس بعنوان منبع چهارمی ذکر می کنند، شایان ذکر است که اگر چه فقه امامیه عقل را بعنوان منبع چهارم می داند ولی قیاس را بطور کلی رد نمی کند، بلکه قیاس را در دو قالب، قیاس منصوص العله و قیاس اولویت می پذیرد، از طرفی فقه عامه نیز عقل را بطور کلی مردود نمی داند، بلکه در موارد خاص از عقل بعنوان منبع حقوق اسلامی یاد می کند.

۳۷۸- گزینه ۴ صحیح است. امکان نسخ و تخصیص قرآن بواسطه سایر ادله وجود دارد، با این توضیح که خبر متواتر ، خبر واحده اجماع و عقل می تواند قرآن را تخصیص بزنند و همچنین خبر متواتر ، اجماع و عقل نیز این توانایی را دارند که برخی آیات قرآن را نسخ کنند، پس خبر واحد می تواند قرآن را تخصیص زند ولی این توانایی را ندارد که قرآن را نسخ کند چون یک دلیل ظنی است.

۳۷۹- گزینه ۱ صحیح است. این حدیث نبوی بر این مبنا استوار است که پیامبر(ص) فرمودند، اگر امت من اجماع کنند به خطا نمی روند که می تواند دلیلی باشد بر حجیت اجماع چرا که اجماع یعنی اتفاق نظر فقهاء (نظر اکثریت) در خصوص مسأله ای که در قرآن و سنت نیامده است (ما لا نص فیه) و برای عموم جامعه مجهول بود و مبتلا به است.

۳۸۰- گزینه ۱ صحیح است. خبر واحد از حیث شرایط راوی بر چهار نوع است که عبارتند از: خبر صحیح ، خبر واحدی است که روای آن تمام شرایط راوی را داشته باشد (از جمله شرط ایمان و توثیق)، خبر حسن، خبر واحدی است که روای آن از ایمان برخوردار است (شیعه دوازده امامی) ولی مورد توثیق و اطمینان فقها امامیه نیست که در طرح سؤال

مطرح گردید، خبر موثق (خبر قوی) ، خبر واحدی است که راوی شیعه دوازده امامی نیست اما مورد توثیق و اطمینان فقهاء امامیه است. خبر ضعیف، خبر واحدی است که راوی آن نه شیعه دوازده امامی است و نه مورد توثیق فقهاء امامیه است که این خبر بر خلاف سه خبر بالا حجیت ندارد، اما همین خبر ممکن است مشهور باشد که در آن صورت تحت عنوان خبر مقبول دارای حجیت است.

۳۸۱- گزینه ۳ صحیح است. منظور از ظاهر قرآن یا ظواهر قرآن، آن دسته از آیات قرآن را گویند که احتما خلاف در آن وجود دارد و حالت ظنی دارد. بنابر اصله الظهور می گوئیم، ظاهر یا ظهور در احتمال قوی است.

۳۸۲- گزینه ۱ صحیح است. قیاس، یعنی حکم مسأله ای که مشخص است را به مسأله ای که حکم مشخصی ندارد (ما لا نص فیه) سرایت می دهیم. مشروط بر اینکه یک قدر مشترک قوی بین آنها وجود داشته باشد، در قیاس به مسأله ای که حکم مشخصی دارد و حکمش به مسأله دیگر سرایت می کند به آن اصل یا مقیس علیه یا مقیس عنه گویند و به مسأله ای که حکم مشخصی ندارد و آن را از اصل می گیرد، فرع یا مقیس می گویند و به حکمی که بدین سرایت می کند که به آن حکم می گویند و به وجود قدر مشترک که همانا اشتراک در علت باشد که به آن اصطلاحاً جامع گویند. که این مسأله بیانگر عناصر و ارکان چهارگانه قیاس است که عبارتند از: اصل (مقیس عنه)، فرع (مقیس)، حکم و جامع.

۳۸۳- گزینه ۴ صحیح است. قیاس در معنی الفاظ راه ندارد، زیرا الفاظ و کلمات یا دارای معنا وضعی هستند و یا معنای عرفی که در اکثر استعمال ایجاد شده و یا دارای شرعی و قانونی که از ناحیه شارع یا قانونگذار مقرر شده، پس ما نمی توانیم از طریق مقایسه لفظی را برای معنای استعمال کنیم، در عبادات نیز حکم مشخص است و امکان قیاس وجود ندارد، و در امور جزایی بدلیل وجود عنصر قانونی بودن جرایم و مجازاتها قیاس راه ندارد، زیرا قیاس در این خصوص باعث تفسیر موسع قوانین جزایی می شود که مجاز نیست اگر چه امکان تفسیر موسع استثنائاً در جهت مساعد به حال متهم جایز است.

۳۸۴- گزینه ۲ صحیح است. به پاسخ سؤال ۳۸۲ رجوع کنید.

۳۸۵- گزینه ۱ صحیح است. همانطوریکه می دانیم در قیاس پیش از آنکه حکم را سرایت دهیم، باید ببینیم که آیا علت حکم در فرع یا مقیس نیز وجود دارد که در آن صورت حکم اصل را به فرع تسری می دهیم، اگر علت منظور در کلام متکلم تصریح شده باشد (علت منصوص) می گوئیم از روی یک علت مصرح یا منصوص قیاس کردیم (قیاس منصوص العله)، اما اگر علت در کلام متکلم تصریح نشده باشد (علت مستنبط) و از روی علت استنباط شده قیاس کنیم بدان قیاس مستنبط العله گویند. مانند طرح سؤال که بطلان معامله صوری بودن است که صریحاً بعنوان علت بطلان ذکر نشده است و از روی علت استنباط شده می گوئیم حکم ایقاع به قصد فرار از دین را نیز باطل بدانیم از همین جهت است.

۳۸۶- گزینه ۳ صحیح است. حقوقدانان بجای قیاس از عبارت وحدت ملاک استفاده می کنند، وحدت ملاک یعنی وحدت در علت یا اشتراک در علت که عنصر اصلی در قیاس است و در اثر تعمیم این علت (العله تعمم) حکم اصل یا مقیس علیه را فرع یا مقیس سرایت می دهیم، که اگر این علت منصوص باشد (قیاس منصوص العله) به این وحدت ملاک اصطلاحاً وحدت طریق گفته و از نظر فقه امامیه حجیت دارد، اما اگر این علت مستنبط باشد (قیاس مستنبط العله) به این وحدت ملاک تخریج مناط گویند که از نظر فقه امامیه غالباً حجیت ندارد.

۳۸۷- گزینه ۲ صحیح است. در قیاس حکم اصل یا مقیس علیه به فرع یا مقیس سرایت می کند، هرگاه حکم اصل با شدت بیشتری به فرع سرایت نماید، تا جایی که مناط یا علت حکم در فرع قوی تر یا اقوی از اصل گردد، به این حالت قیاس اولویت یا مفهوم موافق برتر گویند.

۳۸۸- گزینه ۳ صحیح است. مقدمه صحت، یعنی مقدمه ای که شرط صحت برای ذی المقدمه یا مشروط است.

۳۸۹- گزینه ۲ صحیح است. استصلاح یا مصالح مرسله (مصالح رها شده) یعنی رفتار بر اساس مصلحتی که در شرع نه تأیید شده و نه رد (تکذیب). به عبارتی سابقه ای در شرع

در صحت یا سقم آن در دست نیست، که البته یکی از اقسام مستنبط العله است که فقه امامیه آنرا نمی پذیرد.

۳۹۰- گزینه ۱ صحیح است. عبارت ((العله تعمّم)) ناظر بر تعمیم و سرایت علت حکم از اصل به فرع است که بیان قیاس است.

۳۹۱- گزینه ۳ صحیح است. منظور از مقدمه در عبارت ((مقدمه واجب، واجب است)) که یکی از مصادیق استلزامات عقلی می باشد، مقدمه وجودی است یعنی مقدمه ای که در انجام یا تحقق ذی المقدمه مؤثر باشد، که این مقدمه را می توان در گزینه ۳ ملاحظه کرد، چرا که تسلیم عین مستاجر از لوازم و مقدمات اجرای عقد اجاره است، این در حالی است که در گزینه ۱ و ۲ صحبت از مقدمه وجوبی است، یعنی مقدمه ای که در وجوب یا الزامی شدن ذی المقدمه تأثیر دارد.

۳۹۲- گزینه ۴ صحیح است. استلزامات عقلی یعنی، امری که عقلاً یا شرعاً یا حتی عرفاً و قانوناً ملازمه دارد با امر دیگری که از مصادیق عبارتند از: (مقدمه واجب، واجب است) و (اذن در شیء اذن در لوازم آنست) در مقابل استلزامات عقلی، ما شاهد مستقلات عقلی هستیم، یعنی اموری که عقل به تنهایی بدون کمک شرع قادر به تشخیص خوبی(حسن) و بدی(قبح) آنست (حسن و قبح عقلی افعال) که دلیل عقلی بناء عقلاء از مصادیق آنست.

۳۹۳- گزینه ۱ صحیح است. تنقیح مناط، یعنی متکلم یا واضع مستقیماً حکم را بیان نمی کند، اما از الفاظ و فعلی استفاده می کند که دلالت بر آن حکم می نماید، مانند مورد مطروحه در سؤال (ماده ۲۴۸ قانون مدنی)

۳۹۴- گزینه ۴ صحیح است. آیات قرآن مطلقاً نص(نصوص یا صریح) نیستند بلکه برخی از آیات بصورت ظاهر (ظنی) و مجمل و مؤول هستند، که من حیت المجموع می گوئیم، قرآن ظنی الدلاله است.

۳۹۵- گزینه ۲ صحیح است. ارجاع به نظر کارشناس مقدمه علم قاضی نسبت به مسأله مورد دعوی است.

۳۹۶- گزینه ۱ صحیح است. کتاب بعنوان مهم ترین دلیل اثبات احکام تعبیر می شود.

قرآن که در اصول بیشتر به کتاب از آن تعبیر می شود، مهم ترین دلیل اثبات احکام است، اهمیت آن ناشی از این است که اساس دین اسلام و کلام خداست و همه چیز دین اسلام حتی پیغمبری پیغمبر متکی به آن است.

۳۹۷- گزینه ۳ صحیح است. خبر ضعیف، خبری است که راوی سنی است و مورد اطمینان فقهای امامیه نیز نمی باشد.

خبر ضعیف، خبر واحدی است که یکی یا همه راویان آن واجد تمام یا بعضی شرایط لازم برای راوی نباشند و توثیق هم نشده باشند، خبر ضعیف حجت نیست مگر اینکه مشهور باشد و در این صورت آن را مقبول گویند و حجت دارد.

۳۹۸- گزینه ۲ صحیح است. در اجماع محصل مجتهد درصدد تحقیق و بررسی آراء و فتاوی علمای برای یافتن اتفاق علما در خصوص مسأله ای است. مجتهدی که درصدد تحقیق و بررسی مسأله یا مسائلی است، با بررسی آراء و فتاوی علمای دیگر اتفاق علماء را در آن مسأله دریابد، هرچند به کمک قرائن باشد. مثلاً هرگاه برخی اشاره به وجود اجماع کرده باشند و مجتهد محقق با این سابقه به تحقق اتفاق آرا و اجماع پی ببرد، چنین طریقه ای را تحصیل اجماع و اجماع تحصیل شده را اجماع محصل خوانند.

۳۹۹- گزینه ۲ صحیح است. در روایت آمده است، اگر وصی غایب باشد نمی تواند وصایت را رد کند، بدین علت که موصی از آن بی خبر است و نمی تواند دیگری را برگزیند، فقهای امامیه موردی را هم که رد وصایت به موصی ابلاغ شود ولی او امکان برگزیدن وصی دیگر را نداشته باشد به مورد روایت ملحق ساخته اند. این امر بیانگر قیاس منصوص العله است.

در این قیاس علت بصورت صریح و منصوص است، عبارت ((بدین علت که موصی از آن بی خبر است)).

۴۰۰- گزینه ۳ صحیح است. هرگاه تشخیص دهیم که علت پاره ای از جرائم، نابسامانی های مالی و اقتصادی است، پس وضع بد مالی علت و مقدمه و جرم دزدی مثلاً معلول و ذی المقدمه باشد، بیانگر وابستگی ذی المقدمه به مقدمه بر مبنای مقتضی است. مقدمه

عقلی، یعنی مبنای وابستگی ذی المقدمه به مقدمه به حکم عقل است مانند قضیه مطروحه در سؤال اما گاهی اوقات مبنای وابستگی ذی المقدمه به مقدمه، شرع(مقدمه شرعی)، قانون(مقدمه قانونی) عرف(مقدمه عرفی یا عادی) است.

۴۰۱- گزینه ۱ صحیح است. هرگاه ارتباط بین دو چیز جعلی و قراردادی از ناحیه شارع یا قانونگذار باشد، به این مقدمه اصطلاحاً علامت گویند. هرگاه ارتباط بین دو چیز طبیعی یا عقلی باشد، آنها را علت و معلول گویند، مثلاً قرابت و نفقه، یا قرابت نزدیک و حرمت نکاح یا قرابت و ارث. و هرگاه ارتباط بین دو چیز جعلی و قراردادی از ناحیه شارع یا قانونگذار باشد، مقدمه را علامت گویند، مثل ارتباط بین حلول وقت و صحت نماز، رو به قبله ایستادن برای اقامه نماز.

۴۰۲- گزینه ۲ صحیح است. مقدمه علم، باعث علم نسبت به ذی المقدمه می گردد مانند مسأله مطروحه در طرح سؤال.

۴۰۳- گزینه ۱ صحیح است. عبارت العله تعمّم بیانگر قیاس است.

العله تُعمّم، یعنی گاهی علت، حکم را تعمیم می دهد، از آنجائیکه در قیاس، حکم مسأله ایکه روشن است، به مسأله ایکه حکم مشخص ندارد سرایت می کند، که این سرایت مشروط به اشتراک در علت است، پس از آنچه که سبب تسری حکم اصل(مقیس علیه) به فرع(مقیس) می شود، علت است، لذا علت مشترک باعث سرایت و تعمیم حکم می شود.

۴۰۴- گزینه ۲ صحیح است. نقل و حکایت سنت را خبر گویند. سنت عبارت است از قول یا فعل یا تقریر معصوم(ع) در امور دینی، نقل و حکایت سنت را روایت، حدیث و خبر گویند.

۴۰۵- گزینه ۳ صحیح است. حجیت خبر واحد ظنی است یعنی اولاً احتمال خلاف دارد. ثانیاً حجیت آن نیاز به دلیل خاص دارد که همانا تاییدیا عدم رد شارع است. اما حجیت قرآن و خبر متواتر قطعی است.

۴۰۶- گزینه ۴ صحیح است.

۴۰۷- گزینه ۳ صحیح است. صدور و نزول قرآن یک امر حتمی و قطعی است (قطعی الصدور)، اما لزوماً همه آیات قرآن منصوص نیستند، برخی آیات ظهور در یک معنای قوی دارند (ظاهر) برخی مجمل اند و حتی برخی مؤول هستند، که در مجموع می توانیم بگوئیم که قرآن ظنی الدلاله است.

۴۰۸- گزینه ۴ صحیح است. راوی خبر واحد، باید شرایطی از قبیل بلوغ، عقل، اسلام، ایمان، وثوق، طهارت مولد و ضبط را داشته باشد. که البته اگر راوی تمام شرایط فوق را داشته باشد، به آن خبر، خبر صحیح گویند.

۴۰۹- گزینه ۲ صحیح است. خبر موثق یا قوی آنست که راوی شیعه دوازده امامی نیست (فقد ایمان) اما مورد اطمینان و وثوق فقهای امامیه است. این خبر از اقسام خبر واحد است و دارای حجیت می باشد (حجیت ظنی)

۴۱۰- گزینه ۱ صحیح است. آیه نباء، به همراه آیه نفر و آیه کتمان در اثبات حجیت خبر واحد مورد استناد قرار گرفته.

۴۱۱- گزینه ۲ صحیح است. خبر حسن از اقسام خبر واحد است که راوی شیعه دوازده امامی است (ایمان) اما مورد اطمینان و وثوق فقهای امامیه نیست (عدم وثوق) اما این خبر حجیت دارد.

۴۱۲- گزینه ۴ صحیح است.

۴۱۳- گزینه ۴ صحیح است. اجماع دارای حجیت ظنی است، یعنی بخودی خود حجیت نداشته و نیاز به دلیل خاصی دارد، و آن کاشفیت از رأی و قول معصوم (ع) است، که طرق کشف آن روش حدسی، روش وجوب لطف و اتفاق امت است، و مقوله ای بنام اجماع سکوتی نداریم.

۴۱۴- گزینه ۲ صحیح است. حقوقدانان در بیان قیاس از واژه وحدت ملاک استفاده می کنند، بدین ترتیب اگر علت در قیاس منصوص باشد (منصوص العله) به این وحدت ملاک، وحدت طریق گویند، و اگر قیاس از روی علت غیر منصوص (استنباطی) باشد به آن تخریج مناط تعبیر می کنند.

۴۱۵- گزینه ۳ صحیح است. اصولاً مقدمه یا شرط مقدم بر ذی المقدمه یا مشروط است (شرط متقدم) اما استثنائاً گاهی این امکان وجود دارد که شرط متأخر باشد، مانند اجازه مالک در معامله فضولی یا اجازه مکره بعد از زوال اکراره.

۴۱۶- گزینه ۴ صحیح است.

۴۱۷- گزینه ۱ صحیح است. مانند عقد وقف که در آن قبض شرط (مقدمه) صحت است.

۴۱۸- گزینه ۳ صحیح است. قرآن فقط از جهت صدور حجتی قطعی است (قرآن قطعی الصدور است) اما این در حالی است که از جهت آیات و دلالات آن لزوماً قطعی نیست، زیرا برخی آیات قرآن نص (قطعی)، برخی ظاهر (ظواهر قرآن) که ظن است و برخی مجمل و موول هستند، لذا به همین خاطر می گویند، عموماً آیات قرآن ظنی الدلاله هستند، با این توضیح که قرآن دارای آیات ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید، مجمل و مبین، محکم و متشابه، عام و خاص است و خبر متواتر، سنت، اجماع و عقل قدرت تخصیص و نسخ قرآن را دارند، ولی خبر واحد فقط قدرت تخصیص قرآن را دارد.

۴۱۹- گزینه ۲ صحیح است.

۴۲۰- گزینه ۳ صحیح است. سبب مقدمه ای است که به تنهایی در ذی المقدمه تأثیر ندارد و نیاز به عوامل دیگری چه سلبی و چه ایجابی دارد.

۴۲۱- گزینه ۲ صحیح است. اقسام خبر واحد عبارتند از: خبر صحیح، راوی تمام شرایط شش گانه راوی خبر را داشته باشد، خبر حسن، راوی شیعه دوازده امامی است یعنی ایمان دارد اما مورد اعتماد و وثوق فقها امامیه نیست یعنی عدم توثیق. خبر موثق یا قوی، راوی شیعه دوازده امامی نیست (عدم ایمان) اما مورد اعتماد و وثوق فقهای امامی است (موثق) یا قوی این سه نوع خبر واحد دارای حجت هستند، خبر ضعیف، راوی شیعه دوازده امامی نیست (عدم ایمان) و مورد اطمینان فقهاء امامیه نیز نیست (عدم توثیق)، که این خبر واحد حجت نیست، اما گاهی ممکن است همین خبر مشهود باشد که به آن خبر مقبول گویند که دارای حجت است.

۴۲۲- گزینه ۲ صحیح است. استلزامات عقلی، یعنی امری عقلاً یا شرعاً مستلزم وجود و تحقق امر دیگری است، که بحث مقدمه واجب و بحث اذن در شیء از مصادیق آن می باشند، اما مستقلات عقلی یا غیراستلزامات عقلی، امری هستند که عقل به تنهایی و بدون کمک شرع قادر به تشخیص خوب (حسن) و بدی (قبح) آن می باشد، (حسن و قبح عقلی افعال) که دلیل عقلی، بناء عقلا یا قاعده تلازم بین عقل و شرع از مصادیق آن است.

۴۲۳- گزینه ۱ صحیح است. مقدمه نفوذ، مقدمه ای است که در تحقق یا انجام ذی المقدمه مؤثر است.

۴۲۴- گزینه ۲ صحیح است. مخارج تسلیم مبیع، در اجرای عقد بیع تأثیر دارد.

۴۲۵- گزینه ۳ صحیح است. یکی مباحث مهم استلزامات عقلی، بحث مقدمه واجب است که به موجب آن می گوئیم عقلاً، شرعاً، عرفاً و قانوناً مقدمه واجب، واجب است، یعنی برای انجام و تحقق ذی المقدمه وجود و تحقق مقدمه لازم و ضروری است، مانند مسأله مطروحه در طرح سوال، که مقدمه انتقال ملک از طریق سند رسمی توسط وکیل نیز این است که وکالت باید همراه با وکالتنامه رسمی باشد.

۴۲۶- گزینه ۲ صحیح است. مقدمه سبب، مقدمه ای است که زمانی در ذی المقدمه تأثیر گذار است که شرایط و مقدمات یا اسباب یا سبب دیگر وجود داشته باشد. یا خالی از مانع یا موانع باشد.

۴۲۷- گزینه ۱ صحیح است. هرگاه اذن به امری دهیم، این اذن شامل تبعات و لوازم آن نیز هست، پس اگر در قانون اجازه ساخت و تولید داروهایی شود که از مواد مخدر مثل تریاک بهره می گیرند، این امر مستلزم کشت گیاه خشخاش یا شاهدانه است.

۴۲۸- گزینه ۴ صحیح است. قبض شرط صحت عقد رهن و کلاً در عقود عین، قبض شرط تحقق و صحت است.

۴۲۹- گزینه ۳ صحیح است. یکی از مصادیق استلزامات عقلی، اذن در شی اذن در لوازم آنست، می باشد که به موجب آن هرگاه فردی موافق به انجام امری یا تعهدی است، عقلاً باید مقدمات اجرای آن را نیز فراهم کند، وقتی که در عقد اجاره، موجر اذن تملیک منفعت

را به مستاجر داده، باید مقدمات این انتفاع را نیز فراهم نماید، که یکی از این تمهیدات، مهیا کردن عین مستاجره، جهت انتفاع مستاجر است که تعمیرات اساسی نمونه بارز آنست. ۴۳۰- گزینه ۲ صحیح است. وحدت ملاک، یعنی اشتراک در علت تشریح که مهمترین رکن و دلیل، در سرایت حکم اصل (مقیس علیه) به فرع (مقیس) است. یعنی زمانی می توانیم حکم مسأله ای را که مشخص است (اصل یا مقیس علیه) به مسأله ای که حکم مشخصی ندارد (مالا نص فیه- فرع یا مقیس) سرایت دهیم که یک قدر مشترک قوی بین آنها وجود داشته باشد، که همانا اشتراک در علت است، به همین خاطر اغلب حقوقدانان قیاس را تحت عنوان وحدت ملاک می شناسند، که البته این اصطلاح در فقه چندان شناخته شده نیست.

۴۳۱- گزینه ۳ صحیح است. مقدمه قانونی یعنی قانونگذار یک امری را مقدمه امر دیگر قرار دهد، یا به عبارتی مبنای وابستگی ذی المقدمه به مقدمه بنا بر اراده قانونگذار باشد. ۴۳۲- گزینه ۲ صحیح است. مقدمه علم، یعنی مقدمه ای که باعث علم و اطلاع نسبت به ذی المقدمه می گردد، استعلام از نظر کارشناس باعث اطلاع و علم قاضی نسبت به ما وقع می شود، گرچه نظریه کارشناس صرفاً یک قرینه و اماره است. ۴۳۳- گزینه ۴ صحیح است. سبب، مقدمه ای است که به تنهایی در ایجاد ذی المقدمه کافی نیست، بلکه نیازمند به شرایط یا اتفاقات دیگر است.

۴۳۴- گزینه ۲ صحیح است. اینکه موجودیت مال جهت استرداد به مالک آن مستلزم حفاظت و نگهداری از مال است، یک استلزام عقلی یا غیر مستقلات عقلی است، که یکی از مصادیق مهم استلزامات عقلی، بحث مقدمه واجب است (مقدمه واجب، واجب است). چون موجودیت مال ذی المقدمه ای است که وابسته به حفاظت و نگهداری (مقدمه) است. ۴۳۵- گزینه ۳ صحیح است. عقلاً برای حضور در دادگاه مستلزم پرداخت هزینه آمد و رفت است که بیانگر یک مقدمه عقلی است.

۴۳۶- گزینه ۱ صحیح است. سه ذریع، یعنی مقدمه حرام، حرام است. (هر چیزی که می تواند مقدمه یک فعل حرام قرار گیرد حرام است) فقه امامیه سه ذریع را به طور مطلق

نمی پذیرد، بلکه در سه حالت استثنائاً مقدمه حرام را حرام می داند، یکی اینکه قطعاً بدانیم که آن مقدمه منجر به فعل حرام می شود و دیگر اینکه آن مقدمه خود مستقلاً جرم باشد و یا اینکه آن مقدمه از اسباب معاونت در جرم باشد (مانند مسأله مطروحه در طرح سوال).

۴۳۷- گزینه ۳ صحیح است. مقدمه وجودی مبین مقدمه ای است که برای تحقق یا انجام ذی المقدمه لازم و ضروری است، مانند طرح سوال که برای تحقق و انجام تسلیم که از توابع عقد بیع است، مستلزم وجود هزینه و مخارجی است.

۴۳۸- گزینه ۴ صحیح است. مقدمه نفوذ، یعنی مقدمه یا شرطی که باعث تنفیذ شدن ذی المقدمه یا مشروط گردد که در اینجا اجازه مالک یا نماینده قانونی یا وکیل وی باعث نفوذ یا تأیید معامله می گردد.

فصل هفتم: امارات

۴۳۹- گزینه ۱ صحیح است. اصل عدم از جمله اصول عملیه است که یک دلیل فقهاتی است ولی ید از اماره است و یک دلیل اجتهادی ظن آور است، اصل (اصول عملیه) صرفاً رافع شک و تردید و در جهت رفع بلا تکلیفی است، اما اماره گرچه یقین ایجاد نمی کند، بلکه برای مکلف ایجاد ظن می کند و کاشف حکم واقع (حکم واقعی) نوعاً و بطور ظنی است. پس در تقابل اصل عدم بعنوان یکی از اصول عملیه و قاعده ید اماره که در واقع تعارض بین دلیل اجتهادی (ید) و یک دلیل فقهاتی (اصل عدم) است، ترجیح و اولویت با ادله اجتهادی یعنی قاعده ید است، پس خلاف قاعده ید در اینجا، اصل عدم است و باید ثابت شود.

۴۴۰- گزینه ۱ صحیح است. دلیل و اماره بعنوان ادله اجتهادی، کاشف حکم واقعی هستند (کاشفیت دارند) ولی با این تفاوت که دلیل، بطور قطع و ذاتاً کاشف از واقع است، به عبارتی دلیل مثبت حکم بطور یقینی است و آنچه که کشف نموده احتمال خلاف ندارد، اما اماره بطور ظن و نوعاً کشف از واقع است و بطور ظن مثبت حکم و موضوع است و آنچه را که کشف نموده، احتمال خلاف دارد.

۴۴۱- گزینه ۲ صحیح است. حجیت اماره ید، چون مستند به حدیث و قاعده سوق (بازار) مسلمین می باشد از باب ظن خاص است، ظن خاص یعنی ظن که دلیل خاصی بر حجیت آن وارد شده است.

۴۴۲- گزینه ۳ صحیح است. علم اجمالی، یعنی فرد نسبت به تمام اطراف موضوع لازم نیست علم داشته باشد، بلکه همین که تا حدودی رفع اجمال و ابهام نماید کافی است. که اصطلاحاً به آن علم اجمالی گویند.

۴۴۳- گزینه ۴ صحیح است. زیرا در اینجا مستند رأی فقهاء معلوم است.

۴۴۴- گزینه ۴ صحیح است. عرف دارای حجیت ظنی است، البته اگر آن عرف مطرد (غالب باشد) و مغایر با قانون آمره نباشد و طرفین برخلاف آن توافق نکرده باشند و همزمان با آن واقعه یا عمل حقوقی باشد، همانطوریکه می دانیم عرف در تشخیص و

تفسیر موضوع دارای حجیت است، البته عرف جنبه تمکیل نیز دارد، و آن زمانی است طرفین موضوعی را که باید در قرارداد یا در روابط خود ذکر می کردند، ذکر نکنند، عرف در تکمیل اراده طرفین ظاهر شده، و بعنوان عرف مکمل عمل می کند.

۴۴۵- گزینه ۳ صحیح است. برای عرف بعنوان یک ادله محسوب شود، آن هم برای تشخیص، تفسیر یک موضوع یا تکمیل اراده طرفین باید دارای شرایطی باشد از جمله، عرف باید مطرد باشد، یعنی عرف زمانی حجیت دارد که مبتنی بر رفتار اکثریت است، و همچنین عرف باید همزمان با موضوع باشد، نه سابق بر موضوع و نه لاحق بر آن، از طرفی دیگر، عرفی حجیت دارد که با نص شرعی یا قانونی، خصوصاً قانون امری مخالفت نداشته باشد.

۴۴۶- گزینه ۲ صحیح است. دلیل فقاهتی، به ادله ای گویند که کاشف از حکم واقعی نیستند (کاشفیت ندارد)، بلکه رافع شک و تردید و در جهت رفع بلا تکلیفی است، اصول عملیه مؤید دلیل فقاهتی است، اگر چه کاشفیت ندارد ولی دارای حجیت است، البته زمانی ادله اجتهادی (دلیل و اماره) نداشته باشیم، به سراغ اصول عملیه می رویم، منتهی اصل فقط مثبت لوازم قانونی و شرعی حکم یا موضوعی است که اثبات کرده، و از اثبات لوازم عقلی و عرفی حکم خود ناتوان است، به همین خاطر می گوئیم اصل مثبت حجیت نیست.

۴۴۷- گزینه ۱ صحیح است. حکم واقعی یا حکم واقعی اولیه یا حکم اولیه، حکمی است که شارع یا قانونگذار با قطع نظر از علم و جهل مکلف (حکم ظاهری) و وضعیت فوق العاده یا خاص وی (حکم اضطراری یا ثانوی) برای مسأله تعیین می نماید.

۴۴۸- گزینه ۳ صحیح است. دلیل اجتهادی کاشف حکم واقعی است؛ به همین خاطر به دلیل و اماره از انجائیکه کاشف حکم واقعی هستند (کاشفیت دارند) ادله اجتهادی گویند منتهی دلیل بطور قطع و ذاتاً کاشف از واقع است ولی اماره نوعاً و غالباً کاشف حکم واقعی است و جنبه کاشفیت ظنی دارد، اما اصول عملیه که بیانگر حکم ظاهری هستند چون صرفاً رافع شک و تردید نسبت به حکم واقعی هستند (رافعیت) دارند و بعنوان دلیل فقاهتی معروف هستند.

۴۴۹- گزینه ۱ صحیح است. اماره از جمله ادله اجتهادی است که کاشف از واقع (کاشف حکم واقعی) است، اما نه بطور قطع بلکه به صورت ظن که مبتنی بر اکثریت و غلبه است. به همین خاطر می‌گوییم که اماره بطور ظن یا غالباً یا نوعاً کاشف از واقع است (کاشفیت دارد).

۴۵۰- گزینه ۲ صحیح است. سیره یا بنای متشرعه یعنی رفتاری که در بین مسلمانان رایج و متداول است که حجیت این ادله ظنی است، یعنی نیاز به دلیل خاص دارد که این دلیل خاص عدم ردع شارع است. یعنی در حجیت آن صرف عدم رد یا عدم انکار کفایت می‌کند، اما این در حالی است که بنای عقلاء یا سیره عقلاء رفتاری است که از جانب عقلاء و خردمندان انجام می‌شود صرفنظر از دین و مذهب آنها؛ این ادله نیز دارای حجیت ظنی است، یعنی بخودی خود حجیت نداشته و نیاز به دلیل خاص دارد که این دلیل خاص نه تنها عدم ردع شارع را نیاز دارد بلکه باید مورد تأیید شارع نیز واقع گردد.

۴۵۱- گزینه ۱ صحیح است. چون اصول عملیه رافعییت دارد نه کاشفیت، پس در مرتبه ای پایین تر از اماره است که کاشفیت دارد (کاشف حکم واقعی است)

۴۵۲- گزینه ۴ صحیح است. ظن مطلق دلیل خاصی بر حجیت آن وارد نشده و به کمک قرائن و اوضاع و احوال قابل کشف است.

۴۵۳- گزینه ۱ صحیح است. اماره غالباً مفید ظن است و مبنای حجیت آن کشف ظنی از واقع است. امره دلیلی (ادله ای) است که مثبت حکم وضعی یا موضوعی از موضوعات احکام تکلیفی باشد و به لحاظ کشف از واقع حجت شناخته شده باشد، مانند اماره ید که مثبت مالکیت و مبتنی بر غلبه است، زیرا غالباً بیشتر متصرفین مالک هستند، لذا اماره غالباً و نوعاً کاشف از واقع است، ولی چون بطور قطع کاشفیت ندارد و احتمال خلاف در آن وجود دارد، لذا ظنی است.

۴۵۴- گزینه ۱ صحیح است. ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی مقرر می‌دارد: ((زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی نماید)) اما در ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی چنین آمده: ((اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن

باشد، زن می تواند مسکن علیحده اختیار کند به ترتیب بیانگر حکم اولی و حکم ثانوی هستند.

حکم اولی یا واقعی، حکمی است که شارع یا قانونگذار با قطع نظر از علم و جهل مکلف یا وضعیت خاص او برای مسأله ای تعیین می نماید، اما این در حالی است که حکم ثانوی یا اضطراری یا واقعی ثانوی، حکمی است که شارع یا قانونگذار در وضعیت خاص یا اضطراری صادر می کند که موقتی و بر خلاف حکم واقعی اولی است، که تقدم نیز به حکم واقعی ثانوی یا اضطراری است، پس حکم ماده ۱۱۱۴ یک حکم واقعی اولی و حکم ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی یک ثانوی است.

۴۵۵- گزینه ۲ صحیح است. گزینه ۲ اماره قضایی است یعنی اوضاع و احوالی است که از نظر قضایی دلالت بر امری می نماید. اما این در حالی است که سایر گزینه ها اماره قانونی هستند. یعنی اوضاع و احوالی که از نظر قانونگذار دلالت بر امری می نمایند.

۴۵۶- گزینه ۲ صحیح است. دلیل به معنای اخص یعنی دلیل یا ادله ای که موجب قطع و یقین است اما دلیل به معنای اعم یعنی ادله که می تواند شامل دلیل یقین آور یا اماره یا حتی اصول باشد. در گزینه ۲ سندیت دلالت بر دلیل قطعی و یقینی یا دلیل در معنای خاص است.

۴۵۷- گزینه ۳ صحیح است. حکم واقعی اولی، حکمی است که شارع یا قانونگذار در حالت عادی با قطع نظر از وضعیت خاص و اضطراری و جهل مکلف صادر می کند، اما این در حالی است که حکم واقعی ثانوی یا اضطراری، صدور حکم در وضعیت خاص است، مانند مسأله مطروحه در سوال .

۴۵۸- گزینه ۲ صحیح است. ابلاغ در خصوص اینکه، قاضی قطع و یقین پیدا کند که خواننده از دعوی و وقت رسیدگی مطلع بوده یا غیر، موضوعیت دارد، یعنی تنها راه برای حصول یقین است، که اگر برای قاضی یقین حاصل نشود(هر ابلاغی به غیر از ابلاغ واقعی)، حکم غیابی (قابل واخواهی) صادر می شود.

۴۵۹- گزینه ۴ صحیح است. همانطوری که می دانیم، بین ادله (دلیل در معنای عام) سلسله مراتب وجود دارد، دلیل مبتنی بر قطع و یقین است، اماره مبتنی بر ظن

است(احتمال خلاف دارد) و اصل، کاشفیت نداشته، بلکه در زمان کشف و تردید جهت رفع شک و حیرت بکار می رود. لذا به ترتیب تقدم با دلیل، اماره و اصل است. لذا اماره قدرت معارضه در مقابل دلیل را ندارد، و اصل در مقابل اماره تاب مقاومت ندارد و محکوم به رد است، لذا می گوئیم زمانی به اصول عملیه رجوع می کنیم که اماره ای وجود نداشته باشد، برای توجیه این واقعیت فقهاء گفته اند: الاصل دلیلٌ حیث لا دلیل. اصل زمانی دلیل محسوب می شود و حجیت دارد که دلیل دیگری (اماره) وجود نداشته باشد.

۴۶۰- گزینه ۳ صحیح است. حکم واقعی یا حکم اولی یا حکم غیراستثنائی، حکمی است که شارع یا قانونگذار برای مسأله ای تعیین می کند با قطع نظر از وضعیت خاص یا استثنائی یا علم و جهل مکلف، قسمت اول ماده ۱۵۷ قانون مجازات اسلامی یک حکم واقعی است ولی در قسمت اخیر ماده ۱۵۷، استثنائی قائل شده که یک حکم اضطراری، ثانوی و استثنائی.

۴۶۱- گزینه ۳ صحیح است.

۴۶۲- گزینه ۲ صحیح است. حکم ماده ۱۱۵۸ بیانگر قاعده فراش و مبین اصل تأخر حادث بوده که یک حکم ظاهری و مبتنی بر اصول عملیه است اما حکم مندرج در ماده ۳۲۸ قانون مدنی یک حکم واقعی است.

۴۶۳- گزینه ۳ صحیح است. گزینه ۳ مبتنی بر حکم ماده ۲۶۵ قانون آ.د.م یک اماره قضایی است، یعنی اوضاع و احوالی که از نظر قاضی دلیل بر امری است، اما احکام مندرج در گزینه های ۱، ۲ و ۴ اماره قانونی است، یعنی اوضاع و احوالی که از نظر قانونگذار دلیل بر امری است.

۴۶۴- گزینه ۳ صحیح است. تعمیر مجری آب که از ملک دیگری عبور می کند، برای صاحب حق(حق ارتفاق) این حق را ایجاد می کند تا وارد ملک غیر شود، زیرا این اقدام مستلزم ورود به ملک غیر است. به همین خاطر می گوئیم، اذن در شیء(امری) اذن در لوازم آنست.

۴۶۵- گزینه ۴ صحیح است. از آنجائی که حکم ثانوی یا استثنائی، که استثنائی بر حکم واقعی یا اولی است، در شرایط اضطراری و موقتی حادث می شود، لذا تا زمانیکه شرایط و

حالت اضطراری مستقر است حکم ثانوی یا استثنائی مقدم بر حکم اولی یا واقعی یا غیراستثنائی است.

۴۶۶- گزینه ۴ صحیح است. قسمت اول ماده یک حکم کلی با صرف نظر از وضعیت و شرایط غیرعادی را مطرح می کند که غیراستثنائی است و قسمت دوم استثنائی بر حکم اولی است که بیانگر حکم ثانوی یا اضطراری است.

۴۶۷- گزینه ۳ صحیح است.

۴۶۸- گزینه ۴ صحیح است. اماره به عنوان یک دلیل اجتهادی و کاشف حکم واقعی است (کاشفیت دارد) اما اصل (اصول عملیه) کاشفیت ندارد، بلکه رافعیت دارد (رافع شک و تردید است)

۴۶۹- گزینه ۲ صحیح است. اصل (اصول عملیه) یک دلیل فقهاتی است که از طریق صدور حکم ظاهری رافع شک و تردید نسبت به حکم واقعی است.

۴۷۰- گزینه ۱ صحیح است. به پاسخ سؤال ۵۰۶ رجوع کنید.

۴۷۱- گزینه ۱ صحیح است. مقدمه قانونی یعنی هرگاه قانونگذار امری را مقدمه امر دیگری قرار دهد.

۴۷۲- گزینه ۲ صحیح است. گاهی امکان دارد مقدمه یا شرط بعد از مشروط یا ذی المقدمه باشد (شرط متأخر و مشروط متقدم) مانند اجازه مالک در معامله فضولی که شرط تنفیذ چنین معامله ای است.

۴۷۳- گزینه ۴ صحیح است.

۴۷۴- گزینه ۱ صحیح است.

۴۷۵- گزینه ۲ صحیح است.

فصل هشتم: اصول عملیه

۴۷۶- گزینه ۴ صحیح است. اصول عملیه ، ادله ایست که کاشفیت ندارد(کاشف حکم واقعی نیست) بلکه رافعییت دارد، یعنی رافع شک و تردید نسبت به حکم واقعی از طریق صدور حکم ظاهری است، چرا که حکم ظاهری زمانی است که مکلف نسبت به حکم واقعی جهل، شک، تردید و حیرت داشته که با توسل به اصول عملیه(اصل برائت ، اصل تخییر، اصل احتیاط، اصل استصحاب و) می تواند از این جهل و تردید رهایی یابد، البته رهاشدن از یک شک و حیرت به منزله نیل به ظن یا یقین نیست، بلکه صرفاً مکلف را از بلا تکلیفی خارج می سازد، به همین خاطر است که به اصول عملیه ادله فقهاتی گویند، چون کاشفیت نداشته، بلکه رافعییت دارد، و در عوض دلیل و اماره که کاشفیت دارند، تحت عنوان ادله اجتهادی معروف هستند. پس اصول عملیه بعنوان ادله فقهاتی زمانی کاربرد دارد، که ادله اجتهادی(دلیل و اماره) نداشته باشیم. بنابر این می توان گفت که اگر با استفاده از دلایل اجتهادی حکم واقعی را پیدا کنیم. بر مبنای اصول عملیه می توان حکم قضیه را استخراج نمود.

۴۷۷- گزینه ۱ صحیح است. شبهه موضوعیه یا جهل موضوعی یعنی شک و تردید و شبهه درباره موضوعی خارجی باشد و در نتیجه حکم جزئی آن موضوع مورد حیرت قرار گیرد، به عبارتی در شبهه موضوعی، حکم کلی مسأله معلوم است(نسبت به حکم شبهه ای نداریم) اما شک در این است که آیا مورد خاص مورد نظر مشمول همان حکم کلی است یا خارج موضوع است، لذا حکم جزئی مشکوک می شود. پس علت پیدایش شبهای موضوعی اشتباه در امور خارجی است، مثلاً در طرح سؤال مطروحه، شک در یک امر خارجی(زنده شدن یا زنده متولد نشدن) در اینجا حکم زنده متولد شدن یا زنده متولد نشدن را می دانیم، اما شک و جهل ما نسبت به موضوعی است که نمی دانیم که جزء موضوعات حکم حیات است یا عدم حیات.

۴۷۸- گزینه ۴ صحیح است. در اصل عملی استصحاب حالت سابق مورد توجه قرار می گیرد، به عبارتی در استصحاب بر اساس حالت سابق یقینی که در زمان حال مورد شک

واقع گردید، عمل می کنیم و حالت سابقه را ابقاء کرده (ابقاء ماکان) به همین خاطر در استصحاب می گوئیم چون فلان موقع یقیناً وجود نداشته پس الان نیز وجود ندارد (استصحاب عدمی). پس در استصحاب حتماً باید یک حالت سابق یقینی وجود داشته باشد، اما این در حالی است که در سایر اصول عملیه حالت سابق یقینی وجود ندارد و تا حدودی می توان گفت شک بدوی است، به همین خاطر استصحاب بر سایر اصول عملیه ترجیح داشته و مقدم است، زیرا در استصحاب یک طرف یقین است و با ابزار یقین شک را از بین می بریم (استصحاب عرش الاصول است) اما در سایر اصول عملیه تمام اطراف ما را شک و تردید در بر گرفته، که در این اصول ابتدا می رویم سراغ اصل احتیاط، که اگر امکان احتیاط وجود نداشته باشد، می رویم سراغ اصل برائت آنهم در شک در مکلف به، چرا که اصل تخییر، شک در نوع تکلیف است.

۴۷۹- گزینه ۳ صحیح است. در اصل عدم، اصل بر عدم حدوث امری است، به عبارتی مفاد و محتوی اصل عدم این است که هرگاه در حدوث و پیدایش امری شک و تردید شود و دلیلی بر اثبات وجود و تحقق آن نباشد. آنوقت اصل را بر عدم قرار می دهیم. البته شایان ذکر است که در استصحاب عدمی نیز، رأی بر عدم وجود امری می دهیم، اما تفاوت عمده آن با اصل عدم در این است که در استصحاب عدوی با توجه به حالت سابقه یقینی (یقین به عدم وجود چیزی در سابق) می گوئیم الان نیست. (چون فلان موقع نبوده پس الان نیز نیست) اما در اصل عدم حالت سابقه وجود ندارد. مانند قضیه ای که در طرح سؤال مطرح گردید علت اینکه قاضی نمی تواند بدون دلیل کافی حکم بر جلب یا احضار کسی را نماید، اصل بر عدم است که اصل برئت نیز مبتنی بر همین اصل توجیه می شود، به همین خاطر است که در اصل ۳۷ قانون اساسی آمده است که: ((اصل برائت است، مگر آنکه جرم فردی بموجب قانون در دادگاه صالحه اثبات گردد. از طرف دیگر مبنای اصل عدم، یک دلیل عقلی است، اما دلیل اصل برائت عقلی و شرعی است، گر چه قوت دلیل بیشتر است، پس می توان گفت که اصل عدم یک اصل عقلی است اما اصل برائت یک اصل عقلی و شرعی است.

۴۸۰- گزینه ۳ صحیح است. عقلاً اصل بر عدم وجود امری است (اصل عدم) در خصوص وجود حق ارتفاع یا عدم حق ارتفاق، اصل بر عدم ارتفاق است، زیرا در ماده ۹۹ قانون مدنی بر اذن صاحب ملک تاکید می کند، و چون حالت سابقه ای را نیز در اینجا مطرح نمی کند، پس استصحاب عدمی نیز در این حالت کاربرد ندارد.

۴۸۱- گزینه ۴ صحیح است. اصل احتیاط یا اشتغال در شک در مکلف به بدون وجود حالت سابقه یقینی اعمال می شود، شک در مکلف به، یعنی مکلف اصل تکلیف را می داند و همچنین یقین دارد که تکلیف متوجه اوست، ولی تردید دارد که مقدار یا وسعت یا اندازه تکلیف چقدر است، پس گزینه ۱ که می گوید اصل احتیاط در شک در تکلیف بکار می رود، نمی تواند صحیح باشد، با این توضیح که در دوران امر بین محذورین تخییر عقلی انجام می دهیم و همچنین تخییر در مورد تعارض دو اماره مخصوص مجتهد است.

۴۸۲- گزینه ۱ صحیح است. اصل مثبت حجت نیست. همانطوریکه می دانیم، اصول عملیه گرچه کاشفیت ندارند، و رافعییت دارند، اما در عین حال اگر دلیل و اماره ای در اختیار نباشد، به اصول عملیه رجوع می کنیم که در این حالت، اصل دارای حجیت است، اما اصول مثبت کلیه لوازم حکم و موضوعی را که اثبات کرده اند نیستند، بلکه فقط می تواند لوازم قانونی و شرعی حکم خود را اثبات نماید، و از عهده اثبات لوازم عقلی و عرفی ناتوان است، به همین خاطر می گوئیم که اصل مثبت حجیت نیست، که البته این عدم در لوازم عقلی و عرفی است. به عبارت دیگر، با اجرای اصول عملیه آثار شرعی و حقوقی چه آثار با واسطه و بی واسطه شرعی و قانونی، اثبات می شود، ولی اصول عملیه نمی تواند آثار عقلی و عادی حکم و موضوعی را اثبات کرده، اثبات کند، از این رو گفته اند اصل مثبت حجیت نیست.

۴۸۳- گزینه ۲ صحیح است. در اینجا علم اجمالی وجود دارد و شک در مکلف به از نوع امور متباین محصور است و اصل احتیاط جاری شده و در نتیجه همه مورد حکم قرار می گیرند و چون شبهه تحریمی است، همه را ترک می کنیم.

۴۸۴- گزینه ۲ صحیح است. اصل براءت و اصل عدم هر دو مبین یک امر عدمی است، که البته بین آنها تفاوت‌هایی وجود دارد که مهمترین آنها به قرار ذیل است، اصل براءت فقط در شک در توجه تکلیف به مکلف آنها بدون وجود حالت سابق یقینی است، اما اصل عدم در تمام امور عدمی اعم از حقوقی و غیرحقوقی، از جمله شک در توجه تکلیف به مکلف، کاربرد دارد، پس دایره اصل عدم و وسیعتر از اصل براءت است، به همین خاطر می‌گوئیم که نسبت منطقی بین اصل عدم و اصل براءت عموم و خصوص مطلق است، چرا که اصل عدم اعم از اصل براءت است، از طرفی اصل براءت یک اصل عقلی و شرعی است ولی اصل عدم یک اصل صرفاً عقلی است.

۴۸۵- گزینه ۳ صحیح است. تردید در مبلغ ثمن یا مبلغ دین یا مقدار، تردید در اقل و اکثر است و از نوع اقل و اکثر استقلالی (غیر ارتباطی) است، که در این حالت با اعمال اصل براءت در اکثر (اصل عدم زیاده) و اشتغال ذمه در اقل، می‌گوئیم در خصوص این سؤال در اختلاف بین مشتری و بایع در مبلغ و مقدار ثمن، مشتری مکلف است، در پرداخت مقدار کمتر، یعنی آن مقداری که خود ادعا می‌کند و در پرداخت مبلغ زائد بر آن بری می‌شود، پس در این حالت مکلف در مقدار کمتر ذمه او مشغول است (اشتغال ذمه در اقل) و نسبت به مازاد بر اقل یا مازاد بر قدر متیقن (اکثر) بری الذمه می‌شود.

۴۸۶- گزینه ۱ صحیح است. شبهه منظور در اینجا، یک شبهه در امور متباین غیرمحصور است، که محل اعمال اصل احتیاط نیست، چون باعث عسر و حرج می‌گردد که در این حالت به اصل براءت رجوع می‌کنیم و تکلیف به پرداخت دیه از افراد غیرمحصوری که در نزاع شرکت داشتند ساقط می‌شود و دیه مقتول از بیت المال پرداخت می‌شود.

۴۸۷- گزینه ۲ صحیح است. برای استصحاب ویژگیها و شرایطی را در نظر گرفته اند به عبارتی برای اینکه بتوانیم به استناد به اصل عملی استصحاب بر آنچه که یقین داریم عمل کنیم (عمل به آنچه مسبوق به یک سابقه یقینی است) شرایطی باید ملحوظ نظر قرار گیرد که عبارتند از: ۱- وجود شک و یقین ۲- تعدد زمان متیقن (موضوع یقین) و مشکوک (موضوع شک) یعنی موضوعی که نسبت به آن یقین داریم در گذشته اتفاق

افتاد(متیقن سابق) که در زمان حال نسبت به آن شک داریم(مشکوک لاحق) ۳- وحدت موضوع یقین(متیقن) و شک(مشکوک)، اگر چه زمان متیقن و مشکوک متعدد است ولی موضوع یقین(متیقن) و موضوع شک(مشکوک) یکی است، یعنی در مورد آنچه یقین داریم نسبت به آن در زمان حال شک داشته باشیم. ۴- فعلیت یقین و شک، یعنی یقین و شک نباید بالقوه و احتمالی باشد، بلکه باید بالفعل باشد. ۵- وحدت زمان یقین و شک، اگر چه موضوع یقین سابق است(متیقن سابق) اما یقین بر حالتی در سابق تعلق گرفته به همین خاطر می گوئیم یقین به سابق. بنابر این گزینه نمی تواند صحیح باشد زیرا گفته وحدت زمان متیقن و مشکوک که دارای تعدد زمانی است.

۴۸۸- گزینه ۴ صحیح است. همانطوریکه در خصوص پاسخ سؤال ۴۸۷ ملاحظه شد، یکی از ارکان مهم استصحاب وجود حالت سابق یقینی است، که این عنصر در سؤال مفقود است، پس نمی توان به اصل استصحاب در ابقاء طلب استناد کرد، از طرفی اصل عدم در اینجا از سوی طلبکار قابل استناد است و می تواند بدان استناد کند مشروط به وجود اصل طلب.

۴۸۹- گزینه ۱ صحیح است. استصحاب موضوعی در حالتی است که ثبوت موضوع حکم در زمان سابق یقینی بوده، که بقاء آن در زمان حال مورد تردید قرار گرفته باشد، در سؤال مطروحه در هر دو مورد تردید در موضوع زنده بودن یا حیات است که یک نوع استصحاب در موضوع است. شایان ذکر است که استصحاب حکمی زمانی است که ثبوت حکمی در زمان سابق یقینی و محقق بوده ولی بقای حکم برای همان موضوع در زمان حال مورد شک و تردید قرار گرفته باشد، البته در این مورد با استناد به اصل استصحاب باید حکم سابق را ابقاء نمود و بر اساس آن رفتار کرد.

۴۹۰- گزینه ۳ صحیح است. در خصوص تقابل و تعارض استصحاب با امارات و سایر اصول عملیه یک عبارت مشهور وجود دارد که گویای تقدم استصحاب بر سایر اصول عملیه و تقدم امارات بر استصحاب است و آن عبارت این است: ((استصحاب عرش الاصول و فرش الامارات است)). استصحاب بالاتر از اصول و پائین تر از امارات است،

بنابر این تمام امارات بر استصحاب مقدم هستند از جمله اماره قانونی و قضایی، همانطوریکه استصحاب بر تمام اصول عملیه ترجیح دارد از جمله اصل تخییر، اما در خصوص تقابل استصحاب و اصل صحت نکته مهم قابل ذکر است که اصل صحت، گاهی اماره است و آن زمانی است که در خصوص شرایط و اجزای صحت یک عمل حقوقی یا واقعه باشد که در این حالت بعنوان اماره بر استصحاب مقدم است (استصحاب فرش الامارات) ولی در موارد دیگر صحت یک اصل عملی است که در این حالت بعنوان یک اصل عملی از استصحاب پائین تر بود و استصحاب مقدم بر صحت است (استصحاب عرش الاصول)، به همین خاطر است که می گوئیم در تقابل صحت و استصحاب گاهی اوقات صحت بر استصحاب ترجیح دارد.

۴۹۱- گزینه ۴ صحیح است. هرگاه استصحاب در امری باعث جریان استصحاب در امر دیگری شود یا به عبارتی استصحاب در مسأله ای باعث رفع شک و تردید و بلا تکلیفی فرد در مسأله دیگری نیز شود، به استصحاب در مسأله اولی که موثر در رفع شک و تردید نسبت به مسأله دومی است، استصحاب سببی یا استصحاب در مسبب گویند و به مسأله دومی که تحت تأثیر استصحاب در مسأله اولی است، استصحاب مسببی یا استصحاب در مسبب گویند. از آنجائیکه استصحاب در سبب باعث جریان استصحاب در مسبب می گردد، لهذا بین این دو رابطه علیت یا سببیت وجود دارد، به همین دلیل است که استصحاب در مسبب (سببی) همواره مقدم بر استصحاب در سبب (مسببی) است.

۴۹۲- گزینه ۳ صحیح است. شک در رافعییت موجود، حالتی است که مستصحب (موضوع استصحاب) قابلیت بقاء و استمرار دارد و پیدایش امری نیز محرز و یقینی است، ولی شک و تردید داریم که آیا امر مزبور رافع مستصحب هست یا خیر؟ در خصوص سؤال مطروحه بایستی بگوئیم که اگر یقین داشته باشیم عقد نکاحی قبلاً بین زن و مردی وجود داشته، همچنین یقین داشته باشیم که طلاق بین آنها واقع شده ولی تردید کنیم که آیا آن طلاق بصورت صحیح واقع شده (در طهر غیر مواقعه بوده) یا اینکه بصورت صحیح واقع نشده (طلاق در طهر مواقعه) در این حالت اگر بخواهیم استصحاب کنیم، قاعدتاً باید

بگوئیم که به این شک توجه نکرده و بر بقاء حالت سابق (زوجیت) استصحاب می کنیم، در اینجا باید به این نکته توجه کنیم که تردید در صحت یا عدم صحت طلاق است که می توان به اصل صحت بعنوان اماره (در اینجا) رجوع کرد، و اصل را بر صحت وقوع طلاق قرار دهیم که در این حالت طلاق واقع شده و زوجیت به اتمام می رسد، به همین سبب که فقهاء و علما گفته اند که شک در رافعیّت موجود، حجیت ندارد و نمی توان بر اساس آن استصحاب کرد، پس در خصوص این سؤال باید اظهار نظر کرد که هرگاه بین زن و شوهر اختلاف شود بر سر اینکه در طهر واقعه انجام گرفته یا در طهر غیرواقعه، گر چه شک از موارد شک در رافعیّت موجود بوده ولی بر بقاء زوجیت استصحاب نکرده و با استناد به اصل صحت بعنوان یک اماره، اصل را بر صحت طلاق و در نتیجه حکم به پایان زوجیت دهیم.

۴۹۳- گزینه ۴ صحیح است. همانطوریکه می دانیم در استصحاب متیقن سابق و مشکوک لاحق است که در این حالت استصحاب کرده و یقین بر شک غالب شده و متیقن سابق را ابقاء نموده و بر اساس آن عمل می کنیم اما این در حالی است که در شک ساری (قاعده یقین) زمان متیقن و مشکوک یکی است (متیقن سابق و مشکوک سابق) یعنی نسبت به حدوث امری در سابق یقین داریم که نسبت به حدوث آن در سابق فعلاً شک داریم. که در این حالت شک لاحق به یقین سابق سرایت می کند. (شک ساری) از طرفی در استصحاب زمان شک و یقین یکی است اما در قاعده یقین که مبتنی بر شک ساری است زمان شک و یقین متعدد است (یقین سابق و شک لاحق)، گر چه در قاعده یقین، شک لاحق به یقین سابق سرایت می کند، اما سبب از بین رفتن یقین سابق نمی شود، بنابر این قاعده یقین به معنای حکم به بقاء سابق و از بین رفتن آن به سبب سرایت شک بعدی (لاحق) به آن است، پس می توان گفت قاعده یقین که در مواردی مطرح می شود که شک در زمان حال ایجاد شده به زمان گذشته راه یافته، به اساس یقین سابق سرایت کرده است، از این جهت، چنین شک را شک ساری گویند، بنابر این قاعده یقین همان شک ساری نیست، بلکه شک ساری (شک سرایت کننده به یقین) در قاعده یقین مورد بحث است و به عبارتی محل جریان قاعده یقین است نه اینکه مترادف و هم معنا با قاعده یقین مورد

بحث است و به عبارتی محل جریان قاعده یقین است نه اینکه مترادف و هم معنا با قاعده یقین یا همان قاعده یقین باشد.

۴۹۴- گزینه ۳ صحیح است. اگر تردید بین امور متباین تنجیزی باشد یعنی محدود (معدود) یا محصور باشند محل اعمال اصل احتیاط است. اما اگر این تردید مانع تنجیز گردد (نامحدود و یا غیرمحصور باشد) محل اعمال اصل براءت است.

۴۹۵- گزینه ۴ صحیح است. یکی از موارد کاربرد اصل تخییر (تخییر عقلی یا تکوینی) شک در نوع تکلیف یا شک بین وجوب و حرمت عملی است. که با اعمال تخییر عقلی جانب یکی را می گیریم البته با این شرط که حق عدول از تصمیم خود را نداریم، یعنی فقط یکبار حق اختیار یا انتخاب داریم. (تخییر بدوی)

۴۹۶- گزینه ۲ صحیح است. اصل براءت جنبه شرعی و عقلی دارد، در براءت شرعی که مبتنی بر قرآن، سنت و اجماع است مبنای رفع تکلیف، عدم آگاهی و عدم علم مکلف نسبت به حکم است (عدم العلم) اما مبنای براءت عقلی قاعده قبح عقاب بلا بیان است که مبتنی بر عدم بیان یا رفع عقاب است.

۴۹۷- گزینه ۳ صحیح است. در شبهه موضوعیه تحریمه محدود (تردید در امور متباین محصور) موجب تنجیز است (یعنی مانع تنجیز نیست) اصل احتیاط و در شبهه موضوعیه تحریمی غیر معدود (تردید در امور متباین تحریمی غیرمحصور) اصل براءت جاری است زیرا مانع تنجیز است.

۴۹۸- گزینه ۱ صحیح است. زیرا مبتنی بر عدم العلم یا جهل است.

۴۹۹- گزینه ۲ صحیح است. تراحم یعنی بین دو حکم که اجرای هر دو مطلوب است اما در موقع اجرا مکلف قادر به انجام هر دو نیست. در این حالت آنکه مهم تر است یا اهم (مطلوبتر) را بر مهم یا مطلوب تقدم و ترجیح می دهیم؛ که به استناد قاعده ترتب آنکه مرتبه اش برتر است انتخاب می شود.

۵۰۰- گزینه ۳ صحیح است. اقدام دادگاه در ابلاغ به خوانده براساس آدرس اعلامی از سوی خواهان در دادخواست، قطعی و یقینی نیست بلکه ظنی است، یعنی به احتمال قوی

یا اغلب آدرس و اقامتگاه اعلامی خواننده از سوی خواهان مقرون به صحت است و دادگاه براساس آن اقدام به ابلاغ اوراق قضایی برای خواننده می کند.

۵۰۱- گزینه ۴ صحیح است. این ماده بیانگر یک نوع واجب یا تکلیف تخییری است که مکلف در اینجا دادگاه را در انتخاب یک فرد از میان دو یا چند فرد مخیر می گرداند که اصطلاحاً به این حالت انتخاب فردی از میان افراد واجب مخیر اطلاق می گردد.

۵۰۲- گزینه ۳ صحیح است. هرگاه استصحاب در مسأله ای باعث رفع شک و تردید در مسأله ای دیگر شود به ترتیب استصحاب در مسأله اول را استصحاب سببی و استصحاب در مسأله دومی را استصحاب مسببی گویند؛ استصحاب راجع به صحت و سقم وکالت استصحاب سببی و استصحاب راجع به مالکیت مشتری استصحاب مسببی است. برای توضیح بیشتر به سؤال ۴۹۱ رجوع کنید.

۵۰۳- گزینه ۱ صحیح است، اصل برائت یکی از اصول عملیه است که در زمان شک و تردید در توجه تکلیف به مکلف کاربرد دارد، که با اعمال این اصل تکلیف از مکلف برداشته می شود، حدیث شریفه نبوی رفع که مواردی را از مکلف برمی دارد، که یکی از موارد نه گانه، جایی است که مکلف نسبت به حکم یا موضوعی جهل داشته باشد. ((مالایعلمون))

۵۰۴- گزینه ۲ صحیح است، در تراحم همه متزاحمین مطلوب شارع یا قانونگذار است، اما از انجائیکه امکان امتثال همه برای مکلف میسر نبوده، لذا بنابر قاعده ترتب و ترجیح اهم بر مهم، آنکه مطلوب تر است را بر مطلوب مقدم می داریم (اصل تخییر)

۵۰۵- گزینه ۴ صحیح است، استصحاب یعنی وجود یک حالت سابقه یقینی که در زمان حال مورد شک قرار گرفته، که در این حالت بر بقاء حالت سابق استصحاب می نمایم، و به شک لا حق توجهی نمی کنیم، لذا در این اصل شک نمی تواند یقین را نقض نماید.

۵۰۶- گزینه ۱ صحیح است. شک در مقتضی، یعنی شک در بقاء یا استعداد قابلیت چیزی که به این شک مثل سایر شک ها در اصل استصحاب توجه نکرده و بر بقاء آن مسأله که در سابق وجود داشته استصحاب می نمایم.

۵۰۷- گزینه ۱ صحیح است. در اینجا ابقاء ماکان می نمائیم، یعنی بقاء آنچه که بر وجودش در سابق یقین داریم (استقرار خیار غبن) که در زمان حاضر مورد شک قرار گرفته که یک استصحاب حکم وضعی است.

۵۰۸- گزینه ۳ صحیح است، هرگاه تردید در مکلف به، دوران بین اقل و اکثر باشد، در صورتی که اقل و اکثر ارتباطی یا غیر استقلالی باشند، در اینجا اصل احتیاط جاری شده و احتیاطاً جانب اکثر یا حداکثر را می گیریم.

۵۰۹- گزینه ۲ صحیح است. استصحاب برای رفع شک و تحیر و خروج از بلا تکلیفی در زمان حال است، نه استصحاب به گذشته (استصحاب قهقراپی) و نه استصحاب برای آینده (استصحاب استقبالی) هیچکدام حجیت ندارد.

۵۱۰- گزینه ۳ صحیح است. به پاسخ سؤال ۴۸۷ رجوع شود.

۵۱۱- گزینه ۲ صحیح است. استصحاب عرش الاصول و فرش الامارات است، به همین خاطر متقدمین استصحاب را اماره و متاخرین آن را اصل می نامند، اگر چه در عمل رعایت می شود، استصحاب را یک اصل عملی تلقی می کند.

۵۱۲- گزینه ۳ صحیح است. استصحاب وضعیت پدر از جهت مستمند بودن یا نبودن که یک استصحاب حکم وصفی است.

۵۱۳- گزینه ۲ صحیح است. اصل مثبت حجت نیست، زیرا بطور قطع نمی تواند مثبت آثار و لوازم عقلی و عرفی احکام یا موضوعاتی که ثابت کرده است، باشد. اصل مثبت حجت نیست و به عبارت دیگر اصل نمی تواند مثبت آثار و لوازم عقلی احکام یا موضوعاتی که ثابت کرده است، باشد. برای مثال هرگاه وجود غائب مفقود الاثر مورد شک و تردید باشد و وجود او را برای اثبات بقای زوجیت همسر او استصحاب کرده و زن او با مرد دیگری رابطه نامشروع برقرار سازد، نمی توان با توسل به اصل استصحاب به عنوان یکی از اصول عملیه، این عمل را رابطه داشتن با زن شوهردار و در نتیجه زنا محصنه تلقی نمود. برای توضیح بیشتر به پاسخ سؤال ۴۸۲ رجوع شود.

۵۱۴- گزینه ۱ صحیح است. در اینجا شک و تردید در بقاء یک امر (ازدواج) است که در بقاء آن یقین سابق وجود دارد، این شک از مصادیق شک در مقتضی است و به این شک توجه نکرده است و استصحاب بقاء زوجیت می کنیم، که نتیجه آن ازدواج دائم است مگر خلافش با امارات قطعیه ثابت شود.

۵۱۵- گزینه ۴ صحیح است. شخصی یقین دارد که هزار تومان به دیگری بدهکار بوده است و اکنون شک می کند که آن بدهی را پرداخته است یا خیر، تکلیف چیست؟ با استناد به اصل استصحاب، بر بقای دین حکم می کنیم. زیرا حالت سابقه یقینی (وجود دین) است و شک در پرداخت آن، محل اجرای استصحاب است، ابقاء ماکان، در نتیجه اصل را بر وجود دین یا عدم پرداخت آن قرار می دهیم.

۵۱۶- گزینه ۴ صحیح است. شک در توجه تکلیف به مکلف زمانی محل اجرای اصل براءت است که شک بدوی باشد، یعنی حالت سابقه یقینی وجود نداشته باشد ولی در غیر اینصورت با وجود حالت سابقه یقینی محل اجرای اصل استصحاب است.

۵۱۷- گزینه ۳ صحیح است. زیرا در وجود و نوع تکلیف علم وجود دارد ولی در حدود و اندازه آن (مکلف به) تردید است.

۵۱۸- گزینه ۲ صحیح است. به پاسخ سؤال ۴۸۹ رجوع کنید.

۵۱۹- گزینه ۳ صحیح است. شبهه حکمی و جویی تردید در حکم یک امر که واجب است یا واجب نیست. یا تردید داریم که حکم آن مسأله اینست که آیا آنرا انجام دهیم یا الزامی به انجام نداریم. به پاسخ سؤال ۴۷۷ رجوع کنید.

۵۲۰- گزینه ۱ صحیح است. یکی از موارد توجیه اصل براءت، قاعده عقلی قبح عقاب بلایبان است که فلسفه انتشار قانون را توجیه می نماید.

۵۲۱- گزینه ۴ صحیح است. چون در انتخاب یکی از دو تکلیف مختار است، (واجب

تخییری)

- ۵۲۲- گزینه ۳ صحیح است. در اقل و اکثر استقلالی که تردید در مبلغ دین از مصادیق آن است، در اقل اشتغال ذمه و در اکثر برائت ذمه، به همین خاطر مبلغ کمتر ملاک است و در پرداخت مبلغ بیشتر (مازاد بر اقل یا مازاد بر قدر متقین) بری خواهد شد.
- ۵۲۳- گزینه ۳ صحیح است. عزل رافع وکالت است. شک در عزل، شک در وجود رافع است که دارای حجیت است و بر بقاء آن امر یقینی استصحاب می کنیم.
- ۵۲۴- گزینه ۲ صحیح است. به پاسخ سؤال ۴۹۱ رجوع کنید.
- ۵۲۵- گزینه ۴ صحیح است.
- ۵۲۶- گزینه ۳ صحیح است. در اینجا شک در رافعیت موجود است. یعنی شک در تأثیر رافع که در وقوع آن تردید نداریم. شک در تأثیر یا صحت یک امر، شک در رافعیت موجود است. برای توضیح بیشتر به پاسخ سؤال ۴۹۲ رجوع کنید.
- ۵۲۷- گزینه ۳ صحیح است. تردید، در اقل و اکثر استقلالی که تردید در مبلغ دین از مصادیق آن است که نسبت به اقل اشتغال ذمه و نسبت به اکثر (مازاد بر قدر متقین) اصل برائت جاری می شود. برای توضیح بیشتر به پاسخ سؤال ۴۸۴ رجوع کنید.
- ۵۲۸- گزینه ۳ صحیح است.
- ۵۲۹- گزینه ۱ صحیح است. به این حالت تردید (دوران امر) بین امور متباین محصوره گویند که محل جریان اصل احتیاط است.
- ۵۳۰- گزینه ۱ صحیح است. یکی دیگر از مصادیق شک در استصحاب، شک در مقتضی است، به این شک نیز توجه نکرده و بر بقاء حالت سابق یقینی استصحاب می کنیم.
- ۵۳۱- گزینه ۲ صحیح است. اصل تأخر یک اصل عدمی است که گاهی با استصحاب عدمی و زمانی با اصل عدم توجیه می شود.
- ۵۳۲- گزینه ۴ صحیح است. اصل عدم و اصل برائت هر دو مبتنی بر یک امر عدمی هستند، و همواره اصل بر عدم وقوع چیزی است مگر خلاف آن ثابت شود.
- ۵۳۳- گزینه ۳ صحیح است. استصحاب یا ابقاء ما کان یعنی هرگاه در وجود امری در سابق یقین داشته باشیم که در زمان حال در وجودش یا دوام بقایش تردید کنیم، اصل بر

بقاء آن است. یعنی بقاء آنچه در سابق در وجودش یقین داریم که مبین استصحاب وجودی است.

۵۳۴- گزینه ۲ صحیح است. این علت بیانگر دوران امر بین اقل و اکثر استقلالی است که با اعمال اصل احتیاط(اشتغال) در اقل(اشتغال ذمه در اقل) و اعمال اصل برائت در اکثر(برائت ذمه در اکثر) اصل بر عدم زیاده است.

۵۳۵- گزینه ۳ صحیح است. اصول عملیه، زمانی اجرا می شود که مکلف نسبت به حکم واقعی(تکلیف یا مکلف یا ممنوع) شک، تردید، جهل یا حیرت دارد، که باعث رفع جهالت و تحجیر شده و به عبارتی باعث رفع بلا تکلیفی می گردد.

۵۳۶- گزینه ۲ صحیح است. اصل عدم است، و نافی را نفی کافی است، پس مدعی وجود باید دلیل اقامه کند و مدعی عدم نیاز به ارائه دلیل ندارد، اصل عدم بی نیاز از دلیل است، به همین خاطر می گوئیم نافی را نفی کافی است.

۵۳۷- گزینه ۲ صحیح است. هرگاه یکی دیگری را اجبار به قتل شخص سوم نماید و به او بگوید که اگر او را نکشی تو را خواهیم کشت، مکره در وضعیت تراحم دو حکم قرار می گیرد: ۱- وجوب حفظ جان ۲- حرمت قتل اگر مورد اول را انتخاب کند امتثال امر واجب کرده و اگر مورد دوم را انتخاب کند امتثال نهی کرده است، که در اینجا باید تخییر کرد.

۵۳۸- گزینه ۱ صحیح است. در شبهه محصوره دوران امر بین متباینین، اصل بر احتیاط و جمع متباینین محصوره(معدود) است، زیرا اشتغال ذمه یقینی، برائت ذمه یقینی را نیز می طلبد، که البته این موضوع مورد نزاع فقهاء است.

۵۳۹- گزینه ۴ صحیح است. اصل بر عدم جاری شدن طلاق است. مگر خلافش ثابت گردد یا به عبارتی اصل دوام زوجیت است(استصحاب مقتضی).

۵۴۰- گزینه ۲ صحیح است. اصل تاخر حادث که ماهیت عدمی داشته و گاهی با اصل عدم و زمانی با اصل استصحاب عدمی توجیه می شود، نه تنها اثر و لوازم شرعی و قانونی حکم خود را اثبات می کند، کلیه لوازم عقلی و عرفی خود را نیز ثابت می کند، به همین

خاطر می گوئیم، اصل تاخر حادث، تنها اصل عملیه است که مثبت و دارای حجیت در لوازم عقلی و عرفی دارد.

۵۴۱- گزینه ۴ صحیح است. تخییر بین افراد واجب مخیر، یا همان واجب تخییری که مبتنی بر اصل تخییر نیست، که در اینجا تخییر عرفی است.

۵۴۲- گزینه ۱ صحیح است. شک در نوع تکلیف یا تردید بین وجوب و حرمت عملی است که محل جریان اصل تخییر، (تخییر عقلی) است.

۵۴۳- گزینه ۳ صحیح است. یک امر عدمی بدون لحاظ حالت سابقه یقینی.

۵۴۴- گزینه ۴ صحیح است. مهمترین دلیل حجیت اصل برائت، قاعده عقلی قبح عقاب بلا بیان است.

۵۴۵- گزینه ۱ صحیح است. هرگاه با توجه به حالت سابقه یقینی بر عدم وقوع امری حکم نمائیم به این حالت استصحاب عدمی گویند، اما در اصل عدم حالت سابق یقینی وجود ندارد، در این سؤال یک حالت سابق یقینی وجود دارد که همانا یقین داریم که مالک در زمان مالکیت از آن اعراض ننموده است حال شک داریم که آیا فعلاً از آن اعراض نموده یا خیر. که همچنان حالت سابقه را ابقاء می کنیم.

۵۴۶- گزینه ۱ صحیح است. شک در مقتضی، یکی از سه شک موضوع استصحاب است (شک در مقتضی، شک در وجود رافع، شک در رافعییت موجود)، یعنی شک و تردید در بقاء یا قابلیت وجود امری که در سابق در وجود و بقایش یقین داشته ایم، از آنجائیکه در استصحاب به شک موجود توجه نمی کنیم، لذا به این شک توجه نکرده، و بر بقاء آن مسأله استصحاب می کنیم.

۵۴۷- گزینه ۴ صحیح است. شک در وقوع و وجود رافع که به این شک توجه نکرده و بر بقاء حالت سابق که عدم حجر است استصحاب می کنیم. (استصحاب عدمی) به پاسخ سؤال ۵۴۵ رجوع کنید.

۵۴۸- گزینه ۲ صحیح است. همانطوریکه در پاسخ سوال قبل متوجه شده اید، در اقل و اکثر ارتباطی قائل به اعمال و جریان اصل احتیاط و اشتغال هستیم، که بموجب آن مکلف

باید حداکثر را انجام دهد، اما اگر حداکثر زیاد یا نامحدود باشد مکلف باید آنجایی را انجام دهد که برای او میسر و امکانپذیر است و موجب تعذر او نگردد، به استناد قاعده میسور. ۵۴۹- گزینه ۳ صحیح است. اصل بقاء حالت سابق یقینی است (ابقاء ماکان) که موید اصل استصحاب است.

۵۵۰- گزینه ۴ صحیح است. اصل برائت در جایی جریان می یابد که شک در توجه تکلیف به مکلف داریم بدون وجود حالت سابق یقینی یعنی در حالت شک بدوی است. ۵۵۱- گزینه ۲ صحیح است. تخییر بین افراد واجب مخیر یا واجب تخییری یعنی مکلف می تواند و مختار است یک تکلیف را از بین دو یا چند تکلیف که در عرض یکدیگرند (بدل عرضی) یکی را انتخاب کند.

۵۵۲- گزینه ۳ صحیح است. ابقاء حالت سابق که موضوع استصحاب است.

۵۵۳- گزینه ۳ صحیح است. تردید موضوع این سؤال، تردید در اقل و اکثر استقلالی است، همواره تردید در مبلغ دین با مبلغ و مقدار ثمن یا اصولاً مقدار و اندازه یا قدر هر چیزی، از مصادیق تردید در اقل و اکثر استقلالی است که در این اصل احتیاط در اکثر اجرا نشده، بلکه نسبت به اکثر (مازاد بر اقل یا قدر متیقن) اصل برائت و در اقل (قدر متیقن) اصل اشتغال ذمه جاری می شود، یعنی مکلف در انجام مقدار کم (اقل - قدر متیقن) الزام و تکلیف دارد و نسبت به مقدار بیشتر (اکثر - مازاد بر قدر متیقن) تکلیفی ندارد (برائت ذمه) ۵۵۴- گزینه ۴ صحیح است. تخییر بین افراد واجب مخیر (واجب تخییری)، یعنی مکلف در انجام یک تکلیف از بین دو یا چند تکلیف که در عرض یکدیگرند و می توانند بدل و جانشین یکدیگر قرار گیرند، مختار است که در اینجا نیز همین حالت رخ داده است که مشتری (خریدار) حق دارد (مختار است) که بیع را فسخ کند و یا اینکه بیع را به همان نحو که هست قبول کند.

۵۵۵- گزینه ۳ صحیح است. شک در رافعییت موجود، یعنی شک و تردید در تأثیر یا اثر فعل اوست، البته در اینجا قصد بیان اصل استصحاب را نداریم، گر چه شک در رافعییت

موجود در استصحاب کاربرد داشته ولی در اینجا بیشتر سؤال در قالب معنی و مفهوم شک در رافعیّت موجود که همان شک در تأثیر و رافعیّت یک عامل است.

۵۵۶- گزینه ۱ صحیح است. اصل بر عدم حدوث منافع است که در خصوص منافع متصل می تواند صادق باشد ولی در خصوص منافع منفصل اصل بر بقاء حالت سابق است.

۵۵۷- گزینه ۲ صحیح است. مکتب اصولیون در شبهه تحریمی با فقدان نص(شبهه حکمیه تحریمی) با استناد به قاعده عقلی «قیح عقاب بلا بیان» اصل برائت را جاری ساخته و معتقدند که تکلیف برداشته و ساقط می شود، اما مکتب اخباریون در شبهه تحریمی با فقدان نص(شبهه حکمیه تحریمی) با استناد به قاعده عقلی «دفع ضرر احتمالی عقلاً واجب است» قائل احتیاط و استقرار تکلیف می باشند.

۵۵۸- گزینه ۱ صحیح است. تردید در معنا و مفهوم داریم به عبارتی از آن عبارت برداشت واحدی نداریم.

۵۵۹- گزینه ۲ صحیح است. این گزینه در بیان اثبات یک امر عدمی است، این در حالی است که یک امر عدمی نیاز به اثبات ندارد زیرا اصل بر عدم است(اصل عدم است مگر آنکه خلافش با ادله قوی تر استصحاب، امارات، دلیل) اثبات گردد.

۵۶۰- گزینه ۳ صحیح است. اصل تأخر یک اصل مستقل عملی نیست بلکه از طریق اصول عملیه دیگر(اصل عدم و استصحاب عدمی) توجیه می شود و جنبه عدمی دارد و تنها اصل عملی است که مثبت لوازم عقلی و عرفی خود نیز در کنار لوازم شرعی و قانونی است.

۵۶۱- گزینه ۱ صحیح است. تخییر بین افراد مخیر، یعنی فردی از بین دو یا چند فرد که در عرض یکدیگرند(بدل عرضی) انتخاب شود.

۵۶۲- گزینه ۳ صحیح است. اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها از آثار اصل عملی برائت است.

فصل نهم: تعارض ادله

۵۶۳- گزینه ۱ صحیح است. تعارض دو اماره، یک تعارض واقعی است، که یا باید یکی را بر دیگری ترجیح بدهیم (در صورت وجود مرجح) و در غیر اینصورت منعارضین تساقط نموده و باید به موازین دیگر رجوع کرد. در تعارض اماره قانونی و اماره قضایی ترجیح و تقدم با اماره قضایی است، زیرا در اماره قانونی که مبتنی بر احتمال قوی است روبرو هستیم مانند ماده ۳۵ قانون مدنی که تصرف بعنوان مالکیت را اماره مالکیت می داند، اما اماره قضایی مبتنی بر علم قاضی است که مبنی بر علم و قطع است، و علم و قطع مقدم بر احتمال قوی (ظن) است.

۵۶۴- گزینه ۴ صحیح است. همانگونه که قبلاً ملاحظه گردید در تعارض استصحاب بعنوان بک اصل عملیه با امارات مقدمه و ترجیح با امارات است (استصحاب فرش الامارات) و در تعارض با سایر اصول عملیه، ترجیح با استصحاب است (استصحاب عرش الاصول) است، دلیل برتری اماره بر استصحاب این است که اماره کاشف از حکم واقعی است (کاشفیت دارد) و یک دلیل اجتهادی اما این در حالی است که استصحاب رافع شک و تردید و رفع بلا تکلیفی است (رافعیت دارد) و یک دلیل فقاهتی است، قاعده فراغ قاعده قرعه از اصول عملیه پائین تر است، پس بطریق اولی از استصحاب مقدم هستند از طرفی قاعده قرعه از اصول عملیه پائین تر است، پس بطریق اولی از استصحاب که خود از سایر اصول عملیه بالاتر است، پائین تر می باشد.

۵۶۵- گزینه ۴ صحیح است. تعارض ظاهری که به آن تعارض غیرمستقر نیز گویند یعنی هرگاه دو دلیل در ظاهر با یکدیگر در تعارض هستند که با کمی دقت و تأمل می توان بین متعارضین جمع عرفی نمود و چون امکان جمع وجود دارد، دیگر به سراغ ترجیح و تساقط که مخصوص تعارض واقعی است نمی رویم، از طرفی در تعارض ظاهری می توان از راههایی چون تخصیص، تخصص، ورود و حکومت به هر دو عمل کرد، شایان ذکر است که تراحم یا اهم و مهم (قاعده ترتب) ملاک است، یعنی ترجیح آنکه مهمتر یا

مطلوبتر است و یا ترجیح آنکه بدل ندارد بر آنکه بدل دارد و در غیر اینصورت و نبودن دلیل ترجیح یا مرجح، تخییر می کنیم.

۵۶۶- گزینه ۴ صحیح است. تعارض و تراحم هر دو از مصادیق تعارض واقعی هستند که در تعارض موضوع واحد احکام متفاوتی داریم که اجرای یکی مغایر یا اجرای دیگری است و امکان جمع نیز وجود ندارد، اما این در حالی است در تراحم دو موضوع و دو حکم داریم که در اجرا برای یکدیگر مزاحمت و محدودیت ایجاد می کنند، تعارض در مرحله ایجاد یا مرحله تشریح یا قانونگذاری است پس ناشی از اراده قانونگذار و شارع است، اما تراحم در مرحله اجرا یا امثال است، از طرفی در تعارض یکی از متعارضین مطلوب است اما در تراحم هر دو مطلوب است اما مکلف امکان و توان اجرای هر دو را در یک زمان محدود ندارد.

۵۶۷- گزینه ۳ صحیح است. ماده ۳۰ قانون مجازات اسلامی سابق مخصص ماده ۲۵ همان قانون است، یعنی عده ای را از شمول عام خارج کرد(خروج حکمی)، یعنی برخی از جرایم تعزیری را از شمول حکم کلیه جرایم تعزیری خارج کرد، اما اینکه ما حدود، قصاص و دیات از شمول ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی سابق بدانیم یک خروج تخصصی یا موضوعی است(خروج موضوعی) یعنی موضوعاً و خودبخود خارج هستند. زیرا حدود، قصاص و دیات تعزیری نیستند، بلکه عناوین مستقل مجرمانه هستند.

۵۶۸- گزینه ۱ صحیح است. همانگونه که در خصوص سؤال قبلی ملاحظه شد، تخصیص یک خروج حکمی است که همراه با دخل و تصرف است. یعنی عده ای را شمول حکم عام خارج می کنیم که واقعاً خارج نیستند بلکه ما از طریق دخالت در حکم عده ای را از شمول خارج می کنیم، از طرفی در حکومت نیز در حالت مضییق(محدودکردن موضوع) یک خروج موضوعی داریم، منتهی همراه با دخل و تصرف، مثلاً بگوئیم که دانشمندان را احترام کنید، سازندگان بمب اتم دانشمند نیستند، در اینجا در موضوع دانشمند دخل و تصرف کرده و عده ای را از موضوع دانشمند بودن خارج کردیم که واقعاً خارج نیست.

۵۶۹- گزینه ۴ صحیح است. حکومت یعنی از طریق دخل و تصرف در حکم یا یک مسأله عده ای را که واقعاً جزء آن موضوع باشند را از آن خارج سازیم(حکومت در حالت مضییق)

مانند اینکه بگوئیم وکلاء حق اعلام وکالت از طرف موکل را دارند و بعد بگوئیم که اعضای هیأت مدیره کانون وکیل نیستند ما در اینجا عده ای را که واقعاً وکیل هستند از طریق دخل و تصرف از موضوع وکیل بودن خارج کردیم و یا ممکن است که عده ای را که واقعاً جزء موضوع نباشند ولی از طریق دخل و تصرف آن را داخل در موضوع قرار دهیم (حکومت در حالت توسعه یا موسع) مانند اینکه بگوئیم که به معلم ات احترام کن و بعد بگوئیم پدرت معلم توست، که در اینجا با دخل و تصرف در معلم باعث توسعه دایره معلم به پدر نیز شده است که به موضوع اول محکوم و به موضوع دومی که در اولی دخل و تصرف می کند حاکم و به این حالت اصطلاحاً حکومت گویند.

۵۷۰- گزینه ۱ صحیح است. به پاسخ سؤال ۵۶۹ رجوع کنید.

۵۷۱- گزینه ۳ صحیح است. تزامم حالتی است که هر دو مطلوب می باشند ولی مکلف توان و امکان اجرا و انجام هر دو را در زمان محدود ندارد، لهذا باید یکی را بر دیگری ترجیح دهد، که ملاک ترجیح یا ترجیح اهم بر مهم است (قاعده ترتیب) یعنی آنکه مهمتر (مطلوبتر) است را بر مهم (مطلوب) ترجیح بدهیم. البته ترجیح اهم بر مهم به منزله نامطلوب بودن مهم نیست، چون مکلف توان امتثال هر دو را در آن واحد ندارد، لا جرم باید یکی را بر دیگری اولویت دهد، مانند اینکه وکیل برای روز و ساعت معین به دو دادگاه فراخوانده شود، در اینجا اگر یکی دادگاه کیفری و دیگری دادگاه حقوقی باشد در اینجا حضور وکیل در محکمه کیفری مهم تر است، اگر چه حضور وکیل در دادگاه حقوقی نیز مطلوب است، ولی باید اولویت را به شرکت در دادگاه کیفری بدهد چون مهمتر و مطلوبتر است، البته ملاک دیگری نیز وجود دارد و ترجیح آنکه بدل ندارد بر آنکه بدل دارد.

۵۷۲- گزینه ۱ صحیح است. به پاسخ سؤال ۵۶۹ مراجعه کنید.

۵۷۳- گزینه ۲ صحیح است. تخصیص، یعنی عبارت خاصی که بر عام وارد شده و عده ای را از شمول حکم خارج می نماید، در طرح سؤال علنی بودن محاکمات عام است و اینکه رسیدگی به جرایم اطفال غیرعلنی است. عبارت عام را تخصیص می زند.

۵۷۴- گزینه ۳ صحیح است. یکی از مصادیق اجرای اصل احتیاط یا اشتغال تردید در اقل و اکثر ارتباطی (غیر استقلالی) است که براساس اصل احتیاط باید جانب اکثر را بگیریم، حال اگر این اکثر زیاد یا بی نهایت باشد مکلف تا آنجایی که برای او میسر است انجام می دهد (قاعده میسور)

۵۷۵- گزینه ۲ صحیح است، در وقوع دو معامله معارض که یکی تاریخش معلوم و دیگری مجهول باشد، اگر چه آنکه تاریخش مجهول است مؤخر فرض می گردد(اصل تاخر حادث) اما واقعیت این است که در وقوع معاملات معارض، معامله اولی(در اینجا معامله معلوم التاريخ) نافذ است.

۵۷۶- گزینه ۱ صحیح است. خروج تخصصی، یعنی خروج موضوعی یا عده ای از عام بدون اینکه خاصی بر عام وارد شود یا بدون اینکه نیاز باشد خاصی را بر عام وارد نماییم. در اینجا کارآموزان وکالت مراسم تحلیف(سوگند) ندارند که مشمول نقض سوگند قرار گیرند، پس خودبخود از شمول این حکم خارج هستند

۵۷۷- گزینه ۱ صحیح است، حکومت یعنی اینکه قانونگذار یا شارع موضوعی که واقعاً داخل در حکم عام باشد را تعبداً از آن خارج کند و یا بالعکس موضوعی که واقعاً داخل در حکم عام نباشد اما قانونگذار یا شارع تعبداً آن را داخل نماید، مانند مسأله مطروحه در طرح سؤال، که حکم موت فرضی را پایان اهلیت می داند، در صورتی که واقعاً مرگ طبیعی پایان اهلیت است نه حکم موت فرضی.

۵۷۸- گزینه ۲ صحیح است. از آنجائیکه اماره قضایی مبتنی بر علم قاضی است و علم قاضی نیز قطعی است، لذا بر اماره قانونی که صرفاً اوضاع و احوالی است که از نظر قانونگذار مفروض گردیده ترجیح دارد.

۵۷۹- گزینه ۱ صحیح است. تعارض غیرمسقر یا تعارض ظاهری یعنی هرگاه بین متعارضین در ظاهر تعارض و تنافی وجود دارد، اما با کمی دقت و تامل در می یابیم که می تواند متعارضین را جمع کرد، و از آنجائیکه امکان جمع وجود دارد دیگر به سراغ

ترجیح یا تساقط نمی رویم، از مصادیق این تعارض می توان به تخصیص، تخصص ، ورود و حکومت اشاره کرد.

۵۸۰- گزینه ۲ صحیح است. در اینجا بحث تقدم استصحاب سببی بر مسببی مطرح است، همانطوریکه می دانیم استصحاب سببی همواره مقدم بر استصحاب مسببی است، در این سؤال خواسته نشده که کدامیک مقدم است، بلکه باید در یابیم که کدامیک استصحاب سببی(سبب تأثیر و رفع شک در مسأله دیگری) و کدام استصحاب مسببی(تحت تأثیر استصحاب دیگری) است. که با کمی دقت و تأمل در می یابیم، استصحاب در بقاء وکالت یک استصحاب سببی است، زیرا در سرنوشت معامله تأثیر دارد و استصحاب راجع به بقاء مالکیت یا عدم بقاء آن یک استصحاب مسببی است، زیرا تحت تأثیر استصحاب در بقاء وکالت است، لذا تعیین تکلیف راجع به بقاء یا عدم بقاء وکالت مؤثر در صحت و سقم معامله، در نتیجه در بقاء یا عدم بقاء مالکیت موکل دارد.

۵۸۱- گزینه ۲ صحیح است. در تعارض بین استصحاب و اوضاع و احوالی که به نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می شود، علم قاضی مقدم است. این مسأله بیانگر تعارض بین استصحاب و ظاهر حال است که یکی از مصادیق ظاهر حال(اوضاع و احوال) اماره قضایی است یعنی اوضاع و احوالی که از نظر دادگاه دلالت بر امری نماید، که مقدم بر استصحاب است. بدلیل اماریت داشتن.

۵۸۲- گزینه ۲ صحیح است. ماده ۹۷ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مقرر می دارد: ((چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص مزاحمت نماید، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهم تر باشد.)) این ماده بیانگر تراحم است.

۵۸۳- گزینه ۴ صحیح است. اینکه بگوئیم: دانشمند را احترام کنید و سپس بگوئیم سازندگان بمب اتمی دانشمند نیستند، موید حکومت است. حکومت، عبارتست از تقدم و سیطره یافتن یک دلیل بر دلیل دیگر که گاهی دلیل حاکم قلمرو دلیل محکوم را محدود می کند(مانند مسأله مطروحه در سؤال) و گاهی دلیل حاکم قلمرو دلیل محکوم را موسع(وسیع) می کند.

- ۵۸۴- گزینه ۳ صحیح است. در تعارض ظاهری امکان جمع وجود دارد. (تخصیص، تخصص، ورود، حکومت) برای توضیح بیشتر به پاسخ سؤال ۵۶۵ رجوع شود.
- ۵۸۵- گزینه ۱ صحیح است. حکومت باعث مضیق شدن دایره حکم یا موسع شدن می گردد که در اینجا از طریق دخل و تصرف دایره حکم محدود شده است. به پاسخ سؤال ۵۶۹ رجوع کنید.
- ۵۸۶- گزینه ۴ صحیح است. حکومت، یعنی خروج موضوعی از عام با دخل و تصرف در موضوع که به این حالت حکومت در حالت مضیق گویند و گاهی ممکن است در اثر دخل و تصرف در موضوع باعث وسعت یا توسعه حکم گردد. (حکومت در حالت موسع) مانند مسأله مطروحه در طرح سوال.
- ۵۸۷- گزینه ۱ صحیح است. در تخصیص فردی را از حکم عامی خارج می کنیم که یک خروج محض از اعداد دلایل است که واقعی است، که در تخصص این خروج عقلی، خودبخود یا موضوعی یا تکوینی است، در ورود که یک جنبه آن خروج است، یک خروج موضوعی تعبدی یعنی بنابر تشخیص شارع و قانونگذار است و حکومت یعنی خروج موضوعی (حکومت در حالت مضیق) که همراه با دخل و تصرف در موضوع است.
- ۵۸۸- گزینه ۴ صحیح است. در تعارض استصحاب و ید، ید مقدم است به علت اماریت، در تعارض استصحاب و احتیاط، استصحاب مقدم است به علت اقوی بودن، در تعارض اقرار و ید، اقرار مقدم است به علت دلیل بودن و در تعارض اصل عدم تاثیر و نفوذ، نفوذ مقدم است بدلیل اماریت داشتن و بالاخره در تعارض دو اصل به غیر از استصحاب اصل احتیاط و تخییر حکم به تساقط می نمائیم.
- ۵۸۹- گزینه ۳ صحیح است.
- ۵۹۰- گزینه ۱ صحیح است. در تعارض واقعی امکان جمع وجود ندارد، باید یکی را بر دیگری ترجیح دهیم در صورت وجود مرجح و در غیر اینصورت تساقط می کنیم (اذا تعارضاً تساقطاً)

۵۹۱- گزینه ۲ صحیح است. در تعارض اصل استصحاب با سایر اصول عملیه، تقدم با استصحاب است.

۵۹۲- گزینه ۴ صحیح است. در اعمال حقوقی رضایی که به صرف قصد و رضا محقق می گردد، مانند معاملات (بیع) همواره معامله ای که وقوع آن مقدم است (معامله اولی) صحیح و نافذ بوده و معاملات بعدی بی اعتبار است، لذا هرگاه دو معامله معارض رخ دهد که وقوع یک معامله معلوم و دیگری مجهول باشد، آنکه مجهول است، بنابر اصل تاخر حادث موخر فرض می شود و معامله دارای تاریخ، مقدم است، از آنجائیکه بیع، مقدم یا اولی معتبر است، لهذا معامله معلوم التاریخ معتبر است.

۵۹۳- گزینه ۲ صحیح است. این مسأله مبین تعارض بین استصحاب و اصل عدم است، همانطوریکه می دانیم در تعارض استصحاب با اصول عملیه دیگر، تقدم و اولویت با استصحاب است (استصحاب عرش الاصول است).

۵۹۴- گزینه ۳ صحیح است. به پاسخ سؤال ۵۴۵ رجوع کنید.

۵۹۵- گزینه ۲ صحیح است. اصل استصحاب مقدم بر سایر اصول عملیه است، در اینجا ماده ۱۹۸ قانون آئین دادرسی مدنی وارد بر ماده ۱۹۷ همان قانون است، زیرا ماده ۱۹۸ مبین اصل استصحاب و ماده ۱۹۷ بیانگر اصل برائت است که در این تعارض تقدم استصحاب بر برائت جاری می شود.

۵۹۶- گزینه ۲ صحیح است. در خصوص این سوال اصل صحت، نقش یک اماره دارد و به علت امارت داشتن مقدم بر اصل (اصول عملیه) من جمله استصحاب است. برای توضیح بیشتر به پاسخ سؤال ۴۹۰ رجوع کنید.

۵۹۷- گزینه ۴ صحیح است. در ترجیح بالحادث، اصل بر اعتبار آنکه وقوع آن موخر است می باشد، لهذا در وصیت نامه معارض از آنجائیکه آخرین اراده موصی ملاک است، لذا در این حالت اصل بر اعتبار وصیت نامه موخر یا بعدی یا آخری است، پس هرگاه دو وصیت نامه معارض داشته باشیم تاریخ یکی معلوم و دیگری مجهول باشد. طبق اصل تاخر حادث، آنکه تاریخ وقوعش مجهول است، موخر فرض می شود و همانطوریکه گفتیم در

وصیت نامه چون آخرین اراده موصی ملاک است لذا وصیت نامه مجهول التاريخ موخر فرض شده و معتبر است.

۵۹۸- گزینه ۴ صحیح است. در اینجا نه میتوان احتیاط کرد و اقل (۶ماه) را گرفت و نه می توان احتیاط در اکثر را جاری ساخت، بنابر این هر دو این احتیاط تعارض کرده و تساقط می نمایند و به استناد اصل تاخر حادث و تراحم و قاعده فراش طفل ملحق به شوهر دوم است.

۵۹۹- گزینه ۲ صحیح است. تقدم استصحاب سببی(استصحاب در سبب) بر استصحاب مسببی(استصحاب در مسبب)

۶۰۰- گزینه ۱ صحیح است. در تراحم، هر دو حکم مطلوب هستند اما مکلف در مقام اجرا و امتثال توان اجرای هر دو را با هم ندارد، لهذا اگر بین دو حکم اهم و مهم باشد، یعنی یکی مهمتر از دیگری باشد، در این حالت اهم(مطلوبتر) را بر مهم(مطلوب) ترجیح و مقدم می داریم که به این وضعیت اصطلاحاً قاعده ترتب می گویند، اما اگر در تراحم هر دو حکم مساوی باشند(تعادل)، در این حالت مکلف تخییر می نماید(اصل تخییر).

۶۰۱- گزینه ۴ صحیح است. حکومت وضعیتی است که در آن موضوع و حکمی از طریق دخل و تصرف در حکم و موضوع دیگر بر آن حاکم می شود، که اثر این حکومت این است که، گاهی ممکن است دایره موضوعی یا حکمی مضیق و محدود و یا دایره موضوع یا حکمی موسع شود. جرم منظور در ماده ۱۲ قانون مجازات جرائم رایانه ای، واقعاً داخل در جرم کلاهبرداری نیست، ولی قانونگذار از طریق دخل و تصرف آن را داخل در حکم کلاهبرداری قرار داده.

۶۰۲- گزینه ۴ صحیح است. هرگاه بین دو دلیل یا دو موضوع تعارض وجود داشته باشد، در صورت وجود مرجح یکی را بر دیگری ترجیح می دهیم، در غیر اینصورت هر دو تساقط می نمایند، در این سوال که هر دو وصیت نامه مجهول التاريخ ذکر شده اند که هیچ دلیلی برای ترجیح یکی بر دیگری وجود ندارد، اما این در حالی است که در ماده ۸۳۹ قانون مدنی، گفته که وصیت نامه موخر(ثانی) بر وصیت نامه مقدم(اول) ترجیح دارد.

۶۰۳- گزینه ۲ صحیح است. تزامم بین دو حکم در عمل و اجراست و مکلف در مقام اجرا و امتثال قادر به انجام هر دو در آن واحد نیست.

۶۰۴- گزینه ۴ صحیح است. تعارض ظاهری یا غیر مستقر، وقتی است که بین دو دلیل در ظاهر تعارض وجود دارد، ولی با کمی دقت و تأمل می توان بین آن دو قائل به جمع عرفی شد، و وقتی که امکان جمع وجود داشته باشد، دیگر به سراغ ترجیح یا تساقط نمی رویم (الجمع مهمما ممکن اولی من الطرح).

۶۰۵- گزینه ۲ صحیح است. ورود، حالتی است که دلیل تعبداً موضوع حکم دلیل دیگر را منتفی می سازد، مثلاً با وجود اصل استصحاب (۱۹۸ قانون آئین دادرسی)، دیگری موردی برای اصل برائت (ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی) وجود ندارد، در این حالت می گوئیم که استصحاب مقدم و وارد بر اصل برائت است.

۶۰۶- گزینه ۱ صحیح است. در تعارض دو دلیل بدواً و اصولاً باید برویم سراغ جمع عرفی بین متعارضین، در غیر اینصورت قائل به ترجیح یا تساقط می شویم که در حالت وجود مرجح (ترجیح) قائل به ترجیح و اگر مرجح یا دلیل ترجیحی وجود نداشته باشد، متعارضین تساقط می نمایند، پس در مواجهه با متعارضین ابتدا متعارضین را جمع می کنیم (تعارض ظاهری یا غیرمستقر) و سپس ترجیح یا تساقط (تعارض واقعی یا مستقر).

۶۰۷- گزینه ۳ صحیح است. در تعارض استصحاب و احتیاط، همواره استصحاب مقدم است زیرا یک سوی آن به یقین و یک سوی دیگر به شک است و یقین شک را از بین می برد، پس استصحاب راجح و احتیاط مرجوح است، از طرفی استصحاب در مواجهه با اماره قضایی محکوم به رد است، زیرا استصحاب اصل و اماره قضایی در زمره امارات است، لذا در این حالت استصحاب مرجوح و اماره قضایی راجح است. به همین دلایل می گوئیم که استصحاب عرش الاصول و فرش الامارات است.

۶۰۸- گزینه ۳ صحیح است. هرگاه بین سایر اصول عملیه غیر از استصحاب تعارض بروز کند، حکم تساقط جاری می شود، (اذا تعارضت تساقطاً)، اما اگر یک طرف استصحاب و سایر اصول عملیه باشد، استصحاب بر سایر اصول عملیه ترجیح دارد، و یا اینکه اگر بین

دو استصحاب سببی و مسببی تعارض باشد، تقدم و ترجیح با استصحاب سببی یا استصحاب در سبب است، چون علت و سبب جریان استصحاب در دیگری (استصحاب مسبب) است.

۶۰۹- گزینه ۲ صحیح است. منظور این عبارت آن است که اصل (اصول عملیه) زمانی دلیل یا ادله محسوب می شود که دلیل دیگری (اماره) وجود نداشته باشد، از طرفی به اماره و دلیل، به علت کاشفیت داشتن (کاشف از حکم واقعی)، ادله اجتهادی گویند، ولی اصل رافع شک و تردید است (رافعیت دارد)، به همین خاطر به آن دلیل فقاهتی گویند، لذا همواره دلیل و اماره مقدم و وارد بر اصول عملیه هستند، لذا ادله اجتهادی (دلیل و اماره) مقدم و راجح بر دلیل فقاهتی (اصول عملیه) است.

۶۱۰- گزینه ۴ صحیح است. اماره وقفیت قوی تر (اقوی) از اماره ید است، چون مال موقوفه قابل انتقال نیست، و شخصی غیر از متولی یا موقوف علیهم نمی تواند بر آن استیلا یابد.

۶۱۱- گزینه ۱ صحیح است.

۶۱۲- گزینه ۲ صحیح است. جرایم حدود، قصاص و دیات موضوعاً و خود به خود از جرایم تعزیری خارج است، زیرا تخصص یعنی خروج موضوعی حکم از دلیل حکم دیگر، بدون اینکه نیاز باشد آنرا خارج سازیم.

۶۱۳- گزینه ۲ صحیح است. استصحاب همواره مقدم بر سایر اصول عملیه از جمله اصل احتیاط است.

۶۱۴- گزینه ۴ صحیح است. ماده ۵۹۱ قانون تعزیرات از طریق دخل و تصرف در حکم ماده ۵۹۳ باعث مضیق شدن حکم آن گردید، وعده ای را از طریق دخل و تصرف از شمول حکم ماده ۵۹۳ خارج ساخته است.

۶۱۵- گزینه ۱ صحیح است. تبصره ماده ۶۱۶ حکم خاصی است که بر عام (ماده ۶۱۶) وارد شده وعده ای را از حکم عام خارج می سازد.

- ۶۱۶- گزینه ۲ صحیح است. اقرار در امور حقوقی، دلیل محسوب می شود و برید که یک اماره است مقدم است، زیرا دلیل اقوی از اماره است، لذا اقرار راجح و اماره ید مرجوح است.
- ۶۱۷- گزینه ۳ صحیح است. ورود عبارت است از اینکه یکی از دو دلیل حقیقتاً و واقعاً (تعبداً) موضوع دلیل دیگر را مرتفع می کند، به عبارت دیگر ورود زمانی مطرح می شود که یک دلیل دیگر را از میان بردارد به دیگر سخن، هرگاه دلیل قوی تری پیدا شود دیگر جایی و عملی برای دلیل ضعیف وجود ندارد. مثلاً همانطوریکه می دانیم در سلسله مراتب ادله، به ترتیب دلیل، اماره ارزش دلالت خود را از دست می دهد و یا در صورت بودن اماره نمی توان به سراغ اصول عملیه حتی استصحاب رفت، در ماده ۳۷ قانون مدنی صحبت از تعارض اقرار و ید است، همانطوریکه می دانیم اقرار یک دلیل و ید یک اماره است و با بودن اقرار(دلیل) دیگر محلی برای ارزش دلالت ید(اماره) باقی نمی ماند، به همین خاطر قانونگذار گفته که اگر متصرف(قاعده ید) اقرار به مالکیت شخصی دیگری نماید، دیگر نمی تواند به تصرف خود بعنوان دلیل مالکیت (اماره مالکیت) استفاده کند، مؤید همین واقعیتی است که در فوق اشاره گردید.
- ۶۱۸- گزینه ۳ صحیح است. بین سند و شهادت، گرچه هر دو دلیل هستند، اما تعادل و تکافی (تساوی) وجود ندارد، بلکه حالت ترجیح وجود دارد، و سند به علت اقوی (قوی تر بودن) بر شهادت ترجیح دارد. به همین خاطر می گوئیم سند دلیل راجح(ترجیح داده شده) و شهادت دلیل مرجوح(ترجیح داده شده بر او).
- ۶۱۹- گزینه ۲ صحیح است. همانگونه در خصوص سؤال ۶۱۸ ملاحظه گردید، دلیل قوی تر وارد بر دلیل ضعیف تر است، لذا جایی اقوی باشد دیگر نوبت به دلیل ضعیف تر نیست. لذا قسم به عنوان دلیل قوی تر راجح و شهادت مرجوح است.
- ۶۲۰- گزینه ۲ صحیح است. اقرار به عنوان اشرف ادله محسوب می شود، وقتی بین اقرار و سند تعارض پیش آید، یعنی دارنده سند اقرار کند که سند او مجعول و غیرواقعی است، پس در این حالت، ترجیح با اقرار است(اقرار راجح و سند مرجوح است)

۶۲۱- گزینه ۳ صحیح است. حضور وکیل در هر دو دادگاه که او را فراخوانده است، الزامی و مطلوب است، اما وکیل منظور در مقام امتثال و اجرای این احکام در آن واحد و با هم غیرممکن است پس بین این دو حالت تراحم وجود دارد، و تراحم نیز بیانگر ترجیح است، که در این وضعیت باید آنکه مهمتر (مطلوبتر) است را بر مهم (مطلوب) ترجیح و تقدم بداریم و از آنجائیکه حضور در دادگاه کیفری مطلوبتر است لهذا وکیل باید در حالت تراحم، دادگاه کیفری را ترجیح داده و در آن حضور بهم رساند و به دادگاه حقوقی لایحه بدهد.

۶۲۲- گزینه ۴ صحیح است. همانطور که قبلاً ملاحظه گردید، در حکومت ممکن است فردی که واقعاً داخل در حکمی نباشد از طریق دخل و تصرف داخل شود و باعث توسعه دایره حکم اولی (محکوم) گردد (حکومت در حالت توسعه) در خصوص این سؤال نیز اداره حقوقی با ابراز این نظر که در مناطقی که فرم مخصوص چاپی برای تنظیم دادخواست وجود ندارد، می توان دادخواست را بر روی برگه عادی تنظیم و تقدیم دادگاه نمود، باعث توسعه شرط شکلی دادخواست که همانا نوشتن بر روی برگه مخصوص می شود.

۶۲۳- گزینه ۱ صحیح است. در تخصیص، عده ای را از شمول حکم عام خارج می کنیم (خروج حکمی)، در اینجا ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی، عده ای از جرایم را از شمول ماده ۴۶ اصل قانون خارج می کند، پس می تواند گفت ماده ۴۷ مخصص ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی است.

۶۲۴- گزینه ۱ صحیح است. همانطوریکه قبلاً ملاحظه شد، در تراحم هر دو مطلوب است اما مکلف در مقام امتثال توان و قدرت اجرای هر دوی آنها را ندارد، در اینجا پرداخت نفقه افراد واجب نفقه برای مکلف الزامی است و همه آنها مطلوب است اما در این حالت چون مکلف توان انجام همه آنها را ندارد، باید آنکه مهم تر (مطلوبتر) است (نفقه زوجه) را بر مطلوب (دیگر افراد واجب نفقه) ترجیح و تقدم داده شود.

۶۲۵- گزینه ۴ صحیح است. اماره قضایی و اماره قانونی هر دو اماره هستند (اماریت دارند) و همانگونه که می دانیم در تعارض دو دلیل هم خانواده مثلاً تعارض دو دلیل، یا دو اماره یا دو اصل، آنکه قوی تر (اقوی) است را بر دیگری ترجیح دهیم، در اینجا نیز اماره قضایی (اوضاع و

احوالی که از نظر قاضی دلالت بر امری نماید) بر اماره قانونی(اوضاع و احوال که در فرض قانونگذار دلالت بر امری نماید) ترجیح دارد زیرا قوی تر است، زیرا اماره قضایی مبتنی بر علم قاضی است و عم قاضی یک دلیل قطعی است.

۶۲۶- گزینه ۳ صحیح است. به پاسخ سؤال ۵۶۴ رجوع کنید.

۶۲۷- گزینه ۳ صحیح است. اصولاً مقدمه یا شرط(مقدم) (متقدم) بر ذی المقدمه(مشروط) از لحاظ زمانی است، اما گاهی این امکان وجود دارد که شرط بعدی(شرط متاخر) در ذی المقدمه(مشروط) قبلی تاثیر گذارد، مانند اجازه مالک در معامله فضولی یا اجازه مکره در معاملات اکراهی بعد از زوال اکراه، یا تنفیذ معامله صغیر ممیز توسط ولی و نظایر اینها.

۶۲۸- گزینه ۳ صحیح است. اقرار در امور کیفری، طریقت دارد، به عبارتی احتمال خلاف آن وجود دارد، پس اقرار در امور کیفری اماره محسوب شده ولی در امور حقوقی یک دلیل قاطع و بالاترین ادله محسوب می شود.

۶۲۹- گزینه ۲ صحیح است.

۶۳۰- گزینه ۴ صحیح است. چون این ماده بر عدم تداوم حالت سابق یقینی استوار است که ظاهر این ماده با اصل استصحاب که مبتنی بر ابقاء حالت سابق است مغایرت دارد، اگر چه عملاً این تغایر قابل رفع است.

۶۳۱- گزینه ۳ صحیح است. ورود، یعنی با آمدن یا ورود یا وارد شدن دلیلی، موضوع دلیل دیگر از بین می رود، مانند اینکه وقتی دلیل بیاید اماره موضوعیت خود را از دست می دهد یا با ورود هریک از امارات اصول عملیه ناکار آمد می شود، یا با ورود استصحاب سایر اصول عملیه موضوعیت و کارایی خود را از دست می دهند، اینکه دلیل بر اماره مقدم و اماره بر اصل مقدم است پس می تواند بیانگر ورود باشد.

۶۳۲- گزینه ۲ صحیح است. تزامم وقتی است که هر دو مسأله یا موضوع مطلوب باشند، اما مکلف امکان امتثال هر دو را به طور کامل ندارد، یا امکان اجرای آن دو به طور کامل میسر نبوده و برای یکدیگر محدودیت و مزاحمت ایجاد می کنند، مانند قاعده لاضرر و قاعده تسلیط که هر دو مطلوب است، اما امکان اجرای هر دو به طور کامل نبوده که در

این حالت آنکه مطلوبتر است را بر مطلوب ترجیح و تقدم می داریم و یا به عبارتی آنکه مهم تر (اهم) است را بر مهم ترجیح می دهیم (قاعده ترتب). لذا به همین خاطر می گوئیم قاعده لاضرر (مطلوبتر) را بر تسلیط (مطلوب) مقدم می داریم (غیر خواهی مقدم بر خود خواهی است).

۶۳۳- گزینه ۳ صحیح است. با ورود اصل استصحاب دیگری موضوعی و مجالی برای برائت باقی نمی ماند.

۶۳۴- گزینه ۲ صحیح است. در رفع تراحم از سه راه حل متمتع می گردیم، یکی تقدم اهم (مطلوبتر) بر مهم، دیگری تقدم آنکه بدل ندارد (بی بدیل) بر آنکه بدل دارد و همچنین تقدم زمان مقدم بر زمان موخر.

۶۳۵- گزینه ۴ صحیح است. ابقاء حالت سابق یقینی.

۶۳۶- گزینه ۳ صحیح است. اماره قضایی قوی تر از نظریه کارشناسی است زیرا به ضمیمه علم قاضی است.

۶۳۷- گزینه ۲ صحیح است. خروجی موضوعی خودبخود، بدون دخل و تصرف در موضوع حکم، زیرا خودبخود و موضوعاً کشت خشخاش جهت تولید دارو از حکم ماده خارج است.

۶۳۸- گزینه ۴ صحیح است. حکومت در حالت توسعه مفهوم کلاهبرداری به فروش مال غیر.

۶۳۹- گزینه ۱ صحیح است. تخصیص یعنی عبارت خاصی بر عام وارد شده و عده ای را از حکم عام خارج می کند. (خروجی حکم)

۶۴۰- گزینه ۲ صحیح است. ماده ۴۶ قانون آ.د.ک عده ای را از حکم اصل ۱۶۷ که عام است، خارج می کند (خروجی حکمی) که مبین تخصیص است، این در حالی است که در تخصص خروج موضوعی بدون دخل و تصرف است، در ورود، دلیلی موضوع دلیل دیگری را منتفی می سازد و یا در حکومت خروج موضوعی با دخل و تصرف در موضوع که باعث توسعه دایره آن موضوع شود.

۶۴۱- گزینه ۲ صحیح است.

۶۴۲- گزینه ۴ صحیح است. اماره وقفیت سابق اقوی از اماره ید (تصرف فعلی است) که دلیل این امر استصحاب حالت سابق (وقف سابق) نیست بلکه وقفیت خود یک اماره است و بر قاعده ید مقدم است، زیرا مالی را که وقف نمودند قابل نقل و انتقال و تصرفی به غیر از آنچه واقف تعیین نموده نیست، مگر در موارد خاص و استثنایی.

سؤالات آزمونهای وکالت

۱۳۸۸ - ۱۳۹۲

همراه با پاسخنامه تشریحی

اصول فقه – آزمون وکالت سال ۱۳۸۸

۱- برابر ماده ۲۷۷ قانون مدنی: “متعهد نمی تواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید ولی حاکم می تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط بدهد، عبارت “ولی حاکم می تواند...“ چه عنوانی دارد؟

(۱)مخصص منفصل لفظی (۲)مخصص متصل استثنایی

(۳)مخصص منفصل شرطی (۴)مخصص متصل شرطی

۲- ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی که می گوید: “هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند...” ریشه در چه اصلی دارد؟

(۱)استصحاب (۲)اشتغال (۳)صحت (۴)عدم

۳- ماده ۳۷۷ قانون مدنی مقرر داشته: “هر یک از بایع و مشتری حق دارد از تسلیم مبیع یا ثمن خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود...” تسلیم هر یک از عوضین چه نوع واجبی است؟

(۱)واجب مضیق (۲)واجب مشروط (۳)واجب عینی تعبدی (۴)واجب عینی توصلی

۴- هرگاه شخصی زوجه و پدری فقیر دارد که باید مخارج هر دو را مطابق مادتين ۱۱۰۶ و ۱۲۰۰ قانون مدنی پردازد ولی تنها مخارج یک نفرشان را می تواند تامین کند . طبق ماده ۱۲۰۳ آن قانون پرداخت نفقه زوجه بر نفقه پدر مقدم است. این وضعیت مصداق چیست؟

(۱) تعارض واقعی (۲)تعارض ظاهری (۳)تزامم (۴)تخصیص

۵- بند ۳ ماده ۳۶۲ قانون مدنی می گوید: “عقد بیع بایع را به تسلیم مبیع ملزم می نماید” این الزام مصداق چه نوع واجبی است؟

(۱)اصلی (۲)تبعی (۳)تخییری (۴)تعبدی

۶- ماده ۸۷۴ قانون مدنی گوید: "اگر اشخاصی که بین آنها توارث باشد بمیرند و تاریخ فوت یکی از آنها معلوم و دیگری از حیث تقدم و تاخر مجهول باشد فقط آنکه تاریخ فوتش مجهول است از آن دیگری ارث می برد" حکم این ماده مبتنی بر چیست؟

- (۱) قاعده یقین با شک ساری
(۲) اصل استصحاب
(۳) اصل عدم قرینه
(۴) اصل تاخر حادث

۷- ماده ۶۷ قانون مدنی گوید: "مالی که قبض و اقباض آن ممکن نیست وقف آن باطل است" از این ماده نتیجه می گیریم که قبض در عقد وقف:

- (۱) مقدمه صحت است.
(۲) مقدمه علم است.
(۳) مقدمه نفوذ است.
(۴) مقدمه وجود است.

۸- برابر مادتين ۶۰۷ و ۶۲ قانون مجازات اسلامی مقاومت در برابر مامورین دولت حین انجام وظیفه جرم ولی مقاومت درمقابل تعرضات آنان جایز است. هر یک از این دو قسمت به ترتیب مصداق کدام گزینه است؟

- (۱) حکم واقعی ثانوی - حکم واقعی اولی
(۲) حکم ظاهری - حکم واقعی
(۳) حکم واقعی - حکم ظاهری
(۴) حکم واقعی اولی - حکم واقعی ثانوی

۹- اصل سیزدهم قانون اساسی که می گوید: "ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته می شوند..." بیانگر چه نوع مفهومی است؟

- (۱) غایت (۲) وصف (۳) شرط (۴) حصر

۱۰- عبارت “ غیر مسلم ” برای وصی در ماده ۱۱۹۲ قانون مدنی که می گوید ” ولی مسلم نمی تواند برای امور مولی علیه خود وصی غیر مسلم معین کند ” مصداق کدام اصطلاح است ؟

(۱) مقید (۲) مخصص (۳) خاص (۴) ناسخ

۱۱- ماده ۸۷۶ قانون مدنی گوید: “ با شک در حیات حین ولادت حکم وراثت نمی شود ” مبنای حکم این ماده چیست ؟

(۱) اصل عدم (۲) اصل برائت (۳) اصل استصحاب (۴) اصل احتیاط

۱۲- ماده ۲۴ قانون مدنی گوید: “ هیچ کس نمی تواند طرق و شوارع عامه و کوچه ها یی را که آخر آنها مسدود نیست تملک نماید ” از این ماده دو مطلب فهمیده می شود اول قابل تملک نبودن کوچه غیر مسدود ، دوم قابل تملک بودن کوچه مسدود . هر یک از این دو حکم به ترتیب مصداق کدام اصطلاح است؟

(۱) مفهوم موافق و مفهوم مخالف (۲) منطوق و مفهوم مخالف

(۳) مفهوم موافق و منطوق (۴) منطوق و مفهوم موافق

۱۳- ماده ۱۸ قانون تخلفات اداری که می گوید : “ کلیه وزارتخانه ها ، سازمان ها و موسسات ، شرکت های دولتی و ... مشمول این قانون هستند ” واجد چه نوع عامی است ؟

(۱) بدلی (۲) مجموعی (۳) استغراقی (۴) موارد ۲ و ۳

۱۴- ماده ۹۶۱ قانون مدنی که بعضی از مواردی را که اتباع خارجه از حقوق مدنی متمتع نیستند بیان نموده ، نسبت به ماده ۹۵۸ آن قانون که می گوید ” : هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود... ” مصداق کدام گزینه است؟

(۱) ناسخ (۲) مقید (۳) مخصص منفصل (۴) مخصص متصل

۱۵- کدام اصل در علم اجمالی جاری است؟

(۱) احتیاط (۲) استصحاب (۳) براءت (۴) عدم

۱۶- ماده ۸۳۳ قانون مدنی که گوید: "ورثه موصی نمی تواند در موصی به تصرف کند مادام که موصی له رد یا قبول خود را به آنها اعلام نکرده است" دارای چه نوع مفهومی است؟

(۱) مفهوم حصر (۲) مفهوم شرط (۳) مفهوم غایت (۴) مفهوم وصف

۱۷- حکم ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی که مصادیق آرای قابل تجدید نظرخواهی را مشخص کرده است، چه حکمی است؟

(۱) تخصیص اکثر است.

(۲) منحصص منفصل عقلی است.

(۳) منحصص منفصل لفظی است.

(۴) منحصص متصل صفتی است.

۱۸- اصله الصحه در ابواب معاملات به این معنی است که:

(۱) اگر معامله ای عرفا واقع شود و تردید باشد که آیا دارای تمام شروط صحت بوده یا نه، باید قائل به صحت شد.

(۲) اگر در شرطیت امری در صحت یکی از عقود و ایقاعات تردید شود، باید آن شرط رعایت نشود.

(۳) معاملات اعم از عقود و ایقاعات بر طبق اصله الصحه باید دارای تمام شرایط و فاقد همه موانع صحت باشد.

(۴) معاملات اصولاً صحیح انجام شود و در صورت تردید در صحت آن، اصل صحت رعایت نشده است.

۱۹- شرط در “ اصطلاح علم اصول ” عبارت است از:

(۱) مقدمه ای که عدم آن مستلزم عدم ذی المقدمه گردیده ولی وجودش ملازم وجود ذی المقدمه نیست.

(۲) جمله ای مرکب از دو جمله و ادات شرط

(۳) مقدمه ای که وجودش موجب پیدایش ذی المقدمه می گردد.

(۴) تعهدات تبعی که در ضمن عقد قرارداد درج می گردد.

۲۰- ماده ۱۱۹۸ قانون مدنی گوید: “ کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد ... ” تمکن منفق نسبت به وجوب انفاق مصداق چه مقدمه ای است؟

(۱) مقدمه صحت (۲) مقدمه وجوب (۳) مقدمه وجود (۴) مقدمه علم

پاسخنامه اصول فقه - آزمون وکالت سال ۱۳۸۸

۱- گزینه ۲ صحیح است. مخصص متصل، عبارت خاصی است که بر عام وارد شده و عده ای را از شمول حکم خارج می سازد، که این عبارت خاص متصل و از لحاظ لفظی پیوست عام است که این اتصال به پنج شکل وجود دارد، استثناء (مخصص متصل استثنایی) که ادات استثناء عبارتند از: مگر، الا، به استثناء، به جز، به غیر، اما، ولی، لکن) شرط (مخصص متصل شرطی) که ادات شرط، عبارتند اگر، به شرط اینکه، مشروط بر اینکه، ولو اینکه، در صورتیکه، چنانچه، هرگاه) غایت (مخصص متصل غایی) که ادات غایی مانند (تا، مادامیکه، وقتی که، زمانیکه، حتی، الی، لغایت) وصف (مخصص متصل وصفی) و بدل بعض از کل (مخصص متصل در حالت بدل بعض از کل)، با عنایت به مطالب فوق

می توان مخصص بکار رفته در ماده ۲۷۷ قانون مدنی را مخصص متصل و از نوع استثناء دانست (مخصص متصل استثنایی).

۲- گزینه ۴ صحیح است. اصل عدم یک اصل عدمی است که بدون لحاظ سابق می گوید: نبوده و نیست، اصل بر عدم است مگر آنکه خلافش ثابت شود، پس بنابر این اصل عدم نیاز به اثبات ندارد، زیرا اصل عدم است و مدعی خلاف عدم (وجود) باید وجود را اثبات کند، اینکه در ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی، قانونگذار می گوید: هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند، حکایت از همین واقعیت دارد. البته مفاد این ماده می تواند بیانگر اصل برائت نیز باشد، که البته در گزینه های نیامده است و مدعی علیه می تواند صرفاً انکار کند، زیرا اصل بر نبودن است، (البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر)، شایان ذکر که اصل عدم دارای ریشه فلسفی نیز هست، زیرا از نظر فلاسفه همه پدیده ها عدم بودند که با اراده ذات اقدس الهی وجود پیدا کردند (ممکن الوجود) پس سابقه همه موجودات عدم بوده، پس هرگاه در ظهور و تحقق امری تردید کنیم باید اصل را که همانا عدم است جاری سازیم.

۳- گزینه ۲ صحیح است. واجب مشروط، امری است که وجوبش یا واجب شدن آن یا الزام آوردن آن منوط و متوقف به تحقق امر دیگری است، مانند وجوب نفقه زوجه که منوط به تمکین از سوی زوجه است در ماده ۳۷۷ قانون مدنی الزام به تسلیم عوضین منوط به دیگری شده که در این حالت می توان تسلیم هر یک از عوضین را یک نوع واجب مشروط تلقی نمود، این در حالی است که واجب مطلق، امری است که وجوب و الزامی شدنش منوط و متوقف برای دیگری نیست که با مفاد مندرج در ماده ۳۷۷ قانون مدنی صدق نمی کند، از طرفی تسلیم عوضین صرفاً یک واجب عینی نیست، می تواند کفایی باشد زیرا انجام آن از طرف غیر از بایع و مشتری نیز باعث سقوط و برآوردن تکلیف می شود، مثلاً در عقد بیع تسلیم مبیع که یک تکلیف تبعی است بر عهده بایع است، اگر مشتری خود قادر بر تسلیم باشد از عهده او (بایع) خارج می شود. لازم به ذکر است که به نظر نگارنده مفاد ماده ۳۷۷ ق. م. بیشتر می تواند در قالب واجب معلق مطرح شود تا واجب

مشروط، چون در اینجا بحث الزام به تسلیم مطرح نیست چون قبلاً با تحقق بیع لازم شده، بلکه در اینجا بحث تحقق و انجام تسلیم است که موید واجب معلق است.

۴- گزینه ۳ صحیح است. فرق عمدۀ تعارض و تراحم در این است که در تعارض یکی مطلوب است که با وجود شرایطی باید بر آن دیگری ترجیح داده شود و در غیر این صورت تساقط می کنند، اما در تراحم هر دو مطلوب هستند اما مکلف در مقام امتثال واجرا توان اجرای هر دوی آنها را ندارد، در این حالت در صورت وجود اولویت (قاعده ترتیب) یکی را که مطلوب تر است (اهم) را بر مطلوب (مهم) ترجیح و تقدم می دهیم، موضوع مطروحه در طرح سؤال، از نمونه های تراحم است، زیرا پرداخت نفقه به پدر فقیر و به زوجه هر دو واجب و مطلوب می باشند (تراحم)، اما چون فرد تمکن مالی جهت پرداخت هر دو نفقه را ندارد، لاجرم باید یکی را بر دیگری ترجیح دهد، و چون نفقه زوجه از دید قانونگذار مهمتر است لذا آنرا ترجیح می دهد (قاعده ترتیب).

۵- گزینه ۲ صحیح است. واجب تبعی، تکلیفی است که به خودی و فی نفسه واجب نیست بلکه به تبع یک تکلیف دیگر واجب می شود به عبارتی از لوازم و توابع دیگری است، مثلاً در بند ۳ ماده ۳۶۲ قانون مدنی که می گوید عقد بیع، بایع را به تسلیم مبیع ملزم می کند، در اینجا تسلیم مبیع فی نفسه واجب نیست، بلکه به تبع وجود و انعقاد عقد بیع، بر عهده بایع تکلیف می شود، اما این در حالی است که واجب اصلی، تکلیفی است که فی نفسه و خودبخود واجب می شود. در همان بیع، تملیک عین بعوض معلوم می تواند از موارد واجب اصلی یا نفسی باشد.

۶- گزینه ۴ صحیح است. اصل تأخر حادث، یعنی اصل بر مؤخر بودن حادث (آنکه مجهول است) می باشد، چون حادث یعنی مجهول و این اصل عملی در جایی کاربرد دارد، که یک واقعه معلوم التاريخ (جاری) و یک واقعه مجهول التاريخ (حادث) داشته باشیم، که در این حالت می گویم اصل بر تأخر حادث است (اصل بر مؤخر بودن واقعه مجهول).

۷- گزینه ۱ صحیح است. مقدمه امر یا شرطی است که در ذی المقدمه یا مشروط تأثیری می گذارد، گاهی تأثیر مقدمه در ذی المقدمه از جهت صحت است، یعنی مقدمه باعث

صحت ذی المقدمه می گردد. مانند قبض که مقدمه یا شرط صحت وقف(ذی المقدمه مشروط) است یا ممکن است مقدمه در نفوذ یا تنفیذ ذی المقدمه تأثیر داشته باشد مانند اجازه مالک که مقدمه تنفیذ معامله فضولی است یا در انجام و اجرای آن که به آن مقدمه وجودی یا مقدمه وجود گویند و یا ممکن است مقدمه باعث علم نسبت به ذی المقدمه شود مانند استعلامات ثبتی، که به آن مقدمه علم گویند.

۸- گزینه ۴ صحیح است. حکم واقعی یا حکم اولی یا حکم واقعی اولی که یک حکم غیر استثنایی است، حالتی است که شارع یا قانونگذار حکمی را برای مسأله ای یا موضوعی تعیین می کنند با صرف نظر از وضعیت خاص یا فوق العاده یا غیرعادی و یا علم و جهل مکلف در حکم واقعی یا اولی یا واقعی اولی قانونگذار یا شارع حکم هر قضیه ای را بدون ملاحظه هیچگونه استثنایی در نظر می گیرد که غالباً در قالب یک قاعده کلی یا حکم کلی و غیر استثنایی است، مثلاً مقاومت در مقابل مأموران دولتی دفاع محسوب نشده و جرم است که مبتنی بر صدور حکم عام در حالت عادی است اما حکم اضطراری یا حکم ثانوی یا حکم واقعی ثانوی یا حکم استثنایی، حکمی است که شارع یا قانونگذار برای مسأله در حالت اضطراری و در شرایط خاص و استثنایی صادر می کنند. در واقع استثنایی بر حکم واقعی اولی که یک قاعده عام و کلی است، می باشد به عبارتی حتی می توان گفت که حکم ثانوی می تواند تخصیص بر حکم واقعی اولی باشد، مثلاً اگر بیم تجری یا تجاوز و تعدی برود در مقابل مأموران دولتی می توان در شرایطی دفاع مشروع محسوب شود. که صدور حکم در حالت غیرعادی و استثنایی است. بنابر این دفاع نبودن و یا جرم بودن مقاومت در برابر مأموران دولتی در حالتی که بیم تجاوز و تعدی برود یک حکم واقعی ثانوی محسوب می شود، لازم به ذکر است که صدور حکم در حالت جهل و شک و تردید مکلف در قالب حکم ظاهری است که از ناحیه اصول عملیه صادر می گردد. پس بدین ترتیب صدور حکم در حالت عادی (حکم واقعی یا حکم اولی یا حکم واقعی اولی و غیراستثنایی)، صدور حکم در حالت غیرعادی(حکم اضطراری، حکم ثانوی یا حکم واقعی ثانوی و غیر استثنایی)، و صدور حکم در حالت جهل و شک و تردید مکلف حکم ظاهری نامیده می شوند.

۹- گزینه ۴ صحیح است. جمله حصر، یعنی موضوعی را به مورد یا موارد خاصی محدود و منحصر کرد، در اصل ۱۳ قانون اساسی نیز اقلیت های مذهبی در ایران محدود و منحصر شده به زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان و از آنجائیکه جمله حصر دارای مفهوم مخالف است و به عبارتی مفهوم دارد، لهذا از مفهوم (مفهوم مخالف) اصل ۱۳ قانون اساسی برداشت می شود که غیر از زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان، دیگر اقوام مذهبی، جزء اقلیت های مذهبی محسوب نمی شوند.

۱۰- گزینه ۱ صحیح است. مقید(به کسر یاء) یعنی قید زنده که اسم فاعل است، در اینجا عبارت غیر مسلم لفظی است که عبارت مطلق وصی را تقیید زده است، از طرفی عبارت وصی در این ماده بواسطه عبارت غیرمسلم قید خورد، پس وصی در این ماده مقید(به فتح یاء) است یعنی قید خورده که اسم مفعول است. و به عبارت غیرمسلم مقید(به کسر یاء) یعنی قید زنده است که اسم فاعل است.

۱۱- گزینه ۱ صحیح است. با عنایت به پاسخی که در خصوص سؤال ۲ قابل ملاحظه است، می توان مفاد ماده ۸۷۶ ق.م را با اصل عدم توجیه کرد، زیرا اصل بر عدم است مگر آنکه خلافش ثابت یا مشاهده شود، از نظر قانون مدنی شخص زمانی وجود دارد و اهلیت پیدا می کند که زنده متولد شود، پس قبل از تولد از نظر قانونگذار مدنی فرد فاقد اهلیت تمتع و فاقد شخصیت و به عبارتی در حالت عدم است و از آنجائیکه این عدم مسبوق به سابقه یقینی نیست با اصل استصحاب عدمی توجیه نمی شود.

۱۲- گزینه ۲ صحیح است. منطوق برداشتی است که مستقیماً در کلام وجود دارد به عبارتی منطوق قضیه ای است که متکلم مستقیماً درصدد بیان آن است، اما مفهوم برداشتی است که مستقیماً در کلام وجود ندارد، بلکه از ترکیب ادبی و ساختار منطوق قابل فهم است که این برداشت می تواند موافق و در راستای حکم منطوق باشد(مفهوم موافق) و یا مخالف و مغایر حکم منطوق باشد(مفهوم مخالف) در طرح سؤال از ماده ۲۴ قانون مدنی دو برداشت شده است، یکی قابل تملک نبودن کوچه های مسدود که مستقیماً در

ماده ۲۴ آمده است که بیانگر منطوق ماده است و دیگری قابل تملک بودن کوچه های غیرمسدود که از مفهوم مخالف ماده ۲۴ قابل برداشت است.

۱۳- گزینه ۳ صحیح است. در خصوص اقسام عام، سه نوع قابل بیان و شرح است، که عبارتند از: عام افرادی یا استغراقی، عام مجموعی و عام بدلی.

عام افرادی یا استغراقی، عبارت عامی است که افراد شمولش را به نحو انفرادی و هر یک از آنها را بطور جداگانه و تک تک در بر می گیرد، انجامش توسط فردی یا افرادی مانع انجام توسط دیگری یا دیگران نمی شود و موضوع را بر دیگر افراد شمول آن عام منتفی نمی سازد مانند مسأله مطروحه در طرح سؤال که بر اساس ماده ۱۸ قانون تخلفات اداری طرح شده، که حکم مندرج در این ماده شامل تک تک دستگاههای اداری و دولتی هر یک بطور جداگانه و به نحو انفرادی می شود. عام مجموعی عبارت عامی است که افراد شمولش را نه به نحو انفرادی بلکه همه را با هم و به اتفاق و یک جا و من الحیث مجموع در بر می گیرد،(همه یا هیچ) که حکم زمانی اجرا و امتثال می گردد که همه افراد آن مجموعه آن را انجام دهند، حتی با مخالفت یک فرد حکم انجام نمی شود و می گوئیم نسبت به آن حکم نافرمانی و مخالفت صورت گرفته، عام بدلی، عبارت عامی است که فرد غیرمعین از یک جمع را در بر می گیرد، که هر کدام از آن افراد می توانند بدل و جانشین آن دیگری قرار گیرد، در عام بدلی یکی از بین و دو یا چند فرد ملاک است که اگر آن فرد انجام دهد موضوع انجام آن عمل برای دیگران منتفی می گردد(سالبه به انتفاء موضوع)

۱۴- گزینه ۳ صحیح است. مخصص منفصل، عبارت خاصی است که بر عام وارد شده و عده ای را از شمول حکم خارج می کند، این عبارت خاص، جدا و منفصل از عام است، اگر عام در ماده قانون باشد مخصص منفصل آن در تبصره یا در ماده دیگر یا حتی ممکن است در قانون دیگری باشد، که البته غالباً مخصص منفصل بصورت لفظی است، یعنی یک لفظ و عبارت عام داریم و یک لفظ خاص که جدا از آن بوده و آنرا تخصیص زده(مخصص) مانند مسأله مطروحه در طرح سؤال اما گاهی ممکن است که مخصص منفصل بصورت عقلی یا لیبی باشد، اما مخصص متصل همواره لفظی است.

۱۵- گزینه ۱ صحیح است. اصل احتیاط یا اشتغال، در جایی کاربرد دارد که شک و تردید در مکلف به داریم بدون وجود حالت سابق یقینی، شک در مکلف به یعنی تکلیف را می دانیم که متوجه مکلف است (شک در توجه و نوع تکلیف نداریم) ولی شک داریم که حدود و اندازه تکلیف چقدر است مثلاً می دانیم که یکصد تومان بدهکاریم، اما نمی دانیم به چه کسی بدهکاریم پس در اینجا یک علم اجمالی داریم مبنی بر توجه تکلیف به خودمان اگرچه مقدار و اندازه آن را نمی دانیم.

۱۶- گزینه ۳ صحیح است. همانطوریکه در پاسخ سؤال ۱ ملاحظه شد، مخصص متصل به پنج شکل وجود دارد که یکی از اشکال آن جمله مخصص بصورت جمله غایی (غایت) است و ادات مشهور غایی مانند (تا، مادامیکه، وقتی که، زمانیکه، حتی، الی، لغایت) استفاده می شود، مانند مخصص منظور در ماده ۸۳۳ قانون مدنی که بصورت جمله غایت آمده (مخصص متصل غایی) عبارت مادامیکه

۱۷- گزینه ۱ صحیح است. در خصوص حد و میزان تخصیص و اینکه تا چه حد از عام را می توان تخصیص زد، و اینکه آیا می توان اکثریت عام را تخصیص زد یا نه؟ بین فقها اتفاق نظر وجود ندارد، گرچه اکثریت فقها بر این عقیده اند که تخصیص اکثر جایز نیست و تا حدی از دایره عام را می توان محدود کرد که اکثریت در عام باقی بمانند، اما اقلیت فقها بر این باورند که تخصیص اکثر جایز نیست، اما علیرغم این مورد، قانونگذار در موارد محدود، اکثریت را از دایره شمول عام خارج نموده است (تخصیص اکثر) اکثریت آراء و احکام حقوقی غیرقطعی و قابل تجدیدنظرند و استثنائاً محدودی از آراء و احکام قطعی و غیرقابل تجدیدنظر و بازنگری می باشند، اما قانونگذار در ماده ۳۳۰ ق.آ.د.م گفته اصل بر قطعی بودن آراء و احکام حقوقی است به استثنای مواردیکه قانون استفاده کرده، در اینجا استثناء (آرای قابل تجدیدنظر و غیر قطعی) به مراتب بیشتر از آراء قطعی و غیرقابل تجدیدنظر است.

۱۸- گزینه ۱ صحیح است. اصل صحت یا اصاله الصحه، که در قالب شرایط و اجزاء صحت معامله بعنوان یک اماره محسوب می شود، بر این مبنا استوار است که اگر معامله

ای عرفاً واقع شود و تردید شود که آیا دارای تمام شروط صحت بوده یا خیر، با استناد اصل صحت (اماره صحت) باید قائل به صحیح بودن آن عقد شده به همین خاطر با استناد اصل صحت (اماره صحت) باید قائل به صحیح بودن عقد شده به همین خاطر ماده ۲۲۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: ((اصل بر صحت معاملات است مگر آنکه فسادش معلوم شود.)) البته شایان توجه است که اصل صحت در غیر از موارد شرایط و اجزاء صحت معامله، اماره محسوب نشده، بلکه از مصادیق اصول عملیه است که از اصل استصحاب پائین تر است.

۱۹- جمله شرط را می‌توان در سه قالب مطرح کرد، یکی شرط اصولی یا شرط در اصطلاح اصول است، یعنی شرط یا مقدمه ای است که عدمش موجب عدم ذی المقدمه یا مشروط می‌گردد ولی لزوماً وجودش به منزله وجود مشروط یا ذی المقدمه یا مشروط نمی‌گردد. دیگری شرط نحوی یا صرفی یا ادبی است که شرط یا مقدمه ای است که عدمش به منزله عدم ذی المقدمه یا مشروط وجودش نیز لزوماً موجب وجود و تحقق ذی المقدمه و مشروط می‌گردد یعنی بین عدم و وجود شرط و مشروط یا مقدمه و ذی المقدمه ملازمه وجود دارد و دیگری شرط لغوی یا شرط در لغت است که به معنای التزام یا تعهد است.

۲۰- گزینه ۲ صحیح است. همانطوریکه می‌دانیم مقدمه امر یا شرطی است که در ذی المقدمه یا مشروط تأثیر دارد و ذی المقدمه امری است که وابسته به مقدمه است، گاهی مقدمه تأثیرش در ذی المقدمه از حیث وجوب و الزام ذی المقدمه است، مثلاً تمکن مالی مقدمه ای است در جهت وجوب و الزام نفقه به اقارب یا استطاعت مالی مقدمه ای جهت وجوب (واجب شدن) حج است که اصطلاحاً به آن مقدمه وجوب گویند. گاهی مقدمه در انجام و تحقق ذی المقدمه تأثیر و نقش دارد، که به آن مقدمه وجودی می‌گویند.

اصول فقه - آزمون وکالت سال ۱۳۸۹

۱ - عبارت «دائم» برای «نکاح» در ماده ۱۰۶۹ ق.م که می‌گوید: «..... در نکاح دائم، شرط خیار نسبت به صداق، جایز است.....» مصداق کدام اصطلاح می‌باشد؟

(۱) مطلق (۲) مقید (به فتح یاء) (۳) مقید (به کسر یاء) (۴) خاص

۲ - طبق ماده ۳۵۳ ق.آ.د.م، دادگاه تجدیدنظر پس از نقض «قرار»، پرونده را برای رسیدگی ماهوی به دادگاه صادرکننده قرار عودت می‌دهد اما اگر «قرار رد دادخواست جلب شخص ثالث» که توأم با حکم راجع به اصل دعوا نسبت بدان تجدیدنظرخواهی شده - در مرحله تجدیدنظر فسخ شود، مطابق ذیل ماده ۱۴۰ همان قانون، رسیدگی به آن با دعوی اصلی در دادگاهی به عمل می‌آید که به عنوان تجدیدنظر رسیدگی می‌نماید. وضعیت یاد شده، مصداق کدام یک از موارد ذیل است؟

(۱) ناسخ (۲) مخصص متصل

(۳) مخصص منفصل لفظی (۴) مخصص منفصل عقلی

۳ - اگر چه حاکم شرع، بدو حق اجبار کسی را بر مطلقه نمودن همسرش ندارد اما در صورت بروز عسر و حرج برای زوجه و مراجعه وی به حاکم، دادگاه می‌تواند مطابق ماده ۱۱۳۰ ق.م، زوج را اجبار به طلاق نماید. عدم جواز بدوی حاکم و جواز مذکور در ماده یاد شده به ترتیب مصداق کدام یک از موارد ذیل است؟

(۱) حکم واقعی ثانوی - حکم ظاهری (۲) حکم واقعی اولی - حکم ظاهری

(۳) حکم واقعی اولی - حکم واقعی ثانوی (۴) حکم واقعی ثانوی - حکم واقعی اولی

۴ - ماده ۱۹۸ ق.ا.د.م که می‌گوید: «در صورتی که حق یا دینی بر عهده کسی ثابت شد اصل بر بقای آن است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.»
مصادق کدام مورد است؟

(۱) اصل استصحاب

(۲) ابقاء مکان

(۳) لاتنقض الیقین بالشک بل انقضه بیقین آخر

(۴) هر سه مورد

۵ - ماده ۱۰۷۹ ق.م که می‌گوید: «مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود، معلوم باشد» مصادق کدام مورد است؟

(۱) قطع (۲) شک (۳) علم تفصیلی (۴) علم اجمالی

۶ - طبق ماده ۳۲۰ ق.م: ((نسبت به منافع مال مغضوب، هر یک از غاصبین به اندازه منافع زمان تصرف خود و ما بعد خود ضامن است اگر چه استیفاء منفعت نکرده باشد ...)) مسوؤل بودن غاصب در صورتی که استیفاء منفعت هم کرده باشد مصادق کدامیک از موارد ذیل است؟

(۱) مفهوم مخالف (۲) قیاس اولویت

(۳) مفهوم موافق (۴) موارد ۱ و ۲

۷ - در ماده ۳۵۹ ق.م که می‌گوید: «هرگاه دخول شیئی در مبیع عرفاً مشکوک باشد آن شیء داخل در بیع نخواهد بود مگر آنکه تصریح شده باشد.» کدام اصل اجرا شده است؟

(۱) اصل عدم (۲) استصحاب عدمی

(۳) استصحاب وجودی (۴) هر سه مورد

۸ - از آنجا که مطابق ماده ۳۹ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء دادگستری، ادای سوگند بعد از حاضر شدن پروانه وکالت یعنی پس از اتمام دوره کارآموزی وکالت انجام می شود، مجازات مربوط به «تخلف از قسم»؛ موضوع بند ۳ ماده ۸۱ آن آیین نامه شامل حال کسی که مشغول گذراندن دوره کارآموزی است نمی گردد. این وضعیت مصداق کدام یک از موارد ذیل است؟

(۱) خروج تخصصی (۲) خروج تخصصی (۳) حکومت (۴) موارد ۱ و ۳

۹ - ماده ۱۰۴۳ ق.م که می گوید: «نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است...» مصداق کدام مورد است؟

(۱) عام افرادی (۲) عام استغراقی (۳) عام بدلی (۴) عام مجموعی

۱۰ - ماده ۲۲۵ ق.آ.د.م که مقرر داشته: ((تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می شود...)) مصداق کدام یک از موارد ذیل است؟

(۱) امر به صیغه (۲) امر (۳) خبر در مقام انشاء (۴) گزینه های ۱ و ۲

۱۱ - ماده ۵۲۹ ق.آ.د.م که مقرر داشته: ((از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸ و الحاقات و اصلاحات آن و مواد ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۳ و ۳۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ و سایر قوانین و مقررات در موارد مغایر ملغی می گردد.))

(۱) متضمن نسخ شخصی است.

(۲) متضمن نسخ نوعی است.

(۳) متضمن نسخ غیرصریح است.

(۴) متضمن نسخ صریح، شخصی و نوعی، هر سه است.

۱۲ - بند ۲ ماده ۵۱ ق.ا.د.م که اقامتگاه مدعی علیه را با قول مدعی احرار می کند مصداق کدام مورد است؟

(۱) دلیل به معنای اخص (۲) اصل (۳) اماره (۴) موارد ۱ و ۳

۱۳ - برابر ماده ۶۵۰ ق.م: «مقترض باید مثل مالی را که قرض کرده است رد کند اگرچه قیمتاً ترقی یا تنزل کرده باشد...» رد مثل مال مقروضه، چه نوع واجبی است؟

(۱) مشروط (۲) مطلق (۳) کفایی (۴) تبعی

۱۴ - ماده ۷۷۸ ق.م که مقرر داشته: «اگر شرط شده باشد که مرتهن حق فروش عین مرهونه را ندارد باطل است.» مصداق کدام مورد است؟

(۱) مجمل (۲) مبین (به فتح یاء) (۳) محکم (۴) مبین (به کسر یاء)

۱۵ - طبق ماده ۸۶۱ ق.م که می گوید: «موجب ارث دو امر است: نسب و سبب» و ماده ۹۴۰ ق.م که می گوید: «زوجین که زوجیت آنها دایمی بوده و ممنوع از ارث نباشند، از یکدیگر ارث می برند.» نکاح موجب ارث است. از این دو ماده استنباط می شود که نکاح نسبت به ارث، چه نوع مقدمه ای است؟

(۱) سبب (۲) شرط (۳) نفوذ (۴) وجود

۱۶ - ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته: توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار ریال تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود.» مصداق چه نوع واجبی است؟

(۱) تعیینی (۲) تخییری (۳) کفایی (۴) عینی

۱۷ - ماده ۷۹۵ ق.م.می گوید: «هبه عقدی است که به موجب آن یک نفر مالی را مجاناً به کس دیگری تملیک می کند...» در میان احتمالات راجع به معنای این عبارت، معنایی که زودتر به ذهن می آید این است که تعریف ناظر به تملیک رایگان عین، دین و منفعت است و شامل انتقال رایگان حقوق (مثل حق انتفاع و ارتفاق و رهن و تحجیر) که مرتبه ای ضعیف تر از مالکیت می باشد نمی شود. دلالت ماده بر این معنا مصداق کدام مورد است؟

(۱) نص (۲) ظاهر (۳) ماوّل (۴) متشابه

۱۸ - اصل ۲۵ قانون اساسی که مقرر داشته: «بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.» بیانگر چه نوع مفهومی است؟

(۱) حصر (۲) قیاس مساوات (۳) شرط (۴) قیاس اولویت

۱۹ - در ماده ۸۷۶ ق.م.چنین آمده است: «با شک در حیات حین ولادت حکم وراثت نمی شود.» وقتی در حیات حین ولادت طفل شبیه باشد، چه شبیه ای بوجود آمده است؟

(۱) حکمیه (۲) موضوعیه (۳) مصداقیه تحریمیه (۴) مفهومیه تحریمیه

۲۰ - عام در ماده ۱۰۷۱ ق.م: «هر یک از زن و مرد می تواند برای عقد نکاح وکالت به غیر دهد.»، عام..... است.

(۱) مجموعی (۲) بدلی (۳) استغراقی (۴) بدلی و افرادی

پاسخنامه اصول فقه - آزمون وکالت سال ۱۳۸۹

۱- گزینه ۳ صحیح است. مقید (به کسریاء) اسم فاعل است یعنی قید زننده، و مقید (به فتح یاء) اسم مفعول است یعنی قید خورده، عبارت مطلقى که از طریق یکی از مصادیق جنس خودتقیید می خورد به آن مقید (به فتح یاء) می گویند، مانند لفظ نکاح که یک عبارت مطلق است و در طرح سؤال به یکی از مصادیق خود یعنی دائم تقیید خورده، پس نکاح در اینجا مقید به نکاح دائم شده است. بنابراین لفظ نکاح در ماده ۱۰۶۹ قانون مدنی مقید (به فتح یاء) است و اما لفظ دائم عبارتی است که لفظ مطلق نکاح را قید زده و آنرا مقید به نکاح دائم نموده است، لذا لفظ دائم در اینجا قید زننده است که اصطلاحاً به آن مقید (به کسریاء) اطلاق می گردد. و یا مثلاً بیع شرط که مقید شده به یکی از مصادیق جنس خود که همانا بیع شرط باشد، لذا در این مثال لفظ بیع مقید (به فتح یاء) قید خورده و لفظ شرط مقید (به کسریاء) قید زننده است.

۲- گزینه ۳ صحیح است. مخصص عبارت خاصی است که بر عام وارد شده و عده ای را از مشمول و دایره عام خارج سازد، یا عام را از عمومیت خارج می کند، که این مخصص بر دونوع است، یکی مخصص متصل، یعنی عبارت خاصی که بر عام وارد شده و عده ای از مشمول عام خارج می کند و متصل و پیوست به عام است که البته این اتصال همواره بصورت لفظی است، لهذا می گوئیم مخصص متصل همیشه لفظی است و مخصص متصل عقلی یا لبی نداریم، که می تواند بصورت استثناء، شرط، غایت، وصف و بدل بعض از کل، باشد، دیگری مخصص منفصل است، یعنی عبارت خاصی که بر عام وارد می شود و عده ای را از مشمول عام خارج می کند منفصل و جدا از عام است، مثلاً اگر عام در ماده قانونی باشد، مخصص آن در تبصره یا در ماده دیگر و حتی ممکن است در قانون دیگری باشد، مخصص منفصل غالباً بصورت لفظی است یعنی عام و مخصص دو لفظ جدا هستند و هم عبارت عام و هم مخصص هر دو بصورت یک عبارت لفظی می آیند مانند مسأله

مطروحه در طرح سؤال که عام و مخصص بطور جداگانه وبصورت دولفظ آمده است، البته گاهی اوقات این امکان نیز وجود دارد که مخصص منفصل بصورت غیرلفظی یا عقلی (لبی) باشد، که در عملیات ذهنی یک عبارت را تخصیص می زنیم، بدون اینکه در لفظ آشکار باشد.

۳- گزینه ۳ صحیح است. حکم واقعی یا حکم اولی یا حکم واقعی اولی حکمی است که شارع یا قانونگذار برای مسأله ای تعیین می کنند با قطع نظر از وضعیت خاص یا فوق العاده یا غیرعادی یا علم و جهل مکلف، در حکم واقعی قانونگذار یا شارع حکم هر قضیه ای را بدون ملاحظه هیچگونه استثنایی در نظر می گیرند که غالباً در قالب یک قاعده، یا حکم کلی غیراستثنایی است، مثلاً عدم جوار حاکم در مطلقه نمودن زوجه یک فرد یک حکم کلی و مبتنی بر صدور حکم در حالت عادی است. اما حکم اضطراری یا حکم ثانوی یا واقعی ثانوی یا حکم استثنایی، حکمی است که شارع یا قانونگذاری برای مسأله ای در حالت اضطراری و در شرایط خاص و استثنایی صادر می کنند و در واقع استثنایی بر حکم واقعی اولی که یک قاعده کلی است، می باشد به عبارتی حتی می توان گفت که حکم ثانوی می تواند تخصیصی بر حکم واقعی اولی باشد مثلاً جواز حاکم در مطلقه نمودن زوجه در حالت خاص (عسر و حرج زوجه) که صدور حکم در حالت غیرعادی است بنابراین عدم جواز حاکم در صدور حکم طلاق زوجه یک فرد یک حکم واقعی و غیراستثنایی و جواز حاکم در صدور حکم طلاق زوجه (در حالت عسر و حرج) یک حکم ثانوی و استثنایی است.

۴- گزینه ۴ صحیح است. اصل عملی استصحاب یعنی ابقاء ماکان، یعنی ابقاء و باقی مفروض دانستن آنچه که در وجودش یا عدمش در زمان سابق یقین وجود داشته که در زمان حال (لاحق) در وجود و عدمش شک و تردید شود. در این حالت یقین به حالت سابق بر شک لاحق برتر شده و شک و تردید را از بین می برد، و ما بر اساس متیقن سابق عمل می کنیم، در ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی، اصل را ببقاء حالت سابق قرارداد (ابقاء ماکان) یا کمافی سابق، سابقی که در بودنش یقین وجود دارد، چرا که گفته "در صورتیکه حق یا دینی بر عهده کسی ثابت شد" که این امر موید یقینی بودن است پس متیقن ما وجود یقینی حق

یا دینی است که بر همین اساس عمل می‌کنیم و شک احتمالی لاحق نه تنها خللی بر این یقین وارد نکرده و آنرا نقض نمی‌کند بلکه این یقین است که باعث نقض و از بین رفتن شک لاحق می‌شود، به همین خاطر است که می‌گوییم در استصحاب با ابزار یقین شک را از بین می‌بریم، پس در استصحاب هیچگاه شک یقین را از بین نمی‌برد، اگرچنین اتفاقی رخ دهد، در آن صورت آن استصحاب یک استصحاب وارونه یا قهقراپی است که حجیت ندارد. بنابراین با این تفصیل گزینه ۴ که در برگزیده سه گزینه قبلی است، جواب صحیح این سؤال می‌باشد.

۵- گزینه ۴ صحیح است. یقین مبتنی بر دو عامل است یک قطع و دیگری علم، که علم به نوبه خود بر دو نوع است یکی علم تفصیلی، یعنی علم نسبت به تمام اطراف یک موضوع که در حجیت داشتن آن تردیدی وجود ندارد، زیرا بالاترین درجه یقین است و دیگری علم اجمالی، یعنی علمی که باعث آگاهی فرد نسبت به تمام اطراف آن موضوع نمی‌شود، ولی تا حدودی رفع جهالت می‌کند، که البته در معاملات یا اعمال حقوقی اکتفاء به علم اجمالی جایز است، حتی برخی عقود وجود دارند که بر مبنای علم اجمالی هستند مانند جعاله یا ضمان و دیگر عقود که بر مبنای علم اجمالی نیستند و طرفین بر اساس چنین علمی مبادرت به انعقاد یک عمل حقوقی نمایند سبب عدم نفوذ یا بطلان آن عمل نیست، بلکه آن عقد صحیح بوده ولی ممکن است برای طرف یا طرفین حق (خیار) فسخ ایجاد نماید، در ماده ۱۰۷۹ قانونی مدنی صحبت از تعیین مهری می‌کند که تا حدی رفع جهالت کند، چنین مهری صحیح می‌باشد چون مبتنی بر علم اجمالی است، حال اگر نسبت به مهر علم تفصیلی داشته باشیم، بطریق اولی لطمه‌ای به صحت عقد وارد نمی‌سازد، گویا اینکه اصولاً عدم ذکر مهر (صداق) در نکاح دائم به صحت عقد خللی وارد نمی‌سازد. شایان ذکر است که در عبادات اکتفا به علم اجمالی زمانی حجیت دارد که امکان تحصیل علم تفصیلی وجود نداشته باشد.

۶- گزینه ۲ صحیح است. قیاس اولویت یا مفهوم موافق برتر، یعنی هرگاه حکم اصل (منطوق یا مقیس علیه) را با شدت بیشتری به فرع (مفهوم یا مقیس) سرایت دهیم که در این حالت شدت حکم در فرع که حکم خود را از اصل گرفته، قوی‌تر می‌شود و می‌گوییم مناط حکم در فرع اقوی از اصل است استفاده می‌کنیم، در ماده ۲۳۰ قانون مدنی

می گوید هر یک از غاصبین نسبت به منافع زمان تصرف خود و ما بعد خود مسوولیت تضامنی دارند اگر چه استیفای منفعت نکرده باشند می فهمیم که اگر استیفای منفعت کرده باشند بطریق اولی و مسلماً با شدت بیشتری مسوولیت دارند. که استنباط شدت حکم در حالتی که استیفای منفعت نموده اند، از روی مفهوم موافق برتر یا اولویت یا به عبارتی در قالب قیاس از نوع قیاس اولویت است.

۷- گزینه ۱ صحیح است. در ماده ۳۵۹ قانون مدنی یک امر عدمی مطرح شده، بنابر این گزینه های ۱ و ۲ که مبتنی بر عدم هستند در این خصوص قابل بحث می باشند، یعنی اصل عدم و اصل استصحاب عدمی، هر دوی این اصول عملیه بر مبنای عدم استوارند با این توضیح که در استصحاب عدمی با توجه به حالت سابق یقینی که یقین به عدم وجود چیزی است، می گوئیم الان نیز وجود ندارد(فالان موقع یقیناً نبوده پس الان هم نیست)، اما در اصل عدم حالت سابق یقینی وجود ندارد، پس بدون لحاظ حالت سابق می گوئیم نیست(نبوده و نیست)، در ماده ۳۵۹ هیچ حالت سابق یقینی بر عدم دخول شیء در مبیع در دست نیست، لهذا عدم دخول فعلی شیء در مبیع مبتنی بر اصل عدم است.

۸- گزینه ۱ صحیح است. تخصص، یعنی خروج موضوعی یا خودبخودی عده ای از دایره موضوعی اعم از اینکه آن را خارج بکنیم یا خارج نکنیم، مثلاً وقتی می گوئیم بر هر فرد ذکور ایرانی تکلیف است که خدمت وظیفه عمومی را انجام دهد، خودبخود موضوعاً زنان(اناث) از حکم این قانون(قانون نظام وظیفه عمومی) خارج می باشند، و یا وقتی که قانونگذار جرایم تعزیری را مشمول قاعده تعلیق یا تعویق قرار دهد خودبخود جرایم موضوع مجازات حدود، قصاص و دیات از شمول آن قاعده موضوعاً خارج می شود، اعم از اینکه آن را خارج کنیم یا نکنیم، یعنی نیاز به تخصیص زدن(اخراج حکمی) نداریم، مانند مسأله مطروحه در طرح سؤال که گفته کسی که در حال گذراندن دوره کارآموزی است مشمول تخلف از قسم نمی گردد، ولو اینکه تخلفی را مرتکب شود که در حالت عادی(وکیل پایه دادگستری) مشمول حکم تخلف از قسم تلقی گردد، زیرا وکیل کارآموز، پس از گذراندن دوره کارآموزی و موفقیت در امتحان اختبار، در یک مراسم خاص که به

مراسم تحلیف (سوگند و کیل) معروف است موضوعاً و خودبخود از شمول این حکم (تخلف از سوگند) خارج می گردند، زیرا وکلای کارآموز پیش از آغاز دوره کارآموزی یا در حین دوره تحلیفی را انجام نمی دهد، تا تخلف آنها در قالب تخلف از سوگند قلمداد نمود. پس بنابر این خروج این عده، یک خروج موضوعی است که موید تخصص است البته شایان ذکر است که در حکومت نیز خروج موضوعی داریم، آنجا این خروج خودبخودی نیست بلکه از طریق دخل و تصرف عده ای را که واقعاً در موضوع هستند را خارج می کنیم (اخراج موضوعی).

۹- گزینه ۳ صحیح است. در باب اقسام عام، سه نوع عام قابل تصور است، عام افرادی یا استغراقی، عام مجموعی و عام بدلی. عام افرادی یا استغراقی، عبارت عامی است که افراد شمولش را به نحوی انفرادی و هریک از آنها را بطور جداگانه و تک تک در بر می گیرد، انجامش توسط فردی یا انفرادی مانع انجامش توسط دیگران نمی شود و موضوع را در دیگر افراد شمول آن عام منتفی نمی سازد، عام مجموعی عبارت عامی است که افراد شمولش را نه به نحو انفرادی بلکه همه را با هم و به اتفاق و یکجا و من حیث المجموع در بر می گیرد، (همه یا هیچ) که حکم زمان اجرا و امتثال می گردد که همه افراد آن مجموع آن را انجام دهند، حتی با مخالفت یک فرد حکم انجام نمی شود و می گوئیم نسبت به آن حکم نافرمانی و مخالفت صورت گرفته، عام بدلی، عبارت عامی است که فرد غیرمعین از یک جمع را در بر می گیرد، که هر کدام از آن افراد می توانند بدل و جانشین آن دیگری قرار گیرد، در عام بدلی یکی از بین دو یا چند فرد ملاک است که اگر آن فرد انجام دهد موضوع انجام آن عمل برای دیگران یا دیگری منتفی می گردد (سالبه به انتفاء موضوع) در صورت مسأله مطروحه در ماده ۱۰۴۳ نکاح دختر باکره را منوط به اجازه (اذن) پدر یا جد پدری دانسته که یک عام بدلی است، زیرا در اینجا یک فرد غیرمعین از یک جمع (پدر یا جد پدری) مدنظر است، از طرفی اگر هر کدام از این دو آن را انجام دهند (اذن) دیگر اذن ولی منتفی می گردد، زیرا اذن با موافقت یکی از آن دو حاصل می گردد و دیگر موضوعی باقی نمی ماند (تحصیل حاصل).

۱۰- گزینه ۳ صحیح است. هیأت و ساختار امر به دو شکل است یکی جمله انشایی (امر انشایی) و دیگر جمله خبری. امر انشایی، عبارت امری است که دارای فعل امر است، که

در متون قانونی قانونگذار در بیان امر هیچگاه از فعل امر استفاده نمی کند، لهذا می توان گفت در مواد قانون امر انشایی نداریم، البته ممکن است در دستور العمل ها و بخشنامه های اداری با چنین شکلی از امر برخورد کنیم، دیگری جمله خبری که خود بر دو حالت است، یکی جمله خبری با استفاده از قیود الزام مانند(باید، موظف است، مکلف است، الزام آور است و نظایر اینها) و دیگری جمله خبری بدون استفاده از قید الزام ولی در مقام بیان و انشاء امر یا الزام وجوب است، مانند منطوق ماده ۲۲۵ قانون تجارت که می گوید: تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می شود که ظاهر در صدور بیان یک خبری است اما در ذات و معنای این عبارت می توان یک الزام و وجوب یا امری را دریافت کرد، پس این ماده در ظاهر یک جمله خبری است. امادر مقام بیان و انشاء امر یا الزام و وجوب است، زیرا وقتی که می گوید تاریخ نوشته شود که حکایت از الزام و وجوب می کند.

۱۱- گزینه ۴ صحیح است. در یک تقسیم بندی کلی نسخ بر دو نوع است، یکی نسخ صریح و دیگری نسخ ضمنی، نسخ صریح یعنی قانونگذار در قانون جدید(لاحق- موخر)به صراحت اعلام نسخ کند که خود بر دو شکل است یکی نسخ صریح شخصی، که در آن قانونگذار ضمن اعلام نسخ(نسخ صریح) مشخص و معین کند که کدام قانون یا قوانین یا چه موادی از قانون منسوخ گردیده، مثلاً اینگونه بگوید، ((از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون فلان قانون یا فلان ماده یا مواد از قانون فلان ملغی و منسوخ می گردد)) مانند قسمت اول ماده ۵۲۹ قانون آ.د.م، دیگر نسخ صریح نوعی(کلی) که در آن قانونگذار ضمن اعلام نسخ (نسخ صریح) بطور کلی قوانینی را ملغی و منسوخ اعلام نماید، مثلاً اینگونه بگوید: ((از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون کلیه قوانین مغایر یا کلیه قوانین در موارد مغایرت منسوخ و ملغی می گردد)) که مفاد ماده ۵۲۹ ق.آ.د.م مبین اولاً نسخ صریح است، زیرا صریحاً اعلام نسخ و الغا را نمود، ثانیاً یک نسخ صریح شخصی است، چون در صدر ماده قانون آ.د.م مصوب ۱۳۱۸ و موادی از قانون تشکیل دادگاه عمومی و انقلاب را منسوخ اعلام نمود و ثالثاً بیانگر نسخ صریح نوعی است چون با استفاده از واو عطف در

قسمت اخیر گفته و کلیه قوانین مغایر که مؤید یک نسخ نوعی است، بنابراین گزینه ۴ صحیح است.

۱۲- گزینه ۳ صحیح است. اماره دلیلی است (دلیل به معنای اعم یا ادله) که نوعاً یا غالباً کاشف از واقع است، یعنی مبتنی بر احتمال قوی است، به عبارتی آنچه را که اماره از طریق قرائن و اوضاع و احوال کشف می کند ظنی بوده و احتمال خلاف در آن وجود دارد، اینکه در تقدیم دادخواست خواهان باید ضمن درج نام و نام خانوادگی خواننده یا خواندگان باید نشانی و یا اقامتگاه وی را نیز اعلام نماید یک امر الزامی است، زیرا در غیر اینصورت موجبات رد دادخواست از سوی مدیر دفتر دادگاه فراهم می گردد، از طرفی در بند ۲ ماده ۵۱ قانون آ.د.م گفته که دادگاه اقامتگاه مدعی علیه (خواننده) را به قول مدعی (خواهان) احراز می کند که مبتنی بر احتمال قوی است، زیرا دادگاه احتمال قوی می دهد که اقامتگاه خواننده همانی است که خواهان در دادخواست اعلام کرده است، لذا به همان نشانی اوراق و اخطاریه ها را ابلاغ می نماید، احتمال اینکه نشانی نادرست باشد یا خواننده در آن حضور نداشته باشد وجود دارد ولی ضعیف است، پس در اینجا دادگاه یقین ندارد که آدرس دقیقاً و مطمئناً همان نشانی خواننده باشد. از طرفی اصل در حالت شک و تردید اعمال می گردد و دلیل به معنای اخص همان دلیل یقین آور است که در خصوص این سؤال نه اصل (اصول عملیه) و نه دلیل یقین آور (دلیل به معنای اخص) کاربرد ندارند.

۱۳- گزینه ۲ صحیح است. واجب مطلق، امری است که وجوبش یا واجب شدنش یا الزام آن منوط و وابسته به امر دیگری نیست، اما این در حالی است که واجب مشروط، امری است که واجب شدن و الزام آن منوط و متوقف بر امر دیگری است، واجب کفایی که در خصوص این سؤال کاربردی ندارد و از طرف مفاد ماده فوق بیانگر واجب تبعی نیست بلکه بر عکس مبین واجب اصلی است، لذا در مطلق یا مشروط بودن این تکلیف شک و تردید وجود دارد. که با توجه به نشانه ها و تعریفی که از این دو واجب ارائه شده در می یابیم که ، الزام بکار رفته در این ماده (رد مال مقروض) وابسته و منوط به امر دیگری نیست، پس یک واجب مطلق است.

۱۴- گزینه ۱ صحیح است. مجمل یا اجمال، کلامی است که دو یا چند احتمال دارد و منظور گوینده (متکلم) را ندانسته و نیاز به توضیح دارد، زیرا اجمال مبتنی بر شک و تردید است و حجیت ندارد، در ماده ۷۷۸ قانون مدنی قانونگذار گفته اگر شرط شده باشد که مرتبه حق فروش عین مرهونه را ندارد باطل است. در اینجا اجمال و تردید وجود دارد که منظور قانونگذار از باطل است چیست، آیا احتمال دارد که مقصودش عقد باشد یا شرط یا هر دو که اجمال دارد.

۱۵- گزینه ۱ صحیح است. سبب، مقدمه ای است که به صرف بودنش ذی المقدمه یا مشروط محقق نشده بلکه نیازمند به مقدمه یا مقدمات دیگر است، اینکه در ماده ۸۶۱ قانون مدنی گفته شده که موجب ارث دو امر است، سبب و نسب، باید بگوئیم که صرف نسب و سبب نمی تواند کافی برای وراثت باشد، بلکه بین ورثه یا وراثت و مورث باید خالی از موانع ارث نیز باشد، مثلاً بین زن و شوهر (در نکاح دائم) که توارث وجود دارد، صرف ازدواج که سبب وراثت است نمی تواند کافی برای ارث بردن یکی از دیگری یا هر دو شود، بلکه خالی از موانع ارث نیز باشد، اگر در این مثال شوهر زن خود را به قتل برساند، یا مرتد و کافر شود، اگر چه بین این دو رابطه زوجیت وجود داشته ولی چون در اینجا مانع ارث وجود دارد مثلاً قتل، به قاتل از طرف ترکه مقتول ارث نمی رسد.

۱۶- گزینه ۲ صحیح است. واجب تخییری یعنی مکلف در انتخاب یک تکلیف از بین دو یا چند تکلیف که در عرض و کنار یکدیگرند، انتخاب و اختیار کند مانند مسأله مطروحه در طرح سؤال که دادگاه را در انتخاب یکی از مجازاتها مخیر نموده است که قاضی دادگاه می تواند با اختیار و تشخیص خود (تخییر تکوینی) یکی را از بین مجازاتها انتخاب کند (انتخاب فردی از افراد واجب مخیر) اما این در حالی است که در واجب تعینی، تکلیفی از ناحیه شارع یا قانونگذار تعیین می شود که تکلیفی در عرض یا کنار آن نیست (فقدان بدلی عرضی) اگر چه ممکن است تکلیف یا تکالیفی در طول آن باشد که در این حالت مکلف باید همان تکلیف معین شده یا تکلیفی را که در تحت شرایطی قانونگذار یا شارع تعیین کرده عمل کند.

۱۷- گزینه ۲ صحیح است. ظاهر مبتنی بر احتمال قوی است که با استناد به اصالة الظهور می گوئیم که ظهور یا ظاهر در احتمال قوی است، پس ظاهر مبتنی بر ظن یا احتمال قوی است یا به عبارتی دو احتمال در ظاهر وجود دارد. یکی احتمال قوی و دیگری احتمال ضعیف که ظهور یا ظاهر در احتمال قوی است، مانند مسأله مطروحه در طرح سؤال مبتنی بر احتمال قوی و ضعیف است، اما این در حالی است که نص مبتنی بر قطع و یقین بوده و احتمال خلاف ندارد ولو اینکه ضعیف باشد.

۱۸- گزینه ۲ صحیح است. قیاس مساوات یا مفهوم موافق ساده، یعنی هرگاه حکم اصل (منطوق یا مقیس علیه) را عیناً با همان وضعیت به فرع (مفهوم یا مقیس) سرایت دهیم، بدون اینکه حکم اصل یا فرع هرکدام قوی از دیگری باشد، به عبارتی حکم مسأله ای را عیناً به موارد مشابه سرایت دهیم، در اصل ۲۵ قانون اساسی نیز قانونگذار، حکم عدم تجسس را به موارد مشابه آنچه که در منطوق اصل ۲۵ گفته سرایت داده چون گفته و هرگونه تجسس.

۱۹- گزینه ۲ صحیح است. شبهه موضوعیه یعنی حکم قضیه ای را می دانیم (شبهه حکمیه نداریم اعم از وجوبی و تحریمی) اما نسبت به موضوع شک و شبهه داریم اعم از اینکه در مفهوم آن باشد (شبه مفهومی) یا در مصداق باشد (شبهه مصداقی) شبهه منظور در ماده ۸۷۶ قانون مدنی از موارد شبه موضوعی است نه حکمی.

۲۰- گزینه ۱ صحیح است. با عنایت به پاسخ سؤال ۹، عام بکار رفته در این ماده را می توان عام استغراقی یا افرادی تلقی نمود، زیرا هر یک از زن و مرد به نوبه خود و بطور جداگانه می توانند در عقد نکاح به غیروکالت دهد، وکالت دادن یکی از آن دو به غیر مانع از وکالت دادن دیگری به غیر نمی شود که همه اینها گویای مشخصات عام افرادی یا استغراقی است، ذکر این نکته لازم است که هیچگاه یک عبارت نمی تواند واجد بیش از یک عام باشد، لذا گزینه ۴ بطور مسلم غلط است که گفته عام افرادی و بدلی.

اصول فقه - آزمون وکالت سال ۱۳۹۰

۱ - از ماده ۶۹۱ قانون مدنی که می‌گوید: «ضمان دینی که هنوز سبب آن ایجاد نشده است، باطل است.» می‌فهمیم که ضمان دینی که سبب آن ایجاد شده، باطل نیست. این امر مصداق کدام یک از موارد زیر است؟

(۱) مفهوم مخالف (۲) مفهوم موافق (۳) قیاس اولویت (۴) قیاس مساوات
 ۲ - ماده ۳ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: «قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌گردد مگر آنکه به موجب قانون، ترتیب دیگری مقرر شده باشد.» این ماده، مصداق کدام یک از موارد زیر است؟

(۱) عام بدلی (۲) عام مجموعی (۳) عام افرادی (۴) مخصص منفصل
 ۳ - ماده ۸۷۱ قانون مدنی که می‌گوید: «هرگاه ورثه نسبت به اعیان ترکه معاملاتی نمایند مادام که دیون متوفی تادیه نشده است معاملات مزبوره نافذ نبوده و دیان می‌توانند آن را بر هم زنند.» مصداق کدام یک از اقسام مخصص متصل می‌باشد؟

(۱) وصفی (۲) شرطی (۳) غایت (۴) استثنایی
 ۴ - از حکم ماده ۳۶۰ قانون مدنی که می‌گوید: «هر چیزی که فروش آن مستقلاً جایز است استثنای آن از مبیع نیز جایز است.» برداشت می‌کنیم: «هر چیزی که مستقلاً قابل فروش نیست، استثنای آن از مبیع نیز جایز نیست (از قبیل حق ارتفاق)» این برداشت، مصداق کدام اصطلاح است؟

(۱) مفهوم موافق (۲) مفهوم مخالف
 (۳) مفهوم شرط (۴) هر دو مورد ۲ و ۳

۵ - برابر ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق، داشتن گواهی عدم امکان سازش، لازمه اجرای صیغه طلاق است. گواهی مزبور مصداق کدام مقدمه است؟

(۱) مقدمه عقلی (۲) مقدمه قانونی (۳) مقدمه مقارن (۴) هر دو مورد ۲ و ۳
 ۶ - ماده ۱۴۳ قانون مدنی می‌گوید: «هر کس از اراضی موات و مباحه، قسمتی را به قصد تملک احیاء کند، مالک آن قسمت می‌شود.» این ماده متضمن چه دلالتی است؟

(۱) تضمینی (۲) اشاره (۳) اقتضاء (۴) تنبیه و ایما
 ۷ - برابر ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی، توافق بین دو یا چند نفر مبنی بر دریافت و پرداخت ربا جرم است و طبق تبصره ۳ همان ماده، ربای بین پدر و فرزند یا زن و شوهر، مشمول مقررات این ماده نخواهد بود. بین ماده و تبصره مذکور چه نسبتی وجود دارد؟

(۱) ورود (۲) حکومت (۳) تخصص (۴) تخصیص
 ۸ - ماده ۱۰۲۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه یک سال از تاریخ اولین اعلان بگذرد و حیات غایب ثابت نشود، حکم موت فرضی او داده می‌شود.» ماده ۱۵۵ قانون امور حسبی می‌گوید: «جلسه رسیدگی به درخواست به فاصله یک سال از تاریخ نشر آخرین آگهی معین می‌گردد...» ماده اخیر از نظر احتساب اولین آگهی مذکور در ماده ۱۰۲۳ قانون مدنی:

(۱) ناسخ آن است. (۲) مخصص آن است.
 (۳) مبین آن (به کسر یاء) است. (۴) مقید آن (به کسر یاء) است.

۹ - عبارت ماده ۸۶۱ قانون مدنی که می‌گوید: «موجب ارث دو امر است: نسب و سبب» مصداق کدام اصطلاح است؟

(۱) نص (۲) محکم (۳) متشابه (۴) هر دو مورد ۱ و ۲

۱۰ - طبق ماده ۱۹۵ قانون مدنی: «اگر کسی در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب معامله نماید آن معامله به واسطه فقدان قصد باطل است» اگر با عنایت بدین ماده، درباره معامله مکره؛ وقتی که به سرحد فقدان قصد برسد، حکم به بطلان دهیم، این حکم مصداق چیست؟
(۱) قیاس خفی (۲) قیاس اولویت (۳) قیاس مستنبط‌العله (۴) قیاس منصوص‌العله

۱۱ - طبق ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی، کیفر تهدید، شلاق یا زندان است. چنین کیفری مصداق چه نوع تخییری است؟

(۱) تخیر بین محذورین (۲) تخیر بین دو حکم متزاحم

(۳) تخیر بین دو دلیل متعارض (۴) تخیر بین افراد واجب مخیر

۱۲ - ماده ۶۹۱ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: «هر کس به قهر و غلبه داخل ملکی شود که در تصرف دیگری است اعم از آنکه محصور باشد یا نباشد... به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شود...» عبارات بعد از «اعم از اینکه» مصداق کدام یک از موارد زیر است؟

(۱) مخصص (۲) قرینه لفظیه (۳) قرینه متصله (۴) مبین (به فتح یاء)

۱۳ - ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است: «در جرایم قابل تعزیر هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدده جرم باشد، مجازات جرمی داده می‌شود که مجازات آن اشد است.» مجازات قصاص، حدود و دیات نسبت به این حکم چه رابطه‌ای دارد؟

(۱) تقیید (۲) ورود (۳) تخصص (۴) تخصیص

۱۴ - ماده ۸۶۲ قانون مدنی می‌گوید: «اشخاصی که به موجب نسب ارث می‌برند سه طبقه‌اند: ۱ - پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد» کلمه «اولاد» در این بند نسبت به متوفی:

(۱) صحت سلب دارد و مجاز است. (۲) صحت سلب دارد و حقیقت است. (۳) عدم صحت سلب دارد و مجاز است. (۴) عدم صحت سلب دارد و حقیقت است. ۱۵ - طبق ماده ۶۷ قانون مدنی: «مالی که قبض و اقباض آن ممکن نیست، وقف آن باطل است...» حکم مندرج در این ماده:

(۱) حکم وضعی است چون مستقیماً ارتباط با افعال مکلفین ندارد. (۲) حکم تکلیفی است چون مستقیماً با افعال مکلفین ارتباط دارد. (۳) حکم ظاهری است چون ظهور عبارت در بطلان چنین عملی است. (۴) حکم تکلیفی از نوع حرمت است چون هیچ کس نباید چنین مالی را وقف کند. ۱۶ - ماده ۴۴۵ قانون مدنی می‌گوید: «هر یک از خيارات بعد از فوت منتقل به وراثت می‌شود.» عیوب زن و مرد در عقد نکاح نیز موجد خيار فسخ است. ماده مذکور، مطلق است یا مقید؟

(۱) چون قدر متیقن در مقام تخاطب وجود دارد، مطلق است. (۲) چون انصراف لفظ «خيارات» به خيارات موجود در معاملات، انصراف بدوی است چنین انصرافی مانع اطلاق لفظ نمی‌شود. (مطلق است) (۳) چون انصراف لفظ «خيارات» به خيارات موجود در معاملات به دلیل کثرت وجود مصداق در خارج می‌باشد این انصراف مانع اطلاق لفظ می‌شود. (مطلق نیست) (۴) چون انصراف لفظ «خيارات» به خيارات موجود در معاملات، ناشی از کثرت استعمال لفظ در بعضی از مصادیق آن است، مانع اطلاق لفظ می‌شود. (مطلق نیست)

۱۷ - در صورتی که عقد نکاح پس از مقاربت زوجین منحل شده و زن در زمانی ازدواج مجدد کند که طفل متولد از او بتواند به هر یک از دو شوهر اول و دوم ملحق شود مطابق ماده ۱۱۶۰ قانون مدنی، طفل ملحق به شوهر دوم خواهد بود مگر آنکه امارات قطعیه بر خلاف آن، دلالت کند. این ماده متضمن کدام یک از موارد زیر است؟

(۱) تزاحم دو اماره فراش (۲) اصل تاخر حادث (۳) اصل عدم (۴) هر دو مورد ۱ و ۲

۱۸ - ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی می‌گوید: «طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است» ماده ۳۲۸ آن قانون نیز می‌گوید: «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد» هر یک از این دو ماده به ترتیب مصداق کدام یک از موارد زیر است؟

(۱) دلیل قطعی و دلیل ظنی (۲) حکم ظاهری و حکم واقعی
(۳) حکم واقعی و حکم ظاهری (۴) دلیل اجتهادی و دلیل فقهاتی

۱۹ - ماده ۹۵۶ قانون مدنی، مرگ طبیعی را پایان اهلیت استحقاق انسان شمرده است ولی ماده ۱۰۱۸ همان قانون، تاریخ صدور حکم موت فرضی را (در مورد غایب مفقودالخبر) پایان آن اهلیت شمرده است. رابطه ماده ۱۰۱۸ نسبت به ماده ۹۵۶ قانون مزبور مصداق کدام مورد است؟

(۱) حکومت (۲) ورود (۳) تخصیص (۴) تخصص

۲۰ - ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی می‌گوید: «نکاح دختر باکره اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است...» اجازه پدر نسبت به ازدواج دختر باکره مصداق کدام اصطلاح است؟

(۱) سبب (۲) علت (۳) شرط نفوذ (۴) شرط صحت

پاسخنامه اصول فقه - آزمون وکالت سال ۱۳۹۰

۱- گزینه ۱ صحیح است. مفهوم مخالف یا دلیل خطاب، برداشتی است از منطوق که حکم آن نفیاً و اثباتاً مغایر حکم منطوق است، به عبارتی قضیه ای است که حکماً مغایر منطوق است، اگر حکم منطوق مثبت باشد و آنچه را که برداشت کردیم منفی باشد یا بالعکس استنباط بر اساس این برداشت را مفهوم مخالف می گویند، حکم منطوق (ماده ۶۹۱) باطل است می باشد (ضمان دینی که هنوز سبب آن ایجاد نشده باطل است) ولی برداشتی که از این منطوق شده مبتنی است بر اینکه باطل نیست (ضمان دینی که سبب آن ایجاد شده باطل نیست) که این برداشت مبتنی و بر اساس و مصداق مفهوم مخالف است.

۲- گزینه ۳ صحیح است. همانطوریکه پیش از این گفته شد، در عام افرادی یا استغراقی تک تک افراد هر یک بطور جداگانه مدنظر است که مفاد ماده ۳ قانون مجازات اسلامی می تواند نمونه ای از آن باشد.

۳- گزینه ۳ صحیح است. همانگونه که قبلاً ملاحظه شد، مخصص متصل به اشکال مختلف وجود دارد، که یکی از آنها مخصص بصورت جمله غایت است که از ادات و علاماتی چون (تا، مادامیکه، وقتی که، زمانیکه، حتی، الی، لغایت) استفاده می شود، که به چنین مخصصی، اصطلاحاً می گویند، مخصص متصل غایی (غایت)

۴- گزینه ۴ صحیح است. مقصود طراح محترم سؤال کنکور سال ۹۰ از طرح سؤال، این بوده که اولاً این برداشت که صورت گرفته، چه نوع برداشتی است که می گوئیم مفهوم مخالف چون آنچه برداشت کرده ایم، حکمش با حکم منطوق متفاوت است، از طرف دیگر نوع مفهوم مخالف یا به عبارتی از چگونه جمله ای مفهوم مخالف گرفته ایم؟ جمله ای که بصورت شرط بوده، پس مفهومی که برداشت کردیم مفهوم جمله شرط است یا به عبارتی مفهوم مخالف جمله شرط که در گزینه ها هم عبارت مفهوم مخالف آمده و هم جمله

شرط بنابر این هر دو گزینه صحیح بوده و لاجرم گزینه ۴ که در بر گیرنده هر دو گزینه ۱ و ۲ هست را بعنوان گزینه صحیح انتخاب می کنیم.

۵- گزینه ۲ صحیح است. همانطوریکه بارها گفته شد، مقدمه در ذی المقدمه تأثیر دارد، یا به عبارتی ذی المقدمه امری است که به مقدمه نیازمند و وابسته است، که مبنای این وابستگی را گاهی شرع معین می کند که به آن مقدمه شرعی گویند، یعنی وابستگی ذی المقدمه بر مبنای نظر شارع است مانند وابستگی نماز به وضو، گاهی اوقات مبنای وابستگی ذی المقدمه به مقدمه مبتنی بر نظر قانونگذار است، مانند مسأله مطروحه در طرح سؤال که قانونگذار اجرای صیغه طلاق را منوط و وابسته به صدور گواهی عدم امکان سازش از دادگاه نموده، که در اینجا اجرای صیغه طلاق بعنوان ذی المقدمه قانوناً وابسته به صدور گواهی عدم امکان سازش است که مبین مقدمه قانونی است البته مقدمات دیگری نیز وجود دارد، مانند مقدمه عقلی که مبنای وابستگی ذی المقدمه عقلی است البته مقدمات دیگری نیز وجود دارد، مانند مقدمه عقلی که مبنای وابستگی ذی المقدمه به مقدمه مبتنی بر عقل است یا مقدمه عرفی (عادی) که مبنای وابستگی ذی المقدمه به مقدمه عرفی و بر حسب عادات رفتاری جامعه است.

۶- گزینه ۴ صحیح است. در دلالت تنبیه و ایما که یکی از مصادیق منطوق غیرصریح است، متکلم مانند سایر مصادیق منطوق غیرصریح (دلالت اقتضاء و دلالت اشاره) مقصود خود را صریحاً بیان نمی کند، در اینجا مقصود اصلی متکلم که همان علت حکم باشد بطور صریح ذکر نمی شود اما قیدی در کلام وجود دارد که به نظر می تواند علت حکم باشد، یعنی مخاطب یا خواننده یا شنونده، با توجه به سیاق و لوازم کلام علت حکم را استنباط می کند (مستنبط العله) در ماده ۱۴۳ قانون مدنی علت تملک احیاء است اما قانونگذار از آن بعنوان علت تصریح نکرده، زیرا نشانه های تصریح علت این است که متکلم بگوئید، بدلیل، بموجب، بواسطه، بخاطر، به علت و نظایر اینها، مثلاً در ماده ۱۴۴ قانون مدنی صراحتاً (صریحاً) از احیاء بعنوان علت تملک ذکر کرده (منصوص العله) چرا که گفته احیاء اطراف زمین موجب تملک وسط آن نیز می شود و یا در ماده ۱۹۵ قانون مدنی

قانونگذار از فقدان قصد صریحاً به عنوان دلیل بطلان ذکر کرده (معامله در حالت خواب، مستی و بی هوشی بواسطه فقدان قصد باطل است) که در اینجا علت منصوص (منصوص العله) و منطوق صریح است اما در جایی که علت صریحاً ذکر نشده است و ما آن را استنباط می کنیم (مستنبط العله) بیانگر دلالت تنبیه و ایما که یکی از اقسام منطوق غیر صریح است.

۷- گزینه ۴ صحیح است. تخصیص یعنی خروج حکمی به عبارتی عده ای را از شمول حکم عام خارج کنیم، در اینجا نمی گوید که توافق بین پدر و فرزند یا زن و شوهر مبنی بر دریافت و پرداخت ربانیست، بلکه می گوید این ربا از شمول مقررات ربا (حکم مجازات ربا) خارج است که مؤید تخصیص است، اما این در حالی است در تخصیص (خروج موضوعی) خودبخود و موضوعاً خارج است و از حکومت در حالت مضیق (خروج موضوع از طریق دخل و تصرف موضوعی از شمول موضوعی خارج می شود که مسأله مطروحه در این سؤال حکومت نیز نمی باشد و در ورود می گوئیم با آمدن و ورود موضوعی یا دلیل به موضوع دلیل دیگر که ضعیف تر و پائین تر است از بین می رود.

۸- گزینه ۱ صحیح است. هرگاه بین دو قانون تعارض وجود داشته باشد، یکی عام و دیگری خاص، دو حالت قابل تصور است، حالت اول قانون سابق یا مقدم عام و قانون لاحق یا موخر خاص باشد، در این حالت دو فرض قابل تصور است، فرض اول این است که خاص موخر پیش از فرارسیدن تاریخ به عام برسد در این حالت می گوئیم که خاص موخر (لاحق) مخصص عام مقدم (سابق) است (تخصیص). فرض دوم این است که خاص موخر پس از فرا رسیدن تاریخ عمل به عام (درحین اجرای عام) برسد که در این حالت می گوئیم که خاص موخر ناسخ عام مقدم است (نسخ جزئی)، مانند مسأله مطروحه در طرح سؤال، قانون مدنی ماده ۱۰۲۳ قانون عام و مصوب سال ۱۳۱۳ (عام مقدم) و ماده ۱۵۵ قانون امور حسبی مصوب سال ۱۳۱۹ (خاص موخر) در اینجا قانون امور حسبی زمانی بر قانون مدنی (عام مقدم) وارد می شود که عام در حین اجرا بوده، لذا قانون امور حسبی در این مورد ناسخ ماده ۱۰۲۳ قانون مدنی است. حالت دوم خاص مقدم و عام موخر که در این حالت بنا بر نظر مشهور و حتی آراء و رویه قضایی دیوانعالی کشور،

خاص مقدم همواره مخصص عام موخر است(تخصیص). پس حالت اول یا تخصیص است و یا ناسخ که البته در اغلب موارد نسخ است اما حالت دوم همواره تخصیص است.

۹- گزینه ۴ صحیح است. نص، کلامی است که احتمال خلاف ندارد و مبتنی بر قطع یقین بوده و مبین(به فتح یاء) بوده و نیاز به تفسیر ندارد، در ماده ۸۶۱ قانون مدنی می گوید موجب ارث دوامر است، نسب و سبب، در این خصوص احوال خلاف وجود ندارد، احتمال ندارد که حالت سومی قابل تصور باشد. و از آنجائیکه نص از مصادیق مبین و محکم است لذا گزینه ۴ صحیح تر است.

۱۰- گزینه ۴ صحیح است. همانگونه که در پاسخ سؤال ۶ ملاحظه شد، گاهی قانونگذار علت حکم را صریحاً و با استفاده از قیود ذکر صریح علت مانند بواسطه، بدلیل، به علت، به خاطر، بموجب، ذکر می کند(منصوص العله) از طرفی در قیاس قبل از اینکه حکم سرایت پیدا کند، علت حکم اصل به فرع تعمیم داده می شود(العله تعمم) هرگاه از روی یک علت مصرح یا تصریح شده(علت منصوص) قیاس می کنیم و حکم از اصل به فرع سرایت دهیم، اصطلاحاً به این قیاس گویند قیاس منصوص العله.

۱۱- گزینه ۴ صحیح است. واجب تخییری یا تخییر بین افراد واجب مخیر، یعنی مکلف می تواند تکلیفی را از بین دو یا چند تکلیف که در عرض یکدیگر هستند، به اختیار خود انتخاب کند، که هر کدام از این تکالیف در عرض یکدیگرند(بدل عرضی)، مانند مسأله مطروحه در طرح سؤال که قانونگذار قاضی را در انتخاب یکی از دو مجازات شلاق یا زندان که در عرض یکدیگرند مخیر ساخت، که این مسأله همان واجب تخییری است که در آن مکلف مختار است یکی از بین دو یا چند تکلیف که در عرض یکدیگرند، اختیار کند که موید تخییر بین افراد واجب مخیر است.

۱۲- گزینه ۴ صحیح است. مفاد ماده ۶۹۱ قانون مجازات اسلامی سابق و قانون تعزیرات ۱۳۷۵، احتمال خلاف ندارد، پس کلام موجود نص است، زیرا نص نیز کلامی است که احتمال خلاف ندارد، و از آنجائیکه نص مبین(به فتح یاء) است و نیاز به تفسیر ندارد، لهذا چون نص در هیچیک از گزینه ها نیست، گزینه را که معرف نص است انتخاب می کنیم.

۱۳- گزینه ۳ صحیح است. تخصص، یعنی خروج موضوعی و خودبخودی اینکه از طریق دخل و تصرف بخواهیم آن را از موضوع یک حکم خارج کنیم، مثلاً وقتی که قانونگذار جرایم قابل تعزیر را مشمول حکم نعلیق قرار می دهد، پس خودبخود جرایمی که موضوع مجازات های تعزیری قرار نمی گیرد از موضوع جرایم تعزیری خارج هستند، شامل حدود، قصاص و دیات که بیانگر خروج موضوعی بدون دخل و تصرف است که مبین تخصص می باشد.

۱۴- گزینه ۴ صحیح است. یکی از علائم حقیقت عدم صحت سلب (صحت حمل) است، یعنی بین لفظ و معنا چندان آمیختگی و پیوستگی وجود دارد که نتوانیم آن دو را از یکدیگر جدا کنیم (عدم صحت سلب) چون آن لفظ برای آن معنا وضع شده است (صحت حمل) در طرح سؤال گفته نسبت اولاد به متوفی، منظور فرزند بلا فصل است که بکار بردن لفظ اولاد برای فرزند یک استعمال حقیقی است (استعمال لفظ در معنای وضعی) چون عدم صحت سلب دارد زیرا لفظ اولاد برای فرزند حمل و وضع گردید، از طرفی دیگر بکار بردن لفظ اولاد بر اولاد اولاد، حقیقت ندارد و مجاز است، چون می توان لفظ اولاد از نوه سلب کرد (صحت سلب) زیرا این لفظ برای این معنا وضع نشده است (عدم صحت حمل)

۱۵- گزینه ۱ صحیح است. حکم تکلیفی، حکمی است که مستقیماً به فعل مکلف تعلق گرفته و با انجام ندادن یا انجام دادن فعلی سر و کار دارد، که پنج حالت دارد (واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح) که دو تای اول (واجب و حرام) از جمله احکام تکلیفی مولوی هستند که تخلف ناپذیرند و سه مورد اخیر (مستحب، مکروه و مباح) از احکام تکلیفی ارشادی می باشند که از باید و نباید برخوردار نیستند، اما این در حالی است که احکام وضعی، احکامی هستند که مستقیماً به فعل مکلف تعلق نمی گیرد بلکه بیانگر وضعیت افراد و اعمال حقوقی می باشند، مانند مسأله مطروحه در طرح سؤال که بیانگر وضعیت یک عمل حقوقی است (بطالان، غیرنافذ و قابل رد، صحیح و نافذ و قابل نسخ).

۱۶- گزینه ۴ صحیح است. انصراف وجودی یا انصراف ناشی از کثرت وجود مانع اطلاق نیست و در نتیجه هرگاه ذهن از مصداق که کمتر وجود دارد (اقل یا نادر) به سمت

مصدیقی که بیشتر وجود دارد (اکثر یا غالب) منصرف شود، چون دلیل این انصراف بعلت انصراف ظهوری یا انصراف ناشی از کثرت استعمال مانع اطلاق است و در نتیجه آن مسأله مقید می شود، انصراف ظهوری یعنی هرگاه ذهن از مصدیقی که کمتر استعمال می شود (قلت استعمال) به سمت مصدق بیشتر استعمال می شود (کثرت استعمال) منصرف شود، از آنجائیکه این انصراف مانع اطلاق است آن مسأله را مقید فرض می کنیم، مانند مسأله مطروحه در طرح سؤال.

۱۷- گزینه ۴ صحیح است. اماره فراش، یعنی طفل ملحق شوهری است که در زمان انعقاد نطفه زن در علقه زوجیت یا در فراش او بوده، در اینجا تولد طفل به گونه ای است که احتمال الحاق آن به شوهر اول و شوهر دوم وجود دارد پس تزاحم دو اماره پیش آمده از طرفی یک یقین به زمان آخرین نزدیکی زن با شوهر اول وجود دارد (تا قبل از جدایی و تفریق) زمان آخرین نزدیکی معلوم است ولی زمان اولین نزدیکی با شوهر دوم مجهول است و وقوع دو حالت معلوم التاریخ و مجهول التاریخ از موارد اجرای اصل تأخر حادث است یعنی اصل بر موخر بودن مجهول است، به همین خاطر در ماده ۱۱۶۰ طفل را ملحق به شوهر دوم می داند مگر خلافتش با دلیل قوی تر (اماره یا دلیل) اثبات شود.

۱۸- گزینه ۲ صحیح است. همانطوریکه قبلاً اشاره شد حکم ظاهری، حکمی است که در فرض جهل و شک و تردید از ناحیه اصول عملیه صادر می شود که مبتنی بر دلیل فقهاتی است، در خصوص ماده ۱۱۵۸ که طفل متولد را در زمان زوجیت ملحق به شوهر می دانیم، صدور حکم در حالت شک و تردید است اما حکم واقعی صدور حکم برای مسأله ای صرف نظر از وضعیت خاص یا علم و جهل و شک و تردید مکلف است که یک حکم واقعی است و مبتنی بر دلیل اجتهادی است. مانند مفاد ماده ۳۲۸ قانون مدنی.

۱۹- گزینه ۱ صحیح است. حکومت در حالت توسعه یعنی موضوعی را که واقعاً داخل در حکم یا موضوعی نباشد از طریق دخل و تصرف آن را داخل نمائیم که باعث توسعه و بسط دایره موضوع دیگر (محکوم) می شود در اینجا حکم موت فرضی واقعاً داخل در موت طبیعی (مرگ) نیست اما قانونگذار با دخل و تصرف در موضوع مرگ آن را داخل در حکم

موت طبیعی قرار داده ، لازم به ذکر است که حکومت بر حالت مضیق نیز داریم که موضوعی را واقعاً داخل در موضوع دیگر باشد آن را از طریق دخل و تصرف خارج می کنیم (خروج موضوعی با دخل و تصرف).

۲۰- گزینه ۳ صحیح است. همانطوریکه به کرات مشاهده کردید، مقدمه شرط یا امری است که در ذی المقدمه تأثیر دارد، گاهی باعث نفوذ ذی المقدمه ، زمانی باعث صحت، یا انجام ذی المقدمه و زمانی موجب علم نسبت به ذی المقدمه می گردد، در ماده ۱۰۴۳ اجازه (اذن) پدر یا جد پدری باعث صحت و نفوذ (نافذ) شدن ذی المقدمه می گردد، در اینجا در طرح سؤال یک اشکال فنی قابل روئت است. در واقع اجازه پدر یا جد پدری موجب و مقدمه صحت عقد نکاح است نه مقدمه نفوذ یا نافذ شدن، اما جناب استاد دکتر ابوالحسن محمدی در کتاب آئین استنباط احکام اسلامی آن را مقدمه نفوذ تلقی نموده است و در پاسخنامه اعلامی از سوی کانون وکلا نیز همین گزینه را صحیح اعلام نمود، نگارنده نیز به تاسی گزینه ۳ گزینه صحیح اعلام نموده ولی فی الواقع این نظر نگارنده نیست، بلکه نظر گزینه ۴ یعنی مقدمه صحت است.

اصول فقه - آزمون وکالت سال ۱۳۹۱

۱ - با توجه به ماده ۸۴۲ قانون مدنی که می‌گوید: «ممکن است مالی را که هنوز موجود نشده است وصیت نمود.» کدام عبارت درباره قیاس «تملیک رایگان مال آینده» به «وصیت به مالی که هنوز موجود نشده» غلط است؟

(۱) قیاس مزبور، قیاس منصوص‌العله نیست.

(۲) چنین قیاسی، مصداق قیاس به مقیاس علیه استثنایی بوده و درست نمی‌باشد.

(۳) در این قیاس، دلالت تنبیه و ایما، وجود ندارد.

(۴) با توجه به مجانی بودن وصیت و استفاده از وحدت ملاک حکم مذکور، تملیک رایگان مال آینده هم درست است .

۲ - ماده ۸۸۲ قانون مدنی می‌گوید: «بعد از لعان، زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند.» از اینکه قانون‌گذار، حکم قانونی «ارث نبردن زن و شوهر» را در این ماده به موضوع لعان ربط داده است. فهمیده می‌شود که علت این حکم، لعان است. این امر مصداق می‌باشد.

(۱) دلالت اقتضاء (۲) دلالت اشاره (۳) منطوق صریح (۴) دلالت تنبیه و ایما

۳ - ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م «تمکن مدیون» را شرط تحقق التزام به تادیه خسارت قرار داده است. اگر در پاسخ به این سوال که: «منظور از «تمکن» تمکن مالی است یا تمکن مادی و معنوی دیگر را نیز شامل می‌شود.» گفته شود: قانونگذار با آوردن واژه «تمکن» به همهی این موارد توجه داشته، کدام مورد صادق خواهد بود؟

(۱) عموم (۲) تقیید (۳) اطلاق (۴) عموم مستفاد از اطلاق

۴ - برابر ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی، توافق بر دریافت مبلغی زائد بر مبلغ پرداختی، ربا محسوب و جرم شناخته می‌شود اگر با نپرداختن دین در موعد مقرر در نتیجه تقصیر بدهکار و از باب تسبیب، ضرری بر طلبکار وارد شده و این مبلغ را که مشارالیه از باب تاخیر تادیه از مدیون اخذ می‌کند مصداق «مازاد بر بدهی» و «ربا» ندانیم، این موضوع نمونه‌ای از است.

(۱) خروج تخصیصی یا حکمی
(۲) خروج تخصیصی نه موضوعی

(۳) خروج تخصیصی یا موضوعی
(۴) خروج تخصیصی یا موضوعی

۵ - برابر ماده ۶۰۱ قانون مدنی: «هرگاه بعد از تقسیم معلوم شود که قسمت به غلط واقع شده است، تقسیم باطل می‌شود.» این ماده بیانگر..... است.

(۱) واجب اصلی (۲) واجب تخییری (۳) حکم وضعی (۴) حکم تکلیفی

۶ - برابر ماده اول قانون افراز و فروش املاک مشاع: «افراز املاک مشاع که جریان ثبتی آنها خاتمه یافته..... با واحد ثبتی محلی خواهد بود که ملک مذکور در حوزه آن واقع است.» مطابق ماده ۳۱۳ قانون امور حسبی در هر جا که میان شرکاء، غایب یا محجوری باشد تقسیم باید در دادگاه انجام پذیرد. راجع به نسبت بین ماده ۳۱۳ ق.ا.ح و حکم ماده اول قانون افراز و فروش املاک از جهت تقسیم املاک مشمول این قانون، کدام عبارت غلط است؟

(۱) خاص و مخصص آن است.

(۲) خاص است ولی ناسخ آن نیست.

(۳) قاعده الجمع مهما امکن اولی من الطرح، قابل اعمال است.

(۴) قاعده الجمع مهما امکن اولی من الطرح قابل اعمال نیست.

۷ - ماده ۵۶۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «جعل عبارت است از التزام شخصی به اداء اجرت معلوم در مقابل عملی اعم از اینکه طرف معین باشد یا غیرمعین.» اگر کسی در اجرای این ماده، برای یافتن اتومبیل گمشده خود با تعیین اجرت، اعلان عمومی کند، موضوع مصداق عام است.

(۱)بدلی (۲)مجموعی (۳)افرادی (۴)استغراقی

۸ - از ماده ۸۰۳ قانون مدنی که می‌گوید: «بعد از قبض نیز واهب می‌تواند با بقاء عین موهوبه از هبه رجوع کند...» برمی‌آید که تلف عین موهوبه، حق رجوع را از بین می‌برد. این حکم مصداق است.

(۱)مفهوم موافق (۲)منطوق صریح (۳)مفهوم مخالف (۴)منطوق غیرصریح

۹ - برابر ماده ۸۲۵ قانون مدنی: «وصیت بر دو قسم است: تملیکی و عهدی» حکم این ماده، مصداق است.

(۱)نص (۲)موول (۳)ظاهر (۴)متشابه

۱۰ - با توجه به ماده ۶۱۲ قانون مدنی که بیان داشته: «امین باید مال ودیعه را به طوری که مالک مقرر نموده حفظ کند.» کدام عبارت غلط است؟

(۱) اگر انجام کار مشخصی بر عهده امین باشد و اختلاف شود که آن اقدام خاص رعایت شده است یا نه، اثبات عدم انجام با مالک است، چون او به عنوان مدعی باید دلیل بیاورد .

(۲) اگر انجام کار مشخصی بر عهده امین باشد و اختلاف شود که آن اقدام خاص رعایت شده است یا نه، اثبات انجام با امین (متعهد) است، چون اوست که به عنوان مدعی باید دلیل بیاورد.

۳) اگر انجام کار مشخصی بر عهده امین باشد و اختلاف شود که آن اقدام خاص رعایت شده است یا نه، اثبات انجام با امین (متعهد) است، چون اوست که بر خلاف اصل عدم، ادعا می‌کند.

۴) اگر اقدام مشخصی که به عنوان تعهد به نتیجه بر دوش امین نهاده شده است جنبه منفی داشته باشد (یعنی خودداری از انجام کار معین باشد) اثبات تعدی امین بر عهده مالک است، زیرا ادعای مالک با اصل عدم، تعارض دارد و باید اثبات شود.

۱۱ - مطابق ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک، نقل و انتقال املاک ثبت شده باید به موجب سند رسمی باشد. اگر شخصی به وکالت از مالک بخواهد به نقل و انتقال چنین ملکی بپردازد، وکالت وکیل هم باید با سند رسمی باشد نه عادی، در رابطه با استنباط این حکم کدام عبارت صحیح است؟

۱) این حکم، مصداق مقدمه واجب است و رسیدن به هدف‌های تنظیم سند انتقال با رسمی بودن وکالتنامه‌ی مبنای آن سند ملازمه دارد .

۲) استنباط این حکم بر اساس دلالت مطابقی ماده مزبور است، چون دادن وکالت، جدای از تنظیم سند انتقال بوده و ارتباطی بدان ندارد.

۳) استنباط این حکم بر اساس دلالت مطابقی ماده مزبور است چون دادن وکالت، مقدمه تنظیم سند انتقال و امضای آن از سوی وکیل است.

۴) استنباط این حکم بر اساس دلالت التزامی است چون دادن وکالت، جدای از تنظیم و امضای سند انتقال به وسیله وکیل بوده و ارتباطی بدان ندارد.

۱۲ - با توجه به ماده ۶۸۰ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر عزل به او در حدود وکالت خود بنماید نسبت به موکل نافذ است» کدام عبارت در باره نفوذ اعمال وکیل معزولی که از عزل خود بی‌خبر می‌باشد، درست است؟

(۱) حکمی غیر استثنایی و مصداق احکام اولیه است.

(۲) حکمی استثنایی و مصداق احکام ثانوی است که در نتیجه اعمال قاعده لاضرر در رابطه وکیل و موکل اجرا می‌شود.

(۳) حکمی غیراستثنایی و مصداق احکام ثانوی است.

(۴) حکمی استثنایی و مصداق احکام اولیه است که در نتیجه اعمال قاعده لاضرر در رابطه وکیل و موکل اجرا می‌شود.

۱۳ - با توجه به ماده ۶۶۴ قانون مدنی که می‌گوید: «وکیل در محاکمه، وکیل در قبض حق نیست مگر اینکه قرائن دلالت بر آن نماید...» کدام عبارت صحیح است؟

(۱) نیابت داشتن، مصداق سلطه و ولایت وکیل بر موکل نبوده و مغایرتی با اصل عدم ولایت ندارد.

(۲) وکالت نداشتن در قبض برای وکیل در محاکمه، مصداق اکتفا به قدر متیقن در مقام تمیز لوازم و مقدمات وکالت است.

(۳) وکالت نداشتن در قبض برای وکیل در محاکمه، ارتباطی به اکتفا به قدر متیقن در مقام تمیز لوازم و مقدمات وکالت نداشته بلکه مستند به اصل عدم سلطه و ولایت است.

(۴) موارد ۱ و ۲ صحیح است.

۱۴ - برابر تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب،
 «...دادگاه کیفری استان در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی با
 حضور هیات منصفه تشکیل خواهد شد.» متن این ماده.....

(۱) جمله خبری و فاقد معنای امر است.

(۲) امر با ماده و مفید معنای وجوب است.

(۳) جمله انشایی و ظاهر در جواز است.

(۴) خبر در مقام انشاء و آكد در افاده معنای امر است.

۱۵ - برابر ماده ۱۰۱۰ ق.م: «اگر ضمن معامله یا قراردادی طرفین معامله
 یا یکی از آنها برای اجرای تعهدات حاصله از آن معامله، محلی غیر از
 اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده باشد نسبت به دعاوی راجعه به آن
 معامله همان محلی که انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد
 شد.» و برابر ماده ۷۸ ق.آ.د.م هر یک از اصحاب دعوا یا وکلای آنان
 می‌توانند محلی را برای ابلاغ اوراق اخطاریه و ضمائم آن در شهری که
 مقر دادگاه است، انتخاب نموده به دفتر دادگاه اعلام کنند.» ماده ۷۸
 ق.آ.د.م نسبت به ماده ۱۰۱۰ ق.م.مصدق است.

(۱) وارد

(۲) حاکم

(۳) منحصص

(۴) مقید (به کسر یاء)

۱۶ - مطابق ماده ۴ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۵۶ حکم دادگاه در مورد تعدیل اجاره بهاء اماکن تجاری مشمول آن قانون قطعی است و برابر بند «ب» ماده ۳۳۱ ق.آ.د.م مصوبه ۱۳۷۹ کلیه احکام صادره در دعاوی غیرمالی، قابل درخواست تجدیدنظر می باشد. در خصوص نسبت بین دو ماده مزبور کدام عبارت صحیح است؟

- ۱) ماده ۳۳۱ ق.آ.د.م، عام لاحق و ماده ۴ قانون موجر و مستاجر، خاص سابق است و چون عام لاحق ناسخ خاص سابق نمی باشد، حکم ماده ۴ همچنان معتبر شمرده می شود.
- ۲) ماده ۳۳۱ ق.آ.د.م خاص لاحق و ماده ۴ قانون موجر و مستاجر، عام سابق است و چون خاص لاحق، عام سابق را تخصیص می دهد، حکم ماده ۴ همچنان معتبر نمی باشد.
- ۳) ماده ۳۳۱ ق.آ.د.م. خاص لاحق و ماده ۴ قانون موجر و مستاجر، عام سابق است و چون خاص لاحق، عام سابق را نسخ می کند، حکم ماده ۴ دیگر معتبر نمی باشد.
- ۴) ماده ۳۳۱ ق.آ.د.م. عام لاحق و ماده ۴ قانون موجر و مستاجر، خاص سابق است و چون مطابق نظر مشهور خاص سابق، عام لاحق را در محدوده ی خود نسخ می کند، حکم ماده ۴ همچنان معتبر است.

۱۷ - برابر ماده ۱۹۷ ق.آ.د.م.: «اصل برائت است. بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند...» و برابر ماده ۸۷۶ ق.م. «با شک در حیات حین ولادت، حکم وراثت نمی شود.» درباره این دو ماده، کدام عبارت صحیح است؟

- ۱) هر دو ماده مصداق استصحاب وجودی ولی موضوع مورد استصحاب در ماده اولی، پدیده ای حقوقی و در ماده دومی پدیده ای خارجی است.
- ۲) ماده اولی مصداق استصحاب وجودی و موضوع مورد استصحاب، پدیده ای حقوقی است و ماده دومی، مصداق استصحاب عدمی و موضوع مورد استصحاب پدیده ای خارجی است.
- ۳) ماده اولی، مصداق استصحاب عدمی و موضوع مورد استصحاب، یک پدیده حقوقی

است و ماده دومی، مصداق استصحاب وجودی و موضوع مورد استصحاب، پدیده‌ای حقوقی است.

۴) ماده اولی، مصداق استصحاب عدمی و موضوع مورد استصحاب، یک پدیده حقوقی است و ماده دومی، مصداق استصحاب عدمی و موضوع مورد استصحاب، پدیده‌ای خارجی است.

۱۸ - در ماده ۳۳۸ قانون مدنی که می‌گوید: «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم.» دلالت کلمه بیع بر «تملیک عین به عوض معلوم» مصداق کدام نوع دلالت است؟

(۱) التزام
(۲) مطابقه
(۳) تضمّن
(۴) اقتضا

۱۹ - مطابق بند «الف» ماده ۳۳۱ ق.آ.د.م. «در دعاوی مالی که خواسته یا ارزش آن از سه میلیون ریال متجاوز باشد» حکم قابل درخواست تجدیدنظر می‌باشد. اگر اختلاف در این باشد که مثلاً دعاوی ورشکستگی خواسته‌ای مالی است یا غیر مالی، چه شبیه‌ای پیش آمده است؟

(۱) مفهومی
(۲) موضوعی
(۳) مصداقی
(۴) حکمی

۲۰ - برابر ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی: «نکاح دختر باکره اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد، موقوف به اجازه پدر یا جد پدری اوست...» اذن ولی نکاح است.

(۱) شرط
(۲) مقتضی
(۳) سبب
(۴) علت تامه

پاسخنامه اصول فقه - آزمون وکالت سال ۱۳۹۱

۱- گزینه ۴ صحیح است. منظور مقنن در ماده ۸۴۲ قانون مدنی از مالی که هنوز موجود نشده، این است که در زمان وصیت موجود نباشد ولی در زمان تملیک یعنی در زمان فوت موصی باید موجود باشد و از آنجائیکه تملیک موصی به در وصیت تملیکی بعد از فوت موصی است. لذا نمی توان حکم ماده ۸۴۲ را از طریق قیاس به تملیک رایگان مال آینده تعمیم و سرایت دهیم، به عبارتی نمی توانیم در قالب عقدی مثلاً عقد بیع مال را که در آینده محتمل است بوجود آید و یا در مالکیت بایع قرار گیرد، ولو بصورت رایگان تملیک نمود، و دروصیت چون تملیک بعداً صورت می پذیرد (فوت موصی)، لذا قانونگذار وصیت به مال را که هنوز موجود نشده است را تجویز نموده است. پس اینکه درگزینه ۴ آمده با توجه مجانی بودن وصیت و استفاده از وحدت ملاک حکم مذکور، تملیک رایگان مال آینده هم درست است، نمی تواند بنا بر مراتب مسطوره با واقعیات حقوق سازگار باشد و گزینه غلط است.

۲- گزینه ۴ صحیح است. در دلالت تنبیه و ایماء متکلم مقصود خود را که همانا علت حکم باشد به صراحت بیان نمی کند و مخاطب یا شنونده باید از سیاق و لوازم و اقتضای کلام متکلم پی به علت حکم ببرد، در واقع مخاطب از قرائن موجود در کلام متکلم (قرینه لفظی) علت حکم را استنباط می نماید، (مستنبط العله)، شایان ذکر است که متکلم زمانی علت حکم را صریحاً ذکر میکند که از قیود تصریح در ذکر علت استفاده کند مانند (به علت، به سبب، بواسطه، بخاطر، بموجب، موجب، دلیل و نظایر اینها) که در این حالت می گوئیم علت تصریح شده (علت مصرحه) که اصطلاحاً به آن منصوص العله گویند، اما در طرح سؤال در ماده ۸۸۲ قانون مدنی، صریحاً لعان را بعنوان علت محرومیت از ارث ذکر نکرده، مثلاً نگفته که به علت یا بدلیل یا بواسطه یا بموجب لعان زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی برند، بلکه در اینجا علت بصورت غیر تصریح ذکر شده و ما از سیاق و اقتضای مفاد ماده ۸۸۲

قانون مدنی پی می بریم و استنباط می کنیم که علت محرومیت از ارث در اینجا لعان است (مستنبت العله) که مبین دلالت تنبیه و ایفاء است.

۳- گزینه ۳ صحیح است. مطلق (اطلاق) عبارتی است که بر تمام افراد و مصادیق جنس خود دلالت می نماید، از طرفی عام (عموم) عبارتی است که بر تمام افراد و مصادیق خود دلالت می کند، با این تفاوت که دلالت عام بر عموم (همه مصادیق آن) وضعی یابہ عبارتی بنا بر تصریح واضح یا متکلم است، که نشانه این تصریح استفاده از الفاظ عموم یا علائم عموم (علامت تنبیه و جمع) است، اما این در حالی است که دلالت مطلق بر اطلاق (همه مصادیق جنس آن) بنا بر مقدمات حکمت یا قرائن و اوضاع و احوال است، یعنی ما از مجموع شرایط پی به همه مصادیق آن می بریم نه از طریق وضع یا تصریح متکلم، در این ماده با آوردن واژه تمکن درمی یابیم که بر تمام مصادیق آن اعم از مالی، و معنوی را شامل می شود، بدون اینکه قانونگذار در این ماده تصریح به همه این موارد از طریق استفاده از الفاظ عموم (هر، همه، تمام، هیچ) کند، پس این عبارت مطلق است، لازم به ذکر است که عموم مستفاد از اطلاق یعنی، عبارتی که ظاهر مطلق داشته ولی در بیان و در معنای عام است و آن زمانی است که نکره در سیاق نفی باشد (عبارت نکره که بصورت منفی بیاید) مثلاً عبارت: (کسی نمی تواند) یعنی هیچکس نمی تواند که بدون استثناء شامل تک تک افراد عام می شود، این در حالی است که در مطلق امکان استثناء وجود دارد.

۴- گزینه ۳ صحیح است. فرق تخصیص و تخصص در این است که در تخصیص با ورود عبارت خاص بر عام عده ای از شمول حکم عام خارج می کنیم که موضوعاً از دایره عام خارج نیستند (خروج حکمی) مثلاً بگوییم همه دانشمندان را احترام کنید مگر سازندگان بمب اتم، در اینجا سازندگان بمب اتم را از دایره دانشمندان خارج نکردیم بلکه آنرا از حکم (احترام گذاشتن) خارج کردیم که یک خروج حکمی و بیانگر حالت تخصیص است. اما این در حالی است که در تخصص، موضوعی خود بخود و بدون اینکه در دایره موضوع اولی دخل و تصرف شود از آن خارج است (خروج موضوعی بدون دخل و تصرف) مثلاً وقتی می گوییم دانشمندان را احترام کنید، خود بخود افراد غیر دانشمند از دایره موضوع خارج هستند

و یامسأله مطروحه در طرح سؤال که می گوید ربا توافق بردریافت مبلغی زائد بر مبلغ پرداختی است و خسارت تأخیر تأدیه موضوعاً خود بخود و واقعاً از دایره موضوع ربا خارج است حتی اگر ما نگوییم که خسارت تأخیر تأدیه ربا نیست، باز هم موضوعاً خارج از مقوله ربا می بود. البته ذکر این نیز لازم است که در قسمتی از بحث حکومت نیز خروج موضوعی داریم که در آنجا این خروج همراه با دخل و تصرف است یعنی موضوعی که واقعاً از اعم خارج نیست و ما آنرا از طریق دخل و تصرف در موضوعی، خارج می کنیم.

۵- گزینه ۳ صحیح است. حکم تکلیفی، حکمی است که مستقیماً به فعل مکلف تعلق گرفته و با انجام و یا انجام ندادن مواجهه است، که در پنج شکل قابل تصور است که با احکام خمس تکلیفی معروف است (واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح) که واجب (باید) و حرام (نباید) از جمله احکام مولوی هستند که امکان دخل و تصرف در آن از سوی مکلف وجود دارند و مستحب، مکروه و مباح از جمله احکام ارشادی هستند که در آن شارع یا قانونگذار ارشاد و توصیه می کند بدون اینکه بارالزام داشته باشد، این در حالی است که حکم وضعی، حکمی است که مستقیماً به فعل مکلف تعلق نگرفته، بلکه بیانگر وضعیت و موقعیت افراد از جمله (وکالت، زوجیت، مالکیت، وصایت، وراثت، اهلیت و نظایر اینها) و همچنین مبین وضعیت اعمال و وقایع حقوق از جمله (فساد و بطلان، غیرنافذ یا قابل رد و قابل تنفیذ، صحیح و نافذ یا قابل فسخ)، در ماده ۶۱۰ قانون مدنی که در طرح سؤال مطرح شده صحبت از وضعیت یک تقسیم نامه می کند که گفته اگر تقسیم به غلط واقع شده باشد، آن تقسیم باطل است که بیانگر وضعیت یک عمل حقوقی است (بطلان) و موید حکم وضعی است.

۶- گزینه ۴ صحیح است. قانون افراز و فروش املاک مشاع در مقایسه با قانون امور حسبی در خصوص تقسیم مال محجور یک قانون عام و مصوب سال ۱۳۵۷ است در مقابل ماده ۳۱۳ قانون امور حسبی که مصوب سال ۱۳۱۹ است یک قانون خاص است پس نسبت بین این دو ماده، خاص مقدم (ماده ۳۱۳ قانون امور حسبی) و عام موخر (ماده یک قانون افراز و فروش املاک مشاع)، هرگاه بین دو قانون متعارض نسبت خاص مقدم (سابق) و عام موخر

لاحق) باشد، بنابراین اکثریت اصولیون حتی بموجب رأی وحدت رویه قضایی ایران (رأی شماره ۲۱۲ سال ۱۳۵۱ هیأت عمومی دیوانعالی کشور خاص مقدم مخصص عام موخر است یا به عبارتی خاص سابق عام لاحق را تخصیص می زند، زیرا در اینجا تردید بین نسخ و تخصیص است، عده ای می گویند در این حالت عام موخر (لاحق) خاص مقدم (سابق) را نسخ می کند اما اکثریت از جمله فکر غالب در نظام حقوقی ایران این است که در این فرض خاص مقدم (سابق) عام موخر (لاحق) را تخصیص می زند و قائل به تخصیص هستند، زیرا در حالت تردید بین نسخ (تفریق - طرح) و تخصیص (جمع) اولویت و تقدم با تخصیص است. چون تخصیص نشانه جمع است و در تردید بین جمع و تفریق عقلاً و منطقاً جانب جمع را می گیریم به استناد به عبارت "الجمع مهما امکن اولی من الطرح" اگر امکان جمع (تخصیص) وجود داشته باشد اولی و برتر از طرح (کنار گذاشتن - نسخ) است. بنابراین با عنایت به مراتب مسطور و اینکه در طرح سؤال آمده است که کدام گزینه غلط است باید گزینه ۴ را انتخاب کنیم، چرا که در گزینه ۴ آمده است که در اینجا قاعده الجمع مهما امکن اولی من الطرح قابل اعمال نیست، که با توجه به مطالب فوق و اینکه در این حالت خاص مقدم عام موخر را تخصیص می زند و استناد مانیز قاعده الجمع مهما امکن اولی من الطرح است لذا گزینه ۳ صحیح است، گزینه ۱ که گفته خاص و مخصص آن است نیز صحیح می باشد، و گزینه ۲ که گزینه گفته نسخ نیست هم صحیح می باشد. لذا اینکه کدامیک از گزینه ها غلط می باشد، باید حکم به گزینه ۴ بدهیم.

۷- گزینه ۱ صحیح است. همانگونه که پیشتر به تفصیل بیان شده، در عام افرادی یا استغراقی تک تک افراد بطور جداگانه هر یک به نوبه خود مشمول حکم یا قاعده ای عامی قرار می گیرند، که انجامش توسط فردی چه در موضع حق یا تکلیف منافی اجرای آن از سوی دیگری یا دیگران نمی باشد، به عبارتی موضوع برای دیگری منتفی نخواهد شد، در اینجا حکم و مطلب بکاررفته در ماده ۵۶۱ قانون مدنی نمی تواند یک عام افرادی یا استغراقی باشد، زیرا تک تک افراد ملاک نیستند بلکه فرد غیر معین از یک جمع ملاک است که اگر آن فرد انجام دهد (اتومبیل گمشده را پیدا کند) دیگر موضوع یافتن اتومبیل برای

دیگران منتفی خواهد شد) سالبه به انتفاء موضوع) که این مسأله بیانگر عام بدلی است که گزینه صحیح می باشد، از طرفی مفاد مندرج در ماده ۵۶۱ قانون مدنی نمی تواند عام مجموعی باشد، زیرا در عام مجموعی همه افراد باهم و به اتفاق و یکجا مورد حکم قرار می گیرند، که انجام آن عمل نیز باید به اتفاق همه باشد در جهاله که طرف غیر معین باشد، امکان مجموعی بودن منتفی است.

۸- گزینه ۳ صحیح است. مفهوم مخالف یا دلیل خطاب، برداشتی است از منطوق که حکم آن نفیاً و یا اثباتاً مغایر حکم منطوق است، اگر حکم منطوق مثبت باشد، حکم مفهوم منفی است و یا بالعکس، در منطوق ماده ۸۰۳ قانون مدنی آمده است که واهب در صورت بقاء عین موهوبه می تواند از آن (هبه) رجوع کند. پس حکم منطوق دلالت بر امکان رجوع از هبه است اما از منطوق این ماده برداشت می شود که با از بین رفتن و تلف عین موهوبه پس حق رجوع واهب از هبه منتفی می گردد. آنچه را که در اینجا برداشت کردیم حکمش با آن حکمی که در منطوق (ماده ۸۰۳ ق.م) آمده است مغایرت و مخالفت دارد، زیرا در حکم ماده ۸۰۳ آمده که واهب حق رجوع دارد ولی در مفهوم آمده که واهب حق رجوع ندارد، که بیانگر مفهوم مخالف است.

۹- گزینه ۱ صحیح است. نص، کلامی است که احتمال خلاف ندارد، به عبارتی کلامی است که فرض خلاف یا احتمال دیگری غیر از آنچه که بیان می کند وجود ندارد و به عبارتی نص مبین (به فتح یاء) و محکم و آشکار است و نیاز به بیان و تفسیری ندارد. مانند مسأله مطروحه در طرح سؤال که گفته وصیت بردونوع است، عهدی و تملیکی، احتمال اینکه خلاف وجود داشته باشد، یعنی احتمال اینکه وصیت بر بیش از دونوع باشد وجود ندارد، پس مفاد ماده ۸۲۵ ق.م نص است، با این توضیح که ظاهر، کلامی است که احتمال خلاف دارد ولی این احتمال ضعیف است پس ظاهر مبتنی بر ظن است یا مبتنی بر احتمال قوی است و اجمال، یعنی وجود دو یا چند احتمال مساوی که منظور گوینده (متکلم) را ندانیم که عبارت مجمل حجیت نداشته و نیاز به توضیح یا بیانی دارد که آنرا از اجمال خارج نماید که با این توضیح و بیان اصطلاحاً مبین (به کسریاء) گویند و ماول کلامی است که به پندار و هم

مخاطب یکی از احتمالات قوی تراست اما آن احتمال با اصول و موازین از جمله موازین حقوق سازگار نبوده و نمی تواند دربرگیرنده منظور گوینده باشد.

۱۰- گزینه ۱ صحیح است. همانطوریکه می دانیم یک امر عدمی نیاز به اثبات ندارد، زیرا اصل بر عدم هر چیزی است و مدعی خلاف آن که ادعای وجود می دارد باید آنرا اثبات نماید، چراکه منشاء همه پدیده های عالم اعم از مادی و غیر مادی عدمی است و با اراده ذات اقدس الهی وجود پیدا کرده (ممکن الوجود) لذا یک امر عدمی بی نیاز از اثبات است، درگزینه های مطروحه درگزینه آمده است که اثبات عدم انجام، که موید اثبات یک موضوع عدمی است که نمی تواند صحت داشته باشد و اینکه کدام گزینه غلط و نادرست است همین گزینه را انتخاب می کنیم، از طرفی درگزینه ۲، ۳ و ۴ درخصوص اثبات یک امر وجودی است (گزینه ۲، اثبات انجام)، (گزینه ۳، اثبات انجام)، (گزینه ۴، اثبات تعدی)

۱۱- گزینه ۱ صحیح است. همانطوریکه می دانیم، "مقدمه واجب، واجب است" یک دلیل عقلی همراه با استلزامات عقلی است که درانجام یک واجب (ذی المقدمه وجودی) وجود شرط یا شرایط (مقدماتی) لازم و ضروری است، در اینجا چون نقل و انتقال املاک ثبت شده باید بموجب سند رسمی انجام شود، لذا وکالت وکیل از طرف موکل نیز باید بموجب سند رسمی باشد، حکایت منظور در طرح سؤال موید این واقعیت است که لازمه انتقال بموجب سند رسمی از طرف وکیل مستلزم داشتن وکالتنامه رسمی از طرف موکل است، یعنی انجام ذی المقدمه (انتقال رسمی) مستلزم وجود مقدمه (داشتن وکالت رسمی وکیل) است به همین خاطر است که می گوئیم "مقدمه واجب، واجب است"

۱۲- گزینه ۲ صحیح است. همانگونه که قبلاً در همین مجموعه به کرات ملاحظه گردید، اشاره شد که حکم اولی یا واقعی اولی یا حکم غیر استثنائی، حکمی است که شارع یا قانونگذار برای مسأله یا موضوعی تعیین می کنند با قطع نظر و صرف نظر از وضعیت اضطراری یا خاص یا حالت غیر عادی مکلف یا علم و جهل او. اما در مقابل حکم اضطراری، ثانوی، واقعی ثانوی یا حکم استثنایی داریم که توسط شارع یا قانونگذار در فرض حالت غیر عادی و خاص صادر شده و استثنایی بر حکم واقعی اولی است. اینکه اقدامات وکیل معزول در حق

موکل نافذ است حکم درحالت عادی است که یک حکم واقعی اولی است و نافذ دانستن اقدامات وکیل معزول درحق موکل، زمانیکه وکیل از خبرعزل بی اطلاع باشد، یک امراستثنایی و صدورحکم به نفوذ اقدامات وکیل درحق موکل، استثناء و برخلاف قاعده اول وکلی است، اینکه در ماده ۶۸۰ قانون مدنی، قانونگذار اقدامات وکیل معزول که ازخبر عزل خود بی خبرویی اطلاع است را درحق موکل نافذ می داندیک امراستثنایی و مبین حکم واقعی ثانوی است.

۱۳- گزینه ۴ صحیح است. اولاً اصل برعدم وکالت و عدم ولایت است مگرآنکه تصریح شده باشد یا موکل آنرا به وکیل توکیل یا تفویض نماید، بنابراین اگر موضوعی در قرارداد وکالت (وکالتنامه) ذکر نشده باشد فرض برعدم توکیل یا عدم تفویض است، زیرا همانطوریکه ملاحظه گردید، اصل عدم وکالت است، ازطرفی مبنای اصل عدم وکالت اکتفا به قدرمتیقن در اقدامات وکیل است، یعنی وکیل در موارد تردید در اینکه آن اقدام خاص درحیطه وکالت اوست یا خیر در فرضی که درون وکالتنامه ذکر نشود، در این حالت باید به قدرمتیقن بسنده کرده، یعنی در اقدام به عملی که یقین داریم وکیل باید آنرا انجام یا از لوازم ذاتی انجام آن عمل است. (اذن در شیء اذن در لوازم آنست)

۱۴- گزینه ۴ صحیح است. امر از لحاظ هیأت و صورت به دو شکل است، یکی امر انشایی، یعنی عبارت امری که همراه با فعل امر است که چنین صورتی در متون قانونی به چشم نمی خورد، یعنی قانون گذاری در بیان امر از افعال امر استفاده نمی کند و از طرفی در متون قانونی ماده امر (ا.م.ر) نیز نداریم، بلکه قانونگذاری در بیان امر از جملات خبری (اخباری) استفاده می کند، که گاهی این جمله خبری همراه با قیود الزام است (باید، الزام آور است، موظف است، مکلف است و نظایر اینها) و یا ممکن است از جمله خبری بدون استفاده از قیود الزام بهره بگیرد که در ظاهر در بیان یک خبر یا واقعیتی است اما در ذات و اقتضای جمله بنگریم، یک امر یا الزام و جویی را درمی یابیم، مانند مسأله مطروحه در طرح سؤال، که می گوئیم جمله خبری در مقام بیان و انشاء و امر یا الزام و وجوب

۱۵- گزینه ۲ صحیح است. حکومت، یعنی از طریق دخل و تصرف در موضوع دلیل دیگر باعث توسعه یا تضییق دایره آن موضوع و دلیل شود، پس حکومت در دو حالت است یا باعث توسعه موضوع دلیلی دیگر میشود، یا باعث مضیق شدن (خروج موضوع)، به عبارتی در حکومت، موضوعی را که واقعاً داخل در حکمی نباشد آنرا از طریق دخل و تصرف داخل نمایند که باعث توسعه موضوع شود (حکومت در حالت موسع) مانند مسأله مطروحه در طرح سؤال که اقامتگاه قراردادی به تعیین اقامتگاه در دادرسی توسط اصحاب دعوی جهت سهولت در ابلاغ اوراق و اخطاریه ها نیز تسری داده شده است که باعث توسعه مفهوم اقامتگاه قراردادی به اقامتگاه در دادرسی نیز شده است. البته ذکر این نکته نیز لازم است گاهی در حکومت موضوعی را که واقعاً داخل در حکمی باشد از طریق دخل و تصرف آنرا خارج می سازد (خروج موضوعی با دخل و تصرف) که به حالت در اصطلاح می گوئیم، حکومت در حالت مضیق.

۱۶- گزینه ۱ صحیح است. همانگونه که در پاسخ سؤال ۶ ملاحظه شده، هرگاه خاص مقدم (سابق) و عام موخر (لاحق) باشد، در این حالت با استناد به قاعده الجمع مهمما ممکن اولی من الطرح، امکان تخصیص ارجح (راجح) است و در رویه قضایی نیز بر همین واقعیت تاکید شده است (رأی شماره ۲۱۲ سال ۱۳۵۱) و می گوئیم خاص مقدم (خاص سابق) عام لاحق (موخر) را تخصیص می زند، یا در این حالت خاص مخصص عام است و بین آنها جمع صورت می گیرد نه نسخ و در اینجا ماده ۴ قانون روابط موجرو مستاجر مصوب ۱۳۵۶ (خاص مقدم یا سابق) و ماده ۳۲۱ قانون آ.د.م. مصوب ۱۳۷۸ (عام موخر یا لاحق) است که در این حالت خاص سابق مخصص عام لاحق است، و بین این دو ماده جمع صورت گرفته و حکم ماده ۴ قانون روابط موجرو مستاجر سال ۱۳۵۶ همچنان به قوت خود باقی است، به عبارتی ماده ۴ قانون موجرو مستاجر فقط برای اجاره و حکم ماده ۳۳۱ قانون آ.د.م. مدنی برای همه موارد به غیر از عقد اجاره قابل اجراء و اعمال می باشد.

۱۷- گزینه ۴ صحیح است. در بدو امر بایستی خاطر نشان نمایم که هیچکدام از دو ماده منظور در سؤال مبین استصحاب نمی باشند، بلکه ماده ۱۹۷ قانون آ.د.م. در بیان اصل

برائت و ماده ۸۷۶ قانون مدنی درصدد توجیه اصل عدم است ، اما از آنجاییکه در تمام گزینه ها صحبت از اصل عملی استصحاب شده، فرض برابر این قرار می دهیم که طراح محترم سؤال قصدش براین بوده که در این دو ماده یک حالت استصحاب را مفروض بداند ، با این ذهنیت می توان گفت در هردو ماده یک امرعدمی ملحوظ است که در قالب استصحاب می شود. استصحاب عدمی با این تفاوت در ماده ۱۹۷ درمورد یک پدیده حقوقی است و ماده ۸۷۶ یک پدیده خارجی است .

۱۸- گزینه ۲ صحیح است . دلالت مطابقه ، یعنی دلالت کلام بر تمامیت و کلیت مدلول خود، به عبارتی کلامی است که در آن متکلم بطور صریح به تمام اجزای مدلول نظر دارد نه قسمتی یا جزء خاص از آن، در ماده ۳۳۸ قانون مدنی که قانونگذار می گوید ، بیع تملیک عین بعوض معلوم است . بیانگر دلالت کلمه بیع بر تمام اجزاء یک عین (مبیع) است نه لزوماً قسمتی از آن ، که موید دلالت مطابقی یا مطابقه است .

۱۹- گزینه ۳ صحیح است . شبهه حکمی ، یعنی شک و شبهه نسبت به حکم وجود داشته باشد که این شبهه می تواند معلول فقدان نص ، اجمال نص یا تعارض نصیین باشد ، اما شبهه موضوعی یا موضوعیه یعنی شک و تردید در موضوع خارجی که معلول اشتباه در تطبیق موضوع خارجی با حکم می باشد ، که شبهه موضوعی به نوبه خود بردو نوع تقسیم می شود ، یکی شبهه مفهومی (اجمال در مفهوم) یعنی برداشت واحدی از عبارتی نداشته باشیم ، مثلاً دو یا چند تعریف و معنا از آن عبارت قابل تصور باشد، یا معنا و برداشت واحدی از آن نداشته باشیم و دیگری شبهه مصداق یا اجمال در مصداق است ، یعنی مفهوم عبارت را می دانیم ، ولی تردید داریم که آیا موضوع داخل و از مصداق آن حکم می باشد یا خیر؟ در طرح سؤال می دانیم که دعاوی مالی چیست، اما تردید داریم که آیا دعوی ورشکستگی خواسته مالی است یا خیر، در واقع شک داریم که آیا دعوی ورشکستگی می تواند از مصداق دعاوی مالی باشد یا خیر؟ که یک نوع اجمال در مصداق است ، از طرف دیگری می تواند شبهه موضوعی نیز باشد ، ولی در این حالت جواب خاص که شبهه مصداق باشد ملاک است ، زیرا شبهه موضوعی اعم از شبهه مفهومی و مصداق است مگر آنکه

درگزینه ها هیچ صحبتی از شبهه مصداق نکند، در آن حالت می توانیم شبهه موضوعی را در اینگونه مواقع انتخاب کنیم.

۲۰- گزینه ۱ صحیح است . در اینجا منظور از شرط ، شرط اصولی یا شرط در اصطلاح اصول است ، یعنی شرط یا مقدمه ای که عدمش مساوی با عدم مشروط یا ذی المقدمه است ولی وجودش لزوماً به منزله وجود مشروط یا ذی المقدمه نیست، در اینجا اذن پدر یا جد پدری اگر نباشد امکان نکاح وجود ندارد. به همین خاطر در صورت عدم حصول این اذن، در شرایطی دختر می تواند ازدادگاه کسب اذن (اجاره) کند و دادگاه به نیابت از پدر جد پدری با حصول شرایطی اذن در ازدواج چنین دختری می دهد، ولی بودن و وجود اذن پدر یا جد پدری کافی برای نکاح دختر باکره نیست و بلکه نیازمند به شرایط و نبودن موانع نکاح است.

اصول فقه - آزمون وکالت سال ۱۳۹۲

۱- طبق ماده ۱۲۰۰ قانون مدنی: "نفقه ابوین بارعایت ا لا قرب فالاقرب به عهده اولاد و اولاد اولاد است." حکم مصداق کدام گزینه می باشد؟
 (۱) واجب کفایی (۲) واجب غیری (۳) واجب تعیینی (۴) واجب عینی

۲- مطابق ماده ۶۵ قانون مدنی: "صحت وقفی که به علت اضرار دیان واقف واقع شده باشد منوط به اجازه دیان است" اناطه صحت چنین وقفی به اجازه دیان مصداق کدام گزینه است؟

(۱) حکم وضعی (۲) واجب تخییری (۳) واجب اصلی (۴) حکم تکلیفی

۳- مطابق قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعیه ، ایرانیان غیرشیعیه ای که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده در احوال شخصیه تابع مقررات مذهب خود می باشند. ماده ۵ قانون مدنی نیز مقرر داشته: "کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد." اگر دادرس در اینکه مسائل جهیزیه، جزء احوال شخصیه است یا نه شک کند، در رسیدگی به دعوای جهیزیه زن غیرشیعیه ایرانی ساکن کشور چه مقرراتی را باید اعمال کند؟

(۱) چون قدر متیقن این است که زوجه از اقلیت های مذهبی است پس دادرس باید مطابق مقررات مذهب زوجه به دعوایش رسیدگی کند .

(۲) چون در رابطه با اقلیت های مذهبی، اصل، لزوم رعایت مقررات مذهب آنان است از آنجا که قانونی به صراحت احکام راجع به جهیزیه را از این قاعده مستثنی نکرده ، دادرس باید مقررات مذهبی آنان را در خصوص جهیزیه اعمال کند

۳) چون قدرمتیقن این است که زوجه از اقلیت های مذهبی است و از طرفی در قانون به صراحت جهیزیه از مصادیق احوال شخصیه اعلام نشده پس دادرس هم مجاز به اعمال قوانین ایران است و هم مقررات مذهب زوجه

۴) دادرس باید جهیزیه را خارج از قدرمتیقن " احوال شخصیه " قرارداد و به دستور ماده ۵ قانون مدنی، قوانین ایران را درباره اونیز اجرا کند.

۴- در ماده ۵۶۱ قانون مدنی که می گوید: " جعاله عبارت است از التزام شخصی به اداء اجرت معلوم در مقابل عملی اعم از اینکه طرف، معین باشد یا غیر معین " . دلالت کلمه " جعاله " بر " التزام شخصی به اداء اجرت معلوم در مقابل عمل " مصداق کدام نوع دلالت است؟

۱) التزام (۲) مطابقه (۳) اقتضاء (۴) تضمّن

۵- برابر ماده ۲۶۷ قانون مدنی: ".... کسی که دین دیگری را ادا می کند اگر با اذن باشد، حقّ مراجعه به او دارد و الاّ حقّ رجوع ندارد " و برابر ماده ۳۰۶ همان قانون: " اگر کسی اموال غایب یا محجور و امثال آنها را بدون اجازه مالک یا کسی که حق اجازه دارد، اداره کند ... اگر عدم دخالت یا تأخیر در دخالت موجب ضرر صاحب مال باشد، دخالت کننده مستحق اخذ مخارجی خواهد بود که برای اداره کردن لازم بوده است " در رابطه با این دو حکم، کدام گزینه، نادرست است؟

۱) ماده ۳۰۶ نسخ حکم ماده ۲۶۷ در رابطه با غایب و محجور نمی باشد .

۲) به مصداق " قاعده الجمع مهما امکن اولی من الطرح " می توان بین حکم دو ماده قائل به جمع شد.

۳) حکم خاص ماده ۲۶۷ منافاتی با حکم عام ماده ۳۰۶ قرارگیرد.

۴) ماده ۳۰۶ می تواند مخصص قاعده عام مندرج در ماده ۲۶۷ قرارگیرد.

۶- از ماده ۸۸۹ ق.م که مقرر داشته : " دربین وزات طبقه اولی اگر برای میت اولادی نباشد اولاد اولاد اوهر قدر که پایین بروند قائم مقام پدریا مادر خود بوده و باهریک از ابوین متوفی که زنده باشد ارث می برند ... " می فهمیم که اگر برای میت اولادی باشد ، اولاد اولاد او قائم مقام پدر یا مادر خود نمی شوند . این حکم مصداق کدام گزینه است؟

(۱) دلالت اقتضاء

(۲) مفهوم مخالف شرط

(۳) مفهوم مخالف حصر

(۴) منطوق غیر صریح

۷- در رابطه با ماده ۸۷۴ قانون مدنی که مقرر داشته : " اگر اشخاصی که بین آنها توارث باشد بمیرند و تاریخ فوت یکی از آنها معلوم و دیگری از حیث تقدم و تأخر مجهول باشد فقط آن که تاریخ فوتش مجهول است از آن دیگری ارث می برد " کدام گزینه صادق است؟

(۱) حکم ظاهری واصل احتیاط

(۲) حکم نفس الامری واصل استصحاب

(۳) حکم ظاهری واصل تأخر حادث

(۴) حکم واقعی اولی واصل استصحاب

۸- ماده ۶۲ قانون مدنی که مقرر داشته : " ... اگر موقوف علیهم . غیر محصوریا وقف بر مصالح عامه باشد . متولی وقف والا حاکم ، قبض می کند . " و در آن معلوم نشده منظور از حاکم چه کسی است . مصداق کدام گزینه است؟

(۲) مأول

(۴) مبین

(۱) مجمل

(۳) ظاهر

۹- طبق ماده ۶۹۴ قانون مدنی: "علم ضامن به مقدار و اوصاف و شرایط دینی که ضمانت آن را می نماید. شرط نیست بنابراین اگر کسی ضامن دین شخص بشود بدون اینکه بداند آن دین چه مقدار است، ضمان، صحیح است ... " جواز انعقاد چنین عقدی مستند به کدام گزینه است؟

(۱) اصله الجواز (۲) اصله الصّحه

(۳) اصله السّلامه (۴) اصله الاباحه

۱۰- برابر ماده ۱۱۸۰ ق.م: " طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جدّ پدری خود می باشد و همچنین است طفل غیر رشید یا مجنون در صورتیکه عدم رشد یا جنون او متصل به صغر باشد " قائل شدن به ولایت قهری پدر و جدّ پدری برای سفیه یا مجنونی که به سن بلوغ رسیده به حکم کدام اصل است؟

(۱) احتیاط (۲) تخییر (۳) استصحاب (۴) اشتغال

۱۱- با توجه به ماده ۳۳ قانون مدنی که مقرر داشته است: ((نما و محصولی که از زمین حاصل می شود مال مالک زمین است مگر اینکه نما یا حاصل از اصله یا حبه غیر، حاصل شده باشد...)) کدام گزینه نادرست است؟

(۱) قسمت ذیل ماده، مخصّص متصل حکم عام موجود در صدر ماده است.

(۲) در چنین جملاتی، که خاص مجمل است اجمال به دلیل عام سرایت می کند و فرقی بین مخصّص متصل و منفصل از این حیث وجود ندارد.

(۳) این دلیل عام است و از آنجا که دلیل خاص به آن متصل شده است عام با دلیل خاص تخصیص خورده است.

(۴) لفظ عام در جمله ((مگر اینکه نما یا حاصل از اصله یا حبه غیر، حاصل شده باشد)) ابتدائاً ظهوری در عام پیدا نمی کند.

۱۲- مطابق ماده ۱۱۴ قانون مدنی: ((هیچ یک از شرکاء نمی تواند دیگری را اجبار بر بنا و تعمیر دیوار مشترک نماید مگر اینکه دفع ضرر به نحو دیگری ممکن نباشد)) حکم صدر و ذیل ماده در خصوص عدم جواز و جواز اجبار شریک بر بنا و تعمیر دیوار مشترک به ترتیب مصداق کدام گزینه است؟

- ۱) حکم اولی که مبتنی بر اصل تسلیط است- حکم ثانوی
- ۲) حکم ثانوی- حکم اولی که مبتنی بر اصل تسلیط است.
- ۳) حکم اولی- حکم ثانوی که مبتنی بر اصل تسلیط است.
- ۴) حکم ثانوی که مبتنی بر اصل تسلیط است- حکم اولی

۱۳- مطابق اصول ۱۵۶ و ۳۵ قانون اساسی قوه قضائیه مسوؤل تحقق بخشیدن به عدالت، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع است و اگر متداعین توانایی انتخاب وکیل نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل، فراهم گردد. تعیین وکیل تسخیری در موارد لزوم، مصداق کدام گزینه است؟

- ۱) مقدمه وجوب
- ۲) واجب عینی
- ۳) واجب مطلق
- ۴) مقدمه واجب

۱۴- مطابق ماده ۳۱ قانون مدنی: ((هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی توان بیرون کرد مگر به حکم قانون)) استنباط همین حکم در مورد ((عدم جواز سلب مالکیت بدون حکم قانونی)) مصداق کدام گزینه است؟

- ۱) مفهوم حصر
- ۲) قیاس اولویت
- ۳) مفهوم استثنا
- ۴) مفهوم مخالف

۱۵- با توجه به ماده ۱۰۹ قانون مدنی می‌گردد: ((دیواری که ما بین دو ملک واقع است مشترک مابین صاحب آن دو ملک محسوب می‌شود مگر اینکه قرینه یا دلیلی بر خلاف آن موجود باشد)) کدام گزینه درست است؟

- (۱)مخصص منفصل لئی است. (۲)مخصص متصل معنوی است.
(۳)مخصص منفصل عقلی است. (۴)مخصص متصل لفظی است.

۱۶- برابر ماده ۳۰ قانون مدنی: ((هر مالکی نسبت به ما یملک خود، حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.)) واژه ((قانون)) در این ماده، مصداق کدام گزینه است؟

- (۱)مطلق (۲)مقیّد(به فتح یاء) (۳)عام (۴)مخصص(به فتح صاد)
۱۷- طبق ماده ۴۳۵ قانون مدنی می‌گوید: ((خیار عیب بعد از علم به آن فوری است.)) در مورد این ماده، کدام گزینه صحیح است؟

- (۱)واجب مضیق (۲)واجب مشروط (۳)واجب غیرموقت (۴)واجب موسّع
۱۸- طبق ماده ۱۴۷ قانون مدنی: ((هر کس مال مباحی را با رعایت قوانین مربوط به آن، حیازت کند مالک آن می‌شود.)) از این عبارت فهمیده می‌شود که علت مالک شدن، حیازت، مال مباح است. این امر مصداق کدام گزینه است؟

- (۱)مدلول مطابقی (ب)دلالت تنبیه و ایما
(ج)منطوق صریح (د)مدلول تضمّنی

۱۹- برابر ماده ۶۶ ق.أ.د.م: ((در صورتی که دادخواست ناقص باشد و دادگاه نتواند رسیدگی کند جهات نقص را قید نموده، پرونده را به دفتر اعاده می دهد. موارد نقص طی اخطاریه ابلاغ می شود.)) این عبارت مصداق کدام گزینه هستند؟

۱) امر با ماده و مفید معنای وجوبند.

۲) خبر و معنای امر از آنها فهمیده نمی شود.

۳) جملات انشایی و نصّ در جواز هستند.

۴) خبر در مقام انشاء بوده و دلالت بر وجوب می کنند.

۲۰- با توجه به ۴۹۰ همان قانون، مستأجر باید در صورت عدم تعیین موعد، مال الاجاره را نقداً بپردازد)) کدام گزینه درست است؟

۱) امر وضعاً دلالت بر فور می کند.

۲) امر وضعاً دلالتی بر فور یا تراخی نمی کند مگر با وجود قرینه

۳) امر وضعاً دلالت بر فور می کند مگر قرینه بر خلاف آن باشد.

۴) امر اطلاقاً دلالت بر تراخی می کند.

پاسخنامه اصول فقه - آزمون وکالت سال ۱۳۹۲

۱- گزینه ۱ صحیح است. واجب کفایی، یعنی تکلیفی است بر عهده تمام مکلفین، اما اگر عهده ای کافی آن را انجام دهند از عهده دیگر مکلفین ساقط می گردد، به عبارتی در واجب کفایی تکلیف واحد است ولی مکلفین متعدد که اگر یکی یا تعداد کافی برای انجام آن واجب، آن را امثال نمایند، کفایت می کنند، در خصوص ماده ۱۲۰۰ قانون مدنی که نفقه ابوی را با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اولاد و اولاد قرار می دهد یک نمونه ای از واجب کفایی است و با مختصات فوق نیز انطباق دارد، پس در واجب کفایی هر یک از مکلفین می تواند بدل دیگری قرار گیرد، در این بین شاید تردید بوجود آید که در واجب تعیینی که گاهی اوقات بدل دیگری قرار می گیرد، در این بین شاید تردید بوجود آید که در واجب تعیینی که گاهی اوقات بدل طولی داریم با واجب کفایی اشتباه شود، در این خصوص بایستی بگوئیم که در واجب کفایی همانطوریکه ملاحظه شد، تکلیف واحد و مکلفین متعدد که هر یک از مکلفین می تواند بدل آن دیگری قرار گیرد (بدل عرضی) اما این در حالی است که واجب تعیینی دارای بدل (بدل طولی) مکلف واحد و تکالیف متعدد است، که بین تکالیف سلسله مراتب وجود دارد. مثلاً اگر این تکلیف امکانپذیر نشود، تکلیف دیگر، مثلاً اگر امکان وضو نبود تیمم انجام شود.

۲- گزینه ۱ صحیح است. همانطوریکه پیش از این ملاحظه شد، حکم وضعی بر عکس حکم تکلیفی که مستقیماً به فعل مکلفین تعلق می گیرد، مستقیماً به فعل مکلفین تعلق نگرفته بلکه بیانگر موقعیت و وضعیت افراد و اعمال حقوقی است، اوضاعی مثل زوجیت، وراثت، وکالت، وصایت، قیمومت، ولایت، اهلیت، تابعیت، مالکیت، شرطیت، جزئیت و اوضاع اعمال و وقایع حقوقی، شامل بطلان یا فساد، غیرنافذ (عدم نفوذ)، قابل رد، قابل تنفیذ) صحیح یا نافذ یا قابل فسخ یا قابل اجرا، در طرح سؤال نیز صحت از انجام یا عدم انجام یک فعل بطور مستقیم نیست، بلکه صحت از صحت یا عدم وقفی است که تنفیذ

آن منوط به اجازه دیان است، که موید یک حکم وضعی است، از طرف دیگر واجب تخییری و واجب اصلی از مصادیق واجب و از انواع احکام تکلیفی می باشند.

۳- گزینه ۳ صحیح است. ماده ۵ قانون مدنی یک قاعده عام است که بموجب آن کلیه سکنه ایران اعم از اتباع ایرانی(چه شیعه و چه ایرانی غیرشیعه) و اتباع خارجه مطیع قوانین ایران می باشند، از طرفی در قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه مصوب سال ۱۳۱۲، ایرانیان غیرشیعه ای که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده در احوال شخصیه تابع مقررات مذهب خود می باشند، مخصص ماده ۵ قانون مدنی است، در اینجا در خصوص عبارتی که در مخصص وجود دارد، شبهه و اجمال وجود دارد و آن شبهه مصداقی است، زیرا مفهوم احوال شخصیه را می دانیم ولی از آنجائیکه قانونگذار تمام مصادیق احوال شخصیه را احصاء نموده و موارد مشهور آن را بطور تمثیلی بیان داشته، لہذا در خصوص مسائل فرعی احوال شخصیه مانند دعوی استرداد، جهیزیه، این تردید بوجود می آید که آیا دعوی جهیزیه جزء مصادیق احوال شخصیه است که اتباع ایرانی غیرشیعه تابع آئین و مذهب خود می باشند و یا اینکه داخل در احوال شخصیه نیست که در این حالت این اتباع ایرانی تابع ماده ۵ قانون مدنی(قانون عام) و مطیع ایران(قانون مدنی ایران) خواهند بود. از آنجائیکه شبهه منظور یک شبهه مصداقی است، بایستی بگوئیم که طبق قاعده اجمال در مصداق(شبهه مصداقیه) به عام سرایت می کند اعم از اینکه مخصص متصل باشد یا منفصل، و در حالتی که اجمال مخصص به عام سرایت کند، در خصوص آن مسأله نه می توان به حکم مخصص عمل کرد چون مجمل بوده و نه به حکم تمسک جست چون مجمل شده، بلکه در این حالت باید به موازین دیگر من جمله اصول عملیه رجوع کرد. در خصوص این سؤال شبهه مصداقی وجود دارد، تردید و اجمال داریم که دعوی و اصل عملیه ای که در اینجا کاربرد دارد، اصل تخییر است که بموجب آن مکلف اختیار تکوینی و عقلی دارد که یکی از دو مورد را انتخاب نماید، که قاضی دادگاه در خصوص این اجمال(شبهه مصداقی) هم می تواند به مخصص(قانون احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه) رجوع کرده و بر اساس آئین و مذهب آن مذهب و آئین، حکم

صادر نماید و یا اینکه می تواند به قاعده عام (ماده ۵ قانون مدنی) مراجعه و بر اساس قانون مدنی ایران در خصوص دعوی استرداد جهیزیه تصمیم گیری نماید.

۴- گزینه ۲ صحیح است. دلالت و طابقه یا مطابقه، یعنی دلالت صریح کلام بر تمامیت و کلیت و یا تمام اجزا و قسمتهای مدلول خود، به عبارتی بر برخی یا بخشی از اجزاء و قسمت مدلول لزوماً دلالت نمی کند، بلکه همه را یک جا در بر می گیرد، بنابر این دلالت کلمه جعاله بر التزام شخصی به اداء اجرت معلوم در مقابل عمل می تواند یک دلالت مطابقه باشد، زیرا در اینجا تمام اجرت در مقام انجام تمام عمل است (اکمل عمل).

۵- گزینه ۳ صحیح است. ماده ۲۶۷ قانون مدنی بیانگر قاعده عام است که اگر فردی بدون اذن دیگری دین را پرداخت کند حق رجوع به مدیون اصلی را ندارد، از طرفی در ماده ۳۰۶ همان قانون بیانگر قاعده خاص است، اخذ مخارج نگهداری یا حق سرپرستی از اموال فردی از جمله غایب مفقود الاثر یا محجور که بدون اذن او (مالک) استحقاق دریافت اجرت وجود دارد، آنچه مسلم است حکم ماده ۳۰۶ که خاص است با قاعده عامی مندرج در ماده ۲۶۷ قانون مدنی در ظاهر منافات دارد، پس گزینه ۳ که گفته منافاتی ندارد و غلط است اما گزینه های ۱ و ۲ و ۴ صحیح می باشند، زیرا ماده ۳۰۶ قانون مدنی می تواند مخصوص ماده ۲۶۷ قانون مدنی باشد و چون در اینجا تخصیص اتفاق افتاده نه نسخ لذا می توانیم بگوئیم که قاعده ((الجمع مهما امکن اولی من الطرح)) مرعی است، چون در تخصیص بر خلاف نسخ، بین حکم مخصوص و حکم عام جمع می شود، بدین ترتیب که حکم (قاعده عام) برای همه غیر از آن افراد خاص (مورد تخصیص) قابل اجرا و اعمال است و حکم خاص (مخصص) فقط بر آن افراد خاص اجرا می شود. اما این در حالی است که در نسخ امکان جمع وجود ندارد به همین خاطر جایی که امکان جمع (تخصیص) وجود داشته باشد اولی و برتر از نسخ یا طراح یا کنار گذاشتن است.

۶- گزینه ۲ صحیح است. در خصوص این سؤال مقصود طراح محترم سؤال این است که اولاً، این برداشت که صورت گرفته، چون نوع برداشتی است که می گوئیم مفهوم مخالف، زیرا آنچه برداشت کرده ایم، حکمش با حکم منطوق مغایر است، از طرف دیگر نوع مفهوم

مخالف یا به عبارتی از چگونه جمله ای مفهوم مخالف گرفته ایم؟ در این باره بایستی بگوئیم از جمله ای که بصورت شرط بوده، مفهوم مخالف گرفته ایم؟ در این باره بایستی بگوئیم از جمله ای که بصورت شرط بوده، مفهوم مخالف گرفته ایم، لذا می گوئیم مفهوم مخالف جمله شرط یا مفهوم جمله شرط یا مفهوم شرط یا مفهوم مخالف شرط بنا بر این گزینه ۲ صحیح است، چرا که اولاً گفته این مفهومی که برداشت کردیم یک مفهوم مخالف است و ثانیاً از یک جمله شرطی چنین مفهومی را استنباط کردیم.

۷- گزینه ۳ صحیح است. مطابق اصل تاخر حادث، آنچه تاریخ وقوعش مجهول است موخر فرض می شود، زیرا اصل تأخر حادث یعنی اصل بر موخر بودن حادث(مجهول) است و این اصل عملی زمانی کاربرد دارد که دو واقعه داشته باشیم که تاریخ وقوع یکی معلوم(جاری) و تاریخ وقوع دیگری مجهول(حادث) باشد، که در این حالت با استناد به اصل تأخر حادث می گوئیم اصل بر موخر بودن واقعه مجهول است که از آن دیگری ارث می برد، زیرا مجهول دیرتر و موخر فرض می شود، و از آنجائیکه یکی از شرایط وراثت، زندن بوده ورثه در زمان فوت مورث است، لهدا می گوئیم آنکه تاریخ فوت او مجهول بوده فرض می شود که در زمان فوت دیگری که تاریخش معلوم بوده، نمرده بوده و زنده بود. تأخر حادث از جمله اصول عملیه است، اگر چه یک اصل عدم و اصل استصحاب(استصحاب عدمی) توجیه می شود و از آنجائیکه اصول عملیه رافع شک و تردید نسبت به حکم واقعی از طریق صدور حکم ظاهری هستند لذا می توان گفت حکم اصل تأخر حادث یک حکم ظاهری است.

۸- گزینه ۱ صحیح است. مجمل، کلامی است که دو یا چند احتمال دارد و منظور گوینده یا متکلم را ندانیم، پس مجمل مبتنی بر شک و تردید بوده و حجیت نداشته، پس نیاز به توضیح و بیان(مبیین به کسر یاء) دارد. در خصوص عبارت حاکم در ماده ۶۲ قانون مدنی نیز وضع به همین شکل است، زیرا منظور قانونگذار از واژه حاکم را در این ماده نمی دانیم که آیا مقصودش از لفظ حاکم رئیس دادگستری شهرستان است دادستان است یا رئیس شعبه رسیدگی کننده پس در اینجا چند احتمال مساوی وجود دارد و از طرفی مراد مقنن را

از این لفظ نمی دانیم، که بیانگر اجمال است و نیازمند به توضیح و بیان از سوی قانونگذار در قالب قانون تفسیری و هیات عمومی دیوانعالی کشور در قالب صدور رأی وحدت رویه قضایی.

۹- گزینه ۲ صحیح است. اصل صحت که از حیث شرایط و اجزاء صحت معامله یک اماره محسوب می شود، بر این مبنا استوار است که اگر در شرایط اجزاء صحت معامله ای تردید نمائیم اصل را بر آن قرار می دهیم مانند ۲۲۳ قانون مدنی که مقرر می دارد، اصل بر صحت معاملات است مگر فسادش معلوم شود. از طرف دیگر سه اصل دیگر که در گزینه های ۱ و ۳ آمده است مربوط به عمل و رفتار یک فرد است که بیشتر در امور عبادی کاربرد دارد نه در معاملات با اعمال حقوقی، اگر چه مفاد این سه اصل نیز بر سلامت و صحت و مجاز بودن دلالت می کند.

۱۰- گزینه ۳ صحیح است. اصل عملی استصحاب، یعنی ابقاء ماکان یا باقی ماندن آنچه در گذشته در بودن آن یقین داریم، به عبارتی در استصحاب حکم به تداوم حالت سابق یقینی می کنیم، اینکه ولایت قهری پدر و جد پدری را برای سفیه یا مجنونی که به سن بلوغ رسیده است تداوم می بخشیم، موید ابقاء حالت سابق است که بیانگر اصل استصحاب می باشد.

۱۱- گزینه ۲ صحیح است. اولاً عبارتی که در قسمت اخیر ماده ۳۳ قانون مدنی بصورت همزمان و پیوسته و متصل آمده، قاعده عام را در صدر ماده آمده است را تخصیص می زند که یک مخصص متصل است از طرفی همانطوریکه می دانیم در تخصیص بر خلاف نسخ، از همان ابتدا و در بدو امر عده ای از دایره عام خارج می شوند مخصوصاً که اگر مخصص بصورت همزمان با عام باشد (مخصص متصل)، یعنی لهذا گزینه های ۱ و ۳ و ۴ می توانند صحیح باشد، چون طراح محترم گفته که اگر خاص (مخصص) اجمال داشته باشد، در سرایت اجمال مخصص به عام فرق بین مخصص متصل و مخصص منفصل در این زمینه نمی باشد، که عبارت درستی نیست، زیرا اجمال مخصص متصل همواره به عام سرایت می کند خواه اجمال در مفهوم باشد یا در مصداق اما در خصوص اجمال مخصص

منفصل مفهومی با تردید بین اقل و اکثر است، لذا در خصوص سرایت اجمال مخصص به عام بین مخصص متصل و مخصص منفصل تفاوت وجود دارد.

۱۲- گزینه ۱ صحیح است. همانطوریکه پیشتر گفته شد، حکم اولی یا واقعی اولی که یک حکم غیراستثنایی و مبتنی بر قاعده عام و کلی است، یعنی صدور حکم توسط شارع یا قانونگذار برای مسأله ای در حالت عادی یا قطع نظر از وضعیت خاص یا غیرعادی یا اضطراری، از طرفی دیگر، حکم ثانوی یا اضطراری یا واقعی ثانوی که یک حکم استثنایی بر حکم واقعی اولی است، صدور حکم توسط شارع یا قانونگذار برای مسأله ای در غیرعادی یا اضطراری است، که حکم آن استثنایی بر حکم واقعی اولی است، که در این بین و تعارضی که وجود دارد، تقدم و اولویت با حکم واقعی ثانوی است البته تا زمانی که شرایط اضطرار مستقر است، مانند قاعده تسلیط که یک حکم اولی است زیرا در حالت عادی هرکس مسلط بر اموال و مایملک خویش است و حق هرگونه تصرف و انتفاعی را از آن دارد و قاعده لاضرر یک حکم ثانوی و استثنایی بر قاعده تسلیط است که در این تعارض اولویت و تقدم با قاعده لاضرر است (غیرخواهی مقدم بر خودخواهی است). مسأله مطروحه در طرح سؤال که هیچ شریکی را نمی توان مجبور به تعمیر بناء مشترک نمود صدور حکم در حالت عادی و مبتنی بر قاعده تسلیط است (حکم واقعی اولی) و اینکه برای جلوگیری و ممانعت از ضرر محتمل می توان او را مجبور به تعمیر دیوار مشترک نمود، صدور حکم در حالت اضطراری و غیرعادی است و مبتنی بر قاعده لاضرر که بیانگر حکم واقعی ثانوی یا اضطراری است.

۱۳- گزینه ۱ صحیح است. مقدمه وجوب، یعنی الزام وجوب امری وابسته به امری دیگر می باشد، به عبارتی مقدمه وجود یا مقدمه وجوبی یعنی مقدمه ای یا شرطی که در الزام نسبت به ذی المقدمه تأثیر داشته باشد، در خصوص این سؤال بایستی بگوئیم که چه زمانی بر قوه قضائیه در راستای تحقق بخشیدن به عدالت و احیاء حقوق عامه، گرفتن وکیل تسخیری برای طرف یا طرفین دعوی الزامی است، زمانیکه طرف یا اصحاب دعوی توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشد، پس عدم توانایی در استخدام و انتخاب یا تعیین

وکیل مقدمه یا شرطی است که دادگاه را ملزم و مکلف به تعیین وکیل تسخیری می نماید که بیانگر مقدمه وجوب است. اما این در حالی است که مقدمه واجب، یعنی مقدمه ای که در انجام یا تحقق ذی المقدمه تأثیر دارد. شاید در خصوص این سؤال این شائبه بوجود آید که آنچه دادگاه را ملزم به تعیین وکیل تسخیری می کند رسالت احقاق حق قوه قضائیه است اما با کمی دقت و تأمل در عبارت بکار رفته در طرح سؤال متوجه می شویم که مقدمه و دلیل الزام دادگاه در این کار عدم توانایی در تعیین وکیل تعیینی است، البته شایان توجه است که گویی اینکه در پاسخنامه اعلامی گزینه ۴ یعنی مقدمه واجب گزینه صحیح اعلام شده که با توجه به مراتب فوق نمی تواند صحیح باشد.

۱۴- گزینه ۳ صحیح است. اینکه هیچ مالی را نمی توان بدون حکم قانونی از مالکیت فردی خارج کرد یا عدم جواز سلب مالکیت بدون حکم قانونی از قسمت اخیر ماده ۳۱ قانون مدنی یعنی عبارت ((مگر به حکم قانون)) که یک جمله یا منطوق استثناء است برداشت شده، زیرا در ماده ۳۱ آمده است که هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی توان بیروم کرد مگر به حکم قانون، که منطوق جمله استثناء (مگر به حکم قانون) این است که به حکم قانون می توان سلب مالکیت نمود که جمله ایکه برداشت شد یعنی (عدم جواز سلب مالکیت بدون حکم قانون) مفهومی است که از جمله استثناء برداشت شده است یا به عبارتی مفهوم مخالف جمله استثناء است. بنابر این گزینه ۳ که می گوید مفهوم استثناء صحیح است، اگر چه این مفهوم یک مفهوم مخالف است و گزینه ۴ هم می تواند صحیح باشد، اما در اینجا گزینه ای که خاص (اخص) است را انتخاب می کنیم که همانا گزینه ۳ است، اگر چه شایسته بوده که چپش گزینه ها به گونه ای می بود که مفهوم مخالف را نیز در بر می گرفت و یا طراح می گفت مفهوم مخالف استثناء که آن وقت کوچکترین شبهه ای باقی نمی ماند.

۱۵- گزینه ۴ صحیح است. مخصص متصل، عبارت یا لفظی خاص است که بر لفظ عام وارد شده و عده ای را از شمول عام خارج می کند، این عبارت متصل، همزمان و چسبیده به عام است که می تواند بصورت جمله استثناء، شرط، غایت، وصف و بدل بعض از کل

بیاید، پس مخصص متصل همواره لفظی است، در قسمت اخیر ماده ۱۰۹ بلافاصله عبارت خاصی آمده (مخصص متصل) که منطوق عام (قسمت صدر) ماده را تخصیص زد، شایان ذکر است که مخصص منفصل یعنی عبارت خاصی که بر عام وارد می شود و عده ای را از دایره عام خارج می کند جدا و منفصل از عام است که این انفصال می تواند لفظی باشد در بیشتر موارد (مخصص منفصل لفظی) و یا در موارد نادر ممکن است عقلی یا لبی باشد (مخصص منفصل عقلی یا لبی)

۱۶- گزینه ۱ صحیح است. عام عبارتی است که بر تمام افراد و مصادیق خود دلالت می کند، از طرفی مطلق نیز عبارتی است که بر تمام افراد و مصادیق جنس خود دلالت می کند، با این تفاوت که دلالت عام بر عموم یا همه افراد مصادیق وضعی و یا به عبارتی بنابر تصریح واضح می باشد، یعنی واضح تصریح به همه افرادی نماید که از طریق الفاظ عموم یا علائم جمع این کار انجام می دهد که در این حالت دلالت عام بر همه افراد قطعی و یقینی است، اما دلالت مطلق بر اطلاق یا همه افراد و مصادیق عقلی و یا به عبارتی بنابر قرائن و اوضاع و احوال یا مقدمات حکمت است، یعنی ما از طریق وضع تصریح واضح به همه افراد نمی توانیم پی به افراد ببریم بلکه آن لفظ هیچ نشانه ای از عام اعم از الفاظ عموم و علائم جمع را ندارد، لهذا از مقدمات حکمت می فهمیم که آن لفظ بر تمام افراد و مصادیق جنس خود دلالت می کند، مانند لفظ قانون مطروحه در طرح سؤال از واژه قانون استفاده نموده که دلالت بر تمام مصادیق جنس قانون می کند که ما از قرائن می فهمیم که شامل تمام قوانین است، پس لفظ قانون در این ماده یک عبارت مطلق است.

۱۷- گزینه ۳ صحیح است. واجب غیرموقت، تکلیفی است که وقت و زمان ندارد، یعنی دارای ظرف زمانی نیست، اعم از اینکه فوری باشد (مانند مسأله مطروحه در طرح سؤال) چون یک امر فوری مقید به زمان خاص نیست ولی باید فوراً انجام شود، اینکه فوریت مسأله تا چه زمانی مهیا است تشخیص آن با عرف است، از طرف دیگر واجب موقت تکلیفی است که دارای وقت و زمان است اعم از اینکه وقت آن محدود و مضیق

باشد(واجب مضیق) یا اینکه وقت آن نسبت به زمان مورد نیاز برای انجام آن وسیعتر یا بیشتر باشد(واجب موسع).

۱۸- گزینه ۲ صحیح است. در دلالت تنبیه و ایماء که از مصادیق منطوق غیر صریح است، متکلم از ذکر صریح علت خودداری می کند ولی قید و قرینه ای در کلام وجود دارد که به نظر می تواند مقصود متکلم یعنی همانا علت حکم باشد، مثلاً قانونگذار در ماده ۱۴۷ قانون مدنی صریحاً حیازت را علت تملک ندانسته، زیرا نگفته به سبب یا بدلیل یا بواسطه یا بموجب یا به علت حیازت ولی از سیاق و اقتضاء یا لوازم کلام در ماده منظور در می یابیم که علت مالک شدن حیازت مباحات است که مبین دلالت تنبیه و ایماء است.

۱۹- گزینه ۴ صحیح است. امر از لحاظ هیات و صورت به دو شکل است، یکی امر انشایی، یعنی عبارت امری که همراه با فعل امر باشد، که در این حالت می گوئیم امر انشایی، که البته امر بافعل امر نداریم، یعنی امر انشایی نداریم، دیگر امر اخباری(خبری) است، یعنی متکلم یک عبارت و جمله خبری را بیان می کند اما در مقام بیان و انشاء امر یا الزام و وجوب است اعم از اینکه از قیود الزام استفاده کند(مانند باید، مکلف است، موظف است) و یا حتی بدون استفاده از قید الزام و ظاهراً در صدد نقل یک خبر باشد اما با کمی دقت و تأمل در منطوق کلام پی می بریم که متکلم در صدد بیان الزام و وجوب است، در این حالت می گوئیم جمله خبری که در بیان و انشاء امر بوده و مفید معنای وجوب و الزام را می نماید، مانند مسأله مطروحه در طرح سؤال، چرا که وقتی قانونگذار می گوید، موارد نقص طی خطاریه به خواهان ابلاغ می شود، منظور این است که باید این موارد طی خطاریه به خواهان ابلاغ بشود. که جمله خبری در مقام انشاء امر یا الزام و وجوب است. ضمناً امر با ماده یعنی امر همراه با (ا م ر) که در متون قانونی به چشم نمی خورد.

۲۰- گزینه ۲ صحیح است. همانطوریکه می دانیم، امر وضعاً یا صریحاً دلالت بر فور(فوریت) و تراخی(تأخیر) نمی کند، یعنی امر مشخصاً و به تنهایی دلالت وضعی بر فوری بودن یا تأخیری بودن نمی کند، بلکه اصولاً امر وضعاً دلالتی بر فور یا تراخی نمی

کند مگر اینکه قرینه ای وجود داشته باشد، پس بنا بر این می توان گفت، امر به تنهایی و مشخصاً نه بر فور دلالت می کند و نه بر تراخی و از طرفی مجتمعاً نیز بر هر دو دلالت نمی کند، بلکه بنا بر تصریح واضح (وضعیاً) یا قرائن و اوضاع و احوال، گاهی امر بر فوریت و زمانی بر تأخیر دلالت دارد، گر چه در صورت تردید بنا بر قاعده اصل عدم زائد تکلیف (اصل عدم زیاده) اصل بر تأخیری یا تراخی بودن امر می دهیم.